

گامی به سوی معیارسازی زبان در کوردی جنوبی

(صرف فعل)

آنیسا جعفری مهر

گامی به سوی معیارسازی زبان در کوردی جنوبی

(صرف فعل)

آنيسا جعفری‌مهر

چاپ اول ۲۰۲۲ سوئد

طرح جلد: چیا سرسپی

صفحه‌آرا: اسرا کریمیان

چاپ و نشر "کتاب ارزان"

ISBN978-91-89411-88-3

A step towards language standardization in Southern
Kurdish (inflection)

by

Anise Jafarimehr

First edition 2022

Published by Kitab I Arzan

Helsingforsgatan 15

164 78 Kista-Sweden

+46 70 492 69 24

www.arzan.se

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل ۱	۵
۱-۱- زبان، گویش، لهجه و گونه	۵
۲-۱- گفتار و نوشتار	۸
۳-۱- زبان کوردی و شاخه‌های آن	۹
۴-۱- فعل	۱۰
۵-۱- برنامه‌ریزی زبان	۱۰
۶-۱- انواع برنامه‌ریزی زبان	۱۴
۷-۱- هویت و برنامه‌ریزی زبان	۱۶
۸-۱- نگرش در برنامه‌ریزی زبان	۱۸
۹-۱- معیار سازی در برنامه‌ریزی زبان	۱۹
۱۰-۱- مراحل برنامه‌ریزی زبان	۲۲
فصل ۲	۲۴
۱-۲- معیارسازی گونه نوشتاری صرف فعل در کوردی جنوبی، بر اساس جمعیت گویشوران هریک از تنوعات	۲۴
۲-۲- معیارسازی گونه نوشتاری صرف فعل در کوردی جنوبی بر اساس رسانه‌های نوشتاری موجود	۲۶
۳-۲- انتخاب گونه معیار از طریق بررسی واجی و پیدا کردن زیرساخت	۲۹
۱-۳-۱- صرف مصدر «کردن» در کوردی جنوبی	۳۲
الف- صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته ساده»	۳۳
ب- صرف مصدر «کردن» در زمان «حال کامل»	۳۵
ج- صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته استمراری»	۳۷
د- صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته کامل»	۳۹

- ه- صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته التزامی»..... ٤٢
- و- صرف مصدر «کردن» در زمان «حال اخباری»..... ٤٤
- ز- صرف مصدر «کردن» در زمان «حال التزامی»..... ٤٧
- ٢-٣-٢- صرف مصدر «دادن» در کوردی جنوبی..... ٤٨
- الف- صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته ساده»..... ٤٩
- ب- صرف مصدر «دادن» در زمان «حال کامل»..... ٥١
- ج- صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته استمراری»..... ٥٢
- د- صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته کامل»..... ٥٤
- ه- صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته التزامی»..... ٥٦
- و- صرف مصدر «دادن» در زمان «حال اخباری»..... ٥٨
- ز- صرف مصدر «دادن» در زمان «حال التزامی»..... ٦٠
- ٣-٣-٢- صرف مصدر «دیدن» در کوردی جنوبی..... ٦١
- الف- صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته ساده»..... ٦١
- ب- صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال کامل»..... ٦٢
- ج- صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته استمراری»..... ٦٤
- د- صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته کامل»..... ٦٥
- ه- صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته التزامی»..... ٦٧
- و- صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال اخباری»..... ٦٩
- ز- صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال التزامی»..... ٧١
- ٢-٣-٤- صرف مصدر «آمدن» در کوردی جنوبی..... ٧٢
- الف- صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته ساده»..... ٧٣
- ب- صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال کامل»..... ٧٤
- ج- صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته استمراری»..... ٧٦
- د- صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته کامل»..... ٧٧
- ه- صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته التزامی»..... ٧٩

- و- صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال اخباری» ۸۰
- ز- صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال التزامی» ۸۲
- ۵-۳-۲ صرف فعل «آوردن» در کوردی جنوبی ۸۴
- الف- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته ساده» ۸۴
- ب- صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال کامل» ۸۵
- ج- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته استمراری» ۸۷
- د- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته کامل» ۸۹
- ه- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته التزامی» ۹۰
- و- صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال اخباری» ۹۱
- ز- صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال التزامی» ۹۳
- ۶-۳-۲ صرف مصدر «شنیدن» در کوردی جنوبی ۹۵
- الف- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته ساده» ۹۵
- ب- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «حال کامل» ۹۸
- ج- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته استمراری» ۱۰۰
- د- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته کامل» ۱۰۲
- ه- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته التزامی» ۱۰۴
- و- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «حال اخباری» ۱۰۶
- ز- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «حال التزامی» ۱۰۸
- ۷-۳-۲ صرف مصدر «توانستن» در کوردی جنوبی ۱۰۹
- الف- صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته ساده» ۱۱۰
- ب- صرف مصدر «توانستن» در زمان «حال کامل» ۱۱۱
- ج- صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته استمراری» ۱۱۳
- د- صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته کامل» ۱۱۵
- ه- صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته التزامی» ۱۱۶
- و- صرف مصدر «توانستن» در زمان «حال اخباری» ۱۱۸

ز- صرف مصدر «توانستن» در زمان «حال التزامی»	۱۱۹
۲-۳-۸- صرف مصدر «خواستن» در کوردی جنوبی	۱۲۱
الف- صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته ساده»	۱۲۱
ب- صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال کامل»	۱۲۳
ج- صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته استمراری»	۱۲۴
د- صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته کامل»	۱۲۶
ه- صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته التزامی»	۱۲۸
و- صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال اخباری»	۱۲۹
ز- صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال التزامی»	۱۳۱
۲-۳-۹- صرف مصدر «گفتن» در کوردی جنوبی	۱۳۳
الف- صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته ساده»	۱۳۳
ب- صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال کامل»	۱۳۵
ج- صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته استمراری»	۱۳۶
د- صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته کامل»	۱۳۸
ه- صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته التزامی»	۱۳۹
و- صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال اخباری»	۱۴۰
ز- صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال التزامی»	۱۴۲
فصل ۳	۱۴۵
۳-۱- صرف افعال در زمان «گذشته ساده»	۱۴۸
۳-۲- صرف افعال در زمان «حال کامل»	۱۵۰
۳-۳- صرف افعال در زمان «گذشته استمراری»	۱۵۱
۳-۴- صرف افعال در زمان «گذشته کامل»	۱۵۴
۳-۵- صرف افعال در زمان «گذشته التزامی»	۱۵۵
۳-۶- صرف افعال در زمان «حال اخباری»	۱۵۷
۳-۷- صرف افعال در زمان «حال التزامی»	۱۵۹
منابع	۱۶۳

فهرست جدول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲: صرف مصدر /kɛrdən/ در زمان گذشته ساده	۳۳
جدول ۲-۲: صرف مصدر /kɛrdən/ در زمان حال کامل	۳۵
جدول ۳-۲: صرف مصدر /kɛrdən/ در زمان گذشته استمراری	۳۷
جدول ۴-۲: صرف مصدر /kɛrdən/ در زمان «گذشته کامل»	۳۹
جدول ۵-۲: صرف مصدر /kɛrdən/ در زمان «گذشته التزامی»	۴۲
جدول ۶-۲: صرف مصدر /kɛrdən/ در زمان «حال اخباری»	۴۴
جدول ۷-۲: صرف مصدر /kɛrdən/ در زمان «حال التزامی»	۴۷
جدول ۸-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «گذشته ساده»	۴۹
جدول ۹-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «حال کامل»	۵۱
جدول ۱۰-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «گذشته استمراری»	۵۲
جدول ۱۱-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «گذشته کامل»	۵۴
جدول ۱۲-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «گذشته التزامی»	۵۶
جدول ۱۳-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «حال اخباری»	۵۸
جدول ۱۴-۲: صرف مخدر /dan/ در زمان «حال التزامی»	۶۰
جدول ۱۵-۲: صرف مصدر /dɪjən/ در زمان «گذشته ساده»	۶۱
جدول ۱۶-۲: صرف مصدر /dɪjən/ در زمان «حال کامل»	۶۳
جدول ۱۷-۲: صرف مصدر /dɪjən/ در زمان «گذشته استمراری»	۶۴
جدول ۱۸-۲: صرف مصدر /dɪjən/ در زمان «گذشته کامل»	۶۵
جدول ۱۹-۴: صرف مصدر /dɪjən/ در زمان «گذشته التزامی»	۶۷
جدول ۲۰-۲: صرف مصدر /dɪjən/ در زمان «حال اخباری»	۶۹
جدول ۲۱-۲: صرف مصدر /dɪjən/ در زمان «حال التزامی»	۷۱
جدول ۲۲-۲: صرف مصدر /hatən/ در زمان «گذشته ساده»	۷۳

جدول ۲-۲۳:	صرف مصدر /hatən/ در زمان «حال کامل»	۷۵
جدول ۲-۲۴:	صرف مصدر /hatən/ در زمان «گذشته استمراری»	۷۶
جدول ۲-۲۵:	صرف مصدر /hatən/ در زمان «گذشته کامل»	۷۷
جدول ۲-۲۶:	صرف مصدر /hatən/ در زمان «گذشته التزامی»	۷۹
جدول ۲-۲۷:	صرف مصدر /hatən/ در زمان «حال اخباری»	۸۰
جدول ۲-۲۸:	صرف مصدر /hatən/ در زمان «حال التزامی»	۸۳
جدول ۲-۲۹:	صرف مصدر /hɑwɛrdən/ در زمان «گذشته ساده»	۸۴
جدول ۲-۳۰:	صرف مصدر /hɑwɛrdən/ در زمان «حال کامل»	۸۶
جدول ۲-۳۱:	صرف مصدر /hɑwɛrdən/ در زمان «گذشته استمراری»	۸۷
جدول ۲-۳۲:	صرف مصدر /hɑwɛrdən/ در زمان «گذشته کامل»	۸۹
جدول ۲-۳۳:	صرف مصدر /hɑwɛrdən/ در زمان «گذشته التزامی»	۹۰
جدول ۲-۳۴:	صرف مصدر /hɑwɛrdən/ در زمان «حال اخباری»	۹۲
جدول ۲-۳۵:	صرف مصدر /hɑwɛrdən/ در زمان «حال التزامی»	۹۴
جدول ۲-۳۶:	صرف مصدر /ʒenæftən/ در زمان «گذشته ساده»	۹۶
جدول ۲-۳۷:	صرف مصدر /ʒenæftən/ در زمان «حال کامل»	۹۹
جدول ۲-۳۸:	صرف مصدر /ʒenæftən/ در زمان «گذشته استمراری»	۱۰۱
جدول ۲-۳۹:	صرف مصدر /ʒenæftən/ در زمان «گذشته کامل»	۱۰۳
جدول ۲-۴۰:	صرف مصدر /ʒenæftən/ در زمان «گذشته التزامی»	۱۰۵
جدول ۲-۴۱:	صرف مصدر /ʒenæftən/ در زمان «حال اخباری»	۱۰۶
جدول ۲-۴۲:	صرف مصدر /ʒenæftən/ در زمان «حال التزامی»	۱۰۸
جدول ۲-۴۳:	صرف مصدر /twanɛstən/ در زمان «گذشته ساده»	۱۱۰
جدول ۲-۴۴:	صرف مصدر /twanɛstən/ در زمان «حال کامل»	۱۱۲
جدول ۲-۴۵:	صرف مصدر /twanɛstən/ در زمان «گذشته استمراری»	۱۱۳
جدول ۲-۴۶:	صرف مصدر /twanɛstən/ در زمان «گذشته کامل»	۱۱۵

- جدول ۲-۴۷: صرف مصدر /twanEstən/ در زمان «گذشته التزامی» ۱۱۶
- جدول ۲-۴۸: صرف مصدر /twanEstən/ در زمان «حال اخباری» ۱۱۸
- جدول ۲-۴۹: صرف مصدر /twanEstən/ در زمان «حال التزامی» ۱۲۰
- جدول ۲-۵۰: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «گذشته ساده» ۱۲۲
- جدول ۲-۵۱: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «حال کامل» ۱۲۳
- جدول ۲-۵۲: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «گذشته استمراری» ۱۲۵
- جدول ۲-۵۳: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «گذشته کامل» ۱۲۷
- جدول ۲-۵۴: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «گذشته التزامی» ۱۲۸
- جدول ۲-۵۵: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «حال اخباری» ۱۳۰
- جدول ۲-۵۶: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «حال التزامی» ۱۳۲
- جدول ۲-۵۷: صرف مصدر /wEstən/ در زمان «گذشته ساده» ۱۳۳
- جدول ۲-۵۸: صرف مصدر /wEstən/ در زمان «حال کامل» ۱۳۵
- جدول ۲-۵۹: صرف مصدر /wEstən/ در زمان «گذشته استمراری» ۱۳۷
- جدول ۲-۶۰: صرف مصدر /wEstən/ در زمان «گذشته کامل» ۱۳۸
- جدول ۲-۶۱: صرف مصدر /wEstən/ در زمان «گذشته التزامی» ۱۳۹
- جدول ۲-۶۲: صرف مصدر /wEstən/ در زمان «حال اخباری» ۱۴۱
- جدول ۲-۶۳: صرف مصدر /wEstən/ در زمان «حال التزامی» ۱۴۳
- جدول ۳-۱: پیشنهادی صرف افعال در زمان «گذشته ساده» ۱۴۹
- جدول ۳-۲: جدول پیشنهادی صرف افعال در زمان «حال کامل» ۱۵۰
- جدول ۳-۳: جدول پیشنهادی شماره ۱ صرف افعال در زمان «گذشته استمراری» ۱۵۲
- جدول ۳-۴: جدول پیشنهادی شماره ۲ صرف افعال در زمان «گذشته استمراری» ۱۵۳
- جدول ۳-۵: جدول پیشنهادی صرف افعال در زمان «گذشته کامل» ۱۵۴
- جدول ۳-۶: جدول پیشنهادی صرف افعال در زمان «گذشته التزامی» ۱۵۶
- جدول ۳-۷: جدول پیشنهادی شماره ۱ صرف افعال در زمان «حال اخباری» ... ۱۵۷

جدول ۸-۳: جدول پیشنهادی شماره ۲ صرف افعال در زمان «حال اخباری» ... ۱۵۸

جدول ۹-۳: جدول پیشنهادی شماره ۱ صرف افعال در زمان «حال التزامی» ... ۱۶۰

جدول ۱۰-۳: جدول پیشنهادی شماره ۲ صرف افعال در زمان «حال التزامی» .. ۱۶۱

مقدمه

برنامه‌ریزی زبان، یکی از شاخه‌های مهم جامعه‌شناسی زبان است که گویشوران یک زبان را به تغییر رفتار زبانی در ساخت و کاربرد زبان ترغیب می‌کند. برنامه‌ریزی زبان جدای از اهداف سیاسی نیست و در پس برنامه‌ریزی‌های زبانی، می‌توان به اهداف سیاسی متولیان برنامه‌ریزی زبان پی برد. شایان ذکر است که برنامه‌ریزی زبان، فعالیتی گروهی است که باید توسط دولت انجام گیرد تا در جامعه تاثیرگذار باشد، اما از آن جهت که در ایران جز زبان فارسی، برای دیگر گونه‌های زبانی، امکان برنامه‌ریزی زبان از جمله حمایت دولت و فرهنگستان فراهم نیست، از این‌رو، در کتاب پیش رو به صورت فردی برای قسمتی از دستور زبان کوردی جنوبی، که همانا تصریف فعل است، در راستای مراحل برنامه‌ریزی زبان، روش‌های ممکن بررسی شده است.

زبان گفتار با زبان نوشتار متفاوت است. به عبارتی، زبان نوشتار هنجارهای خاص خود را دارد و در اینجا صرف فعل در زبان نوشتاری کوردی جنوبی بررسی شده است. در گونه زبانی کوردی جنوبی که جامعه زبانی آن شامل بخشی از گویشوران شهر اسدآباد در استان همدان، بخشی از گویشوران شهرهای قروه و بیجار در استان کردستان، گویشوران کوردی جنوبی در استان کرمانشاه و استان ایلام و شهرهای خانقین و مندلی در کردستان عراق است، تنوعات زبانی بسیار محدودی در واژگان و ارکان دستوری و تلفظی به چشم می‌خورد، اما در صرف فعل شاهد تنوعات بیشتری

هستیم و با وجود نزدیکی بسیار ویژگی‌های زبانی، شاهد نام‌گذاری‌های متعددی برای این گونه زبانی هستیم و تعدادی از گویشوران این گونه زبانی، خود را متعلق به یک گونه زبانی واحد ندانسته و گونه زبانی خود را با نام‌گذاری ایلی و عشیره‌ای از یکدیگر تفکیک می‌کنند. برای حل این مشکل و دستیابی به فرمی مشخص برای آموزش در این گونه زبانی، رسانه‌های نوشتاری گویشوران مناطق مذکور بررسی شده، تنوعات صرف فعل در این جامعه زبانی استخراج شده و برای تکمیل داده‌های مورد نیاز، به صورت میدانی از گویشوران مناطق مذکور مصاحبه به عمل آمده و در نهایت الگویی برای آموزش و شیوه نوشتاری صرف فعل پیشنهاد شده است.

اگر به یک الگوی معین در صرف فعل در گونه زبانی مذکور دست یابیم، در صورت امکان آموزش به زبان کوردی، به عنوان زبان هویتی و مادری گویشوران مناطق مذکور، الگوی مشخصی جهت آموزش صرف فعل خواهیم داشت و دچار سردرگمی نخواهیم شد و بر همین مبنا، کتاب‌های آموزشی دیگر نیز تدوین خواهند شد.

با برنامه‌ریزی و معیارسازی هر گونه زبانی، می‌توان در حفظ آن زبان کوشید و همانا حفظ یک زبان، حفظ فرهنگ، ادبیات، آداب و رسوم و تمامی جنبه‌های زندگی گویشوران آن زبان است.

داده‌های موجود در این کتاب به صورت کتابخانه‌ای از رسانه‌های نوشتاری کوردی جنوبی و همچنین به صورت مصاحبه‌ای از گویشوران بومی این گونه زبانی گردآوری شده‌اند. جغرافیایی که در این پژوهش در نظر گرفته شده است، شهر اسدآباد در استان همدان، شهرهای قروه و بیجار در استان کردستان، استان کرمانشاه، استان ایلام و شهرهای خانقین و مندلی در کردستان عراق را شامل می‌شود. پس از استخراج تمامی افعال از رسانه‌های نوشتاری و دسته‌بندی آن‌ها، پربسامدترین افعال انتخاب شده‌اند. مصدرهای کردن، دادن، دیدن، آمدن، آوردن، شنیدن، توانستن، خواستن و گفتن در زمان‌های گذشته ساده، حال کامل، گذشته استمراری، گذشته کامل، گذشته التزامی، حال اخباری و حال التزامی و در اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد، اول شخص جمع، دوم شخص جمع و سوم شخص

جمع صرف شده‌اند. صرف این افعال از میان نوشته‌های کتاب‌ها و نشریه‌ها استخراج شده و برای تکمیل کردن جدول صرف، از گویشوران بومی مصاحبه شده است. لیست رسانه‌های نوشتاری شامل کتاب‌ها و نشریه‌هایی که به زبان کوردی نوشته شده‌اند و داده‌های این پژوهش از آن‌ها استخراج شده، در منابع تحت عنوان منابع کوردی ذکر شده است. در رابطه با حوزه‌هایی از گونه کوردی جنوبی که تولیدات نوشتاری نداشته و یا تولیدات نوشتاری آن‌ها اندک بوده‌است، همگی و یا بیشتر داده‌ها به روش مصاحبه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌است و در نهایت صحت تمامی داده‌های موجود در این پژوهش به تفکیک حوزه‌های دسته‌بندی شده، توسط گویشورانی از همان مناطق که در حوزه زبان و ادبیات فعالیت دارند، تأیید شده‌است. پس از گردآوری داده‌ها، به نسبت تشابه و تفاوت‌ها، افعال به هشت دسته تقسیم شده‌اند. بخشی از شهر اسدآباد همدان، اسلام آبادغرب، آسمان آباد، ایوان‌غرب، چرداول، حمیل، خانقین، زرنه، سرابله، بخشی از سرپل‌ذهاب، سرمست، سوما، شباب، قصرشیرین، بخشی از کامیاران، کرماشان، کنگاور، گیلان‌غرب، مندلی، نفت شهر و هلسی در حوزه یک قرار گرفته‌اند. تازه‌آباد، بخشی از ثلاث باباجانی، بخشی از سرپل‌ذهاب، بخشی از کوزران و گهواره در حوزه دو، ارکوازی، ایلام، چوار، دلگشا، صالح‌آباد، ملکشاهی و مهران در حوزه سه، بیجار و بخشی از قروه در حوزه چهار، آبدانان، دهلران، سراب داغ، مورموری و موسیان حوزه پنج، بخشی از اسدآباد، سنقر، صحنه، و بخشی از کامیاران در حوزه شش، بدره ایلام در حوزه هفت و خزل، بخشی از کوزران و بخشی از گهواره در حوزه هشت قرار دارند.

تحلیل داده‌ها از طریق رویکرد زایشی برای دستیابی به گونه زیرساختی انجام شده و سپس با درنظر گرفتن گونه زیرساختی، کلیت زبان کوردی و گویش‌های سورانی و کرمانجی، تجربه شیوه نوشتار در کوردی جنوبی و بسامد وقوع، شیوه صرف فعل در آموزش کوردی جنوبی پیشنهاد شده است.

لازم به ذکر است که این پژوهش تنها در رابطه با تعدادی از افعال پر بسامد و به صورت فردی انجام شده و می‌تواند در صورت پذیرش توسط نویسندگان و گویشوران،

همچون الگویی در نظر گرفته شده و برای تکمیل داده‌ها و تنوعاتی که احتمالا از قلم افتاده‌اند، پژوهش‌های بیشتری انجام شود و در صورت پذیرفته نشدن الگوی پیشنهادی در آموزش و نوشتار صرف فعل نیز، معایب این برنامه‌ریزی بررسی شده و الگوهای دیگری پیشنهاد شود.

فصل ۱

در این فصل ابتدا به ارائه تعاریفی از زبان، گویش، لهجه و گونه، زبان کوردی و شاخه‌های آن، تفاوت در گفتار و نوشتار و سپس به بیان نظرات زبان‌شناسان در حوزه برنامه‌ریزی زبان پرداخته شده است.

۱-۱- زبان، گویش، لهجه و گونه

در مباحث زبان‌شناسی با اصطلاحات پرکاربرد زبان، گویش، لهجه و گونه مواجه می‌شویم که تعریف آن‌ها از یک کار پژوهشی تا کار پژوهشی دیگر متفاوت است. در ادامه تعریف این اصطلاحات، از نظر چندین پژوهشگر و در طول زمان ارائه می‌شود. ناتل خانلری (۱۳۴۳) زبان فارسی را به عنوان زبان مشترک، رسمی و ادبی مردم ایران معرفی می‌کند و باور دارد که در عرض فارسی نیز چندین زبان محلی همچون کوردی، بلوچی، لری، گیلکی، مازندرانی، طالشی، تاتی، دزفولی، سمنانی و مانند آن‌ها وجود دارد که لهجه نامیده می‌شوند. وی در ادامه می‌گوید که این لهجه‌ها برخلاف زبان فارسی، در کشور به صورت عمومی رواج ندارند و بیشتر زبان گفتار هستند تا نوشتار. بنابر تعریف خانلری، آن گونه زبانی که زبان رسمی، مشترک و ادبی باشد زبان و گونه‌هایی که این ویژگی‌ها را نداشته باشند، لهجه هستند. تعریفی از باطنی (۱۳۵۴) به این صورت است که اگر دو لهجه از یک زبان آنقدر از همدیگر دور شده باشند که امکان فهم متقابل برای سخنوران آنان وجود نداشته باشد،

صرف نظر از تعداد سخنوران و وضعیت خط و ادبیات آن‌ها، باید آن‌ها را دو زبان متفاوت در نظر گرفت. وی عواملی همچون مرز سیاسی و استقلال ملی را نیز در این تعریف و تقسیم‌بندی‌ها دخیل می‌داند، تا جایی که در کشورهایی که زبان رسمی دارند، زبان‌هایی که طبق معیارهای زبان‌شناسی زبان مستقلی هستند، گویش نامیده می‌شوند. از نظر وی، لهجه گونه‌ای از یک زبان است که با لهجه‌های دیگر آن زبان هسته ارتباطی مشترک دارد، ولی گویش‌های یک کشور با یکدیگر و با زبان رسمی هسته ارتباطی مشترک ندارند. در واقع گویش‌ها طبق معیارهای زبان‌شناسی زبان هستند، ولی چون زبان رسمی نیستند، به آن‌ها گویش گفته می‌شود. در این تعریف نیز هرچند عامل فهم‌پذیری متقابل مطرح می‌شود، ولی در عمل اساس مقایسه‌ی زبان و گویش، رسمی بودن یا نبودن آن است. کلباسی (۱۳۷۰) گویش را صورت تغییر یافته‌ی یک زبان که برای سخنگویان دیگر صورت‌ها قابل فهم نیست و لهجه را صورت تغییر یافته‌ی قابل فهم برای سخنگویان دیگر صورت‌ها می‌داند. بر این اساس وی طبری، گیلکی، کوردی و پشتو که از زبان‌های ایرانی قدیم مشتق شده‌اند را گویش و مشهدی، یزدی، کرمانی، تاجیکی و ... که از زبان فارسی دری مشتق شده‌اند را لهجه می‌نامد. در این تعریف وی عامل فهم‌پذیری متقابل که از عوامل مطرح در این تقسیم‌بندی‌ها می‌باشد را اساس کار خود قرار داده‌است. همان‌طور که مشخص است، در هریک از تعاریف ارائه شده و با گذشت زمان نیز، این تعاریف بیش از آنکه علمی باشند، تلاشی در جهت برجسته کردن گونه‌ی زبانی فارسی به عنوان زبان و به حاشیه کشیدن دیگر گونه‌های زبانی موجود در جغرافیای ایران، با اطلاق عنوان‌های گویش و لهجه هستند.

زبان‌شناسان غیرایرانی نیز تعاریفی از گونه‌های زبانی ارائه کرده‌اند. بنابر تعریف چمبرز و ترادگیل (۱۹۸۰) به گونه‌ای که از نظر آوایی و یا واجی متفاوت از گونه‌های دیگر است، لهجه گفته می‌شود و در واقع لهجه به شیوه تلفظ سخنوران مربوط است و زمانی که گونه‌ها از نظر دستوری، واژگانی و واجی با گونه‌های دیگر متفاوت باشند، گویش نامیده می‌شوند. هادلستون و پولوم (۲۰۰۲) نیز در تعریف مشابهی اصطلاح

لهجه را برای اشاره به گونه‌های یک زبان که از نظر تلفظ متفاوتند، مناسب دانسته و به گونه‌هایی که در دستور و واژگان نیز با هم تمایز دارند، گویش گفته‌اند. گونه نیز اصطلاحی خنثی است که به طور کلی در مورد هر نوع زبانی به کار گرفته می‌شود (ترادگیل، ۱۹۷۴).

از نظر مدرسی (۱۳۹۳) برای تشخیص زبان و گویش از یکدیگر، از معیارهای زبانی و غیرزبانی استفاده می‌شود و مشکل آنجاست که این معیارها مطلق و بر هم منطبق نیستند و حتی در مواردی در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند.

در برخی کشورها که سیاست تمرکزگرایی دارند و به دنبال تک زبانه کردن جامعه هستند، با وجود تنوعات زبانی، یک زبان به صورت زبان رسمی انتخاب شده و دیگر گونه‌های زبانی را گویش و لهجه می‌نامند و با این روش به دنبال یکدست کردن مردم و حذف تنوع‌ها هستند. با وجود اینکه از لحاظ معیارهای زبان‌شناسی برخی از آن گونه‌ها ویژگی‌های یک زبان را دارا هستند، اما به دلیل سیاست آن کشور، به عنوان گویش معرفی می‌شوند. عکس این مسأله نیز وجود دارد، ممکن است در یک جامعه، تنوعات زبانی از لحاظ معیارهای زبان‌شناسی زبان‌های جداگانه‌ای باشند، اما به دلایل غیرزبانی همچون سیاست و فرهنگ، به عنوان گویش‌هایی از یک زبان در نظر گرفته شوند. در نتیجه در مورد تعاریف گونه‌های زبانی و تقسیم‌بندی زبان، گویش و لهجه، تعریف مطلق و جهانی وجود ندارد و بیشتر بنابر موقعیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه زبانی و نگرش حاکمان آن جامعه و یا مردم، تقسیم‌بندی‌ها و تعاریف متفاوتی ارائه می‌شود. از نظر نگارنده، برای اینکه مخاطبان پژوهش‌های زبانی دچار سردرگمی نشوند، بهتر است در ابتدای هر کار پژوهشی تعریفی از این اصطلاحات آورده شود.

در کتاب حاضر، برای کوردی جنوبی (کلهری) که یک شاخه از زبان کوردی است، از گویش و برای تفاوت‌های زبانی موجود در میان گویشوران این گویش نیز از لهجه استفاده شده است.

۲-۱- گفتار و نوشتار

زبان به واسطهٔ مکتوب شدن و یا نشدن آن، به دو نوع گفتاری و نوشتاری تقسیم می‌شود. زبان دارای دو صورت یا دو نمود ملفوظ و مکتوب است. نمود ملفوظ آن عبارت است از ارتعاشات صوتی که در هوا پخش می‌شود و ناپایدار است و نمود مکتوب آن عبارت است از ثبت و ضبط گونه‌ای از نمود ملفوظ که پایدار می‌ماند (باقری، ۱۳۹۲: ۲۱). در تعریف انوری و گیوی (۱۳۹۵: ۲) نیز آمده است که زبان یا در نشانه‌های صوتی یا در نشانه‌های نوشتاری تظاهر می‌کند. زبان اگر در نشانه‌های صوتی آشکار شود، زبان گفتاری و اگر در نشانه‌های نوشتاری (خطی) آشکار شود، زبان نوشتاری نامیده می‌شود. قدمت صورت گفتاری زبان به اولین تلاش‌های انسان برای برقراری ارتباط برمی‌گردد، در حالی که جوامعی هستند که هنوز هم نظام نوشتاری ندارند. در مورد اختراع خط نیز همچون پیدایش زبان، افسانه‌ها و داستان‌هایی وجود دارد. در واقع خط به صورت تدریجی اختراع شده است و مراحل اولیهٔ آن نقاشی‌ها و نشانه‌های باقی مانده بر دیواره‌های غارهاست، اما اولین نظام نوشتاری واقعی را سومریان حدود ۵۲۰۰ سال پیش در بین‌النهرین اختراع کرده‌اند (- رضایی باغ بیدی و همکاران، ۱۳۹۱).

در مطالعات زبان‌شناسی، تقدم با بررسی زبان گفتاری است، زیرا مواردی همچون لحن، لهجه و شیوهٔ تلفظ، تنها در گونهٔ گفتاری زبان نمایان می‌شود و در این پژوهش نیز از این اصل کلی پیروی شده است، هرچند ابتدا داده‌ها از منابع نوشتاری استخراج شده‌اند، اما در گونهٔ کوردی جنوبی تنوعات گفتاری به همان شیوه ثبت می‌شوند و در این پژوهش که در مورد شیوهٔ نوشتار افعال است، ویژگی‌های زیرزنجیری تفاوت ایجاد نمی‌کنند. از طرف دیگر داده‌هایی که از منابع نوشتاری استخراج شده‌اند، با داده‌هایی که به روش میدانی و مصاحبه‌ای جمع‌آوری شده‌اند، تطابق داده شده است.

از نظر ساخت زبانی، ساخت گونه‌ی گفتاری ساده‌تر از گونهٔ نوشتاری آن است و در بلندمدت نیز معمولاً ساخت نوشتاری زبان ثابت مانده و یا بسیار کم دستخوش تغییر

می‌شود، اما گونه گفتاری زبان به دلیل پویا بودن زبان و همچنین اصل کم‌کوشی زبان توسط گویشوران، به صورت مداوم در حال تغییر و تحول است. با اختراع خط و تشکیل نظام نوشتاری، انسان توانست تولیدات فکری خود را که به شیوه گفتاری تظاهر پیدا می‌کند را ثبت و حفظ کند و به این ترتیب نقش ارتباطی و انتقالی زبان گسترش یابد. تا پیش از اختراع خط، نقش ارتباطی زبان محدود به زمان بود و نقش انتقالی زبان نیز به دلیل مواردی چون فراموشی و تغییر در محتوای کلام، به درستی انجام نمی‌گرفت، اما به واسطه نظام نوشتاری، انسان توانست مفاهیم و مسائل مورد نظر خود را به نسل‌های بعد انتقال دهد.

هر جامعه‌ای برای اینکه بتواند پیشرفت کند، به نظام آموزشی نیاز دارد و لازمه نظام آموزشی، داشتن نظام نوشتاری معینی است که از طریق آن بتوان منابع آموزشی را تدوین کرد. به دلیل تنوعات زبانی موجود در جوامع، باید به الگوهای معینی در تمامی سطوح زبان از جمله ساخت و واژگان رسید تا از طریق آن فرهنگ‌نامه‌ها، واژه‌نامه‌ها و دیگر کتب لازم را تدوین کرد. نظام نوشتاری با الگوهای معین، می‌تواند مسأله آموزش را تسهیل کند. در گونه زبانی کوردی جنوبی نیز به الگوی مشخصی در دستور زبان و به ویژه صرف فعل نیاز است تا آموزش این گویش به راحتی و به صورت قاعده‌مند انجام شده و در تدوین کتاب‌های مرجع دیگر نیز، شیوه نوشتار مشخص باشد.

۳-۱- زبان کوردی و شاخه‌های آن

زبان کوردی در کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه در جغرافیایی متمرکز، و به صورت پراکنده در کشورهای دیگر نیز، گویشور دارد. این زبان به دلیل رفتارهای واجی به دو شاخه تقسیم می‌شود که سه گویش کرمانجی (کوردی شمالی)، سورانی

(کوردی میانی) و کوردی جنوبی (کلهری) در یک شاخه و سه گویش هورامی، زازاکی و لکی^۱ در یک شاخه قرار دارند.

در این پژوهش، گویش کوردی جنوبی مدنظر است. گویشوران این گونه زبانی به صورت متمرکز در شهرهای اسدآباد در استان همدان، شهرهای قروه و بیجار در استان کردستان، استان کرمانشان، استان ایلام و شهرهای خانقین و مندلی در کردستان عراق ساکن هستند. این گونه زبانی در شهرهای دیگری نیز به صورت پراکنده گویشور دارد.

در کتاب حاضر سعی شده برنامه‌ریزی در گویش کوردی جنوبی، در راستای همگرایی با گویش‌های کوردی کرمانجی و کوردی سورانی انجام گیرد.

۴-۱- فعل

فعل یکی از اجزای کلام است که برخلاف دیگر اجزای آن، صرف می‌شود و از آن برای نشان دادن انجام دادن و یا انجام گرفتن کاری، واقع شدن کاری بر کسی یا چیزی، پذیرفتن حالتی یا صفتی و یا نسبت دادن صفتی به کسی یا چیزی استفاده می‌شود (گیوی و انوری، ۱۳۹۵) و همچنین فعل مفاهیمی همچون شخص، شمار و زمان را نیز در بر دارد.

۵-۱- برنامه‌ریزی زبان

جامعه‌شناسی زبان یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است و برنامه‌ریزی زبان یکی از زیرشاخه‌های جامعه‌شناسی زبان است که به صورت میان‌رشته‌ای به بررسی مسائل زبانی می‌پردازد. اصطلاح برنامه‌ریزی زبان نخستین بار در سال ۱۹۵۷ از سوی وان‌رایش مطرح گردید و سپس در سال ۱۹۵۹ به وسیله هاگن (۱۹۶۶) به کار گرفته شد (مدرسی ۱۳۹۳: ۲۵۴). داوری اردکانی (۱۳۹۲) برنامه‌ریزی زبان را به عنوان

^۱ . کوردی لکی هرچند از لحاظ رفتار واجی و تا حدی دستور زبان به هورامی نزدیک است، اما از لحاظ واژگان و فهم متقابل به کوردی جنوبی (کلهری) نزدیکتر است.

حوزه‌ای میان‌رشته‌ای معرفی می‌کند که از یک سو با زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی و از سوی دیگر با شاخه‌های مختلف برنامه‌ریزی و علم سیاست مرتبط است. به واسطهٔ میان‌رشته‌ای بودن این حوزه و تأثیرات برنامه‌ریزی زبان بر مسائل سیاسی، اجتماعی و به‌طور کلی امور جامعه و همچنین تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی بر تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های زبانی، برنامه‌ریزی زبان نقشی مهم و حیاتی در زندگی امروزه دارد که از حساسیت بالایی برخوردار است. اهمیت برنامه‌ریزی زبان تا جایی است که به باور مدرسی (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی زبان که از جدیدترین جنبه‌های برنامه‌ریزی است، در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مباحث در رشتهٔ جامعه‌شناسی زبان تبدیل شده‌است. انسان به صورت ذاتی و در همهٔ امور میل به کنترل اوضاع دارد و برای اینکه بتواند مسائل را آنچنان که مدنظرش است پیش ببرد، اقدام به برنامه‌ریزی می‌کند. زبان نیز یکی از ملزومات زندگی اجتماعی بشر است که نقش بسیار پررنگی در زندگی اجتماعی دارد و به دلیل اهمیت این موضوع، دست به برنامه‌ریزی زبان می‌زند تا بتواند نیازها و انتظارات خود از زبان را برآورده کند.

زبان‌شناسان برای برنامه‌ریزی زبان تعاریفی ارائه کرده‌اند که در اینجا تعدادی از آن‌ها ارائه می‌شود. به نظر هاگن (۱۹۶۶: ۵۱-۵۲)، برنامه‌ریزی فعالیتی آگاهانه است که به سبب نیاز به یافتن راه حل برای یک مسئله، انجام می‌گیرد و بر این اساس، برنامه‌ریزی زبان هنگامی مطرح می‌شود که نیاز به حل یک مسئلهٔ زبانی احساس گردد. فیشمن (۱۹۷۴: ۷۹) برنامه‌ریزی زبان را فعالیتی سازمان‌یافته برای حل مسائل زبانی دانسته‌است که معمولاً در سطح ملی انجام می‌گیرد. کریستین (۱۹۸۹) برنامه‌ریزی زبان را به عنوان تلاشی آشکار و نظام‌مند برای حل مسائل زبان و رسیدن به اهداف مرتبط از طریق دخالت سازمان‌یافته در کاربرد زبان‌ها معرفی می‌کند. در همهٔ تعاریف بالا، زبان‌شناسان به حل مسائل زبانی به واسطهٔ برنامه‌ریزی زبان اشاره کرده‌اند و آشکار است تا مسائل و مشکلاتی وجود نداشته باشد، احساس نیاز به حل و رفع آن به وجود نمی‌آید و برنامه‌ریزی شکل نمی‌گیرد. مورد دوم سازمان‌یافته بودن شیوهٔ برنامه‌ریزی است و بدان جهت این مورد عنوان شده‌است که برنامه‌ریزی کاری

دقیق و حساس است که بدون سازمان‌دهی و تنها به دلیل احساس نیاز، نه تنها نمی‌تواند مفید واقع شود، چه بسا ممکن است باعث ایجاد مشکلات جدیدی نیز بشود.

حال که در همه تعاریف از مسائل زبانی بحث شده‌است، لازم است که در مورد مسائل زبانی و نیاز به حل آن‌ها بیشتر توضیح داده‌شود. به باور مدرسی (۱۳۹۳)، زمانی برای حل مسائل زبانی احساس نیاز پیش می‌آید که آن مشکلات در چنان سطحی باشند که در یادگیری و کاربرد زبان و ایجاد ارتباط زبانی مشکل ایجاد کنند. در ادامه تعاریف دیگری خواهد آمد که بیشتر به مسائل زبانی پرداخته و مواردی از این مشکلات مطرح شده‌اند. زبان‌شناسانی مانند هاگن و نوستاپنی در تقسیم‌بندی‌های کم و بیش یکسانی، برنامه‌ریزی‌های زبان را در مقولاتی مانند کدگزینی، مدون‌سازی، گسترش و پرورش جای داده‌اند (فیشمن، ۱۹۷۴: ۷۹-۸۱). مدرسی (همان) تعاریفی از هریک ارائه می‌دهد. در کدگزینی برای انتخاب زبان رسمی یک کشور اقدام می‌شود، مدون‌سازی شامل فعالیت‌هایی است برای تدوین و تألیف فرهنگ‌ها، واژه‌نامه‌ها، کتاب دستور زبان و قواعد املا و تلفظ که از طریق آن‌ها الگوهای دستوری، تلفظی و املائی تثبیت شود، از طریق گسترش نیز نقش‌های یک زبان گسترش می‌یابد و پرورش به معنای ایجاد تمایز بین گونه‌های سبکی یک زبان است.

از نظر توفلسون (۱۹۱۹)، برنامه‌ریزی زبان، تلاش‌هایی آگاهانه جهت تحت تأثیر قرار دادن ساختار یا نقش گوناگونی‌های زبان است، وی در ادامه برنامه‌ریزی زبان توسط دولت‌ها را سیاست زبان نام می‌نهد. توفلسون و برخی دیگر از زبان‌شناسان، بین مفهوم برنامه‌ریزی زبان و سیاست زبان تفاوت قائل شده‌اند که در بیشتر موارد منظور از سیاست زبان، جنبه‌ی اجرایی برنامه‌ریزی زبان توسط دولت و نهادهای مربوط است. کوپر (۱۹۸۹) نیز برای روشن کردن مسائل مربوط به برنامه‌ریزی زبان، تلاش‌های آگاهانه برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار زبانی و جوامع در رابطه با پیکره، شأن و یادگیری زبان را تحت عنوان برنامه‌ریزی زبان معرفی می‌کند. اصطلاح‌های

پیکره، شأن و یادگیری در ادامه و در بخش انواع برنامه‌ریزی زبان، به تفصیل شرح داده می‌شود.

تالی (۱۹۷۴: ۵۶)، برنامه‌ریزی زبان را فعالیتی روشمند برای سامان‌دادن یا اصلاح زبان‌های موجود، یا بوجود آوردن و انتخاب زبان‌های جدید مشترک منطقه‌ای، ملی و یا بین‌المللی می‌داند. از نظر کریستین مسائل زبانی بیشتر مربوط به جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، دینی و اقتصادی است تا مشکلات خود زبان. همچنین طبق تعریف یرند و داس گوپتا (۱۹۷۱: ۱۹۶)، برنامه‌ریزی زبان مجموعه فعالیت‌های سیاسی و اجرایی برای حل مسائل زبان است. همانطور که از این تعاریف مشخص است، برنامه‌ریزی زبان بیشتر جنبه سیاسی و اجتماعی دارد و برنامه‌ریزان زبان با توجه به رویکردهای سیاسی و اهداف خود، دست به برنامه‌ریزی زبان می‌زنند.

بنابر تعاریف ارائه شده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با توجه به رویکردهای سیاسی و مسائل اجتماعی موجود در هر جامعه، احساس نیاز به برنامه‌ریزی زبان در جهت تحقق اهداف از پیش تعیین شده، به وجود می‌آید. برنامه‌ریزی زبان، بیشتر از آنکه به مسائل درون زبانی همچون صرف، نحو، واژگان و مسائل آوایی مربوط باشد و برای حل مشکلات آن‌ها برنامه‌ریزی شود، به مسائل نیمه‌زبانی و برون زبانی ارتباط دارد و با توجه به نگرش‌های برنامه‌ریزان و مقاصد سیاسی و اجتماعی پیش می‌رود. برنامه‌ریزی زبان در واقع دخالت آگاهانه برنامه‌ریزان در ساخت و کاربرد زبان به منظور پیشبرد اهداف غیرزبانی است و تغییراتی که در ساخت زبان ایجاد می‌شود نیز، صرفاً به دلیل وجود مشکل در خود آن زبان نیست، بلکه در جهت رسیدن به هدف‌های دیگر از جمله نزدیک و یا دور کردن زبان‌های موجود از یکدیگر، تقویت یک زبان و یا از بین بردن زبان‌ها است. تغییراتی از جمله تغییر در رسم‌الخط نیز گاهی برای سهولت در کاربرد و استفاده از آن است، اما در مواردی همچون تغییر رسم‌الخط در ترکیه، بیشتر جنبه سیاسی داشته‌است. موارد دیگر همچون برنامه‌ریزی در واژه‌سازی نیز به همین صورت است، در همه زبان‌ها با توجه به پیشرفت علم و فناوری، لازم است واژه‌های جدیدی ساخته شود. بر اساس نگرش‌های هر کشوری، ممکن است

این واژگان را به همان صورت وارد زبان خود کرده و یا معادل آن واژگان را ساخته و آن‌ها را بومی کنند. به نقل از مدرسی (۱۳۹۳)، روبین (۱۹۸۳) اهداف برنامه‌ریزی زبان را شامل اهداف غیرزبانی، اهداف نیمه‌زبانی و اهداف زبانی می‌داند. منظور از اهداف غیرزبانی مواردی همچون تغییر در حوزه جغرافیایی کاربرد زبان به منظور افزایش یا کاهش منطقه جغرافیایی که آن زبان در آن کاربرد دارد، احیای یک زبان مرده، تلاش برای از بین بردن یک زبان زنده و تغییر کاربرد اجتماعی زبان است. مواردی همچون تغییر در نوشتار، تلفظ و گفتار، از جمله اهداف نیمه‌زبانی هستند و اهداف زبانی به منظور تغییرات درونی زبان شامل صرف، نحو، آواشناسی، سبک و ... در پیش گرفته می‌شوند.

به‌طور کلی، مسائلی همچون رفع مشکلات رسم‌الخط، نارسایی‌های واژگانی در خصوص واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید، وجود تنوعات زبانی فراوان در صورت‌های تلفظی و دستوری یک زبان، عدم وجود زبان مشترک و ناتوانی مردم یک جامعه در ایجاد ارتباط با همدیگر و نبود منابع نوشتاری کافی برای آموزش یک زبان، از جمله مشکلاتی است که جوامع زبانی با آن روبرو هستند.

۶-۱- انواع برنامه‌ریزی زبان

برنامه‌ریزی زبان با توجه به هدف آن در سطوح و شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد. برنامه‌ریزی زبان ممکن است در سطح افراد خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها انجام گیرد، ممکن است در سطحی وسیع‌تر و یا در سطح یک جامعه‌ی زبانی و کشور انجام شود (مدرسی، ۱۳۹۳) و بر اساس گستردگی آن، نیازمند اقدامات متفاوتی است. این دو نوع از برنامه‌ریزی در حالی که شیوه‌های متفاوت اجرایی را می‌طلبند، اما در اساس با همدیگر در ارتباط هستند و به نظر می‌رسد که هریک اهمیت خاص خود را داشته و نباید از هیچ‌یک از آن‌ها غافل شد. هر نوع فعالیت زبانی، اعم از حفظ و انتقال زبان، تغییر زبان و یا نادیده گرفتن زبان از درون خانواده به مرحله اجرا می‌رسد. اگر یک برنامه‌ی زبانی در سطح کلی جامعه به اجرا درآید، اما نگرش

خانواده‌ها همسو با آن نباشد، ممکن است آن برنامه‌ریزی با شکست مواجه شود و حتی اگر به شیوه اجباری هم باشد، روند اجرایی شدن و پیشرفت آن به کندی پیش خواهد رفت. برنامه‌ریزی‌های کلان به دلیل گستردگی آن، باید توسط دولت و سازمان‌ها و نهادهای دولتی انجام گیرد، زیرا نیازمند امکاناتی است که در اختیار عموم مردم نیست. نیروی انسانی زیاد، منابع مالی کافی و بسترهای مناسب عرضه برنامه زبانی از مواردی است که تنها در اختیار دولت‌ها و مؤسساتی همچون فرهنگستان‌هاست. شاعران، نویسندگان و هنرمندان به واسطه تولیدات، جایگاه و محبوبیتی که در جامعه دارند، می‌توانند در پیشبرد برنامه زبانی که حتی خود به صورت فردی انجام داده‌اند، مؤثر باشند. مدرسی(همان) سه نوع از برنامه‌ریزی زبانی را شرح می‌دهد. برنامه‌ریزی زبان، با توجه به مسائل و مشکلات زبان‌ها به سه شاخه برنامه‌ریزی پیکره، برنامه‌ریزی شأن و برنامه‌ریزی آموزش زبان تقسیم می‌شود. در برنامه‌ریزی پیکره که برنامه درون زبانی نیز نامیده می‌شود، مسائلی همچون صرف، نحو، معنا و مسائل آوایی زبان مورد توجه قرار می‌گیرند. در برنامه‌ریزی شأن، برنامه‌ریزی در جهت جایگاه و شأن یک زبان در جامعه انجام می‌گیرد و در برنامه‌ریزی آموزش، به آموزش درست و گسترده زبان توجه می‌شود. هرچند که در این تعریف، این سه شاخه به صورت جدای از هم تعریف شده‌اند، اما در واقع ارتباط تنگاتنگی با همدیگر دارند. اگر زبانی به واسطه برنامه‌ریزی پیکره در سطوح مختلف درون زبانی اصلاح شود و روی مواردی همچون اصلاح، معیارسازی، مدون‌سازی و ... کار شود، به واسطه‌ی همین موارد گسترش یافته و شأن آن در جامعه نیز ارتقاء پیدا می‌کند. از طرفی برای برنامه‌ریزی آموزش، از قبل نیازمند فعالیت‌هایی هستیم که در برنامه‌ریزی پیکره تعریف شده‌است تا بتوان آن زبان را به شیوه درست و با استفاده از فرهنگ‌ها، کتاب‌های دستور زبان و واژگان که در برنامه‌ریزی پیکره تدوین و تألیف شده‌اند، آموزش داد. همچنین آموزش یک زبان در جامعه باعث می‌شود که آن زبان جایگاه و شأن خود را در آن جامعه حفظ کند. در نتیجه همه این موارد با همدیگر مرتبط هستند.

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های انواع برنامه‌ریزی زبان، بر اساس زمان در نظر گرفته شده را می‌توان به دو نوع کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد که هر برنامه‌ریزی با توجه به ماهیت و هدف آن به یکی از این دو صورت انجام می‌گیرد.

۷-۱- هویت و برنامه‌ریزی زبان

انسان در زندگی اجتماعی خود، به صورت ذاتی به احساس تعلق نیاز دارد. وی در ابتدا خود را به عنوان عضوی از خانواده‌ای که در آن متولد شده‌است می‌شناسد، سپس با گذشت زمان و افزایش سن، وارد جامعه شده و خود را عضوی از مدرسه‌ای خاص، تیم ورزشی، گروه هنری و ... دانسته، سپس به جامعه‌ای بزرگتر با عنوان گروه سیاسی، دینی، قومی و ... احساس تعلق پیدا کرده و در نهایت، این احساس تعلق در بالاترین حد خود و به عنوان هویت ملی در فرد تبلور می‌یابد. احساس هویت ملی باعث می‌شود که فرد خود را عضو و وابسته به گروهی بداند.

یکی از عواملی که باعث ایجاد حس همگرایی و تعلق به یک گروه و همزمان حس واگرایی نسبت به گروه‌های دیگر می‌شود، زبان است. زبان، دین، پرچم، سیاست، سرود ملی، آثار باستانی، هنر، ادبیات و ... زمانی در یک گروه مشترک باشند، مجموعه عواملی هستند که باعث ایجاد احساس همبستگی در آن گروه می‌شوند. در برنامه‌ریزی زبان نیز توجه به همبستگی و هویت، جایگاه ویژه‌ای دارد، تا آنجا که از نظر برخی از زبان‌شناسان، مهم‌ترین هدف از برنامه‌ریزی زبان، کسب هویت است (ایجر: ۲۰۰۱). در واقع برنامه‌ریزان با توجه به اهدافشان در جهت حفظ و تقویت احساس هویت موجود، تغییر در مؤلفه‌هایی از هویت و یا از بین بردن هویت گروهی برنامه‌ریزی می‌کنند. برای مثال اگر در جامعه‌ای تنها برای حفظ و گسترش یک زبان به عنوان زبان ملی و رسمی برنامه‌ریزی کنند و دیگر تنوعات زبانی را در نظر نگیرند، همزمان با حفظ و تقویت یک هویت از طریق زبان، باعث تضعیف زبان و در نتیجه تضعیف هویت گروه‌های زبانی دیگر می‌شوند. زیرا با از بین رفتن یک زبان، ممکن است فرهنگ، تاریخ، ادبیات و دیگر مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی و ... آن گروه نیز

کمرنگ شده و از بین برود و در نتیجه آن گروه به جامعه زبانی مسلط و حاکم گرویده و هویت جدیدی برای آن‌ها تعریف شود.

به باور فیشرمن (۱۹۷۴)، برنامه‌ریزی زبان به خصوص زمانی که در خدمت متجدد شدن است، برنامه‌ریزی ملیت است. با برنامه‌ریزی زبان می‌توان در جهت ایجاد و حفظ وحدت و همبستگی یک جامعه گام برداشت، داشتن زبان مشترک و آن هم زمانی که زبان گروه‌های اقلیت در آن زبان مشترک نادیده گرفته نشده باشد، باعث می‌شود همگرایی آن جامعه بیشتر شده و خود را متعلق به یک گروه بدانند. معیارسازی یکی از فرآیندهای رایج در برنامه‌ریزی زبان است و نقش‌های وحدت دهنده و جدا کننده زبان در این بخش از برنامه‌ریزی زبان نمایان می‌شود (توماس، ۱۹۹۱). به نسبت برنامه زبانی‌ای که برای یک جامعه طرح‌ریزی و اجرا می‌شود، افراد جامعه نسبت به گروه‌های زبانی، سیاسی، اجتماعی و ... با توجه به زبان آن‌ها احساس نزدیکی یا دوری می‌کنند که همین احساس همگرایی و واگرایی نسبت به جوامع و گروه‌های دیگر عامل بسیار مهمی در تمامی امور است و بخشی از هویت فرد با توجه به همین احساس تعلق و یا عدم تعلق او به یک گروه تعریف می‌شود.

داوری اردکانی (۱۳۹۲: ۹۲) یکی از انگیزه‌های اصلی برنامه‌ریزی زبانی را هویت‌جویی در قالب کسب شأن و اعتبار برای زبان ملی، بومی و مشترک می‌داند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، برنامه‌ریزی شأن یکی از انواع برنامه‌ریزی است که از طریق آن تلاش می‌شود شأن و جایگاه یک یا چندین زبان در یک جامعه بالا برود که این مهم با گسترش نقش زبان در جامعه امکان‌پذیر است. زبانی که از آن در امور آموزش، اداری، سیاسی، ادبی و ... استفاده شود، جایگاه بالاتری نسبت به دیگر زبان‌های آن جامعه پیدا کرده و به همین دلیل گرایش مردم نیز به آن زبان بیشتر می‌شود. وقتی مردم زبانی را با اعتبارتر از بقیه زبان‌ها بدانند رفته رفته آن زبان را فراگرفته و بیشتر از آن زبان استفاده می‌کنند، سپس خود را متعلق به جامعه‌ای که آن زبان در آن کاربرد دارد دانسته و هویت جدیدی برای خود تعریف می‌کنند.

۸-۱- نگرش در برنامه‌ریزی زبان

پذیرش نتیجه یک برنامه‌ریزی زبانی و به کارگیری آن توسط مردم یک جامعه، نشان‌دهنده موفقیت آن برنامه است و عدم پذیرش آن نیز شکست برنامه‌ریزی را مشخص می‌کند. وقتی یک برنامه زبانی ارائه می‌شود، نتیجه آن نشان‌دهنده نگرش زبانی مردم است. به باور شیفمن (۱۹۹۶) باورهای مردم یک جامعه زبانی نسبت به زبان‌شان، باعث رشد و یا افول آن زبان می‌شود. وی در جریان بودن برخی سیاست‌های زبانی توسط حکومت‌های سلطه‌گر را تنها به واسطه حاکمان مستبد نمی‌داند، بلکه آن را محصول فرهنگ آن جامعه می‌داند. از آنجایی که وی فرهنگ زبانی را مجموعه‌ای از رفتارها، فرضیه‌ها، نگرش‌ها، تعصبات و اعتقادات می‌داند، از این گفته می‌توان چنین استنباط کرد که خواست مردم و عمل آن‌ها یکی از عوامل مهم در سیاست زبانی در حال اجرا در یک جامعه است.

تمایل مثبت یا منفی نسبت به چیزی، کسی، نهاد و یا رویدادی را نگرش می‌گویند (اوکز: ۲۰۰۱)، و نگرش همان چیزی است که تعیین‌کننده وضعیت برنامه‌ریزی زبان در یک جامعه است. اگر مردم تمایل مثبتی نسبت به یک برنامه‌ریزی داشته باشند، آن را پذیرفته، الگوهای آن را اجرا کرده و باعث موفقیت آن می‌شوند. این تمایل و عدم تمایل از مؤلفه‌های مشخصی نشأت می‌گیرد. هر نگرشی دارای سه مؤلفه است: احساس، شناخت و رفتار. از درهم آمیختن این سه مؤلفه، نگرش حاصل می‌شود و به این ترتیب نگرش زبانی چنین تعریف می‌شود: هر شاخص احساسی، شناختی یا عملی (رفتاری) در واکنش نسبت به ابعاد مختلف زبان. معمولاً بین سه مؤلفه مذکور نوعی عدم هماهنگی وجود دارد و همین امر سنجش نگرش‌های زبانی را بسیار دشوار می‌کند (داوری اردکانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

داشتن پیش‌فرض‌هایی از وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دینی و ... پیش از آغاز برنامه‌ریزی، می‌تواند باعث عملکرد مثبت آن شود و تحقیقات میدانی و گسترده به دقت و درستی این پیش‌فرض‌ها کمک شایانی می‌کند، اما همان‌طور که پیشتر آمد، ارزیابی نگرش مردم کار دشواری است. سه مؤلفه احساس، شناخت و عمل که

نگرش را تشکیل می‌دهند، همسو با همدیگر نیستند. به عنوان مثال، در جامعه‌ای با تنوع زبانی که یک زبان به عنوان زبان رسمی انتخاب شده‌است، ممکن است گویشور یک زبان اقلیت با وجود اینکه به زبان مادری خود احساس عاطفی داشته باشد، اما با توجه به کارکرد بیشتر زبان رسمی، زبان رسمی کشور را به فرزند خود آموزش داده و از آموزش زبان مادری به وی امتناع کند. در همین مثال می‌توان هر سه مؤلفه را تفکیک کرد، وجود احساس به زبان مادری، شناخت وضعیت بهتر زبان رسمی و عمل در جهت آموزش زبان رسمی به فرزند. ممکن است خانواده دیگری با وجود همین شرایط، تصمیم دیگری گرفته و هویت گروهی خود را بر کارکرد زبان ترجیح داده و زبان مادری را به فرزند خود منتقل کرده و بعد کودک زبان رسمی را بیاموزد. به دلیل همین پیچیدگی‌ها و عدم هماهنگی‌ها، پیش‌بینی در مورد نگرش یک جامعه کار دشواری است و از طرف دیگر مهم‌ترین عامل در موفقیت یا عدم موفقیت یک برنامه زبانی، نگرش مردم است.

۹-۱- معیار سازی در برنامه‌ریزی زبان

در تمام جوامع، گونه‌های زبانی متنوعی وجود دارد، مگر جوامع بدوی و دور افتاده که با دیگر جوامع ارتباط نداشته باشند. تنوعات زبانی فراوان باعث می‌شود که امر ارتباط با مشکل مواجه شود و در چنین شرایطی احساس نیاز به یک یا چند گونه زبانی مشترک به وجود می‌آید تا مردم بتوانند به راحتی با همدیگر ارتباط برقرار کنند. برای آنکه زبان مشترک علاوه بر برطرف کردن نیاز به ارتباط، بتواند در موارد دیگری همچون آموزش نیز کاربرد داشته‌باشد، احساس نیاز به برنامه‌ریزی به وجود می‌آید. معیارسازی یکی از مسائل مطرح در برنامه‌ریزی زبان است که تعاریف متعدد و گاه متفاوتی از آن ارائه شده‌است که در اینجا تعاریفی که از نظر نگارنده جامع‌تر و مناسب‌تر هستند، مطرح خواهد شد. داوری اردکانی (۱۳۹۲: ۲۸۳)، در این مورد آورده‌است که گونه معیار که ممکن است در یک روند طبیعی و طولانی یا در زمانی نسبتاً کوتاه‌تر و از طریق برنامه‌ریزی به وجود آید، در واقع یک الگوی زبانی معتبر

است که گویندگان گونه‌های اجتماعی و جغرافیایی گوناگون یک زبان می‌کوشند به آن نزدیک شوند و در موقعیت‌های مناسب از آن استفاده کنند. در این تعریف به نظر می‌رسد منظور از روند طبیعی، روندی نیست که بدون هیچ دخالتی پیش آمده باشد، زیرا تغییرات زبانی بر اساس مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی و ... اتفاق می‌افتد که انسان عامل اصلی این تغییرات است. زبان یکی از ویژگی‌های زندگی اجتماعی است و تغییرات آن نیز متأثر از خواست انسان است. ممکن است در اینجا بیشتر سرعت اعمال تغییرات و برنامه‌ریزی منسجم مدنظر بوده باشد. از نظر گاروین و ماتیو، گونه معیار یک گونه مدون و تثبیت شده زبان است که از سوی بخش قابل ملاحظه‌ای از یک جامعه زبانی، به عنوان الگو پذیرفته شده و به کار گرفته می‌شود و تقریباً دارای ویژگی‌های معینی است (گاروین، ۱۹۷۳: ۲۵). گونه معیار باید ویژگی‌های زبانی و غیرزبانی مشخصی داشته باشد. ثبات نسبی و در همان حال انعطاف‌پذیری در برابر تحولات ممکن، یکی از ویژگی‌های زبان معیار است. برای اینکه یک زبان بتواند کارکرد یک زبان معیار را داشته باشد، باید ثبات نسبی داشته باشد تا بتوان بر اساس آن هرآنچه که برای یک زبان معیار لازم است، همچون فرهنگ‌نامه، واژه‌نامه، کتاب‌های دستور زبان، کتاب‌های آموزشی و ... را بر اساس آن تدوین کرد و در همان حال باید توانایی تولید واژه‌ها و ساخت‌های زبانی را همزمان با تحول و پیشرفت سایر علوم داشته باشد. زبان معیار باید بتواند باعث ایجاد احساس وحدت در جامعه شده و پاسخگوی حس هویت جویی گویشوران شود. زبان معیار باید به صورتی باشد که برای کاربر آن اعتبار کسب کند، همچنین این امکان را به او بدهد که بتواند بر اساس آن درست و غلط در زبان را تشخیص دهد و در استفاده خود به آن رجوع کند.

از میان تعاریف دیگر که از زبان معیار ارائه شده و قابل بحث است، می‌توان به تعریف داوری اردکانی (همان: ۲۸۳) اشاره کرد، از نظر وی گونه معیار در ورای گونه‌های منطقه‌ای و اجتماعی یک زبان قرار دارد و غالباً به عنوان زبان رسمی در آموزش، رسانه‌های گروهی، نوشتار و سایر موقعیت‌های مشابه مورد استفاده واقع

می‌شود. در این تعریف اصطلاح زبان رسمی به کار رفته و نگارنده باور دارد که غالباً زبان معیار، به عنوان زبان رسمی نیز به کار گرفته می‌شود. زبان رسمی آن زبانی است که اسناد و مدارک دولتی به آن زبان نوشته می‌شود و در امور اداری و آموزشی و رسانه‌ای از آن استفاده می‌شود. زبان ملی نیز زبانی است که یک ملت به آن سخن می‌گویند و جدای از برطرف کردن نیازهای ارتباطی، از لحاظ عاطفی نیز به آن احساس وابستگی می‌کنند. گاهی این اصطلاح‌ها بجای همدیگر به کار گرفته می‌شوند که نادرست است. زبان معیار از آنجایی که مدون سازی شده و دارای الگوی مشخصی است، می‌تواند بعنوان زبان رسمی نیز انتخاب شود، ولی الزاماً چنین نیست. همچنین ممکن است در یک کشور، چندین زبان رسمی وجود داشته باشد. گاهی در یک جامعه از زبان معیار به عنوان زبان ملی نام برده می‌شود، در حالی که در آن جامعه ملیت‌های مختلفی زندگی می‌کنند و اینگونه نام‌گذاری‌ها تلاشی برای حذف تنوعات موجود در جامعه است.

در برخی از جوامع، یک گونه زبانی به عنوان زبان معیار انتخاب می‌شود و پس از اقدامات لازم همچون تألیف و تدوین منابع، به عنوان زبان رسمی یک کشور انتخاب می‌شود و گویشوران دیگر گونه‌های زبانی در آن جغرافیا، از حقوق زبانی خود محروم می‌شوند، که روشی غیردموکراتیک است و در واقع باید هر زبان به صورت مجزا مراحل معیارسازی را طی کرده و گویشوران هر زبان بتوانند در همه موارد از جمله آموزش، از زبان خود بهره گیرند.

با در نظر گرفتن زبان کوردی، در رابطه با تنوعات لهجه‌ای در یک گویش، روش دموکراتیک برای انتخاب گونه زبانی معیار، در نظر گرفتن همه تنوعات زبانی در آن جامعه است، به این صورت که الگوهای زبانی موجود در گویش معیار، ترکیبی از تنوعات موجود در لهجه‌ها باشند و همه گویشوران به آن گونه زبانی معیار احساس تعلق کنند. در کار پژوهشی حاضر، این شیوه مبنای برنامه‌ریزی در گویش کوردی جنوبی قرار گرفته است. همچنین در معیارسازی گویش‌های زبان کوردی، همواره باید به همگرایی این گویش‌ها توجه شود، تا فهم متقابل بین این گویش‌ها آسان‌تر شود.

به متولیان برنامه‌ریزی زبان، عناوینی همچون تجویزگرایان و یا برنامه‌ریزان زبان اطلاق می‌شود. تجویزگرایان زبان محافظه‌کار بوده و در برنامه‌ریزی زبان، مبنای کار خود را بر حفظ اصالت زبان قرار می‌دهند. آنان تغییر و دگرگونی در زبان را فساد در زبان تلقی می‌کنند و به تحول و پویایی زبان توجه ندارند، اما برنامه‌ریزان زبان، برای از میان برداشتن نارسایی‌ها و مشکلات زبان برنامه‌ریزی می‌کنند و پویایی و تحولات زبان را در نظر گرفته و در جهت مطلوب هدایت می‌کنند (مدرسی، ۱۳۹۳).

۱-۱۰-۱- مراحل برنامه‌ریزی زبان

برنامه‌ریزی زبان همانند هر نوع برنامه‌ریزی دیگری، مراحل دارد که باید برای دستیابی به هدف و نتیجه مطلوب، طی شوند. داوری اردکانی (۱۳۹۲)، این مراحل را شامل جمع‌آوری اطلاعات، انتخاب، پیش‌گویی، اجرا و ارزیابی می‌داند. هادسن (۱۹۹۶)، در تقسیم‌بندی خود، چهار مرحله برای برنامه‌ریزی زبان و معیارسازی در نظر گرفته‌است که شامل انتخاب گونه معیار، تدوین و وضع الگوهای آن، گسترش نقش و پذیرش آن است. فرانسیس کارام (۱۹۷۴: ۱۰۹)، برنامه‌ریزی زبان را شامل سه نوع فعالیت مرتبط به هم، یعنی برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی دانسته‌است که هریک مرحله‌ای جداگانه را تشکیل می‌دهد. ری (۱۹۳۶)، این مراحل را شامل انتخاب یک گونه زبانی به عنوان گونه زبانی معیار و در مرحله دوم تقویت و گسترش آن گونه زبانی می‌داند. در پژوهش حاضر از نظریه رایین (۱۹۷۱)، بهره گرفته شده است. وی برای برنامه‌ریزی زبان چهار مرحله مشخص کرده‌است که عبارتند از: ۱. گردآوری اطلاعات، ۲. برنامه‌ریزی، ۳. اجرا و ۴. بررسی و ارزیابی نتایج. دلیل نگارنده برای انتخاب این نظریه به این دلیل است که در بیشتر تقسیم‌بندی‌های مذکور، مرحله گردآوری داده و اطلاعات که بسیار مهم است، در نظر گرفته نشده‌است، در حالی که اگر اطلاعات دقیق و کافی جمع‌آوری نشود، انجام برنامه‌ریزی به صورت دقیق عملی نخواهد شد، در مورد داوری اردکانی (۱۳۹۲) نیز که مرحله اول را به جمع‌آوری اطلاعات اختصاص داده‌است، مرحله دوم انتخاب

است، در حالی که انتخاب یک گونه بدون برنامه‌ریزی هدفمند نمی‌تواند مفید واقع شود.

همان‌طور که پیشتر آمد، رایین (همان)، برای برنامه‌ریزی زبان چهار مرحله عنوان کرده‌است، که در این پژوهش بررسی دو مرحله اول آن یعنی گردآوری اطلاعات و برنامه‌ریزی، برای صرف فعل کوردی جنوبی در آموزش و گونه نوشتاری مدنظر قرار گرفته‌است. گردآوری اطلاعات برای برنامه‌ریزی زبان امر مهمی است که بدون آن نمی‌توان از وضعیت موجود مطلع شد و طبق آن اقدام به برنامه‌ریزی کرد. در این مرحله هرچه داده‌ها دقیق‌تر و کامل‌تر باشند، با آگاهی و آشنایی بیشتری قدم‌های بعدی برداشته می‌شود. این اطلاعات می‌تواند شامل اطلاعات صرفاً زبانی، نیمه‌زبانی و غیرزبانی باشد و با توجه به نوع و هدف برنامه‌ریزی، اهمیت هریک از این‌ها متفاوت خواهد بود. باید دقت داشت که اطلاعات به شیوه‌ای علمی و دقیق ثبت و ضبط گردد. اگر برنامه‌ریز در مورد تمامی مسائل زبانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، قومی و احساسی منطقه مورد پژوهش اطلاعات جمع‌آوری کند، می‌تواند با دیدی همه‌جانبه و بهتر برنامه‌ریزی کند. مرحله دوم که برنامه‌ریزی است، در واقع دشوارترین و اساسی‌ترین مرحله از چهار مرحله مذکور است. در این مرحله، برنامه‌ریز باید با توجه به داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده، به برنامه‌ریزی بپردازد. مشخص کردن اولویت‌ها، هدف‌ها و راه‌حل‌های ممکن، از جمله اقدامات اولیه است، سپس فرضیه‌ها و نتایج احتمالی بررسی شده و امکانات لازم از جمله نیروی انسانی و میزان منابع مالی مورد نیاز برآورد می‌شود.

فصل ۲

تنوع شیوه صرف فعل در لهجه‌های گویش کوردی جنوبی باعث می‌شود در هنگام بحث از آموزش دستور زبان، این سوال مطرح شود که کدام یک از تنوعات، مبنای آموزش قرار گیرد. در این فصل داده‌های موجود برای دستیابی به الگوی مشخصی در آموزش و نوشتار صرف فعل در کوردی جنوبی بررسی شده است. بدین منظور، سه روش ممکن برای برنامه‌ریزی صرف فعل در گونه نوشتاری کوردی جنوبی شامل معیارسازی بر اساس جمعیت گویشوران هریک از تنوعات، معیارسازی بر اساس رسانه‌های نوشتاری موجود و معیارسازی بر اساس یافتن صورت زیرساختی تنوعات موجود در نظر گرفته شده است که هریک را مطرح کرده و نقاط قوت و ضعف آن‌ها مشخص می‌شود و در پایان، الگوی پیشنهادی ارائه می‌شود.

۲-۱- معیارسازی گونه نوشتاری صرف فعل در کوردی جنوبی، بر اساس جمعیت گویشوران هریک از تنوعات

یکی از روش‌هایی که برای انتخاب گونه معیار از میان تنوعات موجود می‌توان از آن استفاده کرد، انتخاب بر اساس جمعیت گویشوران آن گونه زبانی است. در این روش، پس از جمع‌آوری داده‌ها و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان، از طریق آمارهای موجود، دسته‌ای که بیشترین تعداد گویشور را دارد، به عنوان گونه معیار انتخاب می‌شود و سپس مراحل دیگر معیار سازی از جمله

گسترش نقش آن گونه، تألیف و تدوین کتب درسی و... که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، انجام می‌گیرد.

اگر بخواهیم در این کار پژوهشی از این روش استفاده کنیم، حوزه شماره ۱ بیشترین جمعیت گویشور را در این گونه زبانی دارد، حال آنکه در این حوزه نیز شاهد تنوعاتی در شناسه‌های شخص و شمار و همچنین وند استمراری هستیم که اگر بخواهیم آن‌ها را شهر به شهر و منطقه به منطقه بررسی کنیم، زمانبر است و شاید نتوان به درستی تشخیص داد که کدام صورت در بن فعلی و وندهای شخص، شمار، التزامی و استمراری بیشترین گویشور را دارد. به طور کلی در این روش اگر جمعیت قابل توجهی از الگوهای یکدستی استفاده کنند، با انتخاب آن الگوها و معیار قرار دادن آن‌ها، زمان و هزینه کمتری برای آموزش آن گونه معیار به دیگر گویشوران صرف می‌شود. در واقع افراد بیشتری از قبل از همان الگوها استفاده کرده‌اند و حال لازم است که اقلیت آن جامعه نیز آن شیوه را بپذیرند. در برنامه‌ریزی زبان، نتیجه نهایی توسط گویشوران مشخص می‌شود و در این روش چون تعداد اکثریت آن جامعه زبانی از همان الگوها استفاده می‌کنند، می‌توان از پیش فرض کرد که آن برنامه‌ریزی احتمالاً موفق خواهد شد. در گونه زبانی کوردی جنوبی، نمی‌توان دقیقاً الگویی را مشخص کرد که گویشور بیشتری دارد و حتی در حوزه شماره ۱ با بیشترین جمعیت نیز، نمی‌شود الگوی یکدست و معینی را که در همان یک حوزه بیشترین گویشور را دارد، مشخص کرد.

جدای از مشکلات این روش در گونه زبانی مذکور، تعیین زبان معیار بر اساس جمعیت گویشور، روشی غیر دموکراتیک است که به واسطه آن، حقوق زبانی گویشوران دیگر تنوعات زبانی نادیده گرفته می‌شود. تمام جوانب زندگی انسان‌ها با یکدیگر در ارتباط مستقیم هستند و سیاست و برنامه‌ریزی زبان، جزئی جدایی‌ناپذیر از دیگر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است. اگر در برنامه‌ریزی زبانی، سیاستی غیردموکراتیک را در پیش بگیریم، این سیاست در دیگر مسائل زندگی نیز نمود می‌یابد و به سیاست کلی آن جامعه تبدیل می‌شود. در جوامعی که سیاست‌های

مرکزگرا و غیر دموکراتیک در آن‌ها حاکم است، متولیان برنامه‌ریزی زبان نیز، بنابر خواست حاکمان آن جوامع، همان شیوه کلی را در پیش گرفته و حقوق زبانی بخشی از افراد جامعه را نادیده می‌گیرند.

۲-۲- معیارسازی گونه نوشتاری صرف فعل در کوردی جنوبی بر اساس رسانه‌های نوشتاری موجود

تمایل انسان به ثبت و انتقال تولیدات زبانی خود و تلاش‌هایش در این راستا، رفته رفته باعث اختراع خط و نظام‌های نوشتاری شد. نوشتار به دلیل اینکه می‌تواند تولیدات گفتاری را ماندگار کند، بسیار حائز اهمیت است و ملل مختلف برای انتقال تجربیات، ادبیات، فرهنگ، علم و هرآنچه برای آنان اهمیت دارد، از نوشتار استفاده کرده‌اند و امروزه نوشتار اهمیت بیشتری نیز پیدا کرده است. در گویش کوردی جنوبی، با رشد ادبیات کوردی و افزایش تولیدات ادبی در دو دهه اخیر، نوشتار کوردی نیز مورد توجه بیشتری قرار گرفت و رفته رفته، تعداد آثار مکتوب افزایش یافت. چاپ اشعار، گردآوری و چاپ ادبیات فولکلور شامل ابیات، افسانه‌ها و داستان‌ها، چاپ مجموعه داستان‌های کوتاه، ترجمه از زبان‌های دیگر، نمایش‌نامه، رمان، روزنامه و نشریات از جمله فعالیت‌هایی است که باعث رونق یافتن زبان و ادبیات در گویش کوردی جنوبی شد و به تبع آن، تجربه گونه نوشتاری در این گویش نیز افزایش یافت. با مطالعه این آثار متوجه می‌شویم که نویسندگان شهرهای مختلف، آثار خود را با لهجه خود به نگارش درآورده‌اند و با این حال، شباهت‌ها بسیار بیشتر از تفاوت‌ها است. تفاوت‌های نحوی و واژگانی بسیار کم و انگشت‌شمار هستند و تنها مسأله مورد توجه، در الگوهای صرف افعال است. در گویش کوردی جنوبی در صرف افعال، شاهد تنوعات بیشتری هستیم. زمانی که آثار مکتوب را بررسی می‌کنیم، هرچه از زمان گذشته به حال نزدیک می‌شویم، همگرایی نوشتار در این مناطق را می‌بینیم، در واقع می‌توان نتیجه گرفت که شاعران و نویسندگان، خود به

بوی و همه‌میشه چگ وه دهنگی مه‌ردمه‌وه. هویچ کهم و کوری نه‌دایشت، ههر ئه‌وه نه‌و ژن نه‌خوازی‌بوی. مه‌ردم داوا لّی کرد ژن بخوازیگ. دهس ئاخر کل کرده شوون وه‌زیری دهس راس و وه‌ته پّی) ... (هه‌رئه‌وه، ۲۹:۲۰۰۹)

بنی‌ویس از گویشوران خانقینی این گویش است و برخلاف بخشی از گویشوران خانقینی که زیرساخت زبان را حفظ کرده و در گفتار نیز همان صورت را به کار می‌برند، وی از گویشوران آن بخشی است که از صورت ساده شده زبان در گفتار استفاده می‌کنند و با این وجود در نوشتار از صورت زیرساختی و کامل‌تر زبان استفاده کرده است. در ابتدای این کتاب، نویسنده به این نکته اشاره کرده که (وی) را معال (ۆ) قرار داده است و در ادامه افزوده، زمانی که (بۆ) به تنهایی بیاید، به همین شیوه خوانده و نوشته می‌شود، ولی زمانی که همراه فعل دیگری می‌آید /ب/ حذف می‌شود. اما وی در نوشتار این کتاب صورت اصلی آن را نوشته است.

اگر بر اساس رسانه‌های نوشتاری بخواهیم به قواعدی برای صرف فعل در نوشتار کوردی جنوبی دست پیدا کنیم، پس از استخراج افعال از رسانه‌های نوشتاری و تهیه پیکره‌ای از افعال به کار رفته، آن گونه‌ای از بن فعلی و قواعد صرف که بیشتر استفاده شده است، مبنای برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد. گرچه چاپ کتاب در دهه‌های اخیر در کوردی جنوبی بیشتر شده، اما در برخی از تنوعات آن، یا کتابی چاپ نشده و یا تعداد کتب انگشت شمار است. اگر برنامه‌ریزی زبان نوشتاری براساس کتب و آثار مکتوب موجود انجام گیرد، تنوعات زبانی مناطقی که آثار مکتوب ندارند، در نظر گرفته نمی‌شود و حقوق زبانی آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. احتمال پذیرش نتیجه چنین برنامه‌ریزی‌ای توسط آن دسته از گویشورانی که تنوعات زبانی آن‌ها در نظر گرفته نشده، کم است و آن‌ها نسبت به آن شیوه نوشتار، نگرش مثبتی نخواهند داشت.

۳-۲- انتخاب گونه معیار از طریق بررسی واجی و پیدا کردن زیرساخت

در این روش از رویکرد واج‌شناسی زایشی بهره می‌گیریم و تنوعات موجود در صرف فعل را به عنوان روساخت‌هایی از یک زیرساخت در نظر می‌گیریم و سعی می‌کنیم زیرساخت را مشخص کنیم. در میان تناوب‌ها و تنوع‌های موجود، یک صورت زیرساخت محسوب می‌شود و با اعمال قواعدی بر آن، صورت‌های دیگر به وجود آمده‌اند.

رویکرد زایشی با انتشار اثر چامسکی و هله (۱۹۶۸) با عنوان *الگوی آوایی زبان انگلیسی*^۱ مطرح شد که بعدها به انگاره «اس. پی. ای» مشهور شد (بی‌جن‌خان، ۱۳۹۸). به باور کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۹۸) در پژوهش‌های واج‌شناسی زایشی، برای شناسایی صورت‌های زیرساختی باید آوانویسی‌هایی که از طریق گویشوران گردآوری شده است به دقت بررسی شوند، اطلاعات تولیدی قاعده‌مند از غیر قاعده‌مند تفکیک شده و بررسی شوند، تناوب‌های آوایی، مشخصه‌ای یا تکواژی شناسایی شوند، با توجه به تناوب‌ها فرضیه‌هایی برای رسیدن به زیرساخت مطرح شده و از این طریق زیرساخت مشخص شود و در نهایت فرضیه تأیید شده به صورت قاعده ارائه شده و رابطه صورت‌های زیرساختی و روساختی نشان داده شود. در پژوهش حاضر نیز، هرچند در ابتدا فعل‌ها بر اساس رسانه‌های نوشتاری جمع‌آوری شده و پیکره‌ای برای یافتن فعل‌های پرکاربرد تشکیل شد، اما در ادامه نه فعل پرکاربرد در شخص، شمار و زمان‌های مورد نظر این پژوهش، به صورت مصاحبه میدانی ضبط و سپس با دقت آوانویسی شدند. افعال با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در هشت حوزه طبقه‌بندی شدند و بر اساس جدول‌های موجود می‌توان ریشه فعلی و شناسه‌های شخص و شمار قاعده‌مند را از صورت‌های غیر قاعده‌مند تفکیک کرد و سپس یکی از صورت‌ها را به عنوان زیرساخت فرض کرده و قواعدی که موجب تولید صورت‌های دیگر شده است را بررسی کرد. با بررسی واج‌شناسی داده‌های موجود،

^۱. Sound Patern of English

می‌توان به این نتیجه رسید که تناوب‌های موجود از یک صورت زیرساختی به وجود آمده‌اند و این تنوعات همگی به یک گونهٔ زبانی تعلق دارند.

در روش‌های موجود برای برنامه‌ریزی زبان، باید همواره این اصل را در نظر گرفت که کوردی جنوبی و دیگر شاخه‌های زبان کوردی، در راستای هم و با هدف همگرایی مورد بررسی و برنامه‌ریزی قرار گیرند و در مطالعات زبانی، به ساختار کلی زبان کوردی توجه شود. در واقع می‌توانیم در هرجایی که با مشکل مواجه شدیم و از طریق قاعده‌های زیرساختی به الگویی دست نیافتیم، از تناوب‌های موجود در دیگر شاخه‌های زبان کوردی بهره گیریم. اگر مطالعات و برنامه‌ریزی‌های هریک از شاخه‌های زبان کوردی به صورت مستقل و بدون توجه و در نظر گرفتن ویژگی‌های دیگر شاخه‌ها انجام شود، ممکن است باعث واگرایی در شاخه‌های زبان کوردی شود. کامبوزیا (۱۳۸۹: ۲۸-۲۷) برای کشف زیرساخت زبان شش معیار ارایه کرده است:

الف) گرایش‌های جهانی: اگر از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ ندانیم کدام یک زیرساختی است، به سایر زبان‌ها مراجعه می‌کنیم. اگر $[\alpha]$ به تنهایی در زبانی دیگر قابل مشاهده باشد اما $[\beta]$ به تنهایی در هیچ زبانی دیده نشود و حضورش وابسته به $[\alpha]$ باشد، در این صورت $[\alpha]$ مشخصه زیرساختی به شمار می‌رود.

ب) بسامد وقوع: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ ، مشخصه‌ای که توزیع متنوع‌تری دارد، بازنمایی زیرساختی به شمار می‌رود.

ج) توجیه‌پذیری آوایی: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ ، مشخصه‌ای بازنمایی زیرساختی به شمار می‌رود که تبدیل آن به دیگری توجیه آواشناختی داشته باشد، به عبارت دیگر بافت قاعده‌مند داشته باشد.

د) طبیعی بودن واج‌شناختی: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ ، مشخصه‌ای بازنمایی زیرین محسوب می‌شود که تبدیل آن به دیگری در میان سایر زبان‌ها نیز رایج باشد یا سابقه‌ای از آن در زبان‌های دیگر دیده شود. مثلاً

قاعده خیشومی شدگی واکه قبل از همخوان‌های خیشومی در اکثر زبان‌ها مشاهده می‌شود.

ه) پیشبینی‌پذیری واج‌شناختی: این معیار ویژه صیغگان است و در ساختواژه دیده می‌شود. هنگام مقایسه اسم‌های مفرد و جمع یا اسم‌های معرفه و نکره یا شخص و شمار در زبان‌های مختلف، گاهی خلاهایی در یکی از صیغه‌ها دیده می‌شود. به عبارت دیگر، دو مشخصه $[\alpha]$ و $[\beta]$ در بعضی صیغگان در حال تناوب هستند و در بعضی بافت‌ها این تناوب دیده نمی‌شود و در هر دو صورت مثلاً مفرد و جمع مشخصه $[\alpha]$ آشکار می‌گردد. اصل پیشبینی‌پذیری واج‌شناختی در چنین مواردی آن مشخصه در حال تناوب یعنی $[\beta]$ را به عنوان بازنمایی زیرین شناسایی می‌کند (...).

و) طبیعی بودن یا توجیه‌پذیری: هرگاه در مجموعه‌ای از داده‌ها، مشخصه $[\alpha]$ در بافت A و مشخصه $[\beta]$ در بافت B مشاهده شود، در این حالت یکی از دو قاعده $\alpha \rightarrow \beta$ یا $\beta \rightarrow \alpha$ عمل خواهد کرد. در چنین حالتی قاعده‌ای عمل می‌کند که از طبیعی بودن و پذیرفتگی آوایی بیشتری برخوردار باشد. در حال حاضر در چنین مواردی، ارزش مثبت یا منفی آن مشخصه در ساخت زیرین خالی می‌ماند و در بافت آوایی خاص خود مقداردهی یا علامت‌گذاری می‌شود. در تعیین بازنمایی زیرین باید به مجموعه‌ای از معیارهای فوق توجه کرد و استناد به یک یا دو مورد از آن‌ها راهگشا نخواهد بود.

در این کار پژوهشی سعی بر آن بوده که حفظ اصالت زبان مبنای برنامه‌ریزی قرار نگیرد و در تحلیل داده‌ها هدف، یافتن قاعده‌ای مشخص برای آموزش صرف فعل و نوشتار صرف فعل در گویش کوردی جنوبی در راستای همگرایی با گویش‌های سورانی و کرمانجی و در واقع کلیت زبان کوردی است.

در ادامه، نمونه‌هایی از بررسی قواعد اعمال شده بر صورت زیرساختی در تولید صورت‌های روساختی افعال، آمده است.

۲-۳-۱- صرف مصدر «کردن» در کوردی جنوبی

در رسانه‌های نوشتاری گونه کوردی جنوبی (کلهری)، پربسامدترین فعل، صرف مصدر «کردن» در زمان‌ها و شخص و شمارهای گوناگون بود. همانطور که در جدول‌های ۱،۱ تا ۷-۱ مشاهده می‌کنید، در تمامی مناطق تحت عنوان کوردی جنوبی، بن فعلی گذشته در مصدر «کردن» به یک صورت است. در مصدر «کردن» زیر ساخت بن فعلی گذشته /kærd/ است که بدون اعمال هیچ قاعده‌ای، در روساخت نیز به همان شیوه است. در بن حال دو تناوب مشاهده می‌شود که شامل /kæ/ و /kær/ است و تنها در یک حوزه کاربرد دارد و بر اساس قواعد واجی نمی‌توان قاعده‌ای برای آن تعریف کرد و بی‌قاعده است. کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۹۸) شش معیار که بر اساس آن‌ها می‌توان با قطعیتی نسبی بازنمایی زیرساختی را مشخص کرد، ارائه کرده است. این معیارها شامل گرایش‌های جهانی، بسامد وقوع، توجیه‌پذیری آوایی، طبیعی بودن واج‌شناختی، پیش‌بینی‌پذیری واج‌شناختی و طبیعی بودن یا توجیه‌پذیری است. حال که صورت روساختی /kær/ قابل توجیه نیست، می‌توان به دلیل بسامد بالای صورت /kæ/، آن را صورت زیرساختی در نظر گرفت، همچنین از دیگر شاخه‌های زبان کوردی نیز می‌توان به عنوان گرایش‌های کلی استفاده کرد. در شاخه کوردی میانه (سورانی) بن فعلی زمان حال /kæ/ است و در کرمانجی نیز از دو صورت /kæ/ و /kɛ/ استفاده می‌شود. در نتیجه برای مصدر «کردن» می‌توان زیر ساخت بن فعلی گذشته را /kærd/ و زیرساخت بن حال را /kæ/ در نظر گرفت. همانطور که در جدول‌های ۳-۱، ۵-۱، ۶-۱ و ۷-۱ مشاهده می‌کنید، با وجود اضافه شدن وندهای استمراری و التزامی، بن فعلی هیچ تغییری نکرده است. مسأله دیگر در رابطه با وندهای شخص و شمار است که دارای تنوعات زیادی است و همانطور که در جدول‌ها مشخص است، یک وند که در منطقه‌ای تنها نشانه سوم شخص جمع است، در منطقه دیگر نشانه دوم شخص و سوم شخص جمع است و یا وندی که در یک منطقه نشانه دوم شخص جمع است، در منطقه‌ای دیگر نشانه اول شخص مفرد است.

الف- صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته ساده»

جدول ۱-۲: صرف مصدر /kərdən/ در زمان گذشته ساده

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	kərd-əm	kərd-ɪ/-ɪd /-ɪdən	kərd-θ	kərd-ɪm /-ɪmən	kərd-ɪn	kərd-ən
۲	kərd-əm	kərd-ɪ/-ɪt /-ɪtən	kərd-θ	kərd-ɪm /-ɪmən	kərd-ɪn	kərd-ən
۳	kərd-əm	kərd-ɪ /-ɪt	kərd-θ	kərd-ɪm /-ɪmən	kərd-ən	kərd-ən
۴	kərd-əm	kərd-ɪd	kərd-θ	kərd-ɪm /-ɪman	kərd-ən	kərd-ən
۵	kərd-əm	kərd-ɪ /-ɪd /-ɪt	kərd-θ	kərd-ɪm /-ɪmən	kərd-ɪn /-ən	kərd-ən
۶	kərd-əm	kərd-ɪd	kərd-θ	kərd-ɪm /-ɪmən -ɪn/	kərd--ɪn /-ən	kərd-ən
۷	kərd-əm	kərd-ɪ /-ɪt /-ɛd	kərd-θ	kərd-ɪm /-ɪmən	kərd-ən	kərd-ən
۸	kərd-əm	kərd-ɪd	kərd-θ	kərd-ɪm /-ɪmən	kərd-ɪn	kərd-ən

صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: کردم، کردی/ کردید/ کردیدن، کرد، کردیم/ کردیمن، کردین، کردن

حوزه ۲: کردم، کردی/ کردیت/ کردیتن، کرد، کردیم/ کردیمن، کردین، کردن

حوزه ۳: کردم، کردی/ کردیت، کرد، کردیم/ کردیمن، کردن، کردن

حوزه ۴: کردم، کردید، کرد، کردیم/ کردیمان، کردن، کردن

حوزه ۵: کردم، کردی/ کردید/ کردیت، کرد، کردیم/ کردیمن، کردین/ کردن، کردن

حوزه ۶: کردم، کردید، کرد، کردیم/ کردیمن/ کردین، کردین/ کردن، کردن

حوزه ۷: کردم، کردی/ کردیت/ کردد، کرد، کردیم/ کردیمن، کردین، کردن

همانطور که مشاهده می‌کنید، در اول شخص مفرد شناسه شخص و شمار در تمامی مناطق مشترک است. در دوم شخص مفرد شاهد تنوعاتی همچون /-ɪd/،

/-idən/، /-it/، /-itən/ و /-əd/ هستیم. در این مورد /-i/ در زمان گذشته ساده، به تنهایی می‌تواند دوم شخص مفرد را از دیگر شخص و شمارها متمایز کند، اما در زمان‌های دیگری همچون حال کامل، در تشخیص دوم شخص و سوم شخص مفرد ممکن است با مشکل مواجه شویم. در نتیجه یکی دیگر از این تنوعات را برمی‌گزینیم. در کوردی جنوبی /-id/ بیشترین توزیع را دارد، ولی اگر بخواهیم دیگر شاخه‌های زبان کوردی را نیز در نظر گرفته و در راستای همگرایی پیش رویم، بهترین گزینه /-it/ است. همچنین /-ən/ در /-idən/ و /-itən/ نیز نقش تعیین کننده‌ای در تشخیص شخص و شمار ندارد. در سوم شخص مفرد شناسه شخص و شمار در همه مناطق Ø است. در اول شخص جمع /-im/، /-imən/، /-iman/ و /-in/ به کار می‌روند که برای انتخاب یک مورد از میان این تنوعات، به این دلیل که کمترین توزیع را در میان دیگر انواع برای اول شخص مفرد دارد و همچنین در مناطق دیگر نشانه دوم شخص جمع است، گزینه مناسبی نیست. /-iman/ نیز تنها در یک منطقه کاربرد دارد و به نظر می‌رسد /-imən/ بهترین گزینه برای وند شخص و شمار در اول شخص مفرد است. در دوم شخص جمع دو وند /-in/ و /-ən/ استفاده می‌شود و از آنجایی که /-in/ تنها برای دوم شخص جمع کاربرد دارد و برای سوم شخص جمع کاربرد ندارد، بهتر است /-in/ برای دوم شخص و /-ən/ برای سوم شخص جمع در نظر گرفته شود. اگر برای اول شخص مفرد تا سوم شخص جمع به ترتیب /-əm/، /-it/، /-Ø/، /-imən/، /-in/ و /-ən/ را انتخاب کنیم، در این صورت به ازای هر شخص و شمار، یک وند مشخص داریم و در آموزش این گونه زبانی و تهیه کتب آموزشی کمتر با مشکل مواجه می‌شویم. در اینجا لازم به ذکر است که انتخاب یکی از تنوعات موجود، به معنای حذف دیگر تنوعات نبوده و این مساله تنها برای دست یافتن به الگویی مشخص برای آموزش قواعد دستور زبان در حیطه صرف فعل است. در متون آموزشی، پس از ارائه گونه معیار در نوشتار، دیگر تنوعات نیز معرفی خواهند شد.

در ادامه خواهیم دید که این وندهای شخص و شمار، با توجه به بن فعلی و ختم شدن آن به واکه و یا همخوان، تغییراتی دارند، اما این تغییرات بیشتر در آوانگاری اهمیت پیدا کرده و رسم الخط کوردی جنوبی این تفاوت‌ها را نشان نمی‌دهد.

ب- صرف مصدر «کردن» در زمان «حال کامل»

جدول ۲-۲: صرف مصدر /kərdən/ در زمان حال کامل

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	kərd-əm-æ	kərd-ij-æ /-id-æ /-idən-æ	kərd-εj-æ /-εj-æ	kərd-ım-æ /-ımən-æ	kərd-ın-æ	kərd-ən-æ
۲	kərd-əm-æ	kərd-id-æ /-æ-s /-æ-sən	kərd-εg-æ /-εg-æ-s /-εg-æ-sən	kərd-ım-æ /-ımən-æ	kərd-ın-æ	kərd-ən-æ
۳	kərd-əm-æ	kərd-it-æ	kərd-εg-æ	kərd-ım-æ /-ımən-æ	kərd-ən-æ	kərd-ən-æ
۴	kərd-εgəm	kərd-εgid	kərd-εj-æ	kərd-εgıman /-εgın	kərd-εgən	kərd-εgən
۵	kərd-əm-æ	kərd-id-æ /-it-æ	kərd-εg-æ	kərd-ım-æ /-ımən-æ	kərd-ın-æ /-ən-æ	kərd-ən-æ
۶	kərd-əm-æ	kərd-id-æ	kərd-εj-æ	kərd-ım-æ /-ımən-æ /-ın-æ	kərd-ın-æ /-ən-æ	kərd-ən-æ
۷	kərd-əm-æ	kərd-ij-æ /-it-æ /-εd-æ	kərd-εg-æ	kərd-ım-æ /-ımən-æ	kərd-ın-æ	kərd-ən-æ
۸	kərd-əm-æ	kərd-id-æ	kərd-εj-æ	kərd-ım-æ /-ımən-æ	kərd-ın-æ	kərd-ən-æ

صرف مصدر «کردن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: کرده، کردیه/ کردیده/ کردیدنه، کردیه/ کردیه، کردیمه/ کردیمنه، کردینه، کردنه

حوزه ۲: کرده، کردیده/ کردیده‌س/ کردیده‌سن، کردگه/ کردگه‌س/ کردگه‌سن، کردیمه/ کردیمنه، کردینه، کردنه

حوزه ۳: کرده، کردیتنه، کردگه، کردیمه/ کردیمنه، کردنه، کردنه

حوزه ۴: کردگم، کردگید، کردیه، کردگیمان/ کردگین، کردگن، کردگن

حوزه ۵: کردم، کردیده/ کردیته، کردگه، کردیمه/ کردیمنه، کردینه/ کردند، کردند

حوزه ۶: کردم، کردیده، کردیته، کردیمه/ کردیمنه، کردینه/ کردند، کردند

حوزه ۷: کردم، کردیه/ کردیته/ کرده، کردگه، کردیمه/ کردیمنه، کردینه، کردند

حوزه ۸: کردم، کردیده، کردیته، کردیمه/ کردیمنه، کردینه، کردند

در زمان حال کامل، از بن فعلی به اضافه وندهای شخص و شمار که در جدول اول در مورد آن‌ها بحث شد، به اضافه وند æ- استفاده می‌شود. در منطقه ۴ در ساخت زمان حال کامل، قواعدی اعمال شده که طبق تعاریف واج‌شناسی زایشی، قابل توجه نیست و همچنین مختص به همین یک منطقه بوده و از بسامد پایینی برخوردار است و به همین دلیل نمی‌توان از آن در امر معیارسازی استفاده کرد و به دیگر بخش‌ها می‌پردازیم. در سوم شخص مفرد که در گذشته ساده وند شخص و شمار آن تهی بود، برای ساخت زمان حال کامل به یک وند میانجی نیاز است که تنوعات آن را در مناطق مختلف، در جدول مشاهده می‌کنید. تنوع در وندهای میانجی شامل -ej-/، -ej-/ و -eg-/ است و بقیه موارد همچون اضافه شدن وندهای -s/ و -sən/ که پس از وند æ-/ آمده‌اند، نقش تعیین کننده‌ای ندارند. در بخش‌هایی از گونه زبانی سورانی که یکی از شاخه‌های زبان کوردی است نیز در زبان گفتاری و برای نشان دادن زمان حال کامل، از وند میانجی g استفاده می‌شود، اما در زبان نوشتاری معیار در این شاخه از زبان، این وند کاربردی ندارد. هرچند از لحاظ زبان‌شناسی واج /g/ زیرساخت به نظر می‌رسد، اما با توجه به دیگر شاخه‌های زبان کوردی و تمایل گویشور به تبدیل /g/ به /j/، و همچنین با توجه به تلاش نویسندگان کوردی جنوبی به سوی همگرایی و استفاده از /j/ در سوم شخص مفرد، به نظر می‌رسد گونه -ej-/ برای وند میانجی در زمان حال کامل مناسب‌تر است. با بررسی رسانه‌های نوشتاری نیز می‌بینیم گویشوران مناطق مختلف کوردی جنوبی به خصوص در استان کرمانشان، گرچه در گفتار از وند میانجی g استفاده می‌کنند، در آثار خود تمایل داشته‌اند از واج میانجی /j/ استفاده کنند و این کار در راستای همگرایی انجام شده است.

ج- صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته استمراری»

جدول ۲-۳: صرف مصدر /kərdən/ در زمان گذشته استمراری

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	kərd-əm /-ja-m	kərd-ɪ /-ɪd /-ɪdən /-ja-j /-ja-jd /-ja-jdən	kərd-ø /-ja-ø /-ja-d /-ja-dən	kərd-ɪm /-ɪmən /-ja-jm /-ja-jmən	kərd-in /-ja-jn	kərd-ən /-ja-n
۲	kərd-əm	kərd-ɪ /-ɪt /-ɪtən	kərd-ø	kərd-ɪm /-ɪmən	kərd-in	kərd-ən
۳	də-kərd-əm	də-kərd-ɪ /-ɪt	də-kərd-ø	də-kərd-ɪm /-ɪmən	də-kərd-ən	də-kərd-ən
۴	də-kərd-əm	də-kərd-ɪd	də-kərd-ø	də-kərd-ɪmən	də-kərd-ən	də-kərd-ən
۵	də-kərd-əm	də-kərd-ɪ /-ɪd /-ɪt	də-kərd-ø	də-kərd-ɪm /-ɪmən	də-kərd-in /-ən	də-kərd-ən
۶	?æ-kərd-əm	?æ-kərd-ɪd	?æ-kərd-ø	?æ-kərd-ɪm /-ɪmən /-ɪn	?æ-kərd-in /-ən	?æ-kərd-ən
۷	?æ-kərd-əm	?æ-kərd-ɪ /-ɪt /-ɛd	?æ-kərd-ø	?æ-kərd-ɪm /-ɪmən	?æ-kərd-ən	?æ-kərd-ən
۸	mæ-kərd-əm	Mæ-kərd-ɪ	mæ-kərd-ø	mæ-kərd-ɪm /-ɪmən	mæ-kərd-in	mæ-kərd-ən

صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: کردم/ کردیام، کردی/ کردید/ کردیدن/ کردیای/ کردیاید/ کردیایدن، کرد/ کردیا/ کردیاد/ کردیادن، کردیم/ کردیمن/ کردیایم/ کردیایمن، کردین/ کردیاین، کردن/ کردیان

حوزه ۲: کردم، کردی/ کردیت/ کردیتن، کرد، کردیم/ کردیمن، کردین، کردن
حوزه ۳: دکردم، دکردی/ دکردیت، دکرد، دکردیم/ دکردیمن، دکردن، دکردن
حوزه ۴: دکردم، دکردید، دکرد، دکردیمان، دکردن، دکردن

حوزه ۵: دکردم، دکردی/ دکرديد/ دکردیت، دکرد، دکرديم/ دکرديمن، دکردین/ دکردن، دکردن

حوزه ۶: ئه کردم، ئه کردید، ئه کرد، ئه کردیم/ ئه کردیمن/ ئه کردین، ئه کردین/ ئه کردن، ئه کردن

حوزه ۷: ئه کردم، ئه کردی/ ئه کردیت/ ئه کردد، ئه کرد، ئه کردیم/ ئه کردیمن، ئه کردن، ئه کردن

حوزه ۸: مه کردم، مه کردی، مه کرد، مه کردیم/ مه کردیمن، مه کردین، مه کردن
در زمان گذشته استمراری، برای وند استمراری چندین تنوع وجود دارد. در برخی از مناطق همچون بخشی از منطقه یک و دو، از همان ساختار گذشته ساده استفاده شده و از طریق بافت جمله به استمراری بودن زمان فعل پی می‌بریم. در بخشی دیگر از منطقه یک، وند /-ja-/ در بین بن فعلی و شناسه شخص و شمار قرار گرفته و استمراری بودن زمان فعل را نشان می‌دهد. در مناطق سه، چهار و پنج، وند /də-/، در مناطق شش و هفت وند /ʔæ-/ و در منطقه هشت وند /mæ-/ در ابتدا آمده و نشان‌دهنده استمراری بودن زمان فعل هستند. نداشتن وند برای نشان دادن استمراری بودن زمان فعل، نمی‌تواند مورد مناسبی برای نوع معیار در ساخت زمان گذشته استمراری باشد، زیرا در این صورت دو زمان گذشته ساده و گذشته استمراری دارای ساخت مشابه خواهند بود. از میان پیشوندهای موجود نیز، وند /mæ-/ دارای کمترین بسامد وقوع است. حوزه‌های شش و هفت نیز تحت تاثیر شاخه سورانی قرار گرفته‌اند و در این گویش نیز امروزه در گونه نوشتاری معیار بیشتر از وند /dæ-/ استفاده می‌شود. از میان وندهای موجود، وند میانجی /-ja-/ و پیشوند /də-/ بیشترین بسامد وقوع را دارا می‌باشند و از آنجایی که هم در ایلام و هم در بیجار پیشوند /də-/ کاربرد دارد و این پیشوند در شاخه شمالی زبان کوردی نیز استفاده می‌شود و در شاخه میانی زبان کوردی نیز از پیشوند /dæ-/ استفاده می‌شود، این گونه برای قرار گرفتن در ساخت معیار نوشتار مناسب به نظر رسیده و به جهت همگرایی با دیگر شاخه‌های زبان کوردی، استفاده از پیشوند /də-/ می‌تواند بهترین گزینه موجود

باشد. در صورتی که عموم گویشوران نگرش مثبتی نسبت به این پیشوند نداشته باشند، گزینه پیشنهادی بعدی برای وند استمراری، /-ja-/ است.

د- صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته کامل»

جدول ۴-۲: صرف مصدر /kərdən/ در زمان «گذشته کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	kərd-ü-m -ε-bü-m	kərd-ü-d /-dən /-ε-bü-d	kərd-ü-ø /-d /-dən /-ε-bü-ø	kərd-ü-mən /-ε-bü-mən	kərd-ü-n /-ε-bü-n	kərd-ü-n /-ε-bü-n
۲	kərd-ü-m	kərd-ü-t /-tən	kərd-ü-ø	kərd-ü-mən	kərd-ü-n	kərd-ü-n
۳	kərd-ü-m	kərd-ü-t	kərd-ü-ø /-g	kərd-ü-mən	kərd-ü-n	kərd-ü-n
۴	kərd-ü-m	kərd-ü-d	kərd-ü-ø	kərd-ü-man	kərd-ü-n	kərd-ü-n
۵	kərd-ü-m	kərd-ü-d /-t	kərd-ü-ø	kərd-ü-mən	kərd-ü-n	kərd-ü-n
۶	kərd-ü-m	kərd-ü-d	kərd-ü-ø	kərd-ü- mən /-n	kərd-ü-n	kərd-ü-n
۷	kərd-ü-m	kərd-ü-d /t	kərd-ü-ø	kərd-ü-mən	kərd-ü-n	kərd-ü-n
۸	kərd-ü-m	kərd-ü-d	kərd-ü-ø	kərd-ü-mən	kərd-ü-n	kərd-ü-n

صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: کردۆم/ کردبۆم، کردۆد/ کردۆدن/ کردبۆد، کردۆ/ کردۆد/ کردۆدن/ کردبۆ،

کردۆمن/ کردبۆمن، کردۆن/ کردبۆن، کردۆن/ کردبۆن

حوزه ۲: کردۆم، کردۆت/ کردۆتن، کردۆ، کردۆمن، کردۆن، کردۆن

حوزه ۳: کردۆم، کردۆت، کردۆ/ کردۆگ، کردۆمن، کردۆن، کردۆن

حوزه ۴: کردۆم، کردۆد، کردۆ، کردۆمان، کردۆن، کردۆن

حوزه ۵: کردۆم، کردۆد/ کردۆت، کردۆ، کردۆمن، کردۆن، کردۆن

حوزه ۶: کردۆم، کردۆد، کردۆ، کردۆمن/ کردۆن، کردۆن، کردۆن

حوزه ۷: کردۆم، کردۆد/ کردۆت، کردۆ، کردۆمن، کردۆن، کردۆن

حوزه ۸: کردۆم، کردۆد، کردۆ، کردۆمن، کردۆن، کردۆن

در رابطه با فعل کمکی «بودن» در ساخت گذشته کامل، می توان صورت زیرساختی را /bü/ در نظر گرفت که به نظر می رسد نوعی از قاعده تضعیف به آن اعمال می شود که در آن همخوان /b/ به طور کامل حذف می شود (حالتی از تضعیف، به حذف کامل عنصر آوایی منجر می شود).

(1) Underlying representation:
Rule 1: Lenition (full deletion):

bü

øü



زمان گذشته کامل به صورت بن فعلی به علاوه فعل کمکی بودن به علاوه شناسه شخص و شمار به دست می آید. در شاخه شمالی زبان کوردی (کرمانجی)، افعال در زمان گذشته کامل به صورت بن فعلی به علاوه فعل کمکی بودن ساخته می شوند و /b/ موجود در زیرساخت، در روساخت نیز ظاهر می شود و در گفتار و نوشتار به یک صورت است. در شاخه میانی زبان کوردی (سورانی)، در گفتار، زمان گذشته کامل به دو صورت استفاده می شود. در بخش شمالی شاخه میانی زبان کوردی، مانند لهجه های مکرانی و هولیری و ... که به کوردی شمالی نزدیکتر هستند، این زمان به صورت بن فعلی به علاوه فعل کمکی بودن به علاوه شخص و شمار ساخته می شود و /b/ در گفتار نیز به کار می رود، اما در بخش جنوبی شاخه میانی زبان کوردی، مانند اردلانی و جافی، /b/ در فعل کمکی بودن حذف می شود، در گفتار بکار نرفته و تنها در نوشتار حفظ شده است و صورت زیرساختی در نوشتار به کار می رود. در شاخه جنوبی زبان کوردی (کلهری)، /b/ در فعل کمکی بودن حذف شده است و تنها در مناطقی همچون بخشی از خانقین، بخشی از قروه و بخش هایی از کوردهای فیلی ساکن بغداد، همچنان در گفتار از صورت زیرساختی استفاده شده و فعل کمکی بودن به صورت کامل صرف شده و گفته می شود و در دیگر بخش های این شاخه از زبان کوردی، /b/ در گفتار و نوشتار حذف شده است. در صرف افعال در این زمان، با

توجه به اینکه خانقین، قروه و بخش‌هایی که صورت زیرساختی را حفظ کرده‌اند نیز در حوزه یک قرار گرفته‌اند، از نوشتن صورت زیرساختی در جدول صرف‌نظر شده و در اینجا اشاره می‌شود که بخشی از گویشوران این شهرها صورت زیرساختی را حفظ کرده‌اند. باتوجه به دیگر شاخه‌های زبان کوردی و بخش‌هایی از شاخه کوردی جنوبی که ذکر شد و همچنین قواعد واج‌شناسی که بیشتر تحلیل شد، می‌توان نتیجه گرفت که زمان گذشته کامل در شاخه کوردی جنوبی از قاعده بن فعلی به علاوه فعل کمکی بودن به علاوه شناسه شخص و شمار به دست می‌آید که در طول زمان /b/ در فعل کمکی بودن دچار تضعیف و حذف شده است. برای کمک به فهم متقابل شاخه‌های زبان کوردی و همچنین در دست داشتن ساختاری قاعده‌مند برای آموزش این گونه زبانی، در قاعده معیار نوشتاری برای ساخت زمان گذشته کامل از صورت کامل و زیرساختی فعل کمکی بودن استفاده کرده و در نوشتار، همچون دیگر شاخه‌های زبان کوردی که اگرچه این ساختار را به صورت زیرساختی و یا با اعمال قاعده‌های تضعیف و حذف در گفتار به کار می‌برند، در نوشتار صورت زیرساختی آن را می‌نویسند، پیشنهاد می‌شود در شاخه جنوبی نیز ما از همین شیوه بهره برده و صورت زیرساختی را معیار گونه نوشتاری قرار دهیم.

ه- صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته التزامی»

جدول ۵-۲: صرف مصدر /kərdən/ در زمان «گذشته التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-kərd-a-m	bə-kərd-a-j /-jd /-jdən	bə-kərd-a-ø /-d /-dən	bə-kərd-a-jm /-jmən	bə-kərd-a-jn	bə-kərd-a-n
۲	bə-kərd-a-m	bə-kərd-a-j /-jt /-jtən	bə-kərd-a-ø /-t /-tən	bə-kərd-a-jm /-jmən	bə-kərd-a-jn	bə-kərd-a-n
۳	bə-kərd-a-m	bə-kərd-a-j /-jt	bə-kərd-a-ø /-g	bə-kərd-a-jm /-jmən	bə-kərd-a-jn	bə-kərd-a-n
۴	b- kerd -a-m	b- kerd -a-jd	b- kerd -a-ø	b- kerd -a-jman	b- kerd -a-n	b- kerd -a-n
۵	bə-kərd-a-m	bə-kərd-a-j /-jd /-jt	bə-kərd-a-ø /-d /-t	bə-kərd-a-jm /-jmən	bə-kərd-a-jn /-n	bə-kərd-a-n
۶	bə-kərd-a-m	bə-kərd-a-jd	bə-kərd-a-ø /-d	bə-kərd-a- jm /-jmən /-jn	bə-kərd-a-jn /-n	bə-kərd-a-n
۷	bə-kərd-a-m	bə-kərd-a-j /-jd /-jt	bə-kərd-a-ø	bə-kərd-a-jm /-jmən	bə-kərd-a-n	bə-kərd-a-n
۸	bu-kərd-a-m	bu-kərd-a-jd	bu-kərd-a-ø /-d	bu-kərd-a-jm /-jmən	bu-kərd-a-jn	bu-kərd-a-n

صرف مصدر «کردن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بکردام، بکردای/ بکرداید/ بکردایدن، بکردا/ بکرداد/ بکردادن، بکردایم/

بکردایمن، بکرداین، بکردان

حوزه ۲: بکردام، بکردای/ بکردایت، بکردایتتن، بکردا/ بکردات/ بکرداتن، بکردایم/

بکردایمن، بکرداین، بکردان

حوزه ۳: بکردام، بکردای/ بکردایت، بکردا/ بکرداگ، بکردایم/ بکردایمن، بکرداین،

بکردان

حوزه ۴: بکردام، بکرداید، بکردا، بکردایمان، بکردان، بکردان

حوزه ۵: بکردام، بکردای/ بکرداید/ بکردایت، بکردا/ بکرداد/ بکردات، بکردایم/
بکردایمن، بکرداین/ بکردان، بکردان
حوزه ۶: بکردام، بکرداید، بکردا/ بکرداد، بکردایم/ بکردایمن/ بکرداین، بکرداین/
بکردان، بکردان
حوزه ۷: بکردام، بکردای/ بکرداید/ بکردایت، بکردا، بکردایم/ بکردایمن، بکردان،
بکردان

حوزه ۸: بکردام، بکرداید، بکردا/ بکرداد، بکردایم/ بکردایمن، بکرداین، بکردان
همانطور که از جدول پیداست، قاعده ساخت زمان گذشته التزامی در همه مناطق به
یک صورت است. زمان گذشته التزامی از پیشوند /ba-/ به علاوه بن فعلی به علاوه
واکه -a- به علاوه شناسه‌های شخص و شمار ساخته می‌شود. در رابطه با تنوع در
شناسه‌های شخص و شمار و انتخاب و پیشنهاد گونه معیار در نوشتار، پیشتر بحث
شد.

و- صرف مصدر «کردن» در زمان «حال اخباری»

جدول ۶-۲: صرف مصدر /kærdən/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	kæ-m	kæ-j /-jd /-jdən	kæ-d /-j /-jd /-j /-jd /-jdən	kæ-jm /-jmən	kæ-jn	kæ-n
۲	kæ-m	kæ-j /-jt /-jtən	kæ-j /-jt /-jtən	kæ-jm /-jmən	kæ-jn	kæ-n
۳	kæ-m kær-əm	kæ-j /-jt kær-ı /-ıt	kæ-j /-jg kær-e /-eg	kæ-jm /-jmən kær-ım /-ımən	kæ-n kær-ən	kæ-n kær-ən
۴	də-kæ-m	də-kæ-jd	də-kæ-j	də-kæ-jman	də-kæ-n	də-kə-n
۵	kær-əm	kær-ı /-ıd /-ıt	kær-e /-ed /-et	kær-ım /-ımən	kær-ın /-ən	kær-ən
۶	?æ-kæ-m	?æ-kæ-jd	?æ-kæ-j	?æ-kæ-jm /-jmən /-jn	?æ-kæ-jn /-n	?æ-kæ-n
۷	?æ-kæ-m	?æ-kæ-j /-jt /-jd	?æ-kæ-j /-jt /-jd	?æ-kæ-jm /-jmən	?æ-kæ-n	?æ-kæ-n
۸	mæ-kæ-m	mæ-kæ-jd	mæ-kæ-j	mæ-kæ-jm /-jmən	mæ-kæ-jn	mæ-kæ-n

صرف مصدر «کردن» در زمان «حال اخباری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: کهم، کهی/ کهید/ کهیدن، کهد/ کهی/ کهید/ کهی/ کهید/ کهیدن، کهیم/ کهیمین، کهین، کهن

حوزه ۲: کهم، کهی/ کهیت/ کهیتن، کهی/ کهیت/ کهیتن، کهیم/ کهیمین، کهین، کهن

حوزه ۳: کهم/ کهرم، کهی/ کهیت/ کهری/ کهریت، کهی/ کهیگ/ کهری/ کهریگ، کهیم/ کهیمین/ کهریم/ کهریمین، کهن/ کهرن، کهن/ کهرن

حوزه ۴: دکهم، دکهید، دکهی، دکهیمان، دکهن، دکهن
 حوزه ۵: کهرم، کهری/ کهرید/ کهریت، کهری/ کهرید/ کهریت، کهریم/ کهریمن،
 کهرین/ کهرن، کهرن
 حوزه ۶: ئەکەم، ئەکەید، ئەکەئ، ئەکەیم/ ئەکەیمن/ ئەکەین، ئەکەین/ ئەکەن،
 ئەکەن
 حوزه ۷: ئەکەم، ئەکەئ/ ئەکەیت/ ئەکەید، ئەکەئ/ ئەکەیت/ ئەکەید، ئەکەیم/ ئەکەیمن، ئەکەن، ئەکەن
 حوزه ۸: مەکەم، مەکەید، مەکەئ، مەکەیم/ مەکەیمن، مەکەین، مەکەن

در ساخت زمان حال اخباری شاهد تنوعاتی در مناطق مختلف هستیم که به بحث درمورد آن‌ها می‌پردازیم. پیش از هرچیز لازم به ذکر است که با توجه به بسامد بالای بن فعلی /kæ/، این مورد را به عنوان گونه معیار در آموزش و نوشتار بن فعلی کردن در زمان حال در نظر می‌گیریم. در شاخه میانی زبان کوردی نیز بن فعلی زمان حال برای فعل کردن /kæ/ است. در رابطه با پیشوند استمراری در زمان حال اخباری، همانطور که از جدول پیداست، در مناطق یک، دو، سه، بخشی از چهار و پنج از وند استمراری استفاده نمی‌شود و در دیگر مناطق از وندهای /dæ-/، /pæ-/ و /mæ-/ استفاده می‌شود. عدم استفاده از وند استمراری در زمان حال اخباری، بیشترین توزیع و بسامد را داراست و از آنجایی که در زمان حال، همچون زمان گذشته، با مشکل عدم تشخیص دو زمان متفاوت به واسطه استفاده نکردن از وند استمراری مواجه نیستیم، می‌توان در گونه نوشتاری معیار برای ساخت زمان حال اخباری از هیچکدام از وندهای موجود استفاده نکرد. حال اگر بخواهیم وندی را برای نشان دادن استمراری بودن زمان نشان دهیم، می‌توان از پیشوند /dæ-/ استفاده کرد. استفاده از این پیشوند از آنجایی بهترین گزینه است که در زمان گذشته استمراری نیز از آن بحث کردیم و آن را گزینه مناسبی برای نشان دادن وند استمراری دانستیم و وند

استمراری در زمان‌های گذشته و حال، باید یکسان باشد تا شاهد استثنا در قواعد نبوده و آموزش این زبان به سمت سهولت پیش رود.

پیشتر در زمان گذشته در رابطه با شناسه‌های شخص و شمار بحث شد، در اینجا نیز شناسه‌های شخص و شمار را به ترتیب /-m/، /-jt/، /-j/، /-jmən/، /-jn/ و /-n/ در نظر می‌گیریم و به این صورت به ازای هر شخص و شمار، یک وند مشخص داریم، اما در زمان گذشته، در سوم شخص مفرد شناسه شخص و شمار تهی است، و دلیل انتخاب j- در ادامه توضیح داده می‌شود. در اینجا اگر بخواهیم برای سوم شخص مفرد صورت زیرساختی را در نظر بگیریم، بنابر فرآیند کلی‌ای که در این گونه زبانی میل تبدیل /d/ به /j/ و /j/ را دارد و در ادامه نمونه‌هایی از آن را خواهیم دید، و همچنین بسامد وقوع بالا در استفاده از /j/ در بیشتر مناطق، این شناسه شخص و شمار برای استفاده در نوشتار معیار و آموزش، پیشنهاد می‌شود.

ز- صرف مصدر «کردن» در زمان «حال التزامی»

جدول ۷-۲: صرف مصدر /kærdən/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-kæ-m	bə-kæ-j /-jd /-jdən	bə-kæ/-d /-j /-jd /-j /-jd /-jdən	bə-kæ-jm /-jmən	bə-kæ-jn	bə-kæ-n
۲	bə-kæ-m	bə-kæ-j /-jt /-jtən	bə-kæ-j /-jt /-jtən	bə-kæ-jm /-jmən	bə-kæ-jn	bə-kæ-n
۳	bə-kæ-m	bə-kæ-j /-jt	bə-kæ-j /-jg	bə-kæ-jm /-jmən	bə-kæ-n	bə-kæ-n
۴	bə-kæ-m	bə-kæ-jd	bə-kæ-j	bə-kæ-jman	bə-kæ-n	bə-kæ-n
۵	bə-kær-əm	bə-kær-ı /-ıd /-ıt	bə-kær-e /-ed /-et	bə-kær-im /-ımən	bə-kær-in /-ən	bə-kær-ən
۶	bə-kæ-m	bə-kæ-jd	bə-kæ-j	bə-kæ-jm /-jmən /-jn	bə-kæ-jn /-n	bə-kæ-n
۷	bə-kæ-m	bə-kæ-j /-jt /-jd	bə-kæ-j /-jt /-jd	bə-kæ-jm /-jmən	bə-kæ-n	bə-kæ-n
۸	bə-kæ-m	bə-kæ-jd	bə-kæ-j /-jd	bə-kæ-jm /-jmən	bə-kæ-jn	bə-kæ-n

صرف مصدر «کردن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بکه‌م، بکه‌ی/ بکه‌ید/ بکه‌یدن، بکه‌د/ بکه‌ی/ بکه‌ید/ بکه‌ئ/ بکه‌ئد/

بکه‌ئدن، بکه‌یم/ بکه‌یمن، بکه‌ین، بکه‌ن

حوزه ۲: بکه‌م، بکه‌ی/ بکه‌یت/ بکه‌یتن، بکه‌ئ/ بکه‌ئیت/ بکه‌ئیتن، بکه‌یم/ بکه‌یمن،

بکه‌ین، بکه‌ن

حوزه ۳: بکه‌م، بکه‌ی/ بکه‌یت، بکه‌ئ/ بکه‌ئگ، بکه‌یم/ بکه‌یمن، بکه‌ن، بکه‌ن

حوزه ۴: بکه‌م، بکه‌ید، بکه‌ی، بکه‌یمان، بکه‌ن، بکه‌ن

حوزه ۵: بکه‌رم، بکه‌ری/ بکه‌رید/ بکه‌ریت، بکه‌ری/ بکه‌رید/ بکه‌ریت، بکه‌ریم/ بکه‌ریمن، بکه‌رین/ بکه‌رن، بکه‌رن

حوزه ۶: بکه‌م، بکه‌ید، بکه‌ی، بکه‌یم/ بکه‌یمن/ بکه‌ین، بکه‌ین/ بکه‌ن، بکه‌ن

حوزه ۷: بکه‌م، بکه‌ی/ بکه‌یت/ بکه‌ید، بکه‌ی/ بکه‌یت/ بکه‌ید، بکه‌یم/ بکه‌یمن، بکه‌ن، بکه‌ن

حوزه ۸: مه‌که‌م، مه‌که‌ید، مه‌که‌ی، مه‌که‌یم/ مه‌که‌یمن، مه‌که‌ین، مه‌که‌ن
ساختار زمان حال التزامی به صوت کلی در همهٔ مناطق یکسان است و تفاوت‌ها به بن فعلی در منطقهٔ پنج و شناسه‌های شخص و شمار برمی‌گردد که در زمان حال اخباری در مورد آن‌ها بحث شد. در نتیجه قاعدهٔ ساخت زمان حال التزامی به صورت پیشوند /ba-/ به علاوهٔ بن فعلی زمان حال انتخاب شده، به علاوهٔ شناسه‌های شخص و شمار معیار به دست می‌آید.

۲-۳-۲- صرف مصدر «دادن» در کوردی جنوبی

دومین فعل پربسامد در پیکرهٔ به دست آمده از داده‌ها، تصریف فعل «دادن» است که در جدول‌های ۱-۲ تا ۲-۷ تنوع‌های صرف آن را در حوزه، زمان، شخص و شمارهای گوناگون می‌بینید. در زمان‌های گذشته ساده، حال کامل و گذشته کامل بن فعلی در تمامی حوزه‌ها به صورت /da/ است و در واقع /da/ صورت زیرساختی بن فعلی گذشته در مصدر دادن است که می‌توان تناوب‌های دیگر آن را توجیه کرد و قاعده‌های اعمال شده را بازشناخت. در گذشتهٔ استمراری با اضافه شدن وند نشان‌دهندهٔ استمرار در بخش‌هایی از حوزهٔ شماره ۱ و حوزه‌های شماره ۳ و ۸، بن فعلی دستخوش تغییر می‌شود که قاعده‌های آن در ادامه ارائه می‌شود.

الف- صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته ساده»

جدول ۸-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «گذشته ساده»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	da-m	da-j /-jd /-jdən	da-ø /-d /-dən	da-jm /-jmən	da-jn	da-n
۲	da-m	da-j /-jt /-jtən	da-ø	da-jm /-jmən	da-jn	da-n
۳	da-m	da-j /-jt	da-ø	da-jm /-jmən	da-n	da-n
۴	da-m	da-jd	da-ø	da-jman	da-n	da-n
۵	da-m	da-j /-jd /-jt	da-ø	da-jm /-jmən	da-jn /-n	da-n
۶	da-m	da-jd	da-ø	da-jm /-jmən /-jn	da-jn /-n	da-n
۷	da-m	da-j /-jt	da-ø	da-jm /-jmən	da-n	da-n
۸	da-m	da-jd	da-ø	da-jm /-jmən	da-jn	da-n

صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: دام، دای/ داید/ دایدن، دا/ داد/ دادن، دایم/ دایمن، داین، دان

حوزه ۲: دام، دای/ دایت/ دایتن، دا، دایم/ دایمن، داین، دان

حوزه ۳: دام، دای/ دایت، دا، دایم/ دایمن، دان، دان

حوزه ۴: دام، داید، دا، دایمان، دان، دان

حوزه ۵: دام، دای/ داید/ دایت، دا، دایم/ دایمن، داین/ دان، دان

حوزه ۶: دام، داید، دا، دایم/ دایمن/ داین، داین/ دان، دان

حوزه ۷: دام، دای/ دایت، دا، دایم/ دایمن، دان، دان

حوزه ۸: دام، داید، دا، دایم/ دایمن، داین، دان

همان‌طور که مشخص است، بن فعلی در فعل «دادن» و زمان گذشته ساده، در تمامی مناطق /da/ است و در رابطه با شناسه‌های شخص و شمار نیز از همان تحلیل‌های مربوط به شناسه شخص و شمار در فعل کردن بهره می‌گیریم، با این تفاوت که در این فعل، بن فعلی به حرف واکه ختم می‌شود و به همین دلیل شناسه‌ها در آوانویسی متفاوت هستند.

در فعل «دادن»، زیرساخت بن گذشته /da/ است که با توجه به پایان یافتن بن فعلی به یک واکه، پس از افزوده شدن شناسه‌های فعلی‌ای که با واکه آغاز می‌شوند (برای مثال، دوم شخص مفرد)، و برای جلوگیری از التقای واکه‌ای، واکه افراشته i در شناسه‌های فعلی به همخوان غلت متناظر خود (j) تبدیل می‌شود. این فرایند در مورد وندافزایی شناسه دوم شخص مفرد در بازنمایی زیر نمایان است.

(1) Underlying representation:	da-i/-id/-idən	↓
Rule 1: Glide formation:	da-j/-jd/-jdən	

همین فرایند غلت‌سازی در مورد برخی شناسه‌های فعلی در زمان حال کامل و گذشته استمراری نیز دیده می‌شود، که به دلیل آغاز شدن شناسه فعلی با واکه در زیرساخت و برای جلوگیری از التقای واکه‌ای اتفاق می‌افتد.

در اول شخص مفرد همان‌طور که مشاهده می‌شود، شناسه شخص و شمار در تمامی مناطق m است. در دوم شخص مفرد، همان‌طور که در تحلیل مربوط به صرف فعل در مصدر کردن اشاره شد، به دلیل همگرایی با دیگر شاخه‌های زبان کوردی، از میان تنوعات موجود، /-jt/ را انتخاب می‌کنیم. در سوم شخص مفرد نیز، شناسه شخص و شمار تهی است. در اول شخص مفرد با توجه به تحلیل‌های مربوط به صرف فعل در مصدر کردن و با در نظر گرفتن ختم شدن بن فعلی در فعل دادن به واکه، /-jmən/ را انتخاب کرده، در دوم شخص جمع /-jn/ و در سوم شخص جمع /-n/ را از میان تنوعات موجود انتخاب می‌کنیم.

ب- صرف مصدر «دادن» در زمان «حال کامل»

جدول ۹-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «حال کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	da-m-æ	da-jd-æ /-jdən-æ	da-j-æ /-j-æ	da-jm-æ /-jmən-æ	da-jn-æ	da-n-æ
۲	da-m-æ	da-jt-æ /-jtən-æ	da-g-æ /-g-æs /-g-æ-sən	da-jm-æ /-jmən-æ	da-jn-æ	da-n-æ
۳	da-m-æ	da-jt-æ	da-g-æ	da-jm-æ /-jmən-æ	da-n-æ	da-n-æ
۴	da-gəm	da-gɪd	da-j-æ	da-gɪman /-gɪn	da-gən	da-gən
۵	da-m-æ	da-jd-æ /-jt-æ	da-g-æ	da-jm-æ /-jmən-æ	da-jn-æ / n-æ	da-n-æ
۶	da-m-æ	da-jd-æ	da-j-æ	da- jm-æ /-jmən-æ /-jn-æ	da- jn-æ /-n-æ	da-n-æ
۷	da-m-æ	da-jd-æ /-jt-æ	da-g-æ	da-jm-æ /-jmən-æ	da-n-æ	da-n-æ
۸	da-m-æ	da-jd-æ	da-j-æ	da-jm-æ /-jmən-æ	da-jn-æ	da-n-æ

صرف مخدر «دادن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: دامه، دایده/ دایدنه، دایه/ دایمه، دایمه، داینه، دانه

حوزه ۲: دامه، دایته/ دایتنه، داگه/ داگهس/ داگهسن، دایمه/ دایمنه، داینه، دانه

حوزه ۳: دامه، دایته، داگه، دایمه/ دایمنه، دانه، دانه

حوزه ۴: داگم، داگید، دایه، داگیمان/ داگین، داگن، داگن

حوزه ۵: دامه، دایده/ دایته، داگه، دایمه/ دایمنه، داینه/ دانه، دانه

حوزه ۶: دامه، دایده، دایه، دایمه/ دایمنه/ داینه، داینه/ دانه، دانه

حوزه ۷: دامه، دایده/ دایته، داگه، دایمه/ دایمنه، دانه، دانه

حوزه ۸: دامه، دایده، دایه، دایمه/ دایمنه، داینه، دانه

زمان حال کامل، از گذشته ساده به علاوه /-æ/ به دست می‌آید و در سوم شخص مفرد که در گذشته ساده، شناسه شخص و شمار آن تهی است، به وند میانجی نیاز است و همانطور که پیشتر مشخص شد، /-z/ را انتخاب می‌کنیم.

ج- صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته استمراری»

جدول ۱۰-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «گذشته استمراری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	da-m dɪ-ja-m	da-j /-jd /-jdən dɪ-ja-j /-jd /-jdən	da-ø /-d /-dən dɪ-ja-ø /--d /-dən	da-jm /-jmən dɪ-ja-jm /-jmən	da-jn dɪ-ja-jn	da-n dɪ-ja-n
۲	da-m	da-j /-jt /-jtən	da-ø	da-jm /-jmən	da-jn	da-n
۳	dɪ-ja-m	dɪ-ja-j /-jd /-jt	dɪ-ja-ø	dɪ-ja-jm /-jmən	dɪ-ja-n	dɪ-ja-n
۴	də-da-m	də-da-jd	də-da-ø	də-da-jman	də-da-n	də-da-n
۵	də-da-m	də-da-j /-jd /-jt	də-da-ø	də-da-jm /-jmən	də-da-jn /-n	də-da-n
۶	?æ-da-m	?æ-da-jd	?æ-da-ø	?æ-da-jm /-jmən /-jn	?æ-da-jn /-n	?æ-da-n
۷	?æ-da-m	?æ-da-j /-jd /-jt	?æ-da-ø	?æ-da-jm /-jmən	?æ-da-n	?æ-da-n
۸	mæ-ja-m	mæ-ja-jd	mæ-ja-ø	mæ-ja-jm /-jmən	mæ-ja-jn	mæ-ja-n

صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: دام/ دایم، دای/ داید/ دایدن/ دیای/ دیاید/ دیایدن، دا/ داد/ دادن/ دیا/

دیاد/ دیادن، دایم/ دایمن/ دیایم/ دیایمن، داین/ دیاین، دان/ دیان

حوزه ۲: دام، دای/ دایت/ دایتن، دا، دایم/ دایمن، داین، دان

حوزه ۳: دیام، دیای/ دیاید/ دیایت، دیا، دیایم/ دیایمن، دیان، دیان

حوزه ۴: ددام، دداید، ددا، ددایمان، ددان، ددان

حوزه ۵: ددام، ددای/ دداید/ ددایت، ددا، ددایم/ ددایمن، دداین/ ددان، ددان

حوزه ۶: ئەدام، ئەداید، ئەدا، ئەدایم/ ئەدایمن/ ئەداین، ئەداین/ ئەدان، ئەدان

حوزه ۷: ئەدام، ئەدای/ ئەداید/ ئەدایت، ئەدا، ئەدایم/ ئەدایمن، ئەدان، ئەدان

حوزه ۸: مه‌یام، مه‌یاید، مه‌یا، مه‌یایم/ مه‌یایمن، مه‌یاین، مه‌یان

در زمان گذشته استمراری، همچون فعل «کردن» که پیشتر در این فصل دیدیم، شاهد تنوعاتی در وند استمراری هستیم که گفتیم با توجه به نیاز به وند استمراری برای تفکیک زمان گذشته ساده و استمراری از همدیگر و همچنین همسو با همگرایی با دیگر شاخه‌های زبان کوردی، نشانه استمراری /da-/ گزینه مناسبی است. در صرف فعل دادن در زمان گذشته استمراری، شاهد تغییراتی در بن فعلی با توجه به استمراری بودن زمان هستیم. در بخشی از منطقه یک و منطقه سه، اول شخص مفرد به صورت [dɪ-ja-m] صرف می‌شود. در اینجا با توجه به استفاده از -/ja/ به عنوان وند استمراری، بن فعلی دستخوش تغییر شده است و همچنین در منطقه هشت، با آمدن پیشوند /mæ-/ به عنوان وند استمراری، بن فعلی از /da/ به /ja/ تبدیل شده است و در واقع /da/ همان صورت زیرساختی است که قواعد واجی بر آن اعمال شده است.

به عنوان مثال، در منطقه هشت، همخوان /d/ در بن فعلی گذشته پس از افزوده شدن پیشوند استمراری /mæ/ به آن و قرار گرفتن بین دو واکه، دچار فرایند تضعیف شده و به سایشی واک‌دار /j/ تبدیل می‌شود. فرایند تضعیف بین دو واکه فرایندی شایع است و در زبان‌های دیگر نیز بسیار دیده می‌شود.

(1) Underlying representation:	mæ -da-m
Rule 1: Lenition (weakening to j):	mæ -ja-m



در مناطق چهار، پنج، شش و هفت، با وجود اضافه شدن وند استمراری، بن فعلی صورت زیرساختی خود را حفظ کرده است. و اگر بخواهیم صورت زیرساختی را مدنظر

قرار دهیم، قاعده ساخت زمان گذشته استمراری برای مصدر دادن، از /də-da/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار به دست می‌آید.

د- صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته کامل»

جدول ۱۱-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «گذشته کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	da-w-m	da-w-d /-dən	da-w-ø /-d /-dən	da-w-mən	da-w-n	da-w-n
۲	da-wi-m /-w-m	da-wi-t /-w-t	da-wi-ø /-w-ø	da-wi-mən /-w-mən	da-wi-n /-w-n	da-wi-n /-w-n
۳	da-w-m	da-w-t	da-w-ø /-g	da-w-mən	da-w-n	da-w-n
۴	da-w-m	da-w-d	da-w-ø	da-w-man	da-w-n	da-w-n
۵	da-w-m	da-w-d /-t	da-w-ø	da-w-mən	da-w-n	da-w-n
۶	da-w-m	da-w-d	da-w-ø	da-w-mən	da-w-n	da-w-n
۷	da-w-m	da-w-d /-t	da-w-ø	da-w-mən	da-w-n	da-w-n
۸	da-w-m	da-w-d	da-w-ø	da-w-mən	da-w-n	da-w-n

صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: داۆم، داۆد/ داۆدن، داۆ/ داۆد/ داۆدن، داۆمن، داۆن، داۆن

حوزه ۲: داویم/ داۆم، داویت/ داۆت، داوی/ داۆ، داویمن/ داۆمن، داوین/ داۆن، داوین/ داۆن

حوزه ۳: داۆم، داۆت، داۆ/ داۆگ، داۆمن، داۆن، داۆن

حوزه ۴: داۆم، داۆد، داۆ، داۆمان، داۆن، داۆن

حوزه ۵: داۆم، داۆد/ داۆت، داۆ، داۆمن، داۆن، داۆن

حوزه ۶: داۆم، داۆد، داۆ، داۆمن، داۆن، داۆن

حوزه ۷: داۆم، داۆد/ داۆت، داۆ، داۆمن، داۆن، داۆن

حوزه ۸: داؤم، داؤد، داؤ، داؤمن، داؤن، داؤن

در رابطه با وند گذشته کامل، صورت زیرساختی همان /bü/ است که تحت تأثیر قاعده تضعیف /b/ به /w/ تبدیل می‌شود. در مرحله دوم اشتقاق روساختی، با توجه به ویژگی گرد بودن غلت /w/، واکه پیشین /i/ بر اساس قاعده ناهمگونی ویژگی گرد بودن خود را از دست داده و به واکه معادل غیرگرد خود تبدیل می‌شود. در مرحله سوم، پیشین بودن واکه /i/ نیز در غلت /w/ ادغام شده (ادغام مشخصه‌ها) و این توالی غلت و واکه پیشین به همخوان متناظر آن /w/ تبدیل می‌شود.

(1) Underlying representation:	bü	↓
Rule 1: Lenition (weakening to w):	wü	
Rule 2: Vowel dissimilation:	wi	
Rule ۳: Feature merging:	w	

در اینجا، به دلیل پایان یافتن بن فعلی به واکه و برای جلوگیری از التقای واکه‌ای، برخلاف آنچه در مورد وندافزایی گذشته کامل در برخی افعال دیگر اتفاق می‌افتد، تضعیف کامل و حذف همخوان /b/ یا /w/ اتفاق نمی‌افتد و این وند در همه صورت‌های روساختی با همخوان آغاز می‌شود. همچنین در بخشی از حوزه شماره ۲ این فرآیند تا قاعده دوم اعمال شده‌است. پس با در نظر گرفتن /da/ به عنوان صورت زیرساختی بن فعلی گذشته و در نظر گرفتن /bü/ به عنوان وند گذشته کامل، می‌توان /da-bü/ را بعنوان صورت زیرساختی بن فعلی و وند گذشته کامل در نظر گرفت.

در رابطه با شناسه‌های شخص و شمار نیز، در اول شخص مفرد /-m/، در دوم شخص مفرد /-t/ در سوم شخص مفرد تهی، در اول شخص مفرد /-mən/ و در دوم شخص جمع و سوم شخص جمع /-n/ نشانه شخص و شمار است.

ه- صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته التزامی»

جدول ۱۲-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «گذشته التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-ja-m	bə-ja-jd /-jdən	bə-ja-ø /-ad /-adən	bə-ja-jm /-jmən	bə-ja-jn	bə-ja-n
۲	bə-ja-m	bə-ja-j /-jt /-tdən	bə-ja-ø /-t /-tən	bə-ja-jm /-jmən	bə-ja-jn	bə-ja-n
۳	bə-ja-m	bə-ja-j /-jt	bə-ja-g	bə-ja-jm /-jmən	bə-ja-n	bə-ja-n
۴	bə-ja-m	bə-ja-jd	bə-ja-ø	bə-ja-jman	bə-ja-n	bə-ja-n
۵	bə-ja-m	bə-ja-j /-jd /-jt	bə-ja-ø /-d /-t	bə-ja-jm /-jmən	bə-ja-jn /-n	bə-ja-n
۶	bə-da-m	bə-da-jd	bə-da-ø	bə-da-jm /-jmən /-jn	bə-da-jn /-n	bə-da-n
۷	bə-ja-m	bə-ja-j /-jd /-jt	bə-ja-ø	bə-ja-jm /-jmən	bə-ja-n	bə-ja-n
۸	bə-ja-m	bə-ja-jd	bə-ja-ø /-d	bə-ja-jm /-jmən	bə-ja-jn	bə-ja-n

صرف مصدر «دادن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بیام، بیاید/ بیایدن، بیا/ بیاد/ بیادن، بیایم/ بیایمن، بیاین، بیان

حوزه ۲: بیام، بیای/ بیایت/ بیایتن، بیا/ بیات/ بیاتن، بیایم/ بیایمن، بیاین، بیان

حوزه ۳: بیام، بیای/ بیایت، بیایم/ بیایمن، بیان، بیان

حوزه ۴: بیام، بیاید، بیا، بیایمان، بیان، بیان

حوزه ۵: بیام، بیای/ بیاید/ بیایت، بیا/ بیاد/ بیات، بیایم/ بیایمن، بیاین/ بیان، بیان

حوزه ۶: بدام، بداید، بدا، بدایم/ بدایمن/ بداین، بداین/ بدان، بدان

حوزه ۷: بیام، بیای/ بیاید/ بیایت، بیا، بیایم/ بیایمن، بیان، بیان

حوزه ۸: بیام، بیاید، بیا/ بیاد، بیایم/ بیایمن، بیاین، بیان

در رابطه با زمان گذشته التزامی، همخوان /d/ در بن فعلی گذشته، پس از افزوده شدن پیشوند التزامی /bə/ به آن و قرار گرفتن بین دو واکه، دچار فرایند تضعیف شده - در اینجا به صورت کامی شدگی^۱ - و به ترتیب به سایشی واکدار /j/ و غلت /j/ تبدیل می‌شود. فرایند تضعیف بین دو واکه فرایندی شایع است و در زبان‌های دیگر نیز بسیار دیده می‌شود.

(1) Underlying representation:	bə-da-m	↓
Rule 1: Lenition (weakening to j):	bə-ja-m	
Rule 2: Lenition (weakening to j):	bə-ja-m	

پس صورت زیرساختی، شامل بن فعلی و وند التزامی، در زمان گذشته التزامی -bə/da/ است که در حوزه شماره ۶ به همین صورت حفظ شده و در دیگر حوزه‌ها قواعد مذکور بر آن اعمال شده است.

نشانه‌های شخص و شمار نیز بر اساس تحلیل‌های پیشین به ترتیب -m، -jt، -∅، -jn، jmən و -n در نظر گرفته شده‌اند.

^۱. palatalization

و- صرف مصدر «دادن» در زمان «حال اخباری»

جدول ۱۳-۲: صرف مصدر /dan/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	dæ-m	dæ-j /-jd /-jdən	dæ-j /-jd /-j /-jd /-jdən	dæ-jm /-jmən	dæ-jn	dæ-n
۲	dæ-m	dæ-j /-jt /-jtən	dæ-j /-jt /-jtən	dæ-jm /-jmən	dæ-jn	dæ-n
۳	dæ-m	dæ-j /-jt	dæ-j /-jg	dæ-jm /-jmən	dæ-n	dæ-n
۴	dæ-m	dæ-jd	dæ-j	dæ-jman	dæ-n	dæ-n
۵	dæ-m	dæ-j /-jd /-jt	dæ-j /-jd /-jt	dæ-jmən	dæ-jn /-n	dæ-n
۶	?æ-jæ-m	?æ-jæ-jd	?æ-jæ-ø	?æ-jæ-jm /jmən /-jn	?æ-jæ-jn /-n	?æ-jæ-n
۷	?æ-dæ-m	?æ-dæ-j /-jt /-jd	?æ-dæ-j /-jt /-jd	?æ-dæ-jm /-jmən	?æ-dæ-n	?æ-dæ-n
۸	mæ-jæ-m	mæ-jæ-jd	mæ-jæ-j	mæ-jæ-jm /jmən	mæ-jæ-jn	mæ-jæ-n

صرف مصدر «دادن» در زمان «حال اخباری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: دەم، دەی/ دەید/ دەیدن، دەی/ دەید/ دەی/ دەید/ دەید/ دەیدن، دەیم/ دەیم،

دەین، دەن

حوزه ۲: دەم، دەی/ دەیت/ دەیتن، دەی/ دەیت/ دەیتن، دەیم/ دەیم، دەین، دەن

حوزه ۳: دەم، دەی/ دەیت، دەی/ دەیگ، دەیم/ دەیم، دەن، دەن

حوزه ۴: دەم، دەید، دەی، دەیمان، دەن، دەن

حوزه ۵: دەم، دەی/ دەید/ دەیت، دەی/ دەید/ دەیت، دەیم، دەین/ دەن، دەن

حوزه ۶: ئەبەم، ئەبەید، ئەیا، ئەبەیم/ ئەبەیم/ ئەبەین، ئەبەین/ ئەبەین، ئەبەین

حوزه ۷: ئه‌ده‌م، ئه‌ده‌ی / ئه‌ده‌یت / ئه‌ده‌ید، ئه‌ده‌ی / ئه‌ده‌یت / ئه‌ده‌ید، ئه‌ده‌یم /

ئه‌ده‌یم، ئه‌ده‌ن، ئه‌ده‌ن

حوزه ۸: مه‌یه‌م، مه‌یه‌ید، مه‌یه‌ی، مه‌یه‌یم / مه‌یه‌یم، مه‌یه‌ین، مه‌یه‌ن

همان فرایند تضعیف و کامی‌شدگی بین دو واکه که در رابطه با زمان گذشته التزامی گفته شد، در مورد زمان حال اخباری و التزامی نیز رخ می‌دهد. در این مورد، زیرساخت بن فعلی حال /dæ/ است که باز هم تحت همین فرایندها به صورت‌های روساختی متناوبی نمود آوایی می‌یابد.

(1) Underlying representation:	mæ -dæ-m	↓
Rule 1: Lenition (weakening to j):	mæ -jæ-m	
Rule 2: Lenition (weakening to j):	mæ -jæ-m	

تنوع دیگری نیز به صورت بن فعلی /dɛ/ در منطقه پنج مشاهده می‌کنید که بسامد کمی دارد و آن هم صورتی روساختی از /dæ/ است. به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مصدر دادن، صورت زیرساختی بن فعلی گذشته /da/ و صورت زیرساختی بن حال /dæ/ است.

ز- صرف مصدر «دادن» در زمان «حال التزامی»

زمان حال التزامی نیز در گونه نوشتاری معیار، از /bə/ به علاوه صورت زیرساختی بن فعلی به علاوه شناسه‌های شخص و شمار معیار ساخته می‌شود.

جدول ۲-۱۴: صرف مخدر /dan/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-jæ-m	bə-jæ-j /-jd /-jdən	bə-jæ-j /-jd /-j /-jd /-jdən	bə-jæ-jm /-jmən	bə-jæ-jn	bə-jæ-n
۲	bə-jæ-m	bə-jæ-j /-jt /-jtən	bə-jæ-j /-jt /-jtən	bə-jæ-jm /-jmən	bə-jæ-jn	bə-jæ-n
۳	bə-jæ-m	bə-jæ-j /-jt	bə-jæ-j /-jg	bə-jæ-jm /-jmən	bə-jæ-n	bə-jæ-n
۴	bə-dæ-m	bə-dæ-jd	bə-dæ-j	bə-dæ-jman	bə-dæ-n	bə-dæ-n
۵	bæ-m	bæ-jt /-jd	bæ-j /-jd /-jt	bæ-jm /-jmən	bæ-jn /-n	bæ-n
۶	bə-jæ-m	bə-jæ-jd	bə-jæ-j	bə-jæ-jm /-jmən -jn/	bə-jæ-jn /-n	bə-jæ-m
۷	bə-jæ-m	bə-jæ-j /-jt /-jd	bə-jæ-j /-jt	bə-jæ-jm /-jmən	bə-jæ-n	bə-jæ-n
۸	bə-jæ-m	bə-jæ-jd	bə-jæ-j /-jd	bə-jæ-jm /-jmən	bə-jæ-jn	bə-jæ-n

صرف مصدر «دادن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بیه‌م، بیه‌ی/ بیه‌ید/ بیه‌یدن، بیه‌ئ/ بیه‌ئد/ بیه‌ئدن، بیه‌یم/ بیه‌یمن، بیه‌ین، بیه‌ن

حوزه ۲: بیه‌م، بیه‌ی/ بیه‌یت/ بیه‌یتن، بیه‌ئ/ بیه‌ئت/ بیه‌ئتن، بیه‌یم/ بیه‌یمن، بیه‌ین، بیه‌ن

حوزه ۳: بیه‌م، بیه‌ی/ بیه‌یت، بیه‌ئ/ بیه‌یگ، بیه‌یم/ بیه‌یمن، بیه‌ن، بیه‌ن

حوزه ۴: بده‌م، بده‌ید، بده‌ی، بده‌یمان، بده‌ن، بده‌ن

- حوزه ۵: بهم، بهیت/ بهید، بهی/ بهید/ بهیت، بهیم/ بهیم، بهین/ بهن، بهن
- حوزه ۶: بیهم، بیهید، بیهی، بیهم/ بیهمین/ بیهین، بیین/ بیهن، بیهن
- حوزه ۷: بیهم، بیهی/ بیهیت/ بیهید، بیهی/ بیهیت، بیهم/ بیهمین، بیهن، بیهن
- حوزه ۸: بیهم، بیهید، بیهی/ بیهید، بیهم/ بیهمین، بیهن، بیهن

۲-۳-۳- صرف مصدر «دیدن» در کوردی جنوبی

مورد دیگری که در ادامه بررسی می‌شود، مصدر دیدن است که صرف آن را در زمان، شخص و شمارهای گوناگون در جدول‌های ۱-۳ تا ۷-۳ می‌بینیم. در رابطه با مصدر دیدن، زیرساخت بن گذشته /di/ است که تقریباً در همه مناطق در زمان‌های گذشته ساده، نقلی و استمراری به همین شکل نمود آوایی می‌یابد.

الف- صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته ساده»

جدول ۲-۱۵: صرف مصدر /diʒən/ در زمان «گذشته ساده»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	di-m	di-d/ -dæn	di-ø	di-mæn	di-n	di-n
۲	di-m	di-t/ -tæn	di-ø	di-mæn	di-n	di-n
۳	di-m	di-t	di-ø	di-mæn	di-n	di-n
۴	di-m	di-d	di-ø	di-man	di-n	di-n
۵	di-m	di-d/ -t	di-ø	di-mæn	di-n	di-n
۶	di-m	di-d	di-ø	di-mæn /-n	di-n	di-n
۷	di-m	di-t/ -d	di-ø	di-mæn	di-n	di-n
۸	di-m	di-d	di-ø	di-mæn	di-n	di-n

صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

- حوزه ۱: دیم، دید/ دیدن، دی، دیمن، دین، دین
 حوزه ۲: دیم، دیت/ دیتن، دی، دیمن، دین، دین
 حوزه ۳: دیم، دیت، دی، دیمن، دین، دین
 حوزه ۴: دیم، دید، دی، دیمان، دین، دین
 حوزه ۵: دیم، دید/ دیت، دی، دیمن، دین، دین
 حوزه ۶: دیم، دید، دی، دیمن/ دین، دین، دین
 حوزه ۷: دیم، دیت/ دید، دی، دیمن، دین، دین
 حوزه ۸: دیم، دید، دی، دیمن، دین، دین

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، بن فعلی در تمام منطق یکسان است و نیازی به برنامه‌ریزی نیست. شناسهٔ شخص و شمار در اول شخص مفرد در تمامی مناطق به صورت /-m/ است، در دوم شخص مفرد تنوعاتی وجود دارد که پیشتر در مورد آن‌ها صحبت شد و گونهٔ t- را برگزیدیم، در سوم شخص مفرد نشانهٔ شخص و شمار تهی است و در اول شخص، دوم شخص و سوم شخص جمع نیز با توجه به بررسی‌های قبلی، -mən، -n و -n را معیاری برای صرف فعل در نظر می‌گیریم.

ب- صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال کامل»

زمان حال کامل از گذشتهٔ ساده به علاوهٔ وند -æ ساخته می‌شود و در سوم شخص مفرد که در زمان گذشتهٔ ساده نشانهٔ شخص و شمار آن تهی است، به وند میانجی نیاز است که در همهٔ مناطق به صورت -j- آمده است.

جدول ۱۶-۲: صرف مصدر /dijən/ در زمان «حال کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	dɪ-m-æ	dɪ-d-æ / -dæn-æ	dɪ-j-æ	dɪ-mən-æ	dɪ-n-æ	dɪ-n-æ
۲	dɪ-m-æ	dɪ-t-æ / -tæn-æ	dɪ-j-æ	dɪ-mən-æ	dɪ-n-æ	dɪ-n-æ
۳	dɪ-m-æ	dɪ-t-æ	dɪ-j-æ	dɪ-mən-æ	dɪ-n-æ	dɪ-n-æ
۴	dɪ-gəm	dɪ-gɪd	dɪ-jæ	dɪ-gman	dɪ-gən	dɪ-gən
۵	dɪ-m-æ	dɪ-d-æ / -t-æ	dɪ-jæ	dɪ-mən-æ	dɪ-n-æ	dɪ-n-æ
۶	dɪ-m-æ	dɪ-d-æ	dɪ-jæ	dɪ-mən-æ / -n-æ	dɪ-n-æ	dɪ-n-æ
۷	dɪ-m-æ	dɪ-d-æ / -t-æ	dɪ-jæ	dɪ-mən-æ	dɪ-n-æ	dɪ-n-æ
۸	dɪ-m-æ	dɪ-d-æ	dɪ-jæ	dɪ-mən-æ	dɪ-n-æ	dɪ-n-æ

صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: دیمه، دیده/ دیدنه، دیه، دیمنه، دینه، دینه

حوزه ۲: دیمه، دیته/ دیتنه، دیه، دیمنه، دینه، دینه

حوزه ۳: دیمه، دیته، دیه، دیمنه، دینه، دینه

حوزه ۴: دیگم، دیگید، دیه، دیگمان، دیگن، دیگن

حوزه ۵: دیمه، دیده/ دیته، دیه، دیمنه، دینه، دینه

حوزه ۶: دیمه، دیده، دیه، دیمنه/ دینه، دینه، دینه

حوزه ۷: دیمه، دیته/ دیده، دیه، دیمنه، دینه، دینه

حوزه ۸: دیمه، دیده، دیه، دیمنه، دینه، دینه

ج- صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته استمراری»

جدول ۱۷-۲: صرف مصدر /di:ən/ در زمان «گذشته استمراری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	dɪ-m /-ja-m	dɪ-d/ -dən /-ja-jd /-ja-jdən	dɪ-ø /-ja-ø /-ja-d /-ja-dən	dɪ-mən /-ja-jmən	dɪ-n /-ja-jn	dɪ-n /-ja-n
۲	dɪ-m	dɪ-t/ -tən	dɪ-ø	dɪ-mən	dɪ-n	dɪ-n
۳	də-dɪ-m	də-dɪ-t	də-dɪ-ø	də-dɪ-mən	də-dɪ-n	də-dɪ-n
۴	d-ün-ja-m	d-ün-ja-jd	d-ün-ja-ø	d-ün-ja-jmən	d-ün-ja-n	d-ün-ja-n
۵	də-dɪ-m	də-dɪ-d /-t	də-dɪ-ø	də-dɪ-mən	də-dɪ-n	də-dɪ-n
۶	ʔæ-wn-ja-m	ʔæ-wn-ja-jd	ʔæ-wn-ja-ø	ʔæ-wn-ja-jm /-jmən /-jn	ʔæ-wn-ja-jn /-n	ʔæ-wn-ja-n
۷	ʔæ-dɪ-m	ʔæ-dɪ-d /-t	ʔæ-dɪ-ø	ʔæ-dɪ-mən	ʔæ-dɪ-n	ʔæ-dɪ-n
۸	mæ-wn-ja-m	mæ-wn-ja-jd	mæ-wn-ja-ø	mæ-wn-ja-jm /-jmən	mæ-wn-ja-jn	mæ-wn-ja-n

صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: دیم/ دیام، دید/ دیدن/ دیاید/ دیایدن، دی/ دیا/ دیاد/ دیادن، دیمن/ دیایمن، دین/ دیاین، دین. دیان

حوزه ۲: دیم، دیت/ دیتن، دی، دیمن، دین، دین

حوزه ۳: ددیم، ددیت، ددی، ددیمن، ددین، ددین

حوزه ۴: دۆنیام، دۆنیاید، دۆنیا، دۆنیایمان، دۆنیان، دۆنیان

حوزه ۵: ددیم، دیدد/ ددیت، ددی، ددیمن، ددین، ددین

حوزه ۶: ئەوێنiam، ئەوێناید، ئەوێنا، ئەوێناییم/ ئەوێناییمن/ ئەوێناین، ئەوێناین/ ئەوێناین، ئەوێناین

حوزه ۷: ئەدیم، ئەدید/ ئەدیت، ئەدی، ئەدیمن، ئەدین، ئەدین

حوزه ۸: مەوێنiam، مەوێناید، مەوێنا، مەوێناییم/ مەوێناییمن، مەوێناین، مەوێناین

همچون افعال «کردن» و «دادن» که بررسی شد، وند استمراری /də-/ به‌علاوه صورت زیرساختی بن فعلی به علاوه شناسه‌های شخص و شمار در معیار نوشتاری، قاعده ساخت زمان گذشته استمراری در فعل دیدن را برای گونه نوشتاری صرف فعل تشکیل می‌دهد و تنوعاتی که در جدول بالا مشخص است، روساخت‌هایی است که از طریق اعمال قواعد واجی بر زیرساخت، به وجود آمده‌اند. در مناطق چهار، شش و هشت شاهد تنوعاتی هستیم که در زمان گذشته استمراری قاعده‌مند نیستند. بن‌های فعلی /ün/ و /wn/ روساخت‌هایی از زیرساخت بن فعلی زمان حال هستند که در اینجا با پذیرش وندهای استمراری، برای صرف فعل در زمان گذشته استمراری به کار رفته‌اند. نکته قابل توجه در منطقه چهار این است که در این منطقه و در قاعده صرف فعل در زمان گذشته استمراری، /də/ نشان‌دهنده وند استمراری است، اما در صرف مصدر دیدن، بن فعلی روساختی زمان حال مصدر دیدن، به علاوه وند استمراری منطقه یک، در ساخت زمان گذشتل استمراری به کار رفته است.

د- صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته کامل»

جدول ۲-۱۸: صرف مصدر /dijən/ در زمان «گذشته کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	d-ü-m	d-ü-d /-dən	d-ü-ø /-d /-dən	d-ü-mən	d-ü-n	d-ü-n
۲	d-ü-m	d-ü-t /- tən	d-ü-ø	d-ü-mən	d-ü-n	d-ü-n
۳	d-ü-m	d-ü-t	d-ü-ø /-g	d-ü-mən	d-ü-n	d-ü-n
۴	d-ü-m	d-ü-d	d-ü-ø	d-ü-man	d-ü-n	d-ü-n
۵	d-ü-m	d-ü-d /-t	d-ü-ø	d-ü-mən	d-ü-n	d-ü-n
۶	d-ü-m	d-ü-d	d-ü-ø	d-ü- mən /-n	d-ü-n	d-ü-n
۷	d-ü-m	d-ü-d /-t	d-ü-ø	d-ü-mən	d-ü-n	d-ü-n
۸	d-ü-m	d-ü-d	d-ü-ø	d-ü-mən	d-ü-n	d-ü-n

صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: دۆم، دۆد/ دۆدن، دۆ/ دۆد/ دۆدن، دۆمن، دۆن، دۆن

حوزه ۲: دۆم، دۆت/ دۆتن، دۆ، دۆمن، دۆن، دۆن

حوزه ۳: دۆم، دۆت، دۆ/ دۆگ، دۆمن، دۆن، دۆن

حوزه ۴: دۆم، دۆد، دۆ، دۆمان، دۆن، دۆن

حوزه ۵: دۆم، دۆد/ دۆت، دۆ، دۆمن، دۆن، دۆن

حوزه ۶: دۆم، دۆد/ دۆدن، دۆ/ دۆد/ دۆدن، دۆمن، دۆن، دۆن

حوزه ۷: دۆم، دۆد/ دۆت، دۆ، دۆمن، دۆن، دۆن

حوزه ۸: دۆم، دۆد، دۆ، دۆمن، دۆن، دۆن

در مورد زمان گذشته کامل، صورت زیرساختی وند گذشته کامل /bü/ باز هم با تضعیف کامل (حذف) /b/ نمود آوایی یافته است. در اینجا، با توجه به اینکه بن فعلی به واکه پایان می‌یابد، فرایندهای واجی تضعیف کامل /b/ و حذف واکه برای جلوگیری از التقای واکه‌ای به ترتیب زیر اتفاق می‌افتد.

(1) Underlying representation:

Rule 1: Lenition (full deletion of b):

Rule 2: Hiatus resolution:

(deletion of the first vowel)

dı-bü-m

dı-ü-m

d-ü-m



در بازنمایی بالا، ابتدا در قاعده ۱ همخوان /b/ دچار تضعیف کامل (حذف) شده و پس از حذف شدن آن، التقای واکه‌ای حاصل توسط حذف واکه نخست /ɪ/ رفع می‌شود. این فرایند در همه مناطق به طور یکسان دیده می‌شود.

ه- صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته التزامی»

جدول ۱۹-۴: صرف مصدر /drjən/ در زمان «گذشته التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bün/ bɪ-j-a-m	bün/ bɪ-j-a-j /-jd /-jdən	bün/ bɪ-j-a-ø /-d /-dən	bün/ bɪ-j-a-jm /-jmən	bün/ bɪ-j-a-jn	bün/ bɪ-j-a-n
۲	bün/ bɪ-j-a-m	bün/ bɪ-j-a-j /-jt /-jtən	bün/ bɪ-j-a-ø /-t /-tən	bün/ bɪ-j-a-jm /-jmən	bün/ bɪ-j-a-jn	bün/ bɪ-j-a-n
۳	bün/ bɪ-j-a-m	bün/ bɪ-j-a-j /-jt	bün/ bɪ-j-a-ø /-g	bün/ bɪ-j-a-jm /-jmən	bün/ bɪ-j-a-n	bün/ bɪ-j-a-n
۴	bün-j-a-m	bün-j-a-jd	bün-j-a-ø	bün-j-a-jman	bün-j-a-n	bün-j-a-n
۵	bün-es-a-m	bün-es-a-j /-jd /-jt	bün-es-a-ø /-ad /-at	bün-es-a-jm /-jmən	bün-es-a-jn /-n	bün-es-a-n
۶	bün-j-a-m	bün-j-a-jd	bün-j-a-ø	bün-j-a-jm /-jmən /-jn	bün-j-a-jn /-n	bün-j-a-n
۷	bün-j-a-m	bün-j-a-j /-jt /-jd	bün-j-a-ø	bün-j-a-jm /-jmən	bün-j-a-n	bün-j-a-n
۸	bün-j-a-m	bün-j-a-jd	bün-j-a-ø	bün-j-a-jm /-jmən	bün-j-a-jn	bün-j-a-n

صرف مصدر «دیدن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بۆنیام/ بیام، بۆنیای/ بۆنیايد/ بۆنیايدن/ بیای/ بیاید/ بیایدن، بۆنیا/ بۆنیاد/ بۆنیادن/ بیا/ بیاد/ بیادن، بۆنیایم، بۆنیایمن/ بیایم/ بیایمن، بۆنیاین/ بیاین، بۆنیان/ بیان

حوزه ۲: بۆنیام/ بیام، بۆنیای/ بۆنیایت/ بۆنیایتن/ بیای/ بیایت/ بیایتن، بۆنیا/ بۆنیات/ بۆنیاتن/ بیا/ بیات/ بیاتن، بۆنیایم، بۆنیایمن/ بیایم/ بیایمن، بۆنیاین/ بیاین، بۆنیان/ بیان

حوزه ۳: بۆنیام/ بیام، بۆنیای/ بۆنیایت/ بیای/ بیایت، بۆنیا/ بۆنیاگ/ بیا/ بیاگ ، بۆنیایم، بۆنیایمن/ بیایم/ بیایمن، بۆنیان/ بیان، بۆنیان/ بیان
حوزه ۴: بۆنیام، بۆنیايد، بۆنیا، بۆنیایمان، بۆنیان، بۆنیان

حوزه ۵: بۆنسام، بۆنسای/ بۆنسايد/ بۆنسايت، بۆنسا/ بۆنساد/ بۆنسات، بۆنسايم/ بۆنسايمن، بۆنساين/ بۆنسان، بۆنسان

حوزه ۶: بۆنيام، بۆنياید، بۆنيا، بۆنيايم/ بۆنيايمن، بۆنياين/ بۆنيان، بۆنيان

حوزه ۷: بۆنيام، بۆنيای/ بۆنيایت/ بۆنياید، بۆنيا، بۆنيايم/ بۆنيايمن، بۆنيان، بۆنيان

حوزه ۸: بۆنيام، بۆنياید، بۆنيا، بۆنيايم/ بۆنيايمن، بۆنيان، بۆنيان

در فعل «دیدن» و در گذشته التزامی، شاهد روستاهایی هستیم که بسیار از صورت زیرساختی فاصله گرفته‌اند. اگر قاعده کلی در ساخت زمان گذشته التزامی را در نظر بگیریم، گذشته التزامی در فعل دیدن به صورت /bə/ به علاوه بن فعلی گذشته، یعنی /dɪ/ به علاوه واکه /a/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار به دست می‌آید، که این صورت زیرساختی را در هیچ یک از مناطق مشاهده نمی‌کنیم و نزدیکترین صورت به آن در بخش‌هایی از مناطق یک و دو کاربرد دارد که در آن فرآیند سایش و دیگر فرآیندها اعمال شده است.

قاعده ساخت صورت زیرساختی به صورت /bə-dɪ-a-/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار است، که برای جلوگیری از التقای واکه‌ای، بین بن فعلی و واکه a وند میانجی ز قرار گرفته و /bə-dɪ-j-a-/ به دست می‌آید. با توجه به میل گویشور به سایش و حذف واج /d/ و پس از اعمال فرآیند واجی، صورت روستا بختی /bɪ-j-a-/ که در مناطق یک، دو و سه کاربرد دارد، به دست می‌آید. در منطقه پنج از وند میانجی /ɛs/ استفاده شده که بسامد وقوع پایینی دارد.

و- صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال اخباری»

جدول ۲۰۰۲: صرف مصدر /dijən/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	d-ün-əm	d-ün-ı /-ıd /-ıdən	d-ün-e /-ed /-edən	d-ün-im /-imən	d-ün-in	d-ün-ən
۲	d-ün-əm	d-ün-ı /-ıt /-ıtən	d-ün-e /-et /-etən	d-ün-im /-imən	d-ün-in	d-ün-ən
۳	d-ün-əm	d-ün-ı /-ıt	d-ün-e /-eg	d-ün-im /-imən	d-ün-ən	d-ün-ən
۴	d-ün-əm	d-ün-ıd	d-ün-ı	d-ün-iman	d-ün-ən	d-ün-ən
۵	də-vın-əm	də-vın-ı /-ıd /-ıt	də-vın-e /-ed /-et	də-vın-im /-imən	də-vın-in /-ən	də-vın-ən
۶	?æ-ŵn-əm	?æ-ŵn-ıd	?æ-ŵn-e	?æ-ŵn-im /-imən /-ın	?æ-ŵn-in /-ən	?æ-ŵn-ən
۷	?æ-ŵn-əm	?æ-ŵn-ı /-ıt /-ed	?æ-ŵn-e /-et	?æ-ŵn-im /-imən	?æ-ŵn-ən	?æ-ŵn-ən
۸	mæ-ŵn-əm	mæ-ŵn-ıd	mæ-ŵn-e	mæ-ŵn-im /-imən	mæ-ŵn-in	mæ-ŵn-ən

صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال اخباری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: دۆنم، دۆنی/ دۆنید/ دۆنیدن، دۆنی/ دۆنید/ دۆنیتدن، دۆنیم/ دۆنیم، دۆنین، دۆنن

حوزه ۲: : دۆنم، دۆنی/ دۆنیت/ دۆنیتن، دۆنی/ دۆنیت/ دۆنیتن، دۆنیم/ دۆنیم، دۆنین، دۆنن

حوزه ۳: : دۆنم، دۆنی/ دۆنیت، دۆنی/ دۆنیتگ، دۆنیم/ دۆنیم، دۆن، دۆنن

حوزه ۴: : دۆنم، دۆنید، دۆنی، دۆنیمان، دۆن، دۆنن

حوزه ۵: دڤینم، دڤینی/ دڤینید/ دڤینیت، دڤینی/ دڤینید/ دڤینیت، دڤینیم/ دڤینیم، دڤینین/ دڤینن

حوزه ۶: ئەۆنم، ئەۆنید، ئەۆنی، ئەۆنیم/ ئەۆنیم، ئەۆنین، ئەۆنین/ ئەۆن، ئەۆنن

حوزه ۷: ئه‌وَنم، ئه‌وَنی/ ئه‌وَنیت/ ئه‌وَنید، ئه‌وَنی/ ئه‌وَنیت، ئه‌وَنیم/ ئه‌وَنیم، ئه‌وَن، ئه‌وَن
ئه‌وَنن

حوزه ۸: مه‌وَنم، مه‌وَنید، مه‌وَنی، مه‌وَنیم/ مه‌وَنیم، مه‌وَنین، مه‌وَن
در مورد بن حال، به نظر می‌رسد زیرساخت فعلی همان /bin/ است که تحت فرایند تضعیف همخوان اول، به صورت آوایی /win/ تبدیل می‌شود. در مرحله بعد، پیشین بودن واکه i در غلت w ادغام شده (ادغام مشخصه‌ها) و این توالی غلت و واکه پیشین به همخوان متناظر آن (w̥) تبدیل می‌شود. در مناطق مختلف در زمان حال اخباری، بن حال مصدر «دیدن» به صورت‌های روساختی /w̥n/ و یا (با تبدیل w̥ به معادل واکه‌ای خود) به صورت /ün/ نمود یافته است. در مناطقی که پیشوند حال اخباری به واکه منتهی می‌شود، جهت جلوگیری از التقای واکه‌ای، صورت زیرساختی به صورت /w̥n/ نمود می‌یابد (mə-w̥n-əm، ?æ-w̥n-əm، ...) و تغییر آخر اتفاق نمی‌افتد.

(1) Underlying representation:	bin	↓
Rule 1: Lenition (weakening to w):	win	
Rule 2: Feature merging:	w̥n	
Rule 3: Glide lenition (to vowel):	ün	

در شاخه شمالی زبان کوردی فعل دیدن در اول شخص مفرد، زمان حال کامل در گفتار به دو صورت [dæ-bin-əm] و [dæ-vin-əm] و در برخی مناطق به صورت [dæ-w̥n-əm] به کار می‌رود که در نوشتار معیار از صورت [dæ-bin-əm] استفاده می‌شود. در کوردی میانی نیز از صورت‌های [dæ-bin-əm]، [?æ-bin-əm] و [?æ-w̥n-əm] در گونه گفتاری استفاده شده و در نوشتار معیار از صورت [dæ-bin-əm] و یا [?æ-bin-əm] استفاده می‌شود. در کوردی جنوبی نیز همانطور که بالاتر و در قسمت تحلیل واجی مشاهده می‌کنید، صورت زیرساختی در نهایت به بن فعلی /bin/ ختم می‌شود، پیشتر نیز گفتیم که پیشوند /dæ-/ را به عنوان وند استمراری در نوشتار معیار انتخاب می‌کنیم. در نتیجه قاعده ساخت زمان گذشته استمراری در فعل دیدن به صورت /dæ-bin-/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار به دست می‌آید. حال آنکه با توجه به ویژگی‌های واجی شاخه جنوبی و تبدیل واج ب به و در آن و همچنین متون

موجود در سبک گورانی و برای نزدیک بودن گونه معیاری نوشتار به گفتار در این شاخهٔ زبانی، از همان شیوهٔ گفتاری در نوشتار نیز استفاده می‌کنیم. /d-ün-/ که هم /d/ در آن نشانهٔ استمراری است و هم بیشترین توزیع را دارد، را به عنوان گونهٔ معیار در نوشتار برمی‌گزینیم. بررسی فعل دیدن در زمان حال اخباری از آن جهت اهمیت زیادی دارد که نشان می‌دهد وند استمراری /də/ بیشتر در مناطق دیگر نیز کاربرد داشته و رفته رفته استفاده از این وند استمراری کمرنگ شده است.

ز- صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال التزامی»

جدول ۲-۲۱: صرف مصدر /dijən/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	b-ün-əm	b-ün-ı /-ıd /-ıdən	b-ün-e /-ed /-edən	b-ün-ım /-ımən	b-ün-ın	b-ün-ən
۲	b-ün-əm	b-ün-ı /-ıt /-ıtən	b-ün-e /-et /-etən	b-ün-ım /-ımən	b-ün-ın	b-ün-ən
۳	b-ün-əm	b-ün-ı /-ıt	b-ün-e /-eg	b-ün-ım /-ımən	b-ün-ən	b-ün-ən
۴	b-ün-əm	b-ün-ıd	b-ün-ı	b-ün-ıman	b-ün-ən	b-ün-ən
۵	b-ün-əm	b-ün-ı /-ıd /-ıt	b-ün-e /-ed /-et	b-ün-ım /-ımən	b-ün-ın /-ən	b-ün-ən
۶	b-ün-əm	b-ün-ıd	b-ün-e	b-ün-ım /-ımən /-ın	b-ün-ın /-ən	b-ün-ən
۷	b-ün-əm	b-ün-ı /-ıt /-ed	b-ün-e /-et	b-ün-ım /-ımən	b-ün-ən	b-ün-ən
۸	b-ün-əm	b-ün-ıd	b-ün-e	b-ün-ım /-ımən	b-ün-ın	b-ün-ən

صرف مصدر «دیدن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بۆنم، بۆنی/ بۆنید/ بۆنیدن، بۆنی/ بۆنید/ بۆنیدن، بۆنیم/ بۆنیم، بۆنیم، بۆنن، بۆن
حوزه ۲: بۆنم، بۆنی/ بۆنیت/ بۆنیتن، بۆنی/ بۆنیت/ بۆنیتن، بۆنیم/ بۆنیم، بۆنیم، بۆنن، بۆن

حوزه ۳: بۆنم، بۆنى / بۆنیت، بۆنى / بۆنیگ، بۆنیم / بۆنیم، بۆن، بۆن
 حوزه ۴: بۆنم، بۆنید، بۆنى، بۆنیمان، بۆن، بۆن
 حوزه ۵: بۆنم، بۆنى / بۆنید / بۆنیت، بۆنى / بۆنید / بۆنیت، بۆنیم / بۆنیم، بۆن / بۆن،
 بۆن

حوزه ۶: بۆنم، بۆنید، بۆنى، بۆنیم / بۆنیم، بۆن / بۆن، بۆن
 حوزه ۷: بۆنم، بۆنى / بۆنیت / بۆنید، بۆنى / بۆنیت، بۆنیم / بۆنیم، بۆن، بۆن
 حوزه ۸: بۆنم، بۆنید، بۆنى، بۆنیم / بۆنیم، بۆن، بۆن
 در مورد زمان حال التزامی نیز، در همه مناطق به دلیل التقای واکه‌ای حاصل از
 وندافزایی پیشوند التزامی /bə/، حذف واکه رخ می‌دهد.

(1) Underlying representation:	bə-bin	↓
Rule 1: Lenition (weakening to w):	bə-win	
Rule 2: Feature merging:	bə-wn	
Rule 3: Glide lenition (to vowel):	bə-ün	
Rule ۴: Hiatus resolution:	b-ün	

طبق توضیحات بخش زمان حال اخباری، در زمان حال التزامی نیز همان قواعد
 واجی اعمال شده و در نوشتار معیار گونه کوردی جنوبی از همان شیوه گفتاری
 استفاده می‌کنیم و در همه مناطق نیز قاعده ساخت این زمان به یک شیوه است.

۲-۳-۴- صرف مصدر «آمدن» در کوردی جنوبی

در این بخش، صرف مصدر آمدن را بررسی می‌کنیم.

الف- صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته ساده»

جدول ۲-۲۲: صرف مصدر /hatən/ در زمان «گذشته ساده»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	hat-əm	hat-ɪ /-ɪd /-ɪdən	hat-ø	hat-ɪm /-ɪmən	hat-ɪn	hat-ən
۲	hat-əm	hat-ɪ /-ɪt /-ɪtən	hat-ø	hat-ɪm /-ɪmən	hat-ɪn	hat-ən
۳	hat-əm	hat-ɪ /-ɪt	hat-ø	hat-ɪm /-ɪmən	hat-ən	hat-ən
۴	hat-əm	hat-ɪd	hat-ø	hat-ɪman	hat-ən	hat-ən
۵	jæt-əm	jæt-ɪ /-ɪd /-ɪt	jæt-ø	jæt-ɪm /-ɪmən	jæt-ɪn /-ən	jæt-ən
۶	hat-əm	hat-ɪd	hat-ø	Hat-ɪm /-ɪmən -ɪn/	Hat-ɪn -ən	hat-ən
۷	hat-əm	hat-ɪ /-ɪt /-ed	hat-ø	hat-ɪm /-ɪmən	hat-ən	hat-ən
۸	hat-əm	hat-ɪ /-ɪd	hat-ø	hat-ɪm /-ɪmən	hat-ɪn	hat-ən

صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: هاتم، هاتی/ هاتید/ هاتیدن، هات، هاتیم/ هاتیمن، هاتین، هاتن

حوزه ۲: هاتم، هاتی/ هاتیت/ هاتیتن، هات، هاتیم/ هاتیمن، هاتین، هاتن

حوزه ۳: هاتم، هاتی/ هاتیت، هات، هاتیم/ هاتیمن، هاتن، هاتن

حوزه ۴: هاتم، هاتید، هات، هاتیمان، هاتن، هاتن

حوزه ۵: یه‌تم، یه‌تی/ یه‌تید/ یه‌تیت، یه‌ت، یه‌تیم/ یه‌تیمن، یه‌تین/ یه‌تن، یه‌تن

حوزه ۶: هاتم، هاتید، هات، هاتیم/ هاتیمن/ هاتین، هاتین/ هاتن، هاتن

حوزه ۷: هاتم، هاتی/ هاتیت/ هاتد، هات، هاتیم/ هاتیمن، هاتن، هاتن

حوزه ۸: هاتم، هاتی/ هاتید، هات، هاتیم/ هاتیمن، هاتین، هاتن

در مورد فعل «آمدن»، زیرساخت بن گذشته ساده، یعنی /hat/، در یکی از مناطق به صورت آوایی [jæt] نمود می‌یابد. با توجه اختلاف میزان رسایی این همخوان‌ها، این فرایند نوعی تضعیف در جایگاه ابتدای واژه -در اینجا به صورت کامی شدگی- است که در آن همخوان سایشی بی‌واک h به غلت کامی z تبدیل شده است. تغییر دوم، تغییر واکه به æ را نیز می‌توان همگونی واکه‌ای در ویژگی پیشین بودن دانست که در تناظر با واکه‌های شناسه‌های فعلی (i و ə) اتفاق می‌افتد (اگر واکه ə را کاملاً مرکزی در نظر نگرفته و آن را حالتی از نمود آوایی e در این گویش بدانیم). این قواعد در بازنمایی زیر همراه با وندافزایی شناسه فعلی اول شخص مفرد نشان داده شده‌اند.

- | | | |
|--|---------|---|
| (1) Underlying representation: | hat-əm | ↓ |
| Rule 1: Lenition (weakening to j): | jat-əm | |
| Rule 2: Anticipatory vowel assimilation:
(vowel fronting) | jæt-əm | |
| (2) Anticipatory assimilation of vowel feature (backness) | | |
| V → [-back] / __C ₀ V | | |
| | [-back] | |

در نتیجه /hat/ را به عنوان زیرساخت در نظر گرفته و در رابطه با شناسه‌های شخص و شمار نیز، از قواعد قبلی که در صرف مصدر کردن به دست آوردیم، استفاده می‌کنیم.

ب- صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال کامل»

ساخت زمان حال کامل نیز از قاعده ساخت گذشته ساده که پیشتر به آن رسیدیم، به علاوه æ- به دست می‌آید و در سوم شخص مفرد نیز از وند میانجی j- بهره می‌گیریم.

جدول ۲-۲۳: صرف مصدر /hatən/ در زمان «حال کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	hat-əm-æ	hat-id-æ /-idən-æ	hat-ɛj-æ /-ɛj-æ	hat-im-æ /-imən-æ	hat-in-æ	hat-ən-æ
۲	hat-əm-æ	hat-it-æ /-æsən	hat-egæ /-egæs /--egæsən	hat-im-æ /-imən-æ	hat-in-æ	hat-ən-æ
۳	hat-əm-æ	hat-it-æ	hat-egæ	hat-im-æ /-imən-æ	hat-ən-æ	hat-ən-æ
۴	hat-əg-ɛm	hat-eg-id	hat-ɛjæ	hat-eg-imən /-eg-in	hat-eg-ən	hat-eg-ən
۵	jæt-əm-æ	jæt-idæ /-itæ	jæt-egæ	jæt-im-æ /-imən-æ	jæt-in-æ /-ən-æ	jæt-ən-æ
۶	hat-əm-æ	hat-id-æ	hat-ɛjæ	hat-im-æ /-imən-æ -in-æ/	hat-in-æ -ən-æ/	hat-ən-æ
۷	hat-əm-æ	hat-i-j-æ /-it-æ /-ed-æ	hat-egæ	hat-im-æ /-imən-æ	hat-ən-æ	hat-ən-æ
۸	hat-əm-æ	hat-id-æ	hat-ɛjæ	hat-im-æ /-imən-æ	hat-in-æ	hat-ən-æ

صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: هاتمه، هاتیده/ هاتیدنه، هاتیه/ هاتیته، هاتیمه/ هاتیمنه، هاتینه، هاتنه

حوزه ۲: هاتمه، هاتیتیه/ هاتیتته، هاتگه/ هاتگهس/ هاتگهسن، هاتیمه/ هاتیمنه، هاتینه، هاتنه

حوزه ۳: هاتمه، هاتیتیه، هاتگه، هاتیمه/ هاتیمنه، هاتنه، هاتنه

حوزه ۴: هاتگم، هاتگید، هاتیه، هاتگیمان/ هاتگین، هاتگن، هاتگن

حوزه ۵: یه تمه، یه تیده/ یه تیتته، یه تگه، یه تیمه/ یه تیمنه، یه تینه/ یه تنه، یه تنه

حوزه ۶: هاتمه، هاتیده، هاتیه، هاتیمه/ هاتیمنه، هاتینه، هاتینه/ هاتنه، هاتنه

حوزه ۷: هاتمه، هاتیه/ هاتیتته/ هاتده، هاتگه، هاتیمه/ هاتیمنه، هاتنه، هاتنه

حوزه ۸: هاتمه، هاتیده، هاتیه، هاتیمه/ هاتیمنه، هاتینه، هاتنه

ج- صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته استمراری»

در زمان گذشته استمراری نیز از قاعده /də/ به علاوه صورت زیرساختی بن فعلی به علاوه شناسه‌های شخص و شماری که پیشتر گفته شد، استفاده می‌کنیم.

جدول ۲-۲۴: صرف مصدر /hatən/ در زمان «گذشته استمراری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	hat-əm /-ja-m	hat-i /-id /-idən /-ja-j /-ja-jd /-ja-jdən	hat-ø /-ja-ø /-ja-d /-ja-dən	hat-im /-imən /-ja-jm /-ja-jmən	hat-in /-ja-jn	hat-ən /-ja-n
۲	hat-əm	hat-i /-it /-itən	hat-ø	hat-im /-imən hat-im /-imən	hat-in	hat-ən
۳	də-jat-əm	də-jat-id /-it	də-jat-ø	də-jat-im /imən	də-jat-en	də-jat-en
۴	də-jat-əm	də-jat-id	də-jat-ø	də-jat-iman	də-jat-en	də-jat-en
۵	də-jæt-əm	də-jæt-i /-id /-it	də-jæt-ø	də-jæt-im /-imən	də-jæt-in /-ən	də-jæt-en
۶	?æ-hat-əm	?æ-hat-id	?æ-hat-ø	?æ-hat-im /-imən -in/	?æ-hat-in -ən/	?æ-hat-en
۷	?æ-hat-əm	?æ-hat-i /-it /-ed	?æ-hat-ø	?æ-hat-im /-imən	?æ-hat-en	?æ-hat-en
۸	mæ-?at-əm	mæ-?at-i /-id	mæ-?at-ø	mæ-?at-im /-imən	mæ-?at-in	mæ-?at-en

صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: هاتم/ هاتیام، هاتی/ هاتید/ هاتیدن/ هاتیای/ هاتیاید/ هاتیایدن، هات/ هاتیا/ هاتیاد/ هاتیادن، هاتیم/ هاتیمن/ هاتیایم/ هاتیایمن، هاتین/ هاتیاین، هاتن/ هاتیان

حوزه ۲: هاتم، هاتی/ هاتیت/ هاتیتن، هات، هاتیم/ هاتیمن، هاتین، هاتن

حوزه ۳: دیاتم، دیاتید/ دیاتیت، دیات، دیاتیم/ دیاتیمن، دیاتن، دیاتن

حوزه ۴: دیاتم، دیاتید، دیات، دیاتیمن، دیاتن، دیاتن
 حوزه ۵: دیه‌تم، دیه‌تی/ دیه‌تید/ دیه‌تیت، دیه‌ت، دیه‌تیم/ دیه‌تیمن، دیه‌تین/ دیه‌تن،
 دیه‌تن
 حوزه ۶: ئەهاتم، ئەهاتید، ئەهات، ئەهاتیم/ ئەهاتیمن/ ئەهاتین، ئەهاتین/ ئەهاتن،
 ئەهاتن
 حوزه ۷: ئەهاتم، ئەهاتی/ ئەهاتیت/ ئەهاتد، ئەهات، ئەهاتیم/ ئەهاتیمن، ئەهاتن،
 ئەهاتن
 حوزه ۸: مه‌ئاتم، مه‌ئاتی/ مه‌یاتید، مه‌ئات، مه‌ئاتیم/ مه‌ئاتیمن، مه‌ئاتین، مه‌ئاتن

د- صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته کامل»

جدول ۲۵-۲: صرف مصدر /hatən/ در زمان «گذشته کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	hat-ü-m	hat-ü-d /-dən	hat-ü-ø -d /-dən	hat-ü-mən	hat-ü-n	hat-ü-n
۲	hat-əwi-m /-ü-m	hat-əwi-t /-tən /-ü-t /-ü-tən	hat-əwi-ø /-ü-ø	hat-əwi-mən /-ü-mən	hat-əwi-n /-ü-n	hat-əwi-n /-ü-n
۳	hat-ü-m	hat-ü-t	hat-ü-ø	hat-ü-mən	hat-ü-n	hat-ü-n
۴	hat-ü-m	hat-ü-d	hat-ü-ø	hat-ü-man	hat-ü-n	hat-ü-n
۵	jæt-ü-m	jæt-ü-d /-t	jæt-ü-ø	jæt-ü-mən	jæt-ü-n	jæt-ü-n
۶	hat-ü-m	hat-ü-d	hat-ü-ø	mən-hat-ü -n	hat-ü-n	hat-ü-n
۷	hat-ü-m	hat-ü-t /-d	hat-ü-ø	hat-ü-mən	hat-ü-n	hat-ü-n
۸	hat-ü-m	hat-ü-d	hat-ü-ø	hat-ü-mən	hat-ü-n	hat-ü-n

صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:
 حوزه ۱: هاتۆم، هاتۆد/ هاتۆدن، هاتۆ/ هاتۆد/ هاتۆدن، هاتۆمن، هاتۆن، هاتۆن

حوزه ۲: هاتویم/ هاتوم، هاتویت/ هاتویتن/ هاتوت/ هاتوتن، هاتوی/ هاتو، هاتویمن/

هاتومن، هاتوین/ هاتون، هاتوین/ هاتون

حوزه ۳: هاتوم، هاتوت، هاتو، هاتومن، هاتون، هاتون

حوزه ۴: هاتوم، هاتود، هاتو، هاتومان، هاتون، هاتون

حوزه ۵: یهتوم، یهتود/ یهتوت، یهتو، یهتومن، یهتون، یهتون

حوزه ۶: هاتوم، هاتود، هاتو، هاتومن/ هاتون، هاتون، هاتون

حوزه ۸: هاتوم، هاتود، هاتو، هاتومن، هاتون، هاتون

در رابطه با زمان گذشته کامل، باز هم صورت زیرساختی /bü/ در اکثر مناطق با تضعیف کامل (حذف) b نمود آوایی یافته است (ü). در اینجا، با توجه به اینکه بن فعلی به همخوان پایان می‌یابد، محدودیتی در این رابطه بر وند گذشته کامل حاکم نیست مبنی بر اینکه برای جلوگیری از التقای واکه‌ای حتماً با همخوان آغاز شود. در یک منطقه، صورت تضعیف شده /wi/ در روساخت به کار رفته است. هر دو نمود آوایی مشاهده شده در این داده‌ها از همان قواعدی که در مورد افعال دیگر به آن‌ها اشاره شد به دست می‌آیند که در بازنمایی‌های زیر تکرار شده‌اند.

(1) Underlying representation:	bü	↓
Rule 1: Lenition (weakening to w):	wü	
Rule 2: Lenition (full deletion):	øü	

(2) Underlying representation:	bü	↓
Rule 1: Lenition (weakening to w):	wü	
Rule 2: Vowel dissimilation:	wi	

در نتیجه مصدر آمدن در زمان گذشته کامل، از طریق قاعده /hat/ به علاوه /bü/ و شناسه‌های شخص و شمار که پیشتر ذکر شدند، صرف می‌شوند.

ه- صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته التزامی»

جدول ۲-۳: صرف مصدر /hatən/ در زمان «گذشته التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	b-at-a-m	b-at-a-j /-jd /jdən	b-at-a-ø /-d	b-at-a-jm /-jmən	b-at-a-jn	b-at-a-n
۲	b-at-a-m	b-at-a-j /-jt /jtən	b-at-a-ø /-g /-t /-tən	b-at-a-jm /-jmən	b-at-a-jn	b-at-a-n
۳	b-at-a-m	b-at-a-j /-jt	b-at-a-ø /-g	b-at-a-jm /-jmən	b-at-a-n	b-at-a-n
۴	b-at-a-m	b-at-a-jd	b-at-a-ø	b-at-a-jman	b-at-a-n	b-at-a-n
۵	b-at-a-m	b-at-a-j /-jd /-jt	b-at-a-ø /-d /-t	b-at-a-jm /-jmən	b-at-a-jn /-n	b-at-a-n
۶	b-at-a-m	b-at-a-jd	b-at-a-ø /-d	b-at-a-jm /-jmən -jn/	b-at-a--jn /-n	b-at-a-n
۷	b-at-a-m	b-at-a-j /-jd /-jt	b-at-a-ø	b-at-a-jm /-jmən	b-at-a-n	b-at-a-n
۸	b-at-a-m	b-at-a-jd	b-at-a-ø /-d	b-at-a-jm /-jmən	b-at-a-jn	b-at-a-n

صرف مصدر «آمدن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: باتام، باتای/ باتاید/ باتایدن، باتا/ باتاد، باتایم/ باتایمن، باتاین، باتان

حوزه ۲: باتام، باتای/ باتایت/ باتایتن، باتا/ باتاگ/ باتات/ باتاتن، باتایم/ باتایمن،

باتاین، باتان

حوزه ۳: باتام، باتای/ باتایت، باتا/ باتاگ، باتایم/ باتایمن، باتان، باتان

حوزه ۴: باتام، باتاید، باتا، باتایمان، باتان، باتان

حوزه ۵: باتام، باتای/ باتاید/ باتایت، باتا/ باتاد/ باتات، باتایم/ باتایمن، باتاین/ باتان،

باتان

حوزه ۶: باتام، باتاید، باتا/ باتاد، باتایم/ باتایمن/ باتاین، باتاین/ باتان، باتان

حوزه ۷: باتام، باتای/ باتاید/ باتایت، باتا، باتایم/ باتایمن، باتان، باتان
 حوزه ۸: باتام، باتاید، باتا/ باتاد، باتایم/ باتایمن، باتاین، باتان
 در مورد زمان گذشته التزامی نیز، با افزوده شدن پیشوند التزامی /bə/ به بن فعلی
 فرایندهای واجی تضعیف و حذف واکه‌ای به ترتیب زیر اتفاق می‌افتد.

- (1) Underlying representation: bə-hat-a-m
 Rule 1: Lenition (full deletion of h): bə-at-a-m
 Rule 2: Hiatus resolution: b-at-a-m
 (deletion of the first vowel)

در بازنمایی بالا، ابتدا در قاعدهٔ ۱ همخوان h دچار تضعیف کامل (حذف) شده و پس
 از حذف شدن آن، التقای واکه‌ای حاصل توسط حذف واکهٔ نخست (ə) رفع می‌شود.
 در نتیجه bə-hat-a-/ به علاوهٔ شناسه‌های شخص و شمار قاعدهٔ صرف فعل آمدن
 در زمان گذشتهٔ التزامی است.

و- صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال اخباری»

جدول ۲۷-۲: صرف مصدر /hatən/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	tjæ-m	tjæ-j /-jd /-jdən	tjæ-d /-j /-jd /-jdən	tjæ-jm /-jmən	tjæ-jn	tjæ-n
۲	te-m	ti-t /-tən	te-t /-tən	ti-mən	ti-n	te-n
۳	dɛ-ja-m	dɛ-ja-j /-jt	dɛ-ja-j /-jg	dɛ-ja-jm /-jmən	dɛ-ja-n	dɛ-ja-n
۴	dɪ-ja-m	dɪ-ja-jd	dɪ-ja-j	dɪ-ja-jman	dɪ-ja-n	dɪ-ja-n
۵	dɪ-ja-m	dɪ-ja-j /-jd /-jt	dɪ-ja-j /-jd /-jt	dɪ-ja-jm /-jmən	dɪ-ja-jn /-n	dɪ-ja-n
۶	ʔæ-t-em	ʔæ-t-ɪd	ʔæ-t-e	ʔæ-t-im /-imən /-im	ʔæ-t-in /-en	ʔæ-t-en
۷	ʔæ-tjæ-m	ʔæ-tjæ-j /-jt /-jd	ʔæ-tjæ-j /-jt	ʔæ-tjæ-jm /-jmən	ʔæ-tjæ-n	ʔæ-tjæ-n
۸	m-a-m	m-a-jd	m-a-j	m-a-jm /-jmən	m-a-jn	m-a-n

صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال اخباری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: تیه‌م، تیه‌ی/ تیه‌ید/ تیه‌یدن، تیه‌د/ تیه‌ی/ تیه‌یْد/ تیه‌یْدن، تیه‌یم/ تیه‌یمن، تیه‌ین، تیه‌ن

حوزه ۲: تهم، تیت/ تیتن، ته‌ت/ ته‌تن، تیمن، تین، تین

حوزه ۳: دیام، دیای/ دیایت، دیای/ دیایگ، دیایم/ دیایمن، دیان، دیان

حوزه ۴: دیام، دیاید، دیای، دیایمان، دیان، دیان

حوزه ۵: دیام، دیای/ دیاید/ دیایت، دیای/ دیایْد/ دیایت، دیایم/ دیایمن، دیاین/ دیان، دیان

حوزه ۶: ئه‌تیم، ئه‌تید، ئه‌تی، ئه‌تیم/ ئه‌تیمن/ ئه‌تین، ئه‌تین، ئه‌تین

حوزه ۷: ئه‌تیه‌م، ئه‌تیه‌ی/ ئه‌تیه‌یت/ ئه‌تیه‌ید، ئه‌تیه‌ی/ ئه‌تیه‌یت، ئه‌تیه‌یم/ ئه‌تیه‌یمن، ئه‌تیه‌ن، ئه‌تیه‌ن

حوزه ۸: مام، ماید، مای، مایم/ مایمن، ماین، مان

در مورد بن حال، اگرچه الگوی واجی قاعده‌مندی در میان تناوب‌های روساختی در زمان حال اخباری دیده نمی‌شود، براساس بسامد وقوع به نظر می‌رسد که صورت زیرساختی بن فعلی a باشد که در حوزه هشت به همان صورت زیرساختی باقی مانده است و در زبان فارسی و گونه زبانی کوردی هورامی نیز بن فعلی مصدر آمدن در زمان حال اخباری /a/ است. در گونه زبانی کوردی جنوبی نیز بن فعلی /a/ است، که با اضافه شدن وندهای استمراری، وندهای میانجی همچون z و j نیز بین وندهای استمراری و بن فعلی قرار گرفته‌اند. اگر قاعده کلی برای ساخت زمان حال اخباری را در نظر بگیریم، وندهای استمراری /dε/ به علاوه بن فعلی a به علاوه شناسه‌های شخص و شمار، قاعده ساخت زمان حال اخباری فعل آمدن را می‌سازد و در اینجا به دلیل وجود دو واکنه وندهای استمراری و بن فعلی در کنار همدیگر، به وندهای میانجی نیاز داریم. در نتیجه /dε-j-a/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار، قاعده ساخت حال اخباری برای فعل آمدن است.

اگر بخواهیم برنامه‌ریزی زبان و انتخاب گونه نوشتاری معیار را در راستای همگرایی با دیگر شاخه‌های زبان کوردی انجام دهیم، باید به شیوه صرف مصدر آمدن در زمان حال، در شاخه شمالی و میانی زبان کوردی توجه کنیم. در شاخه‌های شمالی و میانی زبان کوردی، بن فعل e است که با افزودن پیشوند استمراری t و شناسه‌های شخص و شمار، صرف زمان حال اخباری (te-) به دست می‌آید. در گونه زبانی کوردی جنوب نیز، این شیوه صرف در جدول و در مناطق دو و شش مشاهده می‌شود و در مناطق یک و هفت، با اعمال قواعد واجی به صورت tʃæ در آمده است. وند استمراری زمان حال در افعال آمدن و آوردن و ... از /d/ به /t/ تبدیل شده است. در نتیجه اگر کلیت زبان کوردی را در نظر بگیریم، از /t-e-/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار مذکور، قاعده ساخت صرف مصدر آمدن در زمان حال اخباری به دست می‌آید.

ز- صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال التزامی»

در مورد زمان حال التزامی نیز، با در نظر گرفتن /a/ به عنوان بن فعلی و با توجه به قاعده کلی ساخت زمان حال التزامی که شامل b به علاوه بن حال به علاوه شناسه‌های شخص و شمار است، قاعده کلی با شیوه صرف این زمان یکسان است و همانطور که در جدول مشخص است، در همه مناطق به همین صورت کاربرد دارد.

جدول ۲-۲۸: صرف مصدر /hatən/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	b-a-m	b-a-j /-jd /-jdən	b-a-j /-jd /-j /-jd /-jdən	b-a-jm /-jmən	b-a-jn	b-a-n
۲	b-a-m	b-a-j /-jt /-jtən	b-a-j /-jt /-jtən	b-a-jm /-jmən	b-a-jn	b-a-n
۳	b-a-m	b-a-j /-jt	b-a-j /-jg	b-a-jm /-jmən	b-a-n	b-a-n
۴	b-a-m	b-a-jd	b-a-j	b-a-jman	b-a-n	b-a-n
۵	b-a-m	b-a-j /-jd /-jt	b-a-j /-jd /-jt	b-a-jm /-jmən	b-a-jn /-n	b-a-n
۶	b-a-m	b-a-jd	b-a-j	b-a-jm /-jmən -jn/	b-a-jn /-n	b-a-n
۷	b-a-m	b-a-jt	b-a-j	b-a-jm /-jmən	b-a-n	b-a-n
۸	b-a-m	b-a-jd	b-a-j	b-a-jm /-jmən	b-a-jn	b-a-n

صرف مصدر «آمدن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بام، بای/ باید/ بایدن، بای/ باید/ بای/ باید/ بایدن، بایم/ بایمن، باین، بان

حوزه ۲: بام، بای/ بایت/ بایتن، بای/ بایت/ بایتن، بایم/ بایمن، باین، بان

حوزه ۳: بام، بای/ بایت، بای/ بایگ، بایم/ بایمن، بان، بان

حوزه ۴: بام، باید، بای، بایمان، بان، بان

حوزه ۵: بام، بای/ باید/ بایت، بای/ باید/ بایت، بایم/ بایمن، باین/ بان، بان

حوزه ۶: بام، باید، بای، بایم/ بایمن/ باین، باین/ بان، بان

حوزه ۷: بام، بایت، بای، بایم/ بایمن، بان، بان

حوزه ۸: بام، باید، بای، بایم/ بایمن، باین، بان

۲-۳-۵- صرف فعل «آوردن» در کوردی جنوبی

در این بخش تنوعات و روساخت‌های مختلف در صرف مصدر آمدن را برای رسیدن به گونه آموزشی معیار، بررسی می‌کنیم.

الف- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته ساده»

جدول ۲-۲۹: صرف مصدر /hawerdən/ در زمان «گذشته ساده»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	hawerd-əm	hawerd-ı /-ıd /-ıdən	hawerd-ø	hawerd-ım /-ımən	hawerd-ın	hawerd-ən
۲	hawerd-əm	hawerd-ı /-ıt /-ıtən	hawerd-ø	hawerd-ım /-ımən	hawerd-ın	hawerd-ən
۳	hawerd-əm	hawerd-ı /-ıt	hawerd-ø	hawerd-ım /-ımən	hawerd-ən	hawerd-ən
۴	?awerd-əm	?awerd-ıd	?awerd-ø	?awerd-ıman	?awerd-ən	?awerd-ən
۵	?awerd-əm	?awerd-ı /-ıd /-ıt	?awerd-ø	?awerd-ım /-ımən	?awerd-ın /-ən	?awerd-ən
۶	hawerd-əm	hawerd-ıd	hawerd-ø	hawerd-ım /-ımən /-ın	hawerd-ın /-ən	hawerd-ən
۷	hawerd-əm	hawerd-ı /-ıt /-əd	hawerd-ø	hawerd-ım /-ımən	hawerd-ən	hawerd-ən
۸	hawerd-əm	hawerd-ıd	hawerd-ø	hawerd-ım /-ımən	hawerd-ın	hawerd-ən

صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: هاوردم، هاوردی/ هاوردید/ هاوردیدن، هاورد، هاوردیم/ هاوردیمین،

هاوردین، هاوردن

حوزه ۲: هاوردم، هاوردی/ هاوردیت/ هاوردیتن، هاورد، هاوردیم/ هاوردیمین،

هاوردین، هاوردن

حوزه ۳: هاوردم، هاوردی/ هاوردیت، هاورد، هاوردیم/ هاوردیمین، هاوردن، هاوردن

حوزه ۴: ئاوردم، ئاوردید، ئورد، ئوردیمان، ئوردن، ئوردن
 حوزه ۵: ئاوردم، ئوردی/ ئوردید/ ئوردیت، ئورد، ئوردیم/ ئوردیمین، ئوردین/
 ئوردن، ئوردن
 حوزه ۶: هاوردم، هاوردید، هورد، هوردیم/ هوردیمین/ هوردین، هوردين/ هوردين،
 هوردين
 حوزه ۷: هاوردم، هوردی/ هوردیت/ هوردد، هورد، هوردیم/ هوردیمین، هوردين،
 هوردين

حوزه ۸: هاوردم، هاوردید، هورد، هوردیم/ هوردیمین، هوردين، هوردين
 در فعل «آوردن»، زیرساخت بن گذشته /hawərd/ است که به لحاظ پراکندگی هم
 بسامد بالاتری دارد. در دو منطقه این بن فعلی به صورت /?awərd/ نمود می‌یابد که
 به نظر می‌رسد در آن همخوان سایشی بی‌واک /h/ تحت فرایند تضعیف در ابتدای
 واژه به انسداد چاکنایی تبدیل می‌شود.

(1) Underlying representation: hawərd ↓
 Rule 1: Lenition (weakening to ?): ?awərd ↓

در نتیجه /hawərd/ را در نوشتار معیار کوردی جنوبی مبنا قرار داده و از شناسه‌های
 شخص و شمار مشخص شده، برای صرف این فعل در زمان گذشته ساده استفاده
 می‌کنیم.

ب- صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال کامل»

در زمان حال کامل نیز از قاعده کلی صورت زیرساختی بن فعلی به علاوه شناسه‌های
 شخص و شمار به علاوه æ بهره می‌گیریم و در سوم شخص مفرد نیز زه را وند میانجی
 معیار در نظر می‌گیریم.

جدول ۲-۳۰: صرف مصدر /hawerdən/ در زمان «حال کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	hawerd- əm-æ	hawerd-ij-æ /-id-æ /-idən-æ	hawerd-εjæ /-εjæ	hawerd-im-æ /-imən-æ	hawerd-in-æ	hawerd-ən-æ
۲	hawerd- əm-æ	hawerd-it-æ /-æsən	hawerd-εgæ /-εgæs /-εgæsən	hawerd-im-æ /-imən-æ	hawerd-in-æ	hawerd-ən-æ
۳	hawerd- əm-æ	hawerd-it-æ	hawerd-εgæ	hawerd-im-æ /-imən-æ	hawerd-ən-æ	hawerd-ən-æ
۴	?awerd- εgəm	?awerd-εgid	?awerd-εjæ	?awerd-εgiman /-εgin	?awerd-εgən	?awerd-εgən
۵	?awerd- əm-æ	?awerd-id-æ /-it-æ	?awerd-εgæ	?awerd-im-æ /-imən-æ	?awerd-in-æ /-əm-æ	?awerd-ən-æ
۶	hawerd- əm-æ	hawerd-id-æ	hawerd-εjæ	hawerd- im-æ /-imən-æ /-in-æ	hawerd--in- æ /-ən-æ	hawerd-ən-æ
۷	hawerd- əm-æ	hawerd-i-j-æ /-it-æ /-εd-æ	hawerd-εg-æ	hawerd-im-æ /-imən-æ	hawerd-ən-æ	hawerd-ən-æ
۸	hawerd- əm-æ	hawerd-id-æ	hawerd-εjæ	hawerd-im-æ /-imən-æ	hawerd-in-æ	hawerd-ən-æ

صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: هاوردمه، هاوردیه/ هاوردیده/ هاوردیدنه، هاوردیه/ هاوردیه، هاوردیمه/

هاوردیمنه، هاوردینه، هاوردنه

حوزه ۲: هاوردمه، هاوردیته/ هاوردیتهسن، هاوردگه/ هاوردگهس/ هاوردگهسن،

هاوردیمه/ هاوردیمنه، هاوردینه، هاوردنه

حوزه ۳: هاوردمه، هاوردیته، هاوردگه، هاوردیمه/ هاوردیمنه، هاوردنه، هاوردنه

حوزه ۴: ئاوردگم، ئاوردگید، ئاوردیه، ئاوردیگمان/ ئاوردگین، ئاوردگن، ئاوردگن

حوزه ۵: ئاوردمه، ئاوردیده/ ئاوردیته، ئاوردگه، ئاوردیمه/ ئاوردیمنه، ئاوردینه/ ئاوردنه،

ئاوردنه

حوزه ۶: هاوردمه، هاوردیده، هاوردیه، هاوردیمه/ هاوردیمنه/ هاوردینه، هاوردینه/

هاوردنه، هاوردنه

حوزه ۷: هاوردمه، هاوردیه/ هاوردیته/ هاوردده، هاوردگه، هاوردیمه/ هاوردیمنه،

هاوردنه، هاوردنه

حوزه ۸: هاوردمه، هاوردیده، هاوردیته، هاوردیمه/ هاوردیمنه، هاوردینه، هاوردنه

ج- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته استمراری»

در صرف فعل «آوردن» نیز از همان قاعده ساخت گذشته استمراری که پیشتر گفته شد، استفاده می‌کنیم.

جدول ۳۱-۲: صرف مصدر /hawərdən/ در زمان «گذشته استمراری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	hawərd-əm /-ja-m	hawərd-ɪ /-ɪd /-ɪdən /-ja-j /-ja-jd /-ja-jdən	hawərd-ø /-ja-ø /-ja-d /-ja-dən	hawərd-ɪm /-ɪmən /-ja-jm /-ja-jmən	hawərd-ɪn /-ja-jn	hawərd-ən /-ja-n
۲	hawərd-əm	hawərd-ɪ /-ɪt /-ɪtən	hawərd-ø	hawərd-ɪm /-ɪmən	hawərd-ɪn	hawərd-ən
۳	də-jawərd-əm	də-jawərd-ɪ /-ɪt	də-jawərd-ø	də-jawərd-ɪm /-ɪmən	də-jawərd-ən	də-jawərd-ən
۴	də-jawərd-əm	də-jawərd-ɪd	də-jawərd-ø	də-jawərd-ɪman	də-jawərd-ən	də-jawərd-ən
۵	də-jawərd-əm	də-jawərd-ɪ /-ɪd /-ɪt	də-jawərd-ø	də-jawərd-ɪm /-ɪmən	də-jawərd-ɪn /-ən	də-jawərd-ən
۶	?æ-hawərd-əm	?æ-hawərd-ɪd	?æ-hawərd-ø	?æ-hawərd-ɪm /-ɪmən /-ɪn	?æ-hawərd-ɪn /-ən	?æ-hawərd-ən
۷	?æ-hawərd-əm	?æ-hawərd-ɪ /-ɪt /-ɛd	?æ-hawərd-ø	?æ-hawərd-ɪm /-ɪmən	?æ-hawərd-ən	?æ-hawərd-ən
۸	m-awərd-əm	mawərd-ɪd	mawərd-ø	mawərd-ɪm /-ɪmən	mawərd-ɪn	m-awərd-ən

صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: هاوردم/ هاوردیم، هاوردی/ هاوردید/ هاوردیدن/ هاوردیای/ هاوردیاید/

هاوردیایدن، هاورد/ هاوردیا/ هاوردیاد/ هاوردیادن، هاوردیم/ هاوردیمین/ هاوردیایم/
 هاوردیایمین، هاوردین/ هاوردیاین، هاوردن/ هاوردیان
 حوزه ۲: هاوردم، هاوردی/ هاوردیت/ هاوردیتن، هاورد، هاوردیم/ هاوردیمین،
 هاوردین، هاوردن
 حوزه ۳: دیاوردم، دیاوردی/ دیاوردیت، دیاورد، دیاوردیم/ دیاوردیمین، دیاوردن،
 دیاوردن
 حوزه ۴: دیاوردم، دیاوردید، دیاورد، دیاوردیمان، دیاوردن، دیاوردن
 حوزه ۵: دیاوردم، دیاوردی/ دیاوردید/ دیاوردیت، دیاورد، دیاوردیم/ دیاوردیمین،
 دیاوردین/ دیاوردن، دیاوردن
 حوزه ۶: ئەهاوردم، ئەهاوردید، ئەهاورد، ئەهاوردیم/ ئەهاوردیمین/ ئەهاوردین،
 ئەهاوردین/ ئەهاوردن، ئەهاوردن
 حوزه ۷: ئەهاوردم، ئەهاوردی/ ئەهاوردیت/ ئەهاوردد، ئەهاورد، ئەهاوردیم/
 ئەهاوردیمین، ئەهاوردن، ئەهاوردن
 حوزه ۸: ماوردم، ماوردید، ماورد، ماوردیم/ ماوردیمین، ماوردین، ماوردن

د- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته کامل»

جدول ۲-۳: صرف مصدر /hawerdən/ در زمان «گذشته کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	hawerd-ü-m	hawerd-ü-d /-dən	hawerd-ü-ø /-d /-dən	hawerd-ü-mən	hawerd-ü-n	hawerd-ü-n
۲	hawerd-əwi-m /-ü-m	hawerd-əwi-t /-tən /-ü-t /-ü-tən	hawerd-əwi-ø /-ü-ø	hawerd-əwi-mən /-ü-mən	hawerd-əwi-n /-ü-n	hawerd-əwi-n /-ü-n
۳	hawerd-ü-m	hawerd-ü-t	hawerd-ü-g	hawerd-ü-mən	hawerd-ü-n	hawerd-ü-n
۴	?awerd-ü-m	?awerd-ü-d	?awerd-ü-ø	?awerd-ü-mən	?awerd-ü-n	?awerd-ü-n
۵	?awerd-ü-m	?awerd-ü-d /-t	?awerd-ü-ø	?awerd-ü-mən	?awerd-ü-n	?awerd-ü-n
۶	hawerd-ü-m	hawerd-ü-d	hawerd-ü-ø	hawerd-ü-mən /-n	hawerd-ü-n	hawerd-ü-n
۷	hawerd-ü-m	hawerd-ü-d	hawerd-ü-ø	hawerd-ü-mən	hawerd-ü-n	hawerd-ü-n
۸	hawerd-ü-m	hawerd-ü-d	hawerd-ü-ø	hawerd-ü-mən	hawerd-ü-n	hawerd-ü-n

- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: هاوردۆم، هاوردۆد/ هاوردۆدن، هاوردۆ/ هاوردۆد/ هاوردۆدن، هاوردۆمن، هاوردۆن، هاوردۆن

حوزه ۲: هاوردۆیم/ هاوردۆم، هاوردۆیت/ هاوردۆیتن/ هاوردۆت/ هاوردۆتن، هاوردۆی/ هاوردۆ، هاوردۆیمن/ هاوردۆمن، هاوردۆین/ هاوردۆن، هاوردۆین/ هاوردۆن

حوزه ۳: هاوردۆم، هاوردۆت، هاوردۆگ، هاوردۆمن، هاوردۆن، هاوردۆن

حوزه ۴: ئاوردۆم، ئاوردۆد، ئاوردۆ، ئاوردۆمان، ئاوردۆن، ئاوردۆن

حوزه ۵: ئاوردۆم، ئاوردۆد/ ئاوردۆت، ئاوردۆ، ئاوردۆمن، ئاوردۆن، ئاوردۆن

حوزه ۶: هاوردۆم، هاوردۆد، هاوردۆ، هاوردۆمن/ هاوردۆن، هاوردۆن، هاوردۆن

حوزه ۷: هاوردۆم، هاوردۆد، هاوردۆ، هاوردۆمن، هاوردۆن، هاوردۆن

حوزه ۸: هاوردۆم، هاوردۆد، هاوردۆ، هاوردۆمن، هاوردۆن، هاوردۆن
 در رابطه با وند گذشته کامل، باز هم صورت زیرساختی /bii/ در همه مناطق با
 تضعیف کامل (حذف) b نمود آوایی یافته است (ü). در اینجا، با توجه به اینکه بن
 فعلی به همخوان پایان می‌یابد، محدودیتی در این رابطه بر وند گذشته کامل حاکم
 نیست مبنی بر اینکه برای جلوگیری از التقای واکه‌ای حتماً با همخوان آغاز شود.

(1) Underlying representation: hawærd-bü-m
 Rule 1: Lenition (full deletion of b): hawærd-ü-m ↓

ه- صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته التزامی»

جدول ۳۳-۲: صرف مصدر /hawærdən/ در زمان «گذشته التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	b-awærd-a-m	b-awærd-a-j /-jd /-jdən	b-awærd-a-ø /-d /-dən	b-awærd-a-jm /-jmən	b-awærd-a-jn	b-awærd-a-n
۲	b-awærd-a-m	b-awærd-a-j /-jt /-jtən	b-awærd-a-ø /-t	b-awærd-a-jm /-jmən	b-awærd-a-jn	b-awærd-a-n
۳	b-awærd-a-m	b-awærd-a-j /-jt	b-awærd-a-ø /-g	b-awærd-a-jm /-jmən	b-awærd-a-n	b-awærd-a-n
۴	b-awærd-a-m	b-awærd-a-jd	b-awærd-a-ø	b-awærd-a- jman	b-awærd-a-n	b-awærd-a-n
۵	b-awærd-a-m	b-awærd-a-j /-jd /-jt	b-awærd-a-ø /-d /-t	b-awærd-a-jm /-jmən	b-awærd-a-jn /-n	b-awærd-a-n
۶	b-awærd-a-m	b-awærd-a-jd	b-awærd-a-ø /-d	b-awærd-a- jm /-jmən /-jn	b-awærd-a-jn /-n	b-awærd-a-n
۷	b-awærd-a-m	b-awærd-a-j /-jt /-jd	b-awærd-a-ø	b-awærd-a-jm /-jmən	b-awærd-a-n	b-awærd-a-n
۸	b-awærd-a-m	b-awærd-a-jd	b-awærd-a-ø /-d	b-awærd-a-jm /-jmən	b-awærd-a-jn	b-awærd-a-n

صرف مصدر «آوردن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: باوردام، باوردای/ باورداید/ باوردایدن، باوردا/ باورداد/ باوردادن، باوردایم/ باوردایمن، باورداین، باوردان

حوزه ۲: باوردام، باوردای/ باوردایت/ باوردایتین، باوردا/ باوردات، باوردایم/ باوردایمن، باورداین، باوردان

حوزه ۳: باوردام، باوردای/ باوردایت، باوردا/ باورداگ، باوردایم/ باوردایمن، باوردان، باوردان

حوزه ۴: باوردام، باورداید، باوردا، باوردایمان، باوردان، باوردان

حوزه ۵: باوردام، باوردای/ باورداید/ باوردایت، باوردا/ باورداد/ باوردات، باوردایم/ باوردایمن، باورداین/ باوردان، باوردان

حوزه ۶: باوردام، باورداید، باوردا/ باورداد، باوردایم/ باوردایمن/ باورداین، باورداین/ باوردان، باوردان

حوزه ۷: باوردام، باوردای/ باوردایدت/ باورداید، باوردا، باوردایم/ باوردایمن، باوردان، باوردان

حوزه ۸: باوردام، باورداید، باوردا/ باورداد، باوردایم/ باوردایمن، باورداین، باوردان
در مورد زمان گذشته التزامی نیز، با افزوده شدن پیشوند التزامی ba به بن فعلی
فرایندهای واجی تضعیف و حذف واکه برای جلوگیری از التقای واکه‌ای به ترتیب زیر
اتفاق می‌افتد.

(1) Underlying representation:	bə-hawerd-a-m	↓
Rule 1: Lenition (full deletion of h):	bə-awerd-a-m	
Rule 2: Hiatus resolution:	b-awerd-a-m	
(deletion of the first vowel)		

در بازنمایی بالا، ابتدا در قاعدهٔ ۱ همخوان h دچار تضعیف کامل (حذف) شده و پس
از حذف شدن آن، التقای واکه‌ای حاصل توسط حذف واکهٔ نخست (ə) رفع می‌شود.
این فرایند در همهٔ مناطق به طور یکسان دیده می‌شود.

و- صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال اخباری»

جدول ۲-۳۴: صرف مصدر /hawerdən/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	tjær-əm	tjær-ı /-ıd /-ıdən	tjær-e /-ed /-edən	tjær-ım /-ımən	tjær-ın	tjær-ən
۲	ter-əm	ter-ı /-ıt /-ıtən	ter-e /-et /-etən	ter-ım /-ımən	ter-ın	ter-ən
۳	də-jar-əm	də-jar-ı /-ıt	də-jar-e /-eg	də-jar-ım /-ımən	də-jar-ın	də-jar-ən
۴	də-jar-əm	də-jar-ıd	də-jar-ı	də-jar-ıman	də-jar-ın	də-jar-ən
۵	də-jar-əm	də-jar-ı /-ıd /-ıt	də-jar-e /-ed /-et	də-jar-ım /-ımən	də-jar-ın /-ən	də-jar-ən
۶	?æ-ter-əm	?æ-ter-ıd	?æ-ter-e	?æ-ter-ım /-ımən /-ın	?æ-ter-ın /-ən	?æ-ter-ən
۷	?æ-tjær-əm	?æ-tjær-ıd /-ıt /-ed	?æ-tjær-e /-et	?æ-tjær-ım /-ımən	?æ-tjær-ın	?æ-tjær-ən
۸	m-ar-əm	m-ar-ıd	m-ar-e	m-ar-ım /-ımən	m-ar-ın	m-ar-ən

صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال اخباری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: تیه‌رم، تیه‌ری/ تیه‌رید/ تیه‌ریدن، تیه‌ری/ تیه‌رید/ تیه‌ریدن، تیه‌ریم/ تیه‌ریدن، تیه‌ریم/

تیه‌ریم، تیه‌رین، تیه‌رن

حوزه ۲: تیرم، تیری/ تیریت/ تیریتن، تیری/ تیریت/ تیریتن، تیریم/ تیریم، تیرین،

تیرین

حوزه ۳: دیارم، دیاری/ دیاریت، دیاری/ دیاریگ، دیاریم/ دیاریم، دیارن، دیارن

حوزه ۴: دیارم، دیارید، دیاری، دیاریمان، دیارن، دیارن

حوزه ۵: دیارم، دیاری/ دیارید/ دیاریت، دیاری/ دیارید/ دیاریت، دیاریم/ دیاریم،

دیارین/ دیارن، دیارن

حوزه ۶: ئەتیرم، ئەتیرید، ئەتیری، ئەتیریم/ ئەتیریم، ئەتیرین، ئەتیرین/ ئەتیرین،

ئەتیرن

حوزه ۷: $\text{ئه‌تیه‌رم، ئه‌تیه‌رید / ئه‌تیه‌ریت / ئه‌تیه‌رد، ئه‌تیه‌ری} / \text{ئه‌تیه‌ریت، ئه‌تیه‌ریم} /$
 $\text{ئه‌تیه‌ریمن، ئه‌تیه‌رن، ئه‌تیه‌رن}$

حوزه ۸: $\text{مارم، مارید، ماری، ماریم} / \text{ماریمن، مارین، مارن}$
 در مورد بن حال، اگرچه الگوی واجی ثابتی در میان تناوب‌های روساختی در زمان
 حال اخباری دیده نمی‌شود، بر اساس بسامد وقوع در مناطق به نظر می‌رسد صورت
 زیرساختی $/ar/$ باشد، که در صورت‌هایی واکه a تحت فرایند همگونی با واکه‌های
 شناسه‌های فعلی (i ، e و ə) قرار گرفته و به واکه‌های پیشین æ و e تبدیل
 می‌شود.

(1) Anticipatory assimilation of vowel feature (backness)

$V \rightarrow [-\text{back}] / __ C_0 V$

$\begin{array}{c} | \\ [-\text{back}] \end{array}$

در اینجا نیز همچون فعل آمدن، به دلیل کنار همدیگر قرار گرفتن دو واکه وند
 استمراری و بن فعلی، به وند میانجی نیاز است. از میان تنوعات موجود، می‌توانیم
 $/d\text{e}-\text{jar}/$ را به عنوان گونه معیار در نوشتار انتخاب کنیم. پیشنهاد دیگر، استفاده از
 صورت زیرساختی بن فعلی مورد استفاده در مناطق دو و شش است که دلیل انتخاب
 آن در بخش صرف مصدر آمدن در زمان حال اخباری، توضیح داده شد.

ز- صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال التزامی»

جدول ۲-۳۵: صرف مصدر /hawerdən/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	b-ar-əm	b-ar-ı /-ıd /-ıdən	b-ar-e /-ed /-edən	b-ar-ım /-ımən	b-ar-ın	b-ar-ən
۲	b-ar-əm	b-ar-ı /-ıt	b-ar-e /-et	b-ar-ım /-ımən	b-ar-ın	b-ar-ən
۳	bə-jar-əm	bə-jar-ı /-ıt	bə-jar-e /-eg	bə-jar-ım /-ımən	bə-jar-ın	bə-jar-ən
۴	bə-jar-əm	bə-jar-ıd	bə-jar-ı	bə-jar-ıman	bə-jar-ın	bə-jar-ən
۵	bə-jar-əm	bə-jar-ı /-ıd /-ıt	bə-jar-e /-ed /-et	bə-jar-ım /-ımən	bə-jar-ın /-ən	bə-jar-ən
۶	b-ar-əm	b-ar-ıd	b-ar-e	b-ar-ım /-ımən /-ın	b-ar-ın /-ən	b-ar-ən
۷	b-ar-əm	b-ar-ı /-ıt /-ed	b-ar-e /-et	b-ar-ım /-ımən	b-ar-ın	b-ar-ən
۸	b-ar-əm	b-ar-ıd	b-ar-e	b-ar-ım /-ımən	b-ar-ın	b-ar-ən

صرف مصدر «آوردن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بarm، بارى/ بارید/ باریدن، بارئ/ بارئد/ بارئدن، باریم/ باریمن، بارین، بارن

حوزه ۲: بarm، بارى/ باریت، بارئ/ بارئت، باریم/ باریمن، بارین، بارن

حوزه ۳: بینarm، بینارى/ بیناریت، بینارئ/ بیناریگ، بیناریم/ بیناریمن، بینارن، بینارن

حوزه ۴: بیarm، بیارید، بیارى، بیاریمان، بیارن، بیارن

حوزه ۵: بیarm، بینارى/ بینارید/ بیناریت، بینارئ/ بینارئد/ بینارئت، بیناریم/ بیناریمن، بینارین/

بینارن، بینارن

حوزه ۶: بarm، بارید، بارئ، باریم/ باریمن/ بارین، بارن/ بارن، بارن

حوزه ۷: بarm، بارى/ باریت/ بارد، بارئ/ بارئت، باریم/ باریمن، بارن، بارن

حوزه ۸: بarm، بارید، بارئ، باریم/ باریمن، بارین، بارن

در مورد زمان حال التزامی نیز، مانند گذشته التزامی، در برخی مناطق همان فرایند تضعیف کامل و حذف واکه که در بازنمایی (۳) به آن اشاره شد رخ می‌دهد. در این

مورد، زیرساخت بن حال /jar/ است که تحت همین فرایندها ابتدا j حذف شده و سپس در جهت رفع التقای واکه‌ای حاصل واکه نخست (ə) حذف می‌شود.

(1) Underlying representation:	bə-j-ar-əm	↓
Rule 1: Lenition (full deletion of j):	bə-ar-əm	
Rule 2: Hiatus resolution: (deletion of the first vowel)	b-ar-əm	

چنان‌که در داده‌ها مشاهده می‌شود، در برخی مناطق نیز (از جمله منطقه ۴) صورت زیرساختی [bə-jar-əm] تغییر نکرده و به همان شکل نمود آوایی می‌یابد و آن را به عنوان معیار در نوشتار انتخاب می‌کنیم. پیشنهاد دیگر، استفاده از /b-a-/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار است که از بسامد وقوع بالایی برخوردار است.

۲-۳-۶- صرف مصدر «شنیدن» در کوردی جنوبی

فعل «شنیدن» یکی دیگر از مصدرهایی است که صرف آن در زمان‌ها و شخص و شمارهای مختلف گردآوری شده و در اینجا تنوعات آن را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

الف- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته ساده»

جدول ۲-۳۶: صرف مصدر /ženæftən/ در زمان «گذشته ساده»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft- əm	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ɪ /-ɪd /-ɪdən	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ø	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-im /-imən	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-in	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ən
۲	ženæft-əm	ženæft-ɪ /-ɪt /-ɪtən	ženæft-ø	ženæft-im /-imən	ženæft-in	ženæft-ən
۳	ženæft/ ʔeženæft- əm	ženæft/ ʔeženæft-ɪ /-ɪt	ženæft/ ʔeženæft-ø	ženæft/ ʔeženæft-im /-imən	ženæft/ ʔeženæft-in	ženæft/ ʔeženæft-ən
۴	ženæft-əm	ženæft-ɪd	ženæft-ø	ženæft-imən	ženæft-ən	ženæft-ən
۵	ʔeženæft/ ʔešenæft -əm	ʔeženæft/ ʔešenæft-ɪ /-ɪd /-ɪt	ʔeženæft/ ʔešenæft-ø	ʔeženæft/ ʔešenæft-im /-imən	ʔeženæft/ ʔeženæft-in /-əm	ʔeženæft/ ʔešenæft-ən
۶	ženæft-əm	ženæft-ɪd	ženæft-ø	im-ženæft /-imən -in/	ženæft- in /-ən	ženæft-ən
۷	ʔeženæft/ ženæft-əm	ʔeženæft-ɪ /-ɪt ženæft-ɛd	ʔeženæft/ ženæft-ø	ʔeženæft/ ženæft-im /-imən	ʔeženæft/ ženæft-ən	ʔeženæft/ ženæft-ən
۸	ženæft-əm	ženæft-ɪd	ženæft-ø	ženæft-im /-imən	ženæft-in	ženæft-ən

صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: شنه فتم/ ژنه فتم/ ئەژنه فتم، شنه فتی/ شنه فتید/ شنه فتیدن/ ژنه فتی/ ژنه فتید/
ژنه فتیدن/ ئەژنه فتی/ ئەژنه فتید/ ئەژنه فتیدن، شنه فت/ ژنه فت/ ئەژنه فت، شنه فتیم/
شنه فتیم/ ژنه فتیم/ ژنه فتیم/ ئەژنه فتیم/ ئەژنه فتیم، شنه فتین/ ژنه فتین/
ئەژنه فتین، شنه فتن/ ژنه فتن/ ئەژنه فتن

حوزه ۲: ژنه فتم، ژنه فتی/ ژنه فتیت/ ژنه فتیتن، ژنه فت، ژنه فتیم/ ژنه فتیم، ژنه فتین،
ژنه فتن

حوزه ۳: ژنه فتم/ ئژنه فتم، ژنه فتی/ ژنه فتیت/ ئژنه فتی/ ئژنه فتیت، ژنه فت/ ئژنه فت،
ژنه فتیم/ ژنه فتیم/ ئژنه فتیم/ ئژنه فتیم، ژنه فتین/ ئژنه فتین، ژنه فتن/ ئژنه فتن

حوزه ۵: ئژنه فتم / ئشنه فتم، ئژنه فتي / ئژنه فتيد / ئژنه فتيت / ئشنه فتي / ئشنه فتيد / ئشنه فتيت، ئژنه فت / ئشنه فت، ئژنه فتيم / ئژنه فتيمن / ئشنه فتيم / ئشنه فتيمن، ئژنه فتين / ئژنه فتين / ئشنه فتين / ئشنه فتين، ئژنه فتين / ئشنه فتين،

حوزه ۸: ژنه فتم، ژنه فتید، ژنه فت، ژنه فتیم / ژنه فتمن، ژنه فتین، ژنه فتن

در مورد فعل «شنیدن» زیرساخت بن گذشته ساده این فعل /ʃnæft/ است که با اعمال چند قاعده واجی مطابق با بازنمایی زیر در مناطق مختلف به صورت‌های آوایی متفاوتی نمود می‌یابد.

- (1) Underlying representation: šnæft
 Rule 1: Word-initial lenition (voicing): žnæft
 Rule 2: Onset cluster breaking: že.næft / ež.næft
 Rule 3: Obligatory onset (?) insertion: že.næft / ?ež.næft
 Rule 4: Anticipatory vowel assimilation: žæ.næft / ?æž.næft

بازنمایی بالا تمام قواعد واجی اعمال شده بر روی زیرساخت را نشان می‌دهد؛ اما در مناطق مختلف این روساخت آوایی ممکن است با اعمال یک یا چند قاعدهٔ واجی اشاره‌شده، و نه لزوماً همهٔ آن‌ها، نمود یابد. در قاعدهٔ ۱، تضعیف^۱ (یا نرم‌شدگی) ابتدای واژه اتفاق می‌افتد – در اینجا به صورت واک‌دار شدن^۲ همخوان آغازین – که در آن، š به همخوان واک‌دار ž تبدیل می‌شود. در قاعدهٔ ۲، به علت محدودیت‌های ساخت هجا و مجاز نبودن خوشهٔ همخوانی در جایگاه آغاز هجا در روساخت، خوشهٔ

2. voicing

همخوانی آغازین به وسیلهٔ درج واکه شکسته می‌شود. این شکسته شدن خوشهٔ همخوانی به دو صورت اتفاق می‌افتد: درج میانی که واکهٔ e میان دو همخوان خوشه درج می‌شود (ʒe.næft)، و درج کناری که واکهٔ e در ابتدای خوشه درج می‌شود (eʒ.næft). لازم به ذکر است که واکهٔ درج شده در این موارد به صورت پیش‌فرض واکهٔ e است (چنان‌که در موارد درج واکه‌ای در وام‌واژه‌های وارد شده در زبان فارسی نیز عموماً واکهٔ e درج می‌شود). در قاعدهٔ ۳، به علت محدودیت‌های ساخت هجا در این گویش - همانند زبان فارسی و اغلب گویش‌های ایرانی - هر هجا باید در رساخت دارای یک همخوان آغاز به‌شود و در نبود این آغاز در اشتقاق زیرساخت، همخوان انسداد چاکنایی (?) به عنوان آغاز اجباری درج می‌شود. در نهایت، طی قاعدهٔ ۴، واکهٔ درج‌شدهٔ e در قاعدهٔ ۲ بر اساس قاعدهٔ همگونی واکه‌ای و مطابقت با دیگر واکهٔ بن فعلی به æ تبدیل می‌شود. در رابطه با نمودهای آوایی با همخوان ʒ، لازم به ذکر است که این رساخت‌ها با اعمال قواعد ۲ تا ۴، و بدون اعمال قاعدهٔ ۱، به دست آمده‌اند (ʒeʃ.næft، ʃenæft، ...). همانطور که تنوعات صرف فعل شنیدن را در جدول مشاهده می‌کنید، در رابطه با بن فعلی اگرچه طبق قواعد واجی /ʃnæft/ صورت زیرساختی است، اما /ʒenæft/ بیشترین بسامد و توزیع را داراست، در نتیجه برای اینکه این برنامه‌ریزی و معیارسازی توسط گویشوران مورد قبول واقع شود، به دلیل بسامد بالای این صورت رساختی، /ʒenæft/ را به عنوان بن فعلی معیار در نوشتار انتخاب می‌کنیم و از این بن فعلی به علاوهٔ شناسه‌های شخص و شمار، قاعدهٔ صرف فعل شنیدن در زمان گذشتهٔ ساده به دست می‌آید.

ب- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «حال کامل»

برای ساخت زمان حال کامل در فعل شنیدن، از همان قاعدهٔ مذکور در افعال پیشین استفاده می‌کنیم.

جدول ۳۷-۲: صرف مصدر /ženæftən/ در زمان «حال کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft- əm-æ	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ɪ-j-æ /-ɪd-æ /-ɪdæn-æ	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ej-æ -ej-æ	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ɪm-æ /-ɪmən-æ	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ɪn-æ	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ən-æ
۲	ženæft-əm-æ	ženæft-ɪt-æ /-ɪtən-æ	ženæft-eg-æ /-eg-æs /-eg-æsən	ženæft-ɪm-æ /-ɪmən-æ	ženæft-ɪn-æ	ženæft-ən-æ
۳	ženæft/ ʔeženæft- əm-æ	ženæft/ ʔeženæft-ɪt-æ	ženæft/ ʔeženæft- eg-æ	ženæft/ ʔeženæft-ɪm-æ /-ɪmən-æ	ženæft/ ʔeženæft- ən-æ	ženæft/ ʔeženæft-ən-æ
۴	ženæft-egəm	ženæft-egɪd	ženæft-ejæ	ženæft-egɪman /-egɪn	ženæft-egən	ženæft-egən
۵	ʔeženæft/ ʔešenæft- əm-æ	ʔeženæft/ ʔešenæft-ɪd-æ /-ɪt-æ	ʔeženæft/ ʔešenæft-eg-æ	ʔeženæft/ ʔešenæft-ɪm-æ /-ɪmən-æ	ʔeženæft/ ʔešenæft-ɪn-æ /-ən-æ	ʔeženæft/ ʔešenæft-ən-æ
۶	ženæft-əm-æ	ženæft-ɪd-æ	ženæft-ej-æ	ženæft-ɪm-æ /-ɪmən-æ /-ɪn-æ	ženæft-ɪn-æ /ən-æ	ženæft-ən-æ
۷	ʔeženæft/ ženæft-əm-æ	ʔeženæft-ɪ-j-æ /-ɪt-æ ženæft- ɛ-d-æ	ʔeženæft/ ženæft- eg-æ	ʔeženæft/ ženæft-ɪm-æ /-ɪmən-æ	ʔeženæft/ ženæft- ən-æ	ʔeženæft/ ženæft-ən-æ
۸	ženæft-əm-æ	ženæft-ɪd-æ	ženæft-ej-æ	ženæft-ɪm-æ /-ɪmən-æ	ženæft-ɪn-æ	ženæft-ən-æ

صرف مصدر «شنیدن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: شنه فتمه/ ژنه فتمه/ ئەژنه فتمه، شنه فتیە/ شنه فتیدە/ شنه فتیدنە/ ژنه فتیە/

ژنه فتیدە/ ژنه فتیدنە/ ئەژنه فتیە/ ئەژنه فتیدە/ ئەژنه فتیدنە، شنه فتیە/ شنه فتیە/ ژنه فتیە/

ژنه فتیە/ ئەژنه فتیە/ ئەژنه فتیە، شنه فتیمە/ شنه فتیمە/ ژنه فتیمە/ ژنه فتیمە/

ئەژنه فتیمە/ ئەژنه فتیمە، شنه فتینە/ ژنه فتینە/ ئەژنه فتینە، شنه فتنە/ ژنه فتنە/ ئەژنه فتنە

حوزه ۲: ژنه فتمه، ژنه فتیتە/ ژنه فتیتە، ژنه فتگە/ ژنه فتگەس/ ژنه فتگەسن، ژنه فتیمە/

ژنه فتیمە، ژنه فتینە، ژنه فتنە

حوزه ۳: ژنه فتمه/ ئژنه فتمه، ژنه فتیتە/ ئژنه فتیتە، ژنه فتگە/ ئژنه فتگە، ژنه فتیمە/

ژنه فتیمە/ ئژنه فتیمە/ ئژنه فتیمە، ژنه فتینە/ ئژنه فتینە، ژنه فتنە/ ئژنه فتنە

حوزه ۴: ژنه فتگم، ژنه فتگید، ژنه فتیە، ژنه فتگیمان/ ژنه فتگین، ژنه فتگن، ژنه فتگن

حوزه ۵: ژنه فتمه / شنه فتمه، ژنه فتیده / ژنه فتیه / شنه فتیده / شنه فتیه، ژنه فتگه / شنه فتگه، ژنه فتیمه / ژنه فتیمه / شنه فتیمه / شنه فتیمه، ژنه فتینه / ژنه فتینه / ژنه فتته / شنه فتینه / شنه فتته، ژنه فتته / شنه فتته

حوزه ۶: ژنه فتمه، ژنه فتیده، ژنه فتیه، ژنه فتیمه / ژنه فتیمه / ژنه فتینه، ژنه فتینه / ژنه فتته، ژنه فتته

حوزه ۷: ژنه فتمه / ژنه فتمه، ژنه فتیه / ژنه فتیه / ژنه فتته، ژنه فتگه / ژنه فتگه، ژنه فتیمه / ژنه فتیمه / ژنه فتیمه / ژنه فتیمه، ژنه فتته / ژنه فتته، ژنه فتته / ژنه فتته

حوزه ۸: ژنه فتمه، ژنه فتیده، ژنه فتیه، ژنه فتیمه / ژنه فتیمه / ژنه فتینه، ژنه فتته

ج- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته استمراری»

در جدول، صرف فعل شنیدن در زمان گذشته استمراری را مشاهده می‌کنید که در رابطه با تنوعات بن فعلی در قسمت گذشته ساده بحث شد و همچنین تنوع وند استمراری و نشانه‌های شخص و شمار نیز در فعال قبلی و در بخش زمان گذشته استمراری تحلیل شده و گونه معیار در نوشتار مشخص شد.

جدول ۳۸-۲: صرف مصدر /ženæftən/ در زمان «گذشته استمراری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-əm /-ja-m	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ı /-ıd /-ıdən /-ja-j /-ja-jd /-ja-jdən	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ø /-ja-ø /-ja-d /-ja-dən	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ım /-ımən /-ja-jım /-ja-jımən	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ın /-ja-jın	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ən /-ja-n
۲	ženæft-əm	ženæft-ı /-ıt /-ıtən	ženæft-ø	ženæft-ım /-ımən	ženæft-ın	ženæft-ən
۳	dɛ-žnæft-əm	dɛ-žnæft-ı /-ıt	dɛ-žnæft-ø	dɛ-žnæft-ım /-ımən	dɛ-žnæft-ın	dɛ-žnæft-ən
۴	dɛ-jæ-žnæft-əm	dɛ-jæ-žnæft-ıd	dɛ-jæ-žnæft-ø	dɛ-jæ-žnæft-ıman	dɛ-jæ-žnæft-ın	dɛ-jæ-žnæft-ən
۵	dɛ-šnæft/ žnæft-əm	dɛ-šnæft/ žnæft-ı /-ıd /-ıt	dɛ-šnæft/ žnæft-ø	dɛ-šnæft/ žnæft-ım /-ımən	dɛ-šnæft/ žnæft-ın /-ən	dɛ-šnæft/ žnæft-ən
۶	ʔæ-ženæft-əm	ʔæ-ženæft-ıd	ʔæ-ženæft-ø	ʔæ-ženæft-ım /-ımən /-ın	ʔæ-ženæft-ın /-ən	ʔæ-ženæft-ən
۷	ʔæ-ženæft-əm	ʔæ-ženæft-ı /-ıt /-ed	ʔæ-ženæft-ø	ʔæ-ženæft-ım /-ımən	ʔæ-ženæft-ın	ʔæ-ženæft-ən
۸	mæ-ženæft-əm	mæ-ženæft-ıd	mæ-ženæft-ø	mæ-ženæft-ım /-ımən	mæ-ženæft-ın	mæ-ženæft-ən

صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: شنه فتم/ ژنه فتم/ شنه فتیام/ ژنه فتیام/ ئەژنه فتیام، شنه فتی/ شنه فتید/ شنه فتیدن/ ژنه فتی/ ژنه فتید/ ژنه فتیدن/ ئەژنه فتید/ ئەژنه فتیدن/ شنه فتیای/ شنه فتیاید/ شنه فتیایدن/ ژنه فتیای/ ژنه فتیاید/ ژنه فتیایدن/ ئەژنه فتیای/ ئەژنه فتیاید/ ئەژنه فتیایدن، شنه فت/ ژنه فت/ ئەژنه فت/ شنه فتیای/ ژنه فتیای/ ئەژنه فتیای/ شنه فتیاید/ ژنه فتیاید/ ئەژنه فتیایدن/ ژنه فتیایدن/ ئەژنه فتیایدن، شنه فتیایم/ ژنه فتیایم/ ئەژنه فتیایم/ ژنه فتیایم/ ئەژنه فتیایم، شنه فتیایمن/ ژنه فتیایمن/ ئەژنه فتیایمن/ ژنه فتیایمن/ ئەژنه فتیایمن، شنه فتیاین/ ژنه فتیاین/ ئەژنه فتیاین/ ژنه فتیاین/ ئەژنه فتیاین

شنهفتیان/ ژنهفتیان/ نهژنهفتیان، شنهفتن/ ژنهفتن/ نهژنهفتن/ شنهفتیان/ ژنهفتیان/ نهژنهفتیان

حوزه ۲: ژنهفتم، ژنهفتی/ ژنهفتیت/ ژنهفتیتن، ژنهفت، ژنهفتیم/ ژنهفتیمن، ژنهفتین، ژنهفتن

حوزه ۳: دژنهفتم، دژنهفتی/ دژنهفتیت، دژنهفت، دژنهفتیم/ دژنهفتیمن، دژنهفتین، دژنهفتن

حوزه ۴: دیهژنهفتم، دیهژنهفتید، دیهژنهفت، دیهژنهفتیمان، دیهژنهفتن، دیهژنهفتن
حوزه ۵: دژنهفتم/ دشنهفتم، دژنهفتی/ دژنهفتید/ دژنهفتیت/ دشنهفتی/ دشنهفتید/ دشنهفتیت، دژنهفت/ دشنهفت، دژنهفتیم/ دژنهفتیمن/ دشنهفتیم/ دشنهفتیمن، دژنهفتین/ دژنهفتن/ دشنهفتین/ دشنهفتن، دژنهفتن/ دشنهفتن

حوزه ۶: ژنهفتم، ژنهفتید، ژنهفت، ژنهفتیم/ ژنهفتیمن/ ژنهفتین، ژنهفتین/ ژنهفتن، ژنهفتن

حوزه ۷: ئژنهفتم/ ئژنهفتم، ئژنهفتی/ ئژنهفتیت/ ئژنهفتد/ ئژنهفتی/ ئژنهفتیت/ ئژنهفتد، ئژنهفت/ ئژنهفت، ئژنهفتیم/ ئژنهفتیمن/ ئژنهفتیم/ ئژنهفتیمن، ئژنهفتن/ ئژنهفتن، ئژنهفتن/ ئژنهفتن

حوزه ۸: مهژنهفتم، مهژنهفتید، مهژنهفت، مهژنهفتیم/ مهژنهفتیمن، مهژنهفتین، مهژنهفتن

د- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته کامل»

جدول ۲-۳۹: صرف مصدر /ženæftən/ در زمان «گذشته کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ü-m	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ü-d /-dən	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ü-ø /-d /-dən	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ü-mən	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ü-n	šenæft/ ženæft/ ʔæženæft-ü-n
۲	ženæft-əwi-m /-ü-m	ženæft-əwi-t /-tən /-ü-t /-ü-tən	ženæft-əwi-ø /-ü-ø	ženæft-əwi-mən /-ü-mən	ženæft-əwi-n /-ü-n	ženæft-əwi-n /-ü-n
۳	ženæft/ ʔeženæft-ü-m	ženæft/ ʔeženæft-ü-t	ženæft/ ʔeženæft-ü-ø /-g	ženæft/ ʔeženæft-ü-mən	ženæft/ ʔeženæft-ü-n	ženæft/ ʔeženæft-ü-n
۴	ženæft-ü-m	ženæft-ü-d	ženæft-ü-ø	ženæft-ü-man	ženæft-ü-n	ženæft-ü-n
۵	ʔeženæft/ ʔešenæft-ü-m	ʔeženæft/ ʔešenæft-ü-d /-t	ʔeženæft/ ʔešenæft-ü-ø	ʔeženæft/ ʔešenæft-ü-mən	ʔeženæft/ ʔešenæft-ü-n	ʔeženæft/ ʔešenæft-ü-n
۶	ženæft-ü-m	ženæft-ü-d	ženæft-ü-ø	ženæft-ü- mən /-n	ženæft-ü-n	ženæft-ü-n
۷	ʔeženæft/ ženæft-ü-m	ʔeženæft/ ženæft-ü-t	ʔeženæft/ ženæft-ü-ø	ʔeženæft/ ženæft-ü-mən	ʔeženæft/ ženæft-ü-n	ʔeženæft/ ženæft-ü-n
۸	ženæft-ü-m	ženæft-ü-d	ženæft-ü-ø	ženæft-ü-mən	ženæft-ü-n	ženæft-ü-n

صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: شنه فتۆم/ ژنه فتۆم/ ئەژنه فتۆم، شنه فتۆد/ شنه فتۆدن/ ژنه فتۆد/ ژنه فتۆدن/
ئەژنه فتۆد/ ئەژنه فتۆدن، شنه فتۆ/ ژنه فتۆ/ ئەژنه فتۆ/ شنه فتۆد/ ژنه فتۆد/ ئەژنه فتۆد/
شنه فتۆدن/ ژنه فتۆدن/ ئەژنه فتۆدن، شنه فتۆم/ ژنه فتۆم/ ئەژنه فتۆم، شنه فتۆن/
ژنه فتۆن/ ئەژنه فتۆن، شنه فتۆن/ ژنه فتۆن/ ئەژنه فتۆن
حوزه ۲: ژنه فتۆیم/ ژنه فتۆم، ژنه فتۆیت/ ژنه فتۆت/ ژنه فتۆیتن/ ژنه فتۆی/
ژنه فتۆ، ژنه فتۆیم/ ژنه فتۆم، ژنه فتۆین/ ژنه فتۆن، ژنه فتۆین/ ژنه فتۆن
حوزه ۳: ژنه فتۆم/ ئژنه فتۆم، ژنه فتۆت/ ئژنه فتۆت، ژنه فتۆ/ ئژنه فتۆ/ ژنه فتۆگ/
ئژنه فتۆگ، ژنه فتۆم/ ئژنه فتۆم، ژنه فتۆن/ ئژنه فتۆن، ژنه فتۆن/ ئژنه فتۆن
حوزه ۴: ژنه فتۆم، ژنه فتۆد، ژنه فتۆ، ژنه فتۆمان، ژنه فتۆن، ژنه فتۆن
حوزه ۵: ئژنه فتۆم/ ئشنه فتۆم، ئژنه فتۆد/ ئژنه فتۆت/ ئشنه فتۆد/ ئشنه فتۆت، ئژنه فتۆ/

ئشنهفتو، ئژنهفتوم/ ئشنهفتوم، ئژنهفتون/ ئشنهفتون، ئژنهفتون/ ئشنهفتون

حوزه ۶: ژنهفتوم، ژنهفتود، ژنهفتو، ژنهفتوم/ ژنهفتون، ژنهفتون، ژنهفتون

حوزه ۷: ئژنهفتوم/ ژنهفتوم، ئژنهفتوت/ ژنهفتوت، ئژنهفتو/ ژنهفتو، ئژنهفتوم/

ژنهفتوم، ئژنهفتون/ ژنهفتون، ئژنهفتون/ ژنهفتون

حوزه ۸: ژنهفتوم، ژنهفتود، ژنهفتو، ژنهفتوم، ژنهفتون، ژنهفتون

در رابطه با وند گذشته کامل نیز می‌توان صورت زیرساختی را /bü/ در نظر گرفت که به نظر می‌رسد نوعی از قاعده تضعیف به آن اعمال می‌شود که به دو صورت نمود می‌یابد. در حالت اول b به w تضعیف می‌شود (تضعیف b به w در بسیاری از زبان‌های ایرانی غربی، به‌ویژه در ابتدای واژه، دیده می‌شود). در حالت دیگری از تضعیف، همخوان b به طور کامل حذف می‌شود (حالتی از تضعیف به حذف کامل عنصر آوایی منجر می‌شود).

(1) Underlying representation:	bü	↓
Rule 1: Lenition (weakening to w):	wü	
Rule 2: Lenition (full deletion):	øü	

در حالت دیگری از اشتقاق روساختی، می‌توان چنین استدلال کرد که پس از اعمال قاعده تضعیف ۱، غلت w در اشتقاق روساختی باقی مانده و با توجه به ویژگی گرد بودن این غلت، واکه پیشین ü بر اساس قاعده ناهمگونی ویژگی گرد بودن خود را از دست داده و به واکه معادل غیرگرد خود تبدیل می‌شود.

(1) Underlying representation:	bü	↓
Rule 1: Lenition (weakening to w):	wü	
Rule 2: Vowel dissimilation:	wi	

قاعده ساخت زمان گذشته کامل برای فعل شنیدن به صورت /ženæft/ به علاوه /bü/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار است.

ه- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته التزامی»

از قاعده /ba-žnæft-a/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار، صرف گذشته التزامی برای فعل شنیدن به دست می‌آید.

جدول ۲-۴: صرف مصدر /ženæftən/ در زمان «گذشته التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-žnæft/ šnæft-a-m	bə-žnæft/ šnæft-a-j /-jd /-jdən	bə-žnæft/ šnæft-a-ø /-d /-dən	bə-žnæft/ šnæft-a-jm /-jmən	bə-žnæft/ šnæft-a-jn	bə-žnæft/ šnæft-a-n
۲	bə-žnæft-a-m	bə-žnæft-a-j /-jt /-jtən	bə-žnæft-a-ø /-t /-tən	bə-žnæft-a-jm /-jmən	bə-žnæft-a-jn	bə-žnæft-a-n
۳	bə-žnæft-a-m	bə-žnæft-a-j /-jt	bə-žnæft-a-ø /-g	bə-žnæft-a-jm /-jmən	bə-žnæft-a-n	bə-žnæft-a-n
۴	bə-jæ-žnæft-a-m	bə-jæ-žnæft-a-jd	bə-jæ-žnæft-a-ø	bə-jæ-žnæft-a-jm jman	bə-jæ-žnæft-a-n	bə-jæ-žnæft-a-n
۵	bə-ženæft/ šenæft-a-m	bə-ženæft/ šenæft-a-j /-jd /-jt	bə-ženæft/ šenæft-a-ø /-d /-t	bə-ženæft/ šenæft-a-jm /-jmən	bə-ženæft/ šenæft-a-jn /-n	bə-ženæft/ šenæft-a-n
۶	bə-žnæft-a-m	bə-žnæft-a-jd	bə-ženæft-a-ø	bə-ženæft-a-jm /-jmən /-jn	bə-ženæft-a-jn /-n	bə-ženæft-a-n
۷	bə-žnæft-a-m	bə-žnæft-a-j /-jt	bə-ženæft-a-ø	bə-žnæft-a-jm /-jmən	bə-ženæft-a-n	bə-ženæft-a-n
۸	bə-žnæft-a-m	bə-žnæft-a-jd	bə-ženæft-a-ø	bə-žnæft-a-jm /-jmən	bə-ženæft-a-jn	bə-ženæft-a-n

صرف مصدر «شنیدن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بژنه فتام/ بشنه فتام، بژنه فتای/ بژنه فتاید/ بژنه فتایدن/ بشنه فتای/ بشنه فتاید/

بشنه فتایدن، بژنه فتا/ بژنه فتاد/ بژنه فتادن/ بشنه فتا/ بشنه فتاد/ بشنه فتادن، بژنه فتایم/

بژنه فتایمن/ بشنه فتایم/ بشنه فتایمن، بژنه فتاین/ بشنه فتاین، بژنه فتان/ بشنه فتان

حوزه ۲: بژنه فتام، بژنه فتای/ بژنه فتایت/ بژنه فتایتین، بژنه فتا/ بژنه فتات/ بژنه فتاتن،

بژنه فتایم/ بژنه فتایمن، بژنه فتاین، بژنه فتان

حوزه ۳: بژنه فتام، بژنه فتای/ بژنه فتایت، بژنه فتا/ بژنه فتاگ، بژنه فتایم/ بژنه فتایمن،

بژنه فتان، بژنه فتان

حوزه ۴: بیه ژنه فتام، بیه ژنه فتاید، بیه ژنه فتا، بیه ژنه فتایمان، بیه ژنه فتان، بیه ژنه فتان

حوزه ۵: بژنه فتام/ بشنه فتام، بژنه فتای/ بژنه فتاید/ بژنه فتایت/ بشنه فتای/ بشنه فتاید/ بشنه فتایت، بژنه فتایم/ بشنه فتایم/ بشنه فتایم، بژنه فتاین/ بژنه فتان/ بشنه فتاین/ بشنه فتان، بژنه فتان/ بشنه فتان

حوزه ۶: بژنه فتام، بژنه فتاید، بژنه فتا، بژنه فتایم/ بژنه فتایم/ بژنه فتاین، بژنه فتاین/ بژنه فتاین/ بژنه فتان، بژنه فتان

حوزه ۷: بژنه فتام، بژنه فتای/ بژنه فتایت، بژنه فتا، بژنه فتایم/ بژنه فتایم، بژنه فتان، بژنه فتان

حوزه ۸: بژنه فتام، بژنه فتاید، بژنه فتا، بژنه فتایم/ بژنه فتایم، بژنه فتاین، بژنه فتان

و- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «حال اخباری»

جدول ۲-۴۱: صرف مصدر /ʒənæftən/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	ʔæ-ʂnæw/ ʔæ-ʂnæw/ ʂenæw/ ʒenæw-əm	ʔæ-ʂnæw/ ʔæ-ʂnæw/ ʂenæw-ɪ /-ɪdən	ʔæ-ʂnæw/ ʔæ-ʂnæw/ ʂenæw/ ʒenæw-e /-ed /-edən	ʔæ-ʂnæw/ ʔæ-ʂnæw/ ʂenæw/ ʒenæw-im /-imən	ʔæ-ʂnæw/ ʔæ-ʂnæw/ ʂenæw/ ʒenæw-in	ʔæ-ʂnæw/ ʔæ-ʂnæw/ ʂenæw/ ʒenæw-ən
۲	ʒenæf-əm	ʒenæf-ɪ /-ɪt /-ɪtən	ʒenæf-e /-et /-etən	ʒenæf-im /-imən	ʒenæf-in	ʒenæf-ən
۳	ʔeʒnæw-əm	ʔeʒnæw-ɪ /-ɪt	ʔeʒnæw-e /-eg	ʔeʒnæw-im /-imən	ʔeʒnæw-in	ʔeʒnæw-ən
۴	ʔæ-ʂnæf/ ʔæ-ʂnæw-əm	ʔæ-ʂnæf/ ʔæ-ʂnæw-ɪd	ʔæ-ʂnæf/ ʔæ-ʂnæw-e	ʔæ-ʂnæf/ ʔæ-ʂnæw-imən	ʔæ-ʂnæf/ ʔæ-ʂnæw-ən	ʔæ-ʂnæf/ ʔæ-ʂnæw-ən
۵	ʔeʒenæw/ ʔeʂenæw-əm	ʔeʒenæw/ ʔeʂenæw-ɪ /-ɪd /-ɪt	ʔeʒenæw/ ʔeʂenæw-e /-ed /-et	ʔeʒenæw/ ʔeʂenæw-im /-imən	ʔeʒenæw/ ʔeʂenæw-in /-ən	ʔeʒenæw/ ʔeʂenæw-ən
۶	ʔeʒenæf-əm	ʔeʒenæf-ɪd	ʔeʒenæf-e	ʔeʒenæf- im /-imən /-im	ʔeʒenæf- in /-ən	ʔeʒenæf-ən
۷	ʔæ-ʂnæw-əm	ʔæ-ʂnæw-ɪ /-ɪt /-ɪd	ʔæ-ʂnæw-e /-et	ʔæ-ʂnæw-im /-imən	ʔæ-ʂnæw-in	ʔæ-ʂnæw-ən
۸	mæ-ʂnæf-əm	mæ-ʂnæf-ɪd	mæ-ʂnæf-e	mæ-ʂnæf-im /-imən	mæ-ʂnæf-in	mæ-ʂnæf-ən

طبق قواعد واجی بالا، در زمان حال بن فعلی زیرساختی /šnæw/ است، اما همانطور که در بخش بن فعلی زمان گذشته گفتیم، به دلیل بسامد بالای /žnæw/، از این صورت به عنوان بن فعلی معیار در نوشتار استفاده می‌کنیم. و بر اساس قاعده کلی که پیشتر مطرح شد، هرچند در جدول بالا استفاده از وند استمراری /də/ را مشاهده نمی‌کنیم، اما در نوشتار این فعل نیز همان قاعده کلی را در نظر می‌گیریم.

ز- صرف مصدر «شنیدن» در زمان «حال التزامی»

زمان حال التزامی نیز از /bə/ به علاوه بن فعلی زیرساختی به علاوه شناسه‌های شخص و شمار به دست می‌آید.

جدول ۲-۴۲: صرف مصدر /ženæftən/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-šnæw/ žnæw-əm	bə-šnæw/ žnæw-ı /-ıd /-ıdən	bə-šnæw/ žnæw-e /-ed /-edən	bə-šnæw/ žnæw-ım /-ımən	bə-šnæw/ žnæw-ın	bə-šnæw/ žnæw-ən
۲	bə-žnæf-əm	bə-žnæf-ı /-ıt /-ıtən	bə-žnæf-e /-et /-etən	bə-žnæf-ım /-ımən	bə-žnæf-ın	bə-žnæf-ən
۳	bə-žnæw-əm	bə-žnæw-ı /-ıt	bə-žnæw-e /-eg	bə-žnæw-ım /-ımən	bə-žnæw-ın	bə-žnæw-ən
۴	bə-jæ-žnæf/ žnæw-əm	bə-jæ-žnæf/ žnæw-ıd	bə-jæ-žnæf/ žnæw-e	bə-jæ-žnæf/ žnæw-ıman	bə-jæ-žnæf/ žnæw-ın	bə-jæ-žnæf/ žnæw-ən
۵	bə-žnæw/ šnæw-əm	bə-žnæw/ šnæw-ı /-ıd /-ıt	bə-žnæw/ šnæw-e /-ed /-et	bə-žnæw/ šnæw-ım /-ımən	bə-žnæw/ šnæw-ın /-ın	bə-žnæw/ šnæw-ən
۶	bə-žnæf-əm	bə-žnæf-ıd	bə-žnæf-e	bə-žnæf- ım /-ımən /-ın	bə-žnæf- ın /-ın	bə-žnæf-ən
۷	bə-žnæw-əm	bə-žnæw-ı /-ıt /-ed	bə-žnæw-e /-et	bə-žnæw-ım /-ımən	bə-žnæw-ın	bə-žnæw-ən
۸	bə-žnæf-əm	bə-žnæf-ıd	bə-žnæf-e	bə-žnæf-ım /-ımən	bə-žnæf-ın	bə-žnæf-ən

صرف مصدر «شنیدن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بشنه‌وم / بژنه‌وم، بشنه‌وی / بشنه‌وید / بشنه‌ویدن / بژنه‌وی / بژنه‌وید / بژنه‌ویدن،
بشنه‌وئ / بشنه‌وئد / بشنه‌وئدن / بژنه‌وئ / بژنه‌وئد / بژنه‌وئدن، بشنه‌ویم / بشنه‌ویمن /
بژنه‌ویم / بژنه‌ویمن، بشنه‌وین / بژنه‌وین، بشنه‌ون / بژنه‌ون

حوزه ۲: بژنه‌فم، بژنه‌فی / بژنه‌فیت / بژنه‌فیتن، بژنه‌فی / بژنه‌فیت / بژنه‌فیتن، بژنه‌فیم /
بژنه‌فیمن، بژنه‌فین، بژنه‌فن

حوزه ۳: بژنه‌وم، بژنه‌وی / بژنه‌ویت، بژنه‌وئ / بژنه‌ویگ، بژنه‌ویم / بژنه‌ویمن، بژنه‌ون،
بژنه‌ون

حوزه ۴: بیه‌ژنه‌فم / بیه‌ژنه‌وم، بیه‌ژنه‌فید / بیه‌ژنه‌وید، بیه‌ژنه‌فی / بیه‌ژنه‌وی،
بیه‌ژنه‌فیمان / بیه‌ژنه‌ویمان، بیه‌ژنه‌فن / بیه‌ژنه‌ون، بیه‌ژنه‌فن / بیه‌ژنه‌ون

حوزه ۵: بژنه‌وم / بشنه‌وم، بژنه‌وی / بژنه‌وید / بژنه‌ویت / بشنه‌وی / بشنه‌وید / بشنه‌ویت،
بژنه‌وئ / بژنه‌وئد / بژنه‌وئت / بشنه‌وئ / بشنه‌وئد / بشنه‌وئت، بژنه‌ویم / بژنه‌ویمن /
بشنه‌ویم / بشنه‌ویمن، بژنه‌وین / بشنه‌وین / بژنه‌ون / بشنه‌ون، بژنه‌ون / بشنه‌ون

حوزه ۶: بژنه‌فم، بژنه‌فید، بژنه‌فی، بژنه‌فیم / بژنه‌فیمن / بژنه‌فین، بژنه‌فین / بژنه‌فن،
بژنه‌فن

حوزه ۷: بژنه‌وم، بژنه‌وی / بژنه‌ویت / بژنه‌ود، بژنه‌وی / بژنه‌ویت، بژنه‌ویم / بژنه‌ویمن،
بژنه‌ون، بژنه‌ون

حوزه ۸: بژنه‌فم، بژنه‌فید، بژنه‌فی، بژنه‌فیم / بژنه‌فیمن، بژنه‌فین، بژنه‌فن

۲-۳-۷- صرف مصدر «توانستن» در کوردی جنوبی

در این بخش صرف فعل توانستن در مناطق، زمان‌ها، شخص‌ها و شمارهای گوناگون را در جدول‌ها دیده و بررسی می‌کنیم و در نهایت برای رسیدن به یک صورت نوشتاری معیار، داده‌های موجود را تحلیل می‌کنیم.

الف- صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته ساده»

جدول ۲-۴۳: صرف مصدر /tʰwænestən/ در زمان «گذشته ساده»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	tʰwænes/tʰwænest-əm	tʰwænes/tʰwænest-ɪ /-ɪd /-ɪdən	tʰwænes/tʰwænest-θ	tʰwænes/tʰwænest-ɪm /-ɪmən	tʰwænes/tʰwænest-ɪn	tʰwænes/tʰwænest-ən
۲	twanest-əm	twanest-ɪ /-ɪt /-ɪtən	twanest-θ	twanest-ɪm /-ɪmən	twanest-ɪn	twanest-ən
۳	tʰwænes/tjænes-əm	tʰwænes/tjænes-ɪ /-ɪt	tʰwænes/tjænes-θ	tʰwænes/tjænes-ɪm /-ɪmən	tʰwænes/tjænes-ɪn	tʰwænes/tjænes-ən
۴	tʰwænest-əm	tʰwænest-ɪd	tʰwænest-θ	tʰwænest-ɪman	tʰwænest-ən	tʰwænest-ən
۵	tünes-əm	tünes-ɪ /-ɪd /-ɪt	tünes-θ	tünes-ɪm /-ɪmən	tünes-ɪn /-ən	tünes-ən
۶	tanest-əm	tanest-ɪd	tanest-θ	tanest-ɪm /-ɪmən /-ɪn	tanest-ɪn /-ən	tanest-ən
۷	twanes/tʰwænes-əm	twanes-ɪ /-ɪt tʰwænes-ɛd	twanes/tʰwænes-θ	twanes/tʰwænes-ɪm /-ɪmən	twanes/tʰwænest-ən	twanes/tʰwænest-ən
۸	tünest-əm	tünest-ɪ /-ɪd	tünest-θ	tünest-ɪm /-ɪmən	tünest-ɪn	tünest-ən

صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: تۆه نسیم/ تۆه نستم، تۆه نسی/ تۆه نسید/ تۆه نسیدن/ تۆه نستی/ تۆه نستید/

تۆه نستیدن، تۆه نس/ تۆه نست، تۆه نسیم/ تۆه نسیمین/ تۆه نستیم/ تۆه نستیمین،

تۆه نسین/ تۆه نستین، تۆه نسن/ تۆه نستن

حوزه ۲: توانستم، توانستی/ توانستیت/ توانستیتین، توانست، توانستیم/ توانستیمین،

توانستین، توانستن

حوزه ۳: تۆه نسیم/ تیه نسیم، تۆه نسی/ تیه نسیت/ تیه نسی/ تیه نسیت، تۆه نس/ تیه نس،

تۆه نسیم/ تۆه نسیمین/ تیه نسیم/ تیه نسیمین، تۆه نسن/ تیه نسن، تۆه نسن/ تیه نسن

حوزه ۴: تۆه نستم، تۆه نستید، تۆه نست، تۆه نستیمان، تۆه نستین، تۆه نستن

حوزه ۵: تۋنسم، تۋنسی/ تۋنسید/ تۋنسیت، تۋنس، تۋنسیم/ تۋنسیمن، تۋنسن/ تۋنسن، تۋنسن

حوزه ۶: تانستم، تانستید، تانست، تانستیم/ تانستیمن/ تانستین، تانستین/ تانستن، تانستن

حوزه ۷: تۋانسم/ تۋه‌نسم، تۋانسی/ تۋانسیت/ تۋه‌نسد، تۋانس/ تۋه‌نس، تۋانسیم/ تۋانسیمن/ تۋه‌نسیم/ تۋه‌نسیمن، تۋانسن/ تۋه‌نسن، تۋانسن/ تۋنسن

حوزه ۸: تۋنستم، تۋنستی/ تۋنستید، تۋنست، تۋنستیم/ تۋنستیمن، تۋنستین، تۋنستن در مصدر «تۋانستن»، الگوی واجی ثابتی در میان صورت‌های آوایی مختلف در زمان‌های گذشته دیده نمی‌شود. اما با توجه به بسامد وقوع و همچنین این فرض که بازنمایی زیرساختی اغلب صورت کامل‌تری است که در نمود آوایی ساده‌سازی و کاهش یافته است (به لحاظ اقتصاد زبانی در تولید آوایی)، به نظر می‌رسد صورت زیرساختی بن گذشته /tʷænest/ باشد که در مناطق مختلف به صورت‌های متعددی نمود آوایی یافته است. این صورت‌های آوایی به طرق مختلفی ساده‌سازی شده‌اند؛ در برخی مناطق با تضعیف کامل (حذف) t در انتهای بن، و در برخی مناطق با حذف /w/ و جایگزینی واکه‌های a یا ü (مناطق ۵، ۶ و ۸). گرچه به نظر می‌رسد که صورت زیرساختی /tʷænest/ باشد، اما برای اینکه از تنوعات همه مناطق در برنامه‌ریزی زبان استفاده شده باشد و همچنین در راستای همگرایی با دیگر شاخه‌های زبان کردی، از /tʷanest/ برای گونه معیار نوشتاری استفاده می‌کنیم که این بن فعلی در کردی میانی نیز گونه معیار است.

ب- صرف مصدر «تۋانستن» در زمان «حال کامل»

برای صرف مصدر «تۋانستن» در زمان حال کامل نیز از همان الگوی پیشین در صرف فعل حال کامل استفاده می‌کنیم.

جدول ۲-۴۴: صرف مصدر /tʷænestən/ در زمان «حال کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	tʷænes/tʷænest-əm-æ	tʷænes/tʷænest-i-j-æ /-id-æ /-idən-æ	tʷænes/tʷænest-ɛj-æ -ɛj-æ	tʷænes/tʷænest-im-æ /-imən-æ	tʷænes/tʷænest-in-æ	tʷænes/tʷænest-ən-æ
۲	tʷænest-əm-æ	tʷænest-it-æ /-itən-æ	tʷænest-eg-æ /-eg-æəs /-eg-æəsən	tʷænest-im-æ /-imən-æ	tʷænest-in-æ	tʷænest-ən-æ
۳	tʷænes/tjænes-əm-æ	tʷænes/tjænes-it-æ	tʷænes/tjænes-eg-æ	tʷænes/tjænes-im-æ /-imən-æ	tʷænes/tjænes-ən-æ	tʷænes/tjænes-ən-æ
۴	tʷænest-egəm	tʷænest-egid	tʷænest-ejæ	tʷænest-egiman /-egin	tʷænest-egən	tʷænest-egən
۵	tūnes-əm-æ	tūnes-id-æ /-it-æ	tūnes-eg-æ	tūnes-im-æ /-imən-æ	tūnes-in-æ /-ən-æ	tūnes-ən-æ
۶	tanest-əm-æ	tanest-id-æ	tanest-ɛj-æ	tanest-im-æ /-imən-æ /-in-æ	tanest-in-æ /-ən-æ	tanest-ən-æ
۷	twanes/tʷænes-əm-æ	twanes-i-j-æ /-it-æ tʷænes-ɛd-æ	twanes/tʷænes-eg-æ	twanes/tʷænes-im-æ /-imən-æ	twanes/tʷænest-ən-æ	twanes/tʷænest-ən-æ
۸	tūnest-əm-æ	tūnest-id-æ	tūnest-ɛj-æ	tūnest-im-æ /-imən-æ	tūnest-in-æ	tūnest-ən-æ

صرف مصدر «توانستن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

- حوزه ۱: تۆه نسمه / تۆه نستمه، تۆه نسیه / تۆه نسیده / تۆه نسیدنه / تۆه نستیه / تۆه نستیده / تۆه نستیدنه، تۆه نسیه / تۆه نستیه / تۆه نسیه / تۆه نستیه، تۆه نسیمه / تۆه نسیمه / تۆه نستیمه / تۆه نستیمه، تۆه نسینه / تۆه نستینه، تۆه نسنه / تۆه نستنه
- حوزه ۲: توانستمه، توانستیه / توانستینه، توانستگه / توانستگهس / توانستگهسن، توانستیمه / توانستیمه، توانستینه، توانستنه
- حوزه ۳: تۆه نسمه / تیه نسمه، تۆه نسیتیه / تیه نسیتیه، تۆه نسگه / تیه نسگه، تۆه نسیمه / تۆه نسیمه / تیه نسیمه / تیه نسیمه، تۆه نسنه / تیه نسنه، تۆه نسنه / تیه نسنه
- حوزه ۴: تۆه نستگم، تۆه نستگید، تۆه نستیه، تۆه نستگیمان / تۆه نستگین، تۆه نستنه، تۆه نستنه
- حوزه ۵: تۆه نسمه، تۆه نسیدیه / تۆه نسیتیه، تۆه نسگه، تۆه نسیمه / تۆه نسیمه، تۆه نسینه / تۆه نسنه، تۆه نسنه

حوزه ۶: تانستمه، تانستیده، تانستیته، تانستیمه/ تانستیمنه/ تانستینه، تانستیته/ تانستیته، تانستیته

حوزه ۷: توانسمه/ توهنسمه، توانسیه/ توانستیته/ توهنسنده، توانسگه/ توهنسگه، توانسیمه/ توانسیمنه/ توهنسیمه/ توهنسیمنه، توانسنه/ توهنسنه، توانسنه/ توهنسنه
حوزه ۸: تونستمه، تونستیده، تونستیته، تونستیمه/ تونستیمنه، تونستیته، تونستیته

ج- صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته استمراری»

در جدول زیر شاهد تنوعات شیوه صرف مصدر توانستن در زمان گذشته استمراری هستیم و همانطور که پیشتر اشاره شد، در اینجا نیز استفاده از وندهای استمراری /də/ و /ja/ بیشترین بسامد را دارد.

جدول ۲-۴۵: صرف مصدر /tʷanestən/ در زمان «گذشته استمراری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	tʷænes/tʷænest-əm /-ja-m	tʷænes/tʷænest-ɪ /-ɪd /-ɪdən /-ja-j /-ja-jd /-ja-jdən	tʷænes/tʷænest-ø /-ja-ø /-ja-d /-ja-dən	tʷænes/tʷænest-im /-imən /-ja-jm /-ja-jmən	tʷænes/tʷænest-in /-ja-jn	tʷænes/tʷænest-ən /-ja-n
۲	twanest-əm	twanest-ɪ /-ɪt /-ɪtən	twanest-ø	twanest-im /-imən	twanest-in	twanest-ən
۳	dɛ-tʷænes/tjænɛs-əm	dɛ-tʷænes/tjænɛs-ɪ /-ɪt	dɛ-tʷænes/tjænɛs-ø	dɛ-tʷænes/tjænɛs-im /-imən	dɛ-tʷænes/tjænɛs-ən	dɛ-tʷænes/tjænɛs-ən
۴	dɛ-tʷænest-əm	dɛ-tʷænest-ɪd	dɛ-tʷænest-ø	dɛ-tʷænest-iman	dɛ-tʷænest-ən	dɛ-tʷænest-ən
۵	dɛ-tūnes-əm	dɛ-tūnes-ɪ /-ɪd /-ɪt	dɛ-tūnes-ø	dɛ-tūnes-im /-imən	dɛ-tūnes-in /-ən	dɛ-tūnes-ən
۶	?æ-tanest-əm	?æ-tanest-ɪd	?æ-tanest-ø	?æ-tanest-im /-imən /-in	?æ-tanest--in /--ən	?æ-tanest-ən
۷	?æ-tʷanes/tʷænɛs-əm	?æ-tʷanes-ɪ /-ɪt ?æ-tʷanes-ed	?æ-tʷanes/tʷænes-ø	?æ-tʷanes/tʷænes-im /-imən	?æ-tʷanes/tʷænest-ən	?æ-tʷanes/tʷænest-ən
۸	mæ-tūnest-əm	mæ-tūnest-ɪ /-ɪd	mæ-tūnest-ø	mæ-tūnest-im /-imən	mæ-tūnest-in	mæ-tūnest-ən

صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: تۆه نسّم / تۆه نسیام / تۆه نستیم / تۆه نستیام، تۆه نسی / تۆه نسیای / تۆه نسید / تۆه نسیاید / تۆه نسیدن / تۆه نسیایدن / تۆه نستی / تۆه نستیای / تۆه نستید / تۆه نستیاید / تۆه نستیدن / تۆه نستیایدن، تۆه نس / تۆه نسیا / تۆه نسیاد / تۆه نسیادن / تۆه نست / تۆه نستیا / تۆه نستاید / تۆه نستیادن، تۆه نسیم / تۆه نسیایم / تۆه نسیمین / تۆه نسیایمین / تۆه نستیم / تۆه نستیایم / تۆه نستیمین / تۆه نستیایمین، تۆه نسن / تۆه نسیان / تۆه نستین / تۆه نستیان

حوزه ۲: توانستم، توانستی / توانستیت / توانستیتن، توانست، توانستیم / توانستیمین، توانستین، توانستن

حوزه ۳: دتۆه نسّم، دتۆه نسی، دتۆه نسییت / دتۆه نسی / دتیه نسییت، دتۆه نس / دتیه نس، دتۆه نسیم / دتۆه نسیمین / دتیه نسیم / دتیه نسیمین، دتۆه نسن / دتیه نسن، دتۆه نسن / دتیه نسن

حوزه ۴: دتۆه نستیم، دتۆه نستید، دتۆه نست، دتۆه نستیمان، دتۆه نستین، دتۆه نستین
حوزه ۵: دتۆنسّم، دتۆنسی / دتۆنسید / دتۆنسییت، دتۆنس، دتۆنسیم / دتۆنسیمین، دتۆنسن / دتۆنسن، دتۆنسن

حوزه ۶: ئە تانستم، ئە تانستید، ئە تانست، ئە تانستیم / ئە تانستیمین / ئە تانستین، ئە تانستین / ئە تانستن، ئە تانستن

حوزه ۷: ئە توانسم، ئە توانسی / ئە توانسییت / ئە تۆه نسد، ئە توانس / ئە تۆه نس، ئە توانسیم / ئە توانسیمین / ئە تۆه نسیم / ئە تۆه نسیمین، ئە توانسن / ئە تۆه نسن، ئە توانسن / ئە تۆه نسن

حوزه ۸: مە تۆنستم، مە تۆنستی / مە تۆنستید، مە تۆنست، مە تۆنستیم / مە تۆنستیمین، مە تۆنستین، مە تۆنستن

د- صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته کامل»

در اینجا نیز واج /b/ در روساخت فعل کمکی بودن حذف شده است که بنابر توضیحات پیشین، در نوشتار معیار از صورت زیرساختی آن استفاده می‌کنیم.

جدول ۲-۴: صرف مصدر /tʷanəstən/ در زمان «گذشته کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	tʷanəst/tʷanəst- -ū-m	tʷanəst/tʷanəst- -ū-d /-dən	tʷanəst/tʷanəst- -ū-ø /-d /-dən	tʷanəst/tʷanəst- -ū-mən	tʷanəst/tʷanəst- -ū-n	tʷanəst/tʷanəst- -ū-n
۲	twanəst-əwi-m /-ū-m	twanəst-əwi-t /-tən /-ū-t /-ū-tən	twanəst-əwi-ø /-ū-ø	twanəst-əwi- mən /-ū-mən	twanəst-əwi-n /-ū-n	twanəst-əwi-n /-ū-n
۳	tʷanəst/tʷanəst- -ū-m	tʷanəst/tʷanəst- -ū-t	tʷanəst/tʷanəst- -ū-g	tʷanəst/tʷanəst- -ū-mən	tʷanəst/tʷanəst- -ū-n	tʷanəst/tʷanəst- -ū-n
۴	tʷanəst-ū-m	tʷanəst-ū-d	tʷanəst-ū-ø	tʷanəst-ū-mən	tʷanəst-ū-n	tʷanəst-ū-n
۵	tūnes-ū-m	tūnes-ū-d /-t	tūnes-ū-ø	tūnes-ū-mən	tūnes-ū-n	tūnes-ū-n
۶	tanəst-ū-m	tanəst-ū-d	tanəst-ū-ø	tanəst-ū- mən /-n	tanəst-ū- n	tanəst-ū-n
۷	twanəst/tʷanəst- -ū-m	twanəst/tʷanəst- -ū-t /-d	twanəst/tʷanəst- -ū-ø	twanəst/tʷanəst- -ū-mən	twanəst/tʷanəst- -ū-n	twanəst/tʷanəst- -ū-n
۸	tūnest-ū-m	tūnest-ū-d	tūnest-ū-ø	tūnest-ū-mən	tūnest-ū-n	tūnest-ū-n

صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: توه‌نسۆم/ توه‌نستۆم، توه‌نسۆد/ توه‌نسۆدن/ توه‌نستۆد/ توه‌نسۆدن، توه‌نسۆ/
توه‌نسۆد/ توه‌نسۆدن/ توه‌نستۆ/ توه‌نستۆد/ توه‌نستۆدن، توه‌نسۆم/ توه‌نستۆم،
توه‌نسۆن/ توه‌نستۆن، توه‌نسۆن/ توه‌نستۆن

حوزه ۲: توانستۆیم/ توانستۆم، توانستۆیت/ توانستۆت/ توانستۆیتن/ توانستۆتن،
توانستۆی/ توانستۆت، توانستۆیمن/ توانستۆم، توانستۆین/ توانستۆن، توانستۆین/
توانستۆن

حوزه ۳: توه‌نسۆم/ تیه‌نسۆم، توه‌نسۆت/ تیه‌نسۆت، توه‌نسۆگ/ تیه‌نسۆگ، توه‌نسۆم/
تیه‌نسۆم، توه‌نسۆن/ تیه‌نسۆن، توه‌نسۆن/ تیه‌نسۆن

حوزه ۴: توه‌نستوم، توه‌نستود، توه‌نستو، توه‌نستومان، توه‌نستون، توه‌نستون
 حوزه ۵: تونسوم، تونسود/ تونسوت، تونسو، تونسومن، تونسون، تونسون
 حوزه ۶: تانستوم، تانستود، تانستو، تانستومن/ تانستون، تانستون، تانستون
 حوزه ۷: توانسوم/ توه‌نسوم، توانسوت/ توانسود/ توه‌نسوت/ توه‌نسود، توانسو/ توه‌نسو،
 توانسومن/ توه‌نسومن، توانسون/ توه‌نسون، توانسون/ تونسون
 حوزه ۸: تونستوم، تونستود، تونستو، تونستومن، تونستون، تونستون

ه- صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته التزامی»

ساختار زمان گذشته التزامی نیز از وند التزامی /bə/ به علاوه بن فعلی زمان گذشته
 معیار به علاوه واکه /a/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار ساخته می‌شود.

جدول ۲-۴۷: صرف مصدر /tʷanəstən/ در زمان «گذشته التزامی»

	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə- tʷænəs/tʷanəst- a-m	bə- tʷænəs/tʷanəst- a-j /-jd /-jdən	bə- tʷænəs/tʷanəst- a-ø /-d /-dən	bə- tʷænəs/tʷanəst- a-jm /-jmən	bə- tʷænəs/tʷanəst- a-jn	bə- tʷænəs/tʷanəst- a-n
۲	bə-tʷanəst-a-m	bə-tʷanəst-a-j /-jt /-jtən	bə-tʷanəst-a-ø /-t /-tən	bə-tʷanəst-a-jm /-jmən	bə-tʷanəst-a-jn	bə-tʷanəst-a-n
۳	bə- tʷænəs/tjænəs- a-m	bə- tʷænəs/tjænəs- a-j /-jt	bə- tʷænəs/tjænəs- a-ø /-g	bə- tʷænəs/tjænəs- a-jm /-jmən	bə- tʷænəs/tjænəs- a-n	bə- tʷænəs/tjænəs- a-n
۴	bə-tʷanəst-a-m	bə-tʷanəst-a-jd	bə-tʷanəst-a-ø	bə-tʷanəst-a- jman	bə-tʷanəst-a-n	bə-tʷanəst-a-n
۵	bə-tʷinəs-a-m	bə-tʷinəs-a-j /-jd /-jt	bə-tʷinəs-a-ø /-d /-t	bə-tʷinəs-a-jm /-jmən	bə-tʷinəs-a-jn /-n	bə-tʷinəs-a-n
۶	bə-tanəst-a-m	bə-tanəst-a-jd	bə-tanəst-a-ø /-d	bə-tanəst-a- jm /-jmən /-jn	bə-tanəst-a- jn /-n	bə-tanəst-a-n
۷	bə- tʷanəs/tʷanəs- a-m	bə- tʷanəs/tʷanəs- a-j /-jt /-jd	bə- tʷanəs/tʷanəs- a-ø /-t /-d	bə- tʷanəs/tʷanəs- a-jm /-jmən	bə- tʷanəs/tʷanəs- a-n	bə- tʷanəs/tʷanəs- a-n
۸	bə-tʷinəst-a-m	bə-tʷinəst-a-jd	bə-tʷinəst-a-ø /-d	bə-tʷinəst-a-jm /-jmən	bə-tʷinəst-a-jn	bə-tʷinəst-a-n

صرف مصدر «توانستن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بتۆه نسام/ بتۆه نستام، بتۆه نسای/ بتۆه نساید/ بتۆه نسایدن/ بتۆه نستای/
بتۆه نستاید/ بتۆه نستایدن، بتۆه نسا/ بتۆه نساد/ بتۆه نسادن/ بتۆه نستا/ بتۆه نستاد/
بتۆه نستادن، بتۆه نسایم/ بتۆه نسايمن/ نتۆه نستایم/ بتۆه نستایمن، بتۆه نساين/
بتۆه نستاین، بتۆه نسان/ بتۆه نسادن

حوزه ۲: بتوانستام، بتوانستای/ بتوانستایت/ بتوانستایتن، بتوانستا/ بتوانستات/
بتوانستاتن، بتوانستایم/ بتوانستایمن، بتوانستاین، بتوانستان

حوزه ۳: بتۆه نسسم/ بتیه نسام، بتۆه نسای/ بتۆه نسايت/ بتیه نسای/ بتیه نسايت، بتۆه نسا/
بتیه نسا/ بتۆه نساگ/ بتیه نساگ، بتۆه نسایم/ بتۆه نسايمن/ بتیه نسایم/ بتیه نسايمن،
بتۆه نسان/ بتیه نسان، بتۆه نسان/ بتیه نسان

حوزه ۴: بتۆه نستام، بتۆه نستاید، بتۆه نستا، بتۆه نستایمان، بتۆه نستان، بتۆه نستان
حوزه ۵: بتۆه نسام، بتۆه نسای/ بتۆه نساید/ بتۆه نسايت، بتۆه نسا/ بتۆه نساد/ بتۆه نسات، بتۆه نسایم/
بتۆه نسايمن، بتۆه نساين/ بتۆه نسان، بتۆه نسان

حوزه ۶: بتانستام، بتانستاید، بتانستا/ بتانستاد، بتانستایم/ بتانستایمن/ بتانستاین،
بتانستاین/ بتانستان، بتانستان

حوزه ۷: بتوانسام/ بتۆه نسام، بتوانسای/ بتوانسایت/ بتۆه نسايد، بتوانسا/ بتوانساد/
بتوانسات/ بتۆه نسا/ بتۆه نساد/ بتۆه نسات، بتوانسایم/ بتوانسایمن/ بتۆه نسايمن/
بتۆه نسايمن، بتوانسان/ بتۆه نسان، بتوانسان/ بتۆه نسان

حوزه ۸: بتۆه نستام، بتۆه نستاید، بتۆه نستا/ بتۆه نستاد، بتۆه نستایم/ بتۆه نستایمن، بتۆه نستاین،
بتۆه نستان

و- صرف مصدر «توانستن» در زمان «حال اخباری»

در مورد بن حال نیز همین موضوع اتفاق افتاده است. صورت زیرساختی بن حال /tʷæn/ است که باز هم در مناطقی به صورت‌های کاهش‌یافته /tün/ و /tan/ نمود آوایی دارد (مناطق ۵، ۶ و ۸) و در نوشتار معیار، بنابر توضیحات ارائه شده در قسمت زمان گذشته ساده، از بن فعلی /tʷan/ به عنوان گونه معیار در نوشتار، استفاده می‌کنیم.

جدول ۲-۴۸: صرف مصدر /tʷanəstən/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	tʷæn-əm	tʷæn-ɪ /-ɪd /-ɪdən	tʷæn-ɛd /-e /-ed /-edən	tʷæn-ɪm /-ɪmən	tʷæn-ɪn	tʷæn-ən
۲	twan-əm	twan-ɪ /-ɪt /-ɪtən	twan-e /-et /-etən	twan-ɪm /-ɪmən	twan-ɪn	twan-ən
۳	tʷæn-əm	tʷæn-ɪ /-ɪt	tʷæn-e /-eg	tʷæn-ɪm /-ɪmən	tʷæn-ən	tʷæn-ən
۴	dɛ-tʷæn-əm	dɛ-tʷæn-ɪd	dɛ-tʷæn-e	dɛ-tʷæn-ɪman	dɛ-tʷæn-ən	dɛ-tʷæn-ən
۵	tün-əm	tün-ɪ /-ɪd /-ɪt	tün-e /-ed /-et	tün-ɪm /-ɪmən	tün-ɪn /-ən	tün-ən
۶	ʔæ-tan-əm	ʔæ-tan-ɪd	ʔæ-tan-e	ʔæ-tan-ɪm /-ɪmən /-ɪn	ʔæ-tan-ɪn /-ən	ʔæ-tan-ən
۷	ʔæ-tʷan/ ʔæ-tʷæn-əm	ʔæ-tʷan-ɪ /-ɪt / ʔæ-tʷæn-ɛd	ʔæ-tʷan/ ʔæ-tʷæn-e /-et	ʔæ-tʷan/ ʔæ-tʷæn-ɪm /-ɪmən	ʔæ-tʷan/ ʔæ-tʷæn-ən	ʔæ-tʷan/ ʔæ-tʷæn-ən
۸	mæ-tün-əm	mæ-tün-ɪd	mæ-tün-e	mæ-tün-ɪm /-ɪmən	mæ-tün-ɪn	mæ-tün-ən

صرف مصدر «توانستن» در زمان «حال اخباری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: توهنم، توهنی/ توهنید/ توهنیدن، توهند/ توهنی/ توهنید/ توهنیدن، توهنیم/ توهنین، توهنین

حوزه ۲: توانم، توانی/ توانیت/ توانیتن، توانی/ توانیت/ توانیتن، توانیم/ توانیمن، توانین، توانن

حوزه ۳: توهنم، توهنی/ توهنیت، توهنی/ توهنیگ، توهنیم/ توهنیمن، توهنن، توهنن

حوزه ۴: دتوهنم، دتوهنید، دتوهنی، دتوهنیمان، دتوهنن، دتوهنن

حوزه ۵: تونم، تونی/ تونید/ تونیت، تونی/ تونید/ تونیت، تونیم/ تونیمن، تونین/ تونن، تونن

حوزه ۶: ئەتانم، ئەتانید، ئەتانى، ئەتانیم/ ئەتانیمن، ئەتانین، ئەتانین/ ئەتانن، ئەتانن

حوزه ۷: ئەتوانم/ ئەتوهنم، ئەتوانی/ ئەتوانیت/ ئەتوهند، ئەتوانی/ ئەتوانیت/ ئەتوهنی/ ئەتوهنیت، ئەتوانیم/ ئەتوانیمن/ ئەتوهنیم/ ئەتوهنیمن، ئەتوانن/ ئەتوهنن، ئەتوانن/ ئەتوهنن

حوزه ۸: مه‌تونم، مه‌تونید، مه‌تونى، مه‌تونیم/ مه‌تونیمن، مه‌تونین، مه‌تونن
از وند استمرارى به علاوه بن فعلی پیشنهاد شده، به علاوه شناسه شخص و شمار، زمان حال اخبارى به دست می‌آید.

ز- صرف مصدر «توانستن» در زمان «حال التزامی»

همچون افعال پیشین، در اینجا نیز از وند التزامی /bə/ به علاوه بن معیار زمان حال به علاوه شناسه‌های شخص و شمار، صرف زمان حال التزامی مصدر توانستن به دست می‌آید.

جدول ۲-۴۹: صرف مصدر /twaɲɛstən/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-twæn-əm	bə-twæn-ɪ /-ɪd /-ɪdən	bə-twæn- ɛd /-e /-ed /-edən	bə-twæn-ɪm /-ɪmən	bə-twæn-ɪn	bə-twæn-ən
۲	bə-twan-əm	bə-twan-ɪ /-ɪt /-ɪtən	bə-twan-e /-et /-etən	bə-twan-ɪm /-ɪmən	bə-twan-ɪn	bə-twan-ən
۳	bə-twæn-əm	bə-twæn-ɪ /-ɪt	bə-twæn-e /-eg	bə-twæn-ɪm /-ɪmən	bə-twæn-ən	bə-twæn-ən
۴	bə-twæn-əm	bə-twæn-ɪd	bə-twæn-e	bə-twæn- ɪman	bə-twæn-ən	bə-twæn-ən
۵	bə-tün-əm	bə-tün-ɪ /-ɪd /-ɪt	bə-tün-e /-ed /-et	bə-tün-ɪm /-ɪmən	bə-tün-ɪn /-ən	bə-tün-ən
۶	bə-tan-əm	bə-tan-ɪd	bə-tan-e	bə-tan-ɪm /-ɪmən /-ɪn	bə-tan-ɪn /-ən	bə-tan-ən
۷	bə-twan/ bə- twæn-əm	bə-twan-ɪ /- ɪt bə-twæn-ɛd	bə-twan/ bə-twæn-e /-et	bə-twan/ bə- twæn-ɪm /-ɪmən	bə-twan/ bə-twæn-ən	bə-twan/ bə-twæn-ən
۸	bə-tün-əm	bə-tün-ɪd	bə-tün-e	bə-tün-ɪm /-ɪmən	bə-tün-ɪn	bə-tün-ən

صرف مصدر «توانستن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بتهنم، بتهنی/ بتهنید/ بتهنیدن، بتهند/ بتهنی/ بتهنید/ بتهنیدن،
بتهنیم/ بتهنیم، بتهنین، بتهنن

حوزه ۲: بتوانم، بتوانی/ بتوانیت/ بتوانیتن، بتوانی/ بتوانیت/ بتوانیتن، بتوانیم/
بتوانیم، بتوانین، بتوانن

حوزه ۳: بتهنم، بتهنی/ بتهنیت، بتهنی/ بتهنیگ، بتهنیم/ بتهنیم، بتهنن،
بتهنن

حوزه ۴: بتهنم، بتهنید، بتهنی، بتهنیمان، بتهنن، بتهنن

حوزه ۵: بتونم، بتونی/ بتونید/ بتونیت، بتونی/ بتونید/ بتونیت، بتونیم/ بتونیم، بتونین/
بتونن، بتونن

حوزه ۶: بتانم، بتانید، بتانی، بتانیم/ بتانیم، بتانین، بتانین/ بتانن، بتانن

حوزه ۷: بتوانم/ بتوانم، بتوانی/ بتوانیت/ بتواند، بتوانی/ بتوانیت/ بتوانی/ بتوانیت،
 بتوانیم/ بتوانیم/ بتوانیم/ بتوانیم، بتوانی/ بتوانی/ بتوانی/ بتوانی
 حوزه ۸: بتونم، بتونید، بتونی، بتونیم/ بتونیم، بتونیم، بتونیم، بتونیم

۲-۳-۸- صرف مصدر «خواستن» در کوردی جنوبی

در مورد مصدر «خواستن» نیز به دست آوردن صورت زیرساختی بن گذشته دشوار است و هر دو صورت /xwast/ و /twast/ می‌توانند زیرساخت تلقی شوند. در شاخه شمالی زبان کوردی، بن فعلی زمان گذشته برای مصدر خواستن، /xwast/ است و این اشتراک می‌تواند به ما در جهت انتخاب گونه معیار نوشتاری کمک کند. در نتیجه به دلیل وجود بن فعلی /xwast/ در کوردی جنوبی و همچنین کوردی شمالی، گونه /xwast/ را بن فعلی گذشته مصدر خواستن در نوشتار معیار در نظر می‌گیریم.

الف- صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته ساده»

برای صرف گذشته ساده خواستن، از /xwast/ به علاوه شناسه‌های شخص و شماری که بیشتر مشخص شده‌اند، استفاده می‌کنیم.

جدول ۲-۵۰: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «گذشته ساده»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	twas/ twast-əm	twas/ twast-i /-id /-idən	twas/ twast-ø	twas/ twast-im /-imən	twas/ twast-in	twas/ twast-ən
۲	twast-əm	twast-i /-it /-itən	twast-ø	twast-im /-imən	twast-in	twast-ən
۳	xwas-əm	xwas-i /-it	xwas-ø	xwas-im /-imən	xwas-ən	xwas-ən
۴	xwast-əm	xwast-id	xwast-ø	xwast-iman	xwast/-ən	xwast/-ən
۵	xwast/-əm	xwast-i /-id /-it	xwast-ø	xwast-im /-imən	xwast-in /-ən	xwast/-ən
۶	twast-əm	twast-id	twast-ø	twast-im /-imən /-in	Twast-in /-ən	twast/-ən
۷	xwas/-əm	xwas-i /-it /-əd	xwas-ø	xwas-im /-imən	xwas/-ən	xwas/-ən
۸	twast-əm	twast-id	twast-ø	twast-im /-imən	twast-in	twast-ən

صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: تواسم، تواستم، تواسی/ تواسید/ تواسیدن/ تواستی/ تواستی/ تواستیدن،
تواس/ تواست، تواسیم/ تواسیمن/ تواستیم/ تواستیمن، تواسین/ تواستین، تواسن/
تواستن

حوزه ۲: تواستم، تواستی/ تواستیت/ تواستیتن، تواست، تواستیم/ تواستیمن،
تواستین، تواستن

حوزه ۳: خواسم، خواسی/ خواسیت، خواس، خواسیم/ خواسیمن، خواسن، خواسن

حوزه ۴: خواستم، خواستید، خواست، خواستیمان، خواستن، خواستن

حوزه ۵: خواستم، خواستی/ خواستید/ خواستیت، خواست، خواستیم/ خواستیمن،
خواستین/ خواستن، خواستن

حوزه ۶: تواستم، تواستید، تواست، تواستیم/ تواستیمن/ تواستین، تواستین/ تواستن،
تواستن

حوزه ۷: خواسم، خواسی/ خواست/ خواسد، خواس، خواسیم/ خواسیمن، خواسن،
خواسن

حوزه ۸: تواستم، تواستید، تواست، تواستیم/ تواستیمن، تواستین، تواستن

ب- صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال کامل»

در زمان حال کامل، خواستن به صورت بن فعلی /xwast/ به علاوه شناسه‌های
شخص و شمار، به علاوه /æ/ صرف می‌شود و در سوم شخص مفرد نیز که شناسه
شخص و شمار آن تهی است، از وند میانجی /ɛj/ استفاده می‌شود.

جدول ۵۱-۲: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «حال کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	twas/ twast-əm-æ	twas/ twast-ɪ- jæ /-ɪd-æ /-ɪdən-æ	twas/ twast- ejæ -ejæ	twas/ twast-ɪm-æ /-ɪmən-æ	twas/ twast- ɪn-æ	twas/ twast-ən-æ
۲	twast-əm-æ	twast-ɪt-æ /-ɪtən-æ	twast-egæ -egæs -egæsən	twast-ɪm-æ /-ɪmən-æ	twast-ɪn-æ	twast-ən-æ
۳	xwas-əm-æ	xwas-ɪt-æ	xwas-egæ	xwas-ɪm-æ /-ɪmən-æ	xwas-ən-æ	xwas-ən-æ
۴	xwast-egəm	xwast-egɪd	xwast-ejæ	xwast-- egɪman -egɪn	xwast-egən	xwast-egən
۵	xwast-əm-æ	xwast-ɪd-æ ɪt-æ	xwast-egæ	xwast-ɪm- æ /-ɪmən-æ	xwast-ɪn-æ /-ən-æ	xwast-ən-æ
۶	twast-əm-æ	twast-ɪd-æ	twast-ejæ	twast-ɪm-æ /-ɪmən-æ /-ɪn-æ	twast-ɪn-æ /-ən-æ	twast-ən-æ
۷	xwas-əm-æ	xwas-ɪj-æ /-ɪt-æ /-ɛd-æ	xwas-egæ	xwas-ɪm-æ /-ɪmən-æ	xwas-ən-æ	xwas-ən-æ
۸	twast-əm-æ	twast-ɪd-æ	twast-ejæ	twast-ɪm-æ /-ɪmən-æ	twast-ɪn-æ	twast-ən-æ

صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: تواسمه، تواستمه، تواسیه/تواسیده/تواسیدنه/تواستیه/تواستیه/تواستیدنه،
 تواسیه/تواسیه/تواستیه/تواستیه، تواسیمه/تواسیمه/تواستیمه/تواستیمه،
 تواسینه/تواستینه، تواسنه/تواستنه
 حوزه ۲: تواستمه، تواستیه/تواستینه، تواستگه/تواستگهس/تواستگهسن،
 تواستیمه/تواستیمه، تواستینه، تواستنه
 حوزه ۳: خواسمه، خواستیه، خواستگه، خواسیمه/خواسیمه، خواسنه، خواسنه
 حوزه ۴: خواستگم، خواستگید، خواستیه، خواستگیمان/خواستگین، خواستگن،
 خواستگن
 حوزه ۵: خواستمه، خواستیده/خواستیه، خواستگه، خواستیمه/خواستیمه،
 خواستینه/خواستنه، خواستنه
 حوزه ۶: تواستمه، تواستیده، تواستیه، تواستیمه/تواستیمه/تواستینه، تواستینه/
 تواستنه، تواستنه
 حوزه ۷: خواسمه، خواسیه/خواستیه/خواستده، خواستگه، خواسیمه/خواستیمه،
 خواسنه، خواسنه
 حوزه ۸: تواستمه، تواستیده، تواستیه، تواستیمه/تواستیمه، تواستینه، تواستنه

ج- صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته استمراری»

گذشته استمراری در مصدر خواستن نیز همچون دیگر مصدرهایی که در قسمت‌های
 قبل دیدیم، صرف می‌شود. /dɛ-xwast/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار،
 ساختار صرف فعل در گذشته استمراری مصدر خواستن است.

جدول ۵۲-۲: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «گذشته استمراری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	twas/ twast-əm /-ja-m	twas/ twast-ı /-ıd /-ıdən /-ja-j /-ja-jd /-ja-jdən	twas/ twast-ø /-ja-ø /-ja-d /-ja-dən	twas/ twast-im /-imən /-ja-jm /-ja-jmən	twas/ twast-in /-ja-jn	twas/ twast-ən /-ja-n
۲	twast-əm	twast-ı /-ıt /-ıtən	twast-ø	twast-im /-imən	twast-in	twast-ən
۳	də-xwas-əm	də-xwas-ı /-ıt	də-xwas-ø	də-xwas-im /-imən	də-xwas-ən	də-xwas-ən
۴	də-xwast-əm	də-xwast-ıd	də-xwast-ø	də-xwast-im /-iman	də-xwast-ən	də-xwast-ən
۵	də-xwast-əm	də-xwast-ı /-ıd /-ıt	də-xwast-ø	də-xwast-im /-imən	də-xwast-in /-ən	də-xwast-ən
۶	?æ-twast-əm	?æ-twast-ıd	?æ-twast-ø	?æ-twast-im /-imən /-in	?æ-twast-in /-ən	?æ-twast-ən
۷	?æ-xwas-əm	?æ-xwas-ı /-ıt /-əd	?æ-xwas-ø	?æ-xwas-im /-imən	?æ-xwas-in	?æ-xwas-ən
۸	mæ-twast-əm	mæ-twast-ı /-ıd	mæ-twast-ø	mæ-twast-im /-imən	mæ-twast-in	mæ-twast-ən

صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: تواسم/ تواسیام، تواستم/ تواستیام، تواسی/ تواسیای/ تواسید/ تواسیاید/ تواسیدن/ تواسیایدن/ تواستی/ تواستیای/ تواستید/ تواستیاید/ تواستیدن/ تواستیایدن، تواس. تواسیا/ تواسیاد/ تواسیادن/ تواست/ تواستیا/ تواستیاد/ تواستیادن، تواسیم/ تواسیایم/ تواسیمن/ تواسیایمن/ تواستیم/ تواستیایم/ تواستیمن/ تواستیایمن، تواسین/ تواسیاین/ تواستین/ تواستیاین، تواسن/ تواسیان/ تواستن/ تواستیان

حوزه ۲: تواستم، تواستی/ تواستیت/ تواستین، تواست، تواستیم/ تواستیمن، تواستین، تواستن

حوزه ۳: دخواستم، دخواستی/ دخواستیت، دخواست، دخواستیم/ دخواستیمن، دخواستن، دخواستن

حوزه ۴: دخواستم، دخواستید، دخواست، دخواستیمان، دخواستن، دخواستن

حوزه ۵: دخواستم، دخواستی/ دخواستید/ دخواستیت، دخواست، دخواستیم/ دخواستیمین، دخواستین/ دخواستن، دخواستن

حوزه ۶: ئەتواستم، ئەتواستید، ئەتواست، ئەتواستیم/ ئەتواستیمن/ ئەتواستین، ئەتواستین/ ئەتواستن، ئەتواستن

حوزه ۷: ئەتواستم، ئەتواستی/ ئەتواستیت/ ئەتواسد، ئەتواست، ئەتواستیم/ ئەتواستیمن، ئەتواستن، ئەتواستن

حوزه ۸: مه‌تواستم، مه‌تواستید، مه‌تواست، مه‌تواستیم/ مه‌تواستیمن، مه‌تواستین، مه‌تواستن

د- صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته کامل»

از گونه معیار در بن فعلی به علاوه صورت زیرساختی مصدر بودن و شناسه‌های شخص و شمار، گذشته کامل به دست می‌آید.

جدول ۲-۵۳: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «گذشته کامل»

	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	twas/ twast-ü-m	twas/ twast-ü-d /-dən	twas/ twast-ü-ø /-d /-dən	twas/ twast-ü-mən	twas/ twast-ü-n	twas/ twast-ü-ntwas/ twast-ü-n
۲	twast-əwi-m /-ü-m	twast-əwi-t /-tən /-ü-t /-ü-tən	twast-əwi-ø /-ü-ø	twast-əwi-mən /-ü-mən	twast-əwi-n /-ü-n	twast-əwi-n /-ü-n
۳	xwas-ü-m	xwas-ü-t	xwas-ü-g	xwas-ü-mən	xwas-ü-n	xwas-ü-n
۴	xwast-ü-m	xwast-ü-d	xwast-ü-ø	xwast-ü-mən	xwast-ü-n	xwast-ü-n
۵	xwast-ü-m	xwast-ü-d /-t	xwast-ü-ø	xwast-ü-mən	xwast-ü-n	xwast-ü-n
۶	twast-ü-m	twast-ü-d	twast-ü-ø	twast-ü-mən /-n	twast-ü-n	twast-ü-n
۷	xwas-ü-m	xwas-ü-t /-d	xwas-ü-ø	xwas-ü-mən	xwast-ü-n	xwast-ü-n
۸	twast-ü-m	twast-ü-d	twast-ü-ø	twast-ü-mən	twast-ü-n	twast-ü-n

صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: تواسۆم، تواستۆم، تواسۆد/ تواسۆدن/ تواستۆد/ تواستۆدن، تواسۆ/ تواسۆد/ تواسۆدن/ تواستۆ/ تواستۆد/ تواستۆدن، تواسۆم/ تواستۆم، تواسۆن/ تواستۆن، تواسۆن/ تواستۆن

حوزه ۲: تواستۆیم/ تواستۆم، تواستۆیت/ تواستۆیتن/ تواستۆت/ تواستۆتن، تواستۆی/ تواستۆ، تواستۆیم/ تواستۆم، تواستۆین/ تواستۆن، تواستۆین/ تواستۆن

حوزه ۳: خواسۆم، خواسۆت، خواسۆگ، خواسۆم، خواسۆن، خواسۆن

حوزه ۴: خواسۆم، خواسۆد، خواسۆ، خواسۆمان، خواسۆن، خواسۆن

حوزه ۵: خواسۆم، خواسۆد/ خواسۆت، خواسۆ، خواسۆم، خواسۆن، خواسۆن

حوزه ۶: تواسۆم، تواسۆد، تواسۆ، تواسۆم/ تواسۆن، تواسۆن، تواسۆن

حوزه ۷: خواسۆم، خواسۆت/ خواسۆد، خواسۆ، خواسۆم، خواسۆن، خواسۆن

حوزه ۸: تواسۆم، تواسۆد، تواسۆ، تواسۆم، تواسۆن، تواسۆن

ه- صرف مصدر «خواستن» در زمان «گذشته التزامی»

در جدول بالا تنوعات موجود در صرف مصدر خواستن در زمان گذشته التزامی را می‌بینیم که بیشتر در رابطه با تنوعات موجود در بن فعلی و شناسه‌های شخص و شمار آن بحث شد و طبق همان قاعده کلی در زمان گذشته التزامی، در اینجا نیز از وند التزامی /bə/ به علاوه گونه معیار بن فعلی خواستن در زمان گذشته و واژه a و شناسه‌های شخص و شمار، صرف مصدر خواستن در گذشته التزامی به دست می‌آید.

در رابطه با بن حال نیز همین تناوب بین دو صورت زیرساختی ممکن دیده می‌شود: صورت‌های /xwaz/ و /twa/ که ما بنابر آنچه گفته شد و همگرایی با دیگر شاخه‌های زبان کردی، /xwaz/ را به عنوان بن فعلی معیار در نوشتار انتخاب می‌کنیم.

جدول ۲-۵۴: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «گذشته التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-twas/ twast-a-m	bə-twas/ twast-a-j /-jd /-jdən	bə-twas/ twast-a-ø /-d /-dən	bə-twas/ twast- a-jm /-jmən	bə-twas/ twast- a-jn	bə-twas/ twast-a-n
۲	bə-twast-a-m	bə-twast-a-j /-jt /-jtən	bə-twast-a-ø /-t /-tən	bə-twast-a-jm /-jmən	bə-twast-a-jn	bə- twast-a-n
۳	bə-xwas-a-m	bə-xwas-a-j /-jt	bə-xwas-a-ø /-g	bə-xwas-a-jm /-jmən	bə- xwas-a-n	bə- xwas-a-n
۴	bə-xwast-a-m	bə-xwast-a-jd	bə-xwast-a- ø	bə-xwast-a- jman	bə-xwast-a-n	bə-xwast-a-n
۵	bə-xwast-a-m	bə-xwast-a-j /-jd /-jt	bə-xwast-a- ø /-d /-t	bə-xwast-a-jm /-jmən	bə- xwast-a-jn /-n	bə- xwast-a-n
۶	bə-twast-a-m	bə-twast-a-jd	bə-twast-a-ø /-d	bə-twast-a-jm /-jmən /-jn	bə- twast-a-jn /-n	bə- twast-a-n
۷	bə-xwas-a-m	bə-xwas-a-j /-jt /-jd	bə-xwas-a-ø /-t /-d	bə-xwas-a-jm /-jmən	bə-xwas-a-n	bə-xwas-a-n
۸	bə-twast-a-m	bə-twast-a-jd	bə-twast-a-ø /-d	bə-twast-a-jm /-jmən	bə-twast-a-jn	bə-twast-a-n

صرف مخدر «خواستن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بتواسام/ بتواستم، بتواسای/ بتواساید/ بتواسایدن/ بتواستای/ بتواستاید/ بتواستایدن، بتواسا/ بتواساد/ بتواسادن/ بتواستا/ بتواستاد/ بتواستادن، بتواسایم/ بتواسایمن/ بتواستایم/ بتواستایمن، بتواساین/ بتواستاین، بتواسان/ بتواستان

حوزه ۲: بتواستم، بتواستای/ بتواستایت/ بتواستایتن، بتواستا/ بتواستات/ بتواستانن، بتواستایم/ بتواستایمن، بتواستاین، بتواستان

حوزه ۳: بتواسام، بتواسای/ بتواسایت، بتواسا/ بتواساگ، بتواسایم/ بتواسایمن، بتواسان، بتواسان

حوزه ۴: بتواستم، بتواستاید، بتواستا، بتواستایمن، بتواستان، بتواستان

حوزه ۵: بتواستم، بتواستای/ بتواستاید/ بتواستایت، بتواستا/ بتواستاد/ بتواستات، بتواستایم/ بتواستایمن، بتواستاین/ بتواستان، بتواستان

حوزه ۶: بتواستم، بتواستاید، بتواستا/ بتواستاد، بتواستایم/ بتواستایمن/ بتواستاین، بتواستاین/ بتواستان، بتواستان

حوزه ۷: بتواسام، بتواسای/ بتواسایت/ بتواساید، بتواسا/ بتواسات/ بتواساد، بتواسایم/ بتواسایمن، بتواسان، بتواسان

حوزه ۸: بتواستم، بتواستاید، بتواستا/ بتواستا، بتواستایم/ بتواستایمن، بتواستاین، بتواستان

و- صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال اخباری»

در زمان حال اخباری نیز گفتیم اگر وند استمراری به کار نرود، این زمان با زمان دیگری اشتباه گرفته نمی‌شود و حذف وند استمراری می‌تواند به دلیل اقتصاد زبانی و اصل کم‌کوشی گویشوران باشد. در صورتی که بخواهیم وند استمراری را در گونه نوشتاری معیار زبان به کار برده و در آموزش نیز از آن استفاده کنیم، به دلیل استفاده شاخه‌های زبانی کوردی شمالی و میانی /dæ/ و همچنین بخش‌هایی از کوردی جنوبی از وند استمراری /dæ/، این وند مناسب‌ترین وند برای نشان دادن استمرار

است. از /dæ-xwaz-/ به علاوه نشانه‌های شخص و شمار، صرف حال اخباری برای مصدر خواستن به دست می‌آید.

جدول ۵۵-۲: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	twa-m	twa-j /-jd /-jdən	twa-j /-jd /-j /-jd /-jdən	twa-jm /-jmən	twa-jn	twa-n
۲	twa-m	twa-j /-jt /-jtən	twa-j /-jt /-jtən	twa-jm /-jmən	twa-jn	twa-n
۳	xwaz-əm	xwaz-i /-it	xwaz-e /-eg	xwaz-ım /-ımən	xwaz-ən	xwaz-ən
۴	dæ-xwaz-əm	dæ-xwaz-id	dæ-xwaz-i	dæ-xwaz-ım /-ıman	dæ-xwaz-ən	dæ-xwaz-ən
۵	xwaz-əm	xwaz-i /-id /-it	xwaz-e /-ed /-et	xwaz-ım /-ımən	xwaz-ın /-ən	xwaz-ən
۶	?æ-twa-m	?æ-twa-jd	?æ-twa-ø	?æ-twa-jm /-jmən /-jn	?æ-twa-jn /-n	?æ-twa-n
۷	?æ-xwaz-əm	?æ-xwaz-i /-it /-ed	?æ-xwaz-e /-et /-ed	?æ-xwaz-ım /-ımən	?æ-xwaz-ən	?æ-xwaz-ən
۸	mæ-twa-m	mæ-twa-jd	mæ-twa-j	mæ-twa-jm /-jmən	mæ-twa-jn	mæ-twa-n

صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال اخباری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: توام، توای/ تواید/ توایدن، توای/ تواید/ توای/ تواید/ توایدن

حوزه ۲: توام، توای/ توایت/ توایتن، توای/ توایت/ توایت/ توایتن، توایم/ توایمن، تواین، توان

حوزه ۳: خوازم، خوازی/ خوازیت، خوازی/ خوازیگ، خوازیم/ خوازیمن، خوازن، خوازن

حوزه ۴: دخوازم، دخوازید، دخوازی، دخوازیمان، دخوازن، دخوازن

حوزه ۵: خوازم، خوازی/ خوازید/ خوازیت، خوازی/ خوازید/ خوازیت، خوازییم/ خوازیمن، خوازین/ خوازن، خوازن
 حوزه ۶: ئەتوام، ئەتواید، ئەتوا، ئەتوایم/ ئەتوایمن، ئەتواین، ئەتواین/ ئەتوان، ئەتوان
 حوزه ۷: ئەخوازم، ئەخوازی/ ئەخوازیت/ ئەخوارد، ئەخوازی، ئەخوازیت، ئەخوازید، ئەخوازییم/ ئەخوازیمن، ئەخوازن، ئەخوازن
 حوزه ۸: مەتوام، مەتواید، مەتوای، مەتوایم/ مەتوایمن، مەتواین، مەتوان

در زمان حال اخباری نیز گفتیم اگر وند استمراری به کار نرود، این زمان با زمان دیگری اشتباه گرفته نمی‌شود و حذف وند استمراری می‌تواند به دلیل اقتصاد زبانی و اصل کم کوشی گویشوران باشد. در صورتی که بخواهیم وند استمراری را در گونه نوشتاری معیار زبان به کار برده و در آموزش نیز از آن استفاده کنیم، به دلیل استفاده شاخه‌های زبانی شمالی و میانی /dæ/ و همچنین بخش‌هایی از کوردی جنوبی از وند استمراری /dæ/، این وند مناسب‌ترین وند برای نشان دادن استمرار است. از- /dæ- /xwaz- به علاوه نشانه‌های شخص و شمار، صرف حال اخباری برای مصدر خواستن به دست می‌آید.

ز- صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال التزامی»

از آنجایی که /xwaz/ را بن فعلی در نوشتار معیار در نظر گرفتیم، /bæ-xwaz- / به علاوه ناسه‌های شخص و شمار، قاعده ساخت زمان حال التزامی برای صرف مصدر خواستن را نشان می‌دهد.

جدول ۵۶-۲: صرف مصدر /xwastən/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-twa-m	bə-twa-j /-jd /-jdən	bə-twa-j /-jd /-j /-jd /-jdən	bə-twa-jm /-jmən	bə-twa-jn	bə-twa-n
۲	bə-twa-m	bə-twa-j /-jt /-jtən	bə-twa-j /-jt /-jtən	bə-twa-jm /-jmən	bə-twa-jn	bə-twa-n
۳	bə-xwaz-əm	bə-xwaz-ı /-it	bə-xwaz-e /-eg	bə-xwaz-ım /-ımən	bə-xwaz-ən	bə-xwaz-ən
۴	bə-xwaz-əm	bə-xwaz-ıd	bə-xwaz-ı	bə-xwaz-ıman	bə-xwaz-ən	bə-xwaz-ən
۵	bə-xwaz-əm	bə-xwaz-ı /-ıd /-it	bə-xwaz-e /-ed /-et	bə-xwaz-ım /-ımən	bə-xwaz-ın /-ən	bə-xwaz-ən
۶	bə-twa-m	bə-twa-jd	bə-twa-j	bə-twa-jm /-jmən /-jn	bə-twa-jn /-n	bə-twa-n
۷	bə-xwaz-əm	bə-xwaz-ı /-it /-ed	bə-xwaz-e /-et /-ed	bə-xwaz-ım /-ımən	bə-xwaz-ən	bə-xwaz-ən
۸	bə-twa-m	bə-twa-jd	bə-twa-j	bə-twa-jm /-jmən	bə-twa-jn	bə-twa-n

صرف مصدر «خواستن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بتوام، بتوای/ بتواید/ بتوایدن، بتوای/ بتواید/ بتوایدن، بتوایم/ بتوایمن، بتواین، بتوان

حوزه ۲: بتوام، بتوای/ بتوایت/ بتوایتن، بتوای/ بتوایت/ بتوایتن، بتوایم/ بتوایمن، بتواین، بتوان

حوزه ۳: بخوازم، بخوازی/ بخوازیت، بخوازی/ بخوازیگ، بخوازیم/ بخوازیمن، بخوازن، بخوازن

حوزه ۴: بخوازم، بخوازید، بخوازی، بخوازیمان، بخوازن، بخوازن

حوزه ۵: بخوازم، بخوازی/ بخوازید/ بخوازیت، بخوازی/ بخوازید/ بخوازیت، بخوازیم/ بخوازیمن، بخوازین/ بخوازن، بخوازن

حوزه ۶: بتوام، بتواید، بتوای، بتوایم/ ته‌توایمن، بتواین، بتواین/ بتوان، بتوان

حوزه ۷: بخوازم، بخوازی/ بخوازیت/ بخوازد، بخوازی، بخوازیّت، بخوازیّد، بخوازیّم/ بخوازیمن، بخوازن، بخوازن

حوزه ۸: بتوام، بتواید، بتوای، بتوایم/ بتوایمن، بتواین، بتوان

۲-۳-۹- صرف مصدر «گفتن» در کوردی جنوبی

در جدول زیر صرف مصدر گفتن در زمان گذشته ساده را می‌بینیم. در کوردی جنوبی دو صورت /wæt/ و /wet/ در مناطق مختلف کاربرد دارد.

الف- صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته ساده»

جدول ۲-۵۷: صرف مصدر /wetən/ در زمان «گذشته ساده»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	Wæt/ wet -əm	Wæt/ wet-i /-id /-idən	Wæt/wet-ø	Wæt/ wet-im /-imən	Wæt/ wet-in	Wæt/wet-ən
۲	wæt-əm	wæt-i /-it /-itən	wæt-ø	wæt-im /-imən	wæt-in	wæt-ən
۳	wet-əm	wet-i /-it	wet-ø	wet-im /-imən	wet-ən	wet-ən
۴	wet-əm	wet-id	wet-ø	wet-iman	wet-ən	wet-ən
۵	wet-əm	wet-i /-id /-it	wet-ø	wet-im /-imən	wet-in /-ən	wet-ən
۶	wet-əm	wet-id	wet-ø	wet-im /-imən /-in	wet-in /-ən	wet-ən
۷	wæt-əm	wæt-i /-it /-ed	wæt-ø	wæt-im /-imən	wæt-ən	wæt-ən
۸	wet-əm	wet-id	wet-ø	wet-im /-imən	wet-in	wet-ən

صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته ساده» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: وهتم/ وتم، وهتی/ وهتید/ وهتیدن/ وتی/ وتید/ وتیدن، وهت/ وت، وهتیم/

وهتیمین/ وتیم/ وتیمین، وهتین/ وتین/ وهتن/ وتن

حوزه ۲: وهتم، وهتی/ وهتیت/ وهتیتن، وهت، وهتیم/ وهتیمین، وهتین، وهتن

حوزه ۳: وتم، وتی/ وتیت، وت، وتیم/ وتیمین، وتن، وتن

حوزه ۴: وتم، وتید، وت، وتیمان، وتن، وتن

حوزه ۵: وتم، وتی/ وتیت/ وتید، وت، وتیم/ وتیمین، وتین/ وتن، وتن

حوزه ۶: وتم، وتید، وت، وتیم/ وتیمین/ وتین، وتین/ وتن، وتن

حوزه ۷: وتم، وتی/ وتیت/ وتد، وت، وتیم/ وتیمین، وتن، وتن

حوزه ۸: وتم، وتید، وت، وتیم/ وتیمین، وتین، وتن

در مورد مصدر گفتن، زیرساخت بن فعلی گذشته /wæt/ است که با اعمال قواعد واجی مطابق با بازنمایی (۱) در مناطق مختلف به صورت‌های آوایی متناوبی نمود می‌یابد (شناسه اول شخص مفرد برای نشان دادن اشتقاق‌های آوایی به عنوان نمونه افزوده شده است).

(1) Underlying representation:

wæt-əm

Rule 1: Anticipatory vowel assimilation:

wet-əm

(vowel raising)

در قاعدهٔ ۱، با وندافزایی شناسهٔ فعلی، همگونی واکه‌ای پس‌رونده – در اینجا به صورت ارتقای واکه‌ای^۱ – اتفاق می‌افتد که طی آن، واکهٔ افتادهٔ æ در همگونی با واکهٔ میانی ə در شناسهٔ فعلی در ارتفاع واکه با آن همگون شده و به واکهٔ میانی (غیرافتاده) ε تبدیل می‌شود:

(1) Anticipatory assimilation of vowel height

$V \rightarrow [-low] / _ C_0 V$

$\begin{array}{c} | \\ [-low] \end{array}$

^۱. vowel raising

از آنجایی که بن فعلی به تنهایی استفاده نشده و با شناسه‌های شخص و شمار یک فعل را تشکیل می‌دهد، از صورت /wet/ به عنوان بن فعلی معیار در نوشتار استفاده می‌کنیم.

ب- صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال کامل»

برای صرف مصدر گفتن در زمان گذشته استمراری، از صورت زیرساختی بن فعلی به علاوه شناسه‌های شخص و شمار و وند æ استفاده می‌کنیم و بر اساس آنچه پیشتر آمد، در سوم شخص مفرد نیز وند میانجی /ɛj/ استفاده می‌شود.

جدول ۵۸-۲: صرف مصدر /wetən/ در زمان «حال کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	wet-əm-æ/Wæt	Wæt/ wet-ij-æ /-id-æ /-idən-æ	Wæt/ wet-ɛjæ /-ɛjæ	Wæt/ wet-im-æ /-imən-æ	Wæt/ wet-in-æ	Wæt/ wet-ən-æ
۲	wæt-əm-æ	wæt-it-æ /-æs /-æsən	wæt-egæ /-egæs /-egæsən	wæt-im-æ /-imən-æ	wæt-in-æ	wæt-ən-æ
۳	wet-əm-æ	wet-it-æ	wet-egæ	wet-im-æ /-imən-æ	wet-ən-æ	wet-ən-æ
۴	wet-egəm	wet-egid	wet-ɛjæ	wet-egiman /-egin	wet-egən	wet-egən
۵	wet-əm-æ	wet-id-æ /-it-æ	wet-egæ	wet-im-æ /-imən-æ	wet-in-æ /-ən-æ	wet-ən-æ
۶	wet-əm-æ	wet-id-æ	wet-ɛj-æ	wet-im-æ /-imən-æ /-in-æ	wet-in-æ /-ən-æ	wet-ən-æ
۷	wæt-əm-æ	wæt-ij-æ /-it-æ /-ɛd-æ	wæt-egæ	wæt-im-æ /-imən-æ	wæt-in-æ	wæt-ən-æ
۸	wet-əm-æ	wet-id-æ	wet-ɛj-æ	wet-im-æ /-imən-æ	wet-in-æ	wet-ən-æ

صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: وهتمه/ وتمه، وهتیه/ وهتیده/ وهتیدنه/ وتیه/ وتیده/ وتیدنه، وهتیه/ وهتیه/

وتیه، وهتیمه/ وهتیمنه/ وتیمه/ وتیمنه، وهتینه/ وتینه، وهتنه/ وتنه

حوزه ۲: وه تمه، وه تيته / وه تيته س / وه تيته سن، وه تگه / وه تگه س / وه تگه سن، وه تیمه / وه تیمه، وه تينه، وه تنه

حوزه ۳: وتمه، وتيته، وتگه، وتيمه / وتيمنه، وتنه، وتنه

حوزه ۴: وتگم، وتگيد، وتيه، وتگيمان، وتگن، وتگن

حوزه ۵: وتمه، وتيده / وتيته، وتگه، وتيمه / وتيمنه، وتينه / وتنه، وتنه

حوزه ۶: وتمه، وتيده، وتيه، وتيمه / وتيمنه / وتينه، وتينه / وتنه، وتنه

حوزه ۷: وتمه، وتيه / وتيته / وتده، وتگه، وتيمه / وتيمنه، وتنه، وتنه

حوزه ۸: وتمه، وتيده، وتيه، وتيمه / وتيمنه، وتينه، وتنه

ج- صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته استمراری»

در اینجا نیز از همان الگوی پیشین برای صرف مصدر «گفتن» در زمان گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

جدول ۵۹-۲: صرف مصدر /wætən/ در زمان «گذشته استمراری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	Wæt/ wæt-əm /-ja-m	Wæt/ wæt-ɪ /-ɪd /-ɪdən /-ja-j /-ja-jd /-ja-jdən	Wæt/ wæt-ø /-ja-ø /-ja-d /-ja-dən	Wæt/ wæt-ɪm /-ɪmən /-ja-jm /-ja-jmən	Wæt/ wæt-ɪn /-ja-jn	Wæt/ wæt-ən /-ja-n
۲	wæt-əm	wæt-ɪ /-ɪt /-ɪtən	wæt-ø	wæt-ɪm /-ɪmən	wæt-ɪn	wæt-ən
۳	də-wæt-əm	də-wæt-ɪ /-ɪt	də-wæt-ø	də-wæt-ɪm /-ɪmən	də-wæt-ɪn	də-wæt-ən
۴	də-wæt-əm	də-wæt-ɪd	də-wæt-ø	də-wæt-ɪmən	də-wæt-ən	də-wæt-ən
۵	də-wæt-əm	də-wæt-ɪ /-ɪd /-ɪt	də-wæt-ø	də-wæt-ɪm /-ɪmən	də-wæt-ɪn /-ən	də-wæt-ən
۶	?æ-wæt-əm	?æ-wæt-ɪd	?æ-wæt-ø	?æ-wæt-ɪm /-ɪmən /-ɪn	?æ-wæt-ɪn /-ən	?æ-wæt-ən
۷	?æ-wæt-əm	?æ-wæt-ɪ /-ɪt /-ɛd	?æ-wæt-ø	?æ-wæt-ɪm /-ɪmən	?æ-wæt-ən	?æ-wæt-ən
۸	mæ-wt-əm	mæ-wt-ɪ	mæ-wt-ø	mæ-wt-ɪm /-ɪmən	mæ-wt-ɪn	mæ-wt-ən

صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته استمراری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: وهتم/ وهتیام/ وتم/ وتیام، وهتی/ وهتیای/ وهتید/ وهتیاید/ وهتیدن/ وهتیایدن/

وتی/ وتیای/ وتید/ وتیاید/ وتیدن/ وتیایدن، وهت/ وهتیای/ وت/ وتیای/ وتیایم/ وهتیایم/

وهتیایم/ وهتیایم/ وهتیایم/ وتیایم/ وتیایم/ وتیایم، وهتین/

وهتیاین/ وتین/ وتیاین، وهتن/ وهتیاین/ وتن/ وتیاین

حوزه ۲: وهتم، وهتی/ وهتیت/ وهتیتن، وهت، وهتیایم/ وهتیایم، وهتین، وهتن

حوزه ۳: دوتیم، دوتی/ دوتیت، دوت، دوتیایم/ دوتیایم، دوتن، دوتن

حوزه ۴: دوتیم، دوتید، دوت، دوتیایم، دوتن، دوتن

حوزه ۵: دوتیم، دوتی/ دوتیت/ دوتید، دوت، دوتیایم/ دوتیایم، دوتین/ دوتن، دوتن

حوزه ۶: نهوتیم، نهوتید، نهوت، نهوتیایم/ نهوتیایم/ نهوتین، نهوتین/ نهوتین، نهوتن

حوزه ۷: نهوتی/ نهوتیت/ نهوتد، نهوت، نهوتیم/ نهوتیمن، نهوتن، نهوتن
 حوزه ۸: مهوتیم، مهوتید، مهوت، مهوتیم/ مهوتیمن، مهوتین، مهوتن

د- صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته کامل»

در رابطه با دو تنوع موجود در بن فعلی زمان گذشته مصدر گفتن بحث شد و در این مورد نیز همچون افعال قبل، از بن فعلی انتخاب شده به علاوه صورت زیرساختی فعل کمکی بودن و شناسه‌های شخص و شمار معیار، صرف گفتن در زمان گذشته کامل به دست می‌آید.

جدول ۶۰-۲: صرف مصدر /wetən/ در زمان «گذشته کامل»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	Wæt/ wet-ü-m	Wæt/ wet-ü-d /-dən	Wæt/ wet-ü-ø /-d /-dən	Wæt/ wet-ü-mən	Wæt/ wet-ü-n	Wæt/ wet-ü-n
۲	wæt-ü-m	wæt-ü-t /-tən	wæt-ü-ø	wæt-ü-mən	wæt-ü-n	wæt-ü-n
۳	wet-ü-m	wet-ü-t	wet-ü-ø /-g	wet-ü-mən	wet-ü-n	wet-ü-n
۴	wet-ü-m	wet-ü-d	wet-ü-ø	wet-ü-man	wet-ü-n	wet-ü-n
۵	wet-ü-m	wet-ü-d /-t	wet-ü-ø	wet-ü-mən	wet-ü-n	wet-ü-n
۶	wet-ü-m	wet-ü-d	wet-ü-ø	wet-ü-mən /-n	wet-ü-n	wet-ü-n
۷	wæt-ü-m	wæt-ü-d/ -t	wæt-ü-ø	wæt-ü-mən	wæt-ü-n	wæt-ü-n
۸	wet-ü-m	wet-ü-d	wet-ü-ø	wet-ü-mən	wet-ü-n	wet-ü-n

صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته کامل» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: وهتۆم/ وتۆم، وهتۆد/ وهتۆدن/ وتۆد/ وتۆدن، وهتۆ/ وهتۆد/ وهتۆدن/ وتۆ/ وتۆد/

وتۆدن، وهتۆمن/ وتۆمن، وهتۆن/ وتۆن، وهتۆن/ وتۆن

حوزه ۲: وهتۆم، وهتۆت/ وهتۆتن، وهتۆ، وهتۆمن، وهتۆن، وهتۆن

حوزه ۳: وتوم، وتوت، وتو/ وتوگ، وتومن، وتون، وتون

حوزه ۴: وتوم، وتود، وتو، وتومان، وتون، وتون

حوزه ۵: وتوم، وتود/ وتوت، وتو، وتومن، وتون، وتون

حوزه ۶: وتوم، وتود، وتو، وتومن/ وتون، وتون، وتون

حوزه ۷: وتوم، وتود/ وتوت، وتو، وتومن، وتون، وتون

حوزه ۸: وتوم، وتود، وتو، وتومن، وتون، وتون

ه- صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته التزامی»

الگوی صرف مصدر گفتن در زمان گذشته التزامی، از وند التزامی، بن فعلی، واکه a و شناسه‌های شخص و شمار به دست می‌آید.

جدول ۶۱-۲: صرف مصدر /wetən/ در زمان «گذشته التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	bə-wæt/ wet-a-m	bə-wæt/ wet-a-j /-jd /-jdən	bə-wæt/ wet-a-ø /-d /-dən	bə-wæt/ wet-a-jm /-jmən	bə-wæt/ wet-a-jn	bə-wæt/ wet-a-n
۲	bə-wæt-a-m	bə-wæt-a-j /-jt /-jtən	bə-wæt-a-ø /-t /-tən	bə-wæt-a-jm /-jmən	bə-wæt-a-jn	bə-wæt-a-n
۳	bə-wet-a-m	bə-wet-a-j /-jd /-jdən	bə-wet-a-ø /-d /-dən	bə-wet-a-jm /-jmən	bə-wet-a-jn	bə-wet-a-n
۴	b-üt-a-m	b-üt-a-jd	b-üt-a-ø	b-üt-a-jman	b-üt-a-n	b-üt-a-n
۵	bə-wet-a-m	bə-wet-a-j /-jd /-jt	bə-wet-a-ø /-d /-t	bə-wet-a-jm /-jmən	bə-wet-a-jn /-n	bə-wet-a-n
۶	bə-wet-a-m	bə-wet-a-jd	bə-wet-a-ø /-d	bə-wet-a-jm /-jmən /-jn	bə-wet-a-jn /-n	bə-wet-a-n
۷	bə-wæt-a-m	bə-wæt-a-j /-jd /-jt	bə-wæt-a-ø	bə-wæt-a-jm /-jmən	bə-wæt-a-n	bə-wæt-a-n
۸	bu-wet-a-m	bu-wet-a-jd	bu-wet-a-ø /-d	bu-wet-a-jm /-jmən	bu-wet-a-jn	bu-wet-a-n

صرف مصدر «گفتن» در زمان «گذشته التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بوه تام/ بوتام، بوه تایی/ بوه تاید/ بوه تایدن/ بوتایی/ بوتاید، بوتایدن، بوه تا/ بوه تاد/ بوه تادن/ بوتای/ بوتاد/ بوتادن، بوه تایم/ بوه تایمن/ بوتایم/ بوتایمن، بوه تاین/ بوتاین، بوه تان/ بوتان

حوزه ۲: بوه تام، بوه تایی/ بوه تایت/ بوه تایتن، بوه تا/ بوه تات/ بوه تاتن، بوه تایم/ بوه تایمن، بوه تاین، بوه تان

حوزه ۳: بوتام، بوتایی/ بوتاید/ بوتایدن، بوتای/ بوتاد/ بوتادن، بوتایم/ بوتایمن، بوتاین، بوتان

حوزه ۴: بۆتام، بۆتاید، بۆتا، بۆتایمان، بۆتان، بۆتان

حوزه ۵: بوتام، بوتایی/ بوتاید/ بوتایت، بوتای/ بوتاد/ بوتات، بوتایم/ بوتایمن، بوتاین/ بوتان، بوتان

حوزه ۶: بوتام، بوتاید، بوتای/ بوتاد، بوتایم/ بوتایمن/ بوتاین، بوتان، بوتان
حوزه ۷: بوه تام، بوه تایی/ بوه تاید/ بوه تایت، بوه تا، بوه تایم/ بوه تایمن، بوه تان، بوه تان
حوزه ۸: بوتام، بوتاید، بوتای/ بوتاد، بوتایم/ بوتایمن، بوتاین، بوتان

و- صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال اخباری»

جدول ۲-۶۲: صرف مصدر /wetən/ در زمان «حال اخباری»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	ʔüš-əm	ʔüš-ı /-ıd /-ıdən	ʔüš-ε /-εd /-εdən	ʔüš-ım /-ımən	ʔüš-ın	ʔüš-ən
۲	wiš-əm	wiš-ı /-ıt /-ıtən	wiš-ε /-εg /-εgən	wiš-ım /-ımən	wiš-ın	wiš-ən
۳	ʔüš-əm	ʔüš-ı /-ıt /-ıtən	ʔüš-ε /-εg /-εgən	ʔüš-ım /-ımən	ʔüš-ən	ʔüš-ən
۴	ʔüš-əm	ʔüš-ıd	ʔüš-ı	ʔüš-ıman	ʔüš-ən	ʔüš-ən
۵	ʔæš-əm	ʔæš-ı /-ıd /-ıt	ʔæš-ε /-εd /-εt	ʔæš-ım /-ımən	ʔæš-ın /-ən	ʔæš-ən
۶	ʔæwž-əm	ʔæwž-ıd	ʔæwž-ε	ʔæwž- ım /-ımən /-ın	ʔæwž-ın /-ən	ʔæwž-ən
۷	ʔæwž-əm	ʔæwž-ı /-ıt /-εd	ʔæwž-ε /-εt	ʔæwž-ım /-ımən	ʔæwž-ən	ʔæwž-ən
۸	müş-əm	müş-ıd	müş-ε	müş-ım /-ımən	müş-ın	müş-ən

صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال اخباری» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: ئۆشم، ئۆشی/ ئۆشید/ ئۆشیدن، ئۆشی/ ئۆشید/ ئۆشیدن، ئۆشیم/ ئۆشیم،

ئۆشین، ئۆشن

حوزه ۲: ویشم، ویشی/ ویشیت/ ویشیتن، ویشی/ ویشیگ/ ویشیگن، ویشیم/

ویشیم، ویشین، ویشن

حوزه ۳: ئۆشم، ئۆشی/ ئۆشیت، ئۆشی/ ئۆشیگ، ئۆشیم/ ئۆشیم، ئۆشن، ئۆشن

حوزه ۴: ئۆشم، ئۆشید، ئۆشی، ئۆشیمان، ئۆشن، ئۆشن

حوزه ۵: ئەشم، ئەشی/ ئەشید/ ئەشیت، ئەشی/ ئەشید/ ئەشیت، ئەشیم/ ئەشیم،

ئەشین/ ئەشن، ئەشن

حوزه ۶: ئەوژم، ئەوژید، ئەوژئ، ئەوژیم/ ئەوژیمن/ ئەوژین، ئەوژین/ ئەوژن، ئەوژن

حوزه ۷: ئەوژم، ئەوژی/ ئەوژیت/ ئەوژید، ئەوژی/ ئەوژئ، ئەوژیم/ ئەوژیمن،

ئەوژین/ ئەوژن، ئەوژن

حوزه ۸: مۆشم، مۆشید، مۆش، مۆشیم/ مۆشین، مۆشین، مۆشن
 در مورد بن فعلی حال نیز، به نظر می‌رسد زیرساخت /wiš/ است که طی اعمال
 قاعده‌های واجی زیر در مناطق مختلف به صورت‌های آوایی گوناگون نمود می‌یابد.

(1) Underlying representation:	wiš
Rule 1: Assimilation (rounding):	wüş
Rule 2: Lenition (full deletion):	øüş
Rule 3: Obligatory onset insertion:	?üş

در قاعده ۱، واکه پیشین i در ویژگی گرد بودن تحت فرایند همگونی با همخوان
 مجاور خود (w) قرار گرفته و به واکه معادل گرد (ü) تبدیل می‌شود. طی قاعده ۲،
 همخوان w تحت فرایند تضعیف کامل به کلی حذف می‌شود؛ و در قاعده ۳، همخوان
 انسداد چاکنایی برای فراهم آوردن آغاز اجباری در هجای بدون آغاز درج می‌شود.
 اگر بخواهیم صورت زیرساختی را برای گونه نوشتاری معیار در نظر بگیریم، بر اساس
 قاعده‌ای که پیشتر برای زمان حال اخباری گفتیم، مصدر گفتن در زمان حال اخباری
 از پیشوند استمراری /də/ به علاوه بن فعلی /wiš/ به علاوه شناسه‌های شخص و
 شمار به دست می‌آید و اگر این گونه به عنوان گونه نوشتاری معیار در صرف فعل
 مورد قبول گویشوران قرار نگیرد، از بن فعلی /?üş/ که بیشترین توزیع و بسامد را
 دارد، استفاده می‌کنیم.

ز- صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال التزامی»

جدول ۲-۶۳: صرف مصدر /wetən/ در زمان «حال التزامی»

حوزه	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱	b-üş-əm	b-üş-ı /-ıd /-ıdən	b-üş-ε /-εd /-εdən	b-üş-ım /-ımən	b-üş-ın	b-üş-ən
۲	b-üş-əm	b-üş-ı /-ıt /-ıtən	b-üş-ε /-εt /-εtən	b-üş-ım /-ımən	b-üş-ın	b-üş-ən
۳	b-üş-əm	b-üş-ı /-ıt /-ıt	b-üş-ε /-εg /-εt	b-üş-ım /-ımən	b-üş-ən	b-üş-ən
۴	b-üş-əm	b-üş-ıd	b-üş-ı	b-üş-ıman	b-üş-ən	b-üş-ən
۵	b-æš-əm	b-æš-ı /-ıd /-ıt	b-æš-ε /-εd /-εt	b-æš-ım /-ımən	b-æš-ın /-ən	b-æš-ən
۶	b-üş/üş-əm	b-üş/üş-ıd	b-üş/üş-ε	b-üş/üş-ım /-ımən /-ın	b-üş/üş-ın /-ən	b-üş/üş-ən
۷	b-üz-əm	b-üz-ı /-ıt /-εd	b-üz-e /-εt	b-üz-ım /-ımən	b-üz-ın	b-üz-ən
۸	büş-əm	büş-ıd	büş-ed	büş-ım /-ımən	büş-ın	büş-ən

صرف مصدر «گفتن» در زمان «حال التزامی» با رسم الخط کوردی:

حوزه ۱: بۆشم، بۆشی/ بۆشید/ بۆشیدن، بۆشی/ بۆشید/ بۆشیدن، بۆشیم/ بۆشیم،

بۆشین، بۆشن

حوزه ۲: بۆشم، بۆشی/ بۆشیت/ بۆشیتن، بۆشی/ بۆشیگ/ بۆشیگن، بۆشیم/ بۆشیم،

بۆشین، بۆشن

حوزه ۳: بۆشم، بۆشی/ بۆشیت، بۆشی/ بۆشیگ، بۆشیم/ بۆشیم، بۆشن، بۆشن

حوزه ۴: بۆشم، بۆشید، بۆشی، بۆشیمان، بۆشن، بۆشن

حوزه ۵: بهشم، بهشی/ بهشید/ بهشیت، بهشی/ بهشید/ بهشیت، بهشیم/ بهشیم،

بهشین/ بهشن، بهشن

حوزه ۶: بۆژم، بۆژید، بۆژی، بۆژیم/ بۆژیمن/ بۆژین، بۆژین/ بۆژن، بۆژن

حوزه ۷: بۆژم، بۆژی/ بۆژیت/ بۆژد، بۆژی/ بۆژیت، بۆژیم/ بۆژیم، بۆژین/ بۆژن، بۆژن

حوزه ۸: بۆشم، بۆشید، بۆشی، بۆشیم/ بۆشیم، بۆشین، بۆشن

در رابطه با نمودهای آوایی با همخوان واک‌دار ž در انتهای بن فعلی (b-üž-əm، ...) فرایند تضعیف - در اینجا به صورت واک‌دار شدن همخوان š - اتفاق می‌افتد که به‌ویژه در جایگاه بین دو واکه بسیار شایع است و در زبان‌های دیگر نیز دیده می‌شود. اگر همان شیوهٔ اول، یعنی صورت زیرساختی را ملاک قرار دهیم، زمان حال التزامی از وند التزامی /bə/ به علاوهٔ بن فعلی /wiš/ به علاوهٔ شناسه‌های شخص و شمار به دست می‌آید و راه دیگر نیز استفاده از /b-üš/ به علاوهٔ شناسه‌های شخص و شمار است که بیشترین بسامد را داراست.

فصل ۳

با استفاده از رویکرد واج‌شناسی زایشی می‌توان تنوع‌ها و تناوب‌های موجود در صرف افعال را بررسی کرد و فرآیندهای قاعده‌مند را مشخص کرد. از این روش می‌توان برای دستیابی به یک فرم یکدست در صرف افعال استفاده کرد که این روش مزایا و معایبی دارد. اگر برای مشخص کردن گونه معیار، از روش واج‌شناسی زایشی استفاده کنیم و در نهایت صورت‌های زیرساختی را به عنوان الگوی معیار در صرف فعل ارائه دهیم، به این دلیل که ممکن است در هر فعل و در هریک از وندهای شخص شمار و استمرار و ... از ویژگی‌های زبانی یک منطقه استفاده شود، در نتیجه حساسیت گویشوران کمتر شده و ممکن است راحت‌تر آن را بپذیرند. نگرش گویشوران یک گونه زبانی، عامل بسیار مهمی در موفقیت و یا عدم موفقیت یک برنامه‌ریزی زبانی است. هنگامی که بدون برنامه قبلی و مشخص و به روشی علمی، یک گونه زبانی به عنوان گونه زبانی معیار مشخص شود و به جای خواست و نگرش متولی یا متولیان برنامه‌ریزی زبان، تنها از طریق رویکردی زبان‌شناسی، یک الگو معرفی شود، گویشوران تنوعات زبانی مورد بررسی، نسبت به آن احساس منفی نخواهند داشت و گونه زبانی خود را جزئی از داده‌های درون‌داد دانسته و نتیجه و برون‌داد آن برنامه را می‌پذیرند. یکی دیگر از مزایای برنامه‌ریزی به این روش این است که با الگوگیری از صورت زیرساختی می‌توان به صورت کامل‌تر زبان دست یافت و در این صورت آموزش آن زبان به شیوه علمی به گویشوران و همچنین کسانی که این گونه زبانی،

زبان مادری‌شان نیست نیز آسان می‌شود. به عنوان مثال در زمان گذشته کامل، وند نشان‌دهنده زمان گذشته کامل به مرور زمان بر اساس قاعده‌های مذکور تضعیف شده و اگر از صورت زیرساختی آن، که هم‌اکنون توسط گویشوران شهر خاقلین و بخشی از قروه نیز حفظ شده است، استفاده کنیم، آموزش آن آسان می‌شود. همچنین به واسطه همین برنامه‌ریزی، فهم متقابل بین گویشوران کرمانجی شمالی، کرمانجی میانی و کرمانجی جنوبی نیز راحت‌تر می‌شود، زیرا در دو شاخه دیگر از زبان کوردی، این وند به همان صورت زیرساختی خود باقی مانده است و در مناطقی نیز که در گفتار دچار تضعیف و در نهایت حذف شده است، در نوشتار معیار، صورت زیرساختی استفاده می‌شود.

زبان پویاست و این پویایی باعث می‌شود که خود را با نیازهای روز انسان تطابق دهد. زبانی که پویایی نداشته باشد، به مرور زمان کارایی خود را از دست داده و از بین می‌رود. این پویایی شامل مسائل گوناگونی می‌شود، از واژه‌سازی گرفته تا برقراری ارتباط به صورت کارآمد و گسترده و موارد دیگر. انسان‌ها به دلیل مشغله‌های زندگی و راحت‌طلبی، معمولاً به دنبال راه‌های ساده هستند و همین موضوع در تغییرات زبان نیز نقش دارد. اصل کم‌کوشی از همین مسأله نشأت می‌گیرد و مواردی همچون سایش، تضعیف و حذف کامل در زبان را می‌توان مربوط به اصل کم‌کوشی گویشوران دانست. از آنجایی که نگرش و خواست گویشوران در نتیجه نهایی برنامه‌ریزی زبان نقش اساسی‌ای دارد، برنامه‌ریزی به روش در نظر گرفتن صورت زیرساختی و بازگشت به آن، ممکن است مورد توجه مثبت گویشوران قرار نگیرد. هرچند در مناطقی همچون حوزه‌های ۳، ۴، ۵ و ... که در هریک برخی از صورت‌های زیرساختی حفظ شده است و گویشور با آن مشکلی ندارد، اما ممکن است در مناطقی که اعمال فرآیندهای واجی باعث تغییر صورت‌های زیرساختی شده است، اگر صورت‌های زیرساختی را به عنوان الگوی معیار ارائه دهیم، در ابتدا برای آن‌ها کمی عجیب به نظر رسیده و به راحتی آن را نپذیرند. در نتیجه با بازگشت به صورت زیرساختی، از ساده شدن زبان جلوگیری می‌کنیم، که این مسأله می‌تواند از معایب

این روش به شمار آید. در تحلیل داده‌های این کار پژوهشی، پیشنهاد شده در جاهایی همچون ساختار زمان گذشته کامل که در همه شاخه‌های دیگر و بخش‌هایی از کوردی جنوبی زیرساخت آن حفظ شده‌است، از همان صورت زیرساختی در نوشتار معیار استفاده شود و در جاهایی همچون صرف مصدر دیدن که با بازگشت به صورت زیرساختی، احتمال پذیرش آن از سوی گویشور پایین است، از همان صورت روساختی استفاده کرده و در رابطه با آن در متون آموزشی توضیح داده شود.

شایان ذکر است که کلیت این برنامه‌ریزی، پیشنهادی در راه همگرایی نوشتار زبان هم در کوردی جنوبی و هم در راستای همگرایی با دیگر شاخه‌های زبان کوردی است و به باور نگارنده، هرگونه برنامه‌ریزی در هریک از شاخه‌های زبان کوردی، باید در راستا و همسو با دیگر شاخه‌های زبان کوردی باشد تا همگرایی بین شاخه‌های زبان کوردی بیشتر شود. با احتمال اینکه در آینده برای معیارسازی مجموعه زبان کوردی برنامه‌ریزی شود، اگر برنامه‌ریزی‌های مربوط به هریک از شاخه‌های آن، با در نظر گرفتن کلیت زبان کوردی انجام گرفته باشد، هریک از این برنامه‌ریزی‌ها برای بخشی از زبان کوردی، می‌تواند به معیارسازی مجموعه زبان کوردی کمک کند.

نتیجه به‌دست‌آمده از این پژوهش در صورتی همگانی خواهد شد که گویشوران این گونه زبانی آن را بپذیرند و در نوشتار از آن استفاده کنند. از آنجایی که ما نگرش گویشور به گونه معیار نوشتاری صرف فعل پیشنهاد شده از طریق این پژوهش را از پیش نمی‌دانیم، در نتیجه به نظر می‌رسد در مواردی که تنوعات از همدیگر متمایز بوده و چندین گزینه برای تعیین گونه معیار نوشتاری وجود دارد، بهتر است که در این پژوهش نیز در موارد لازم، دو گزینه برای گونه نوشتاری معیار پیشنهاد شود تا در آینده بتوان از طریق بررسی رسانه‌های نوشتاری، نگرش گویشور و انتخاب وی از میان موارد پیشنهادی را بررسی کرد. در ادامه، علاوه بر گونه معیار نوشتاری که در متن به آن‌ها اشاره شد، روش و پیشنهاد دوم نیز ارائه می‌شود.

در زیر نتیجه برنامه‌ریزی زبان برای صرف فعل در کوردی جنوبی ارائه می‌شود، که باید در نظر داشت این برنامه‌ریزی تلاشی در جهت معیارسازی در نوشتار صرف فعل در

کوردی جنوبی است و از آنجایی که این کار به صورت فردی و در مدت زمان محدودی انجام گرفته است، ممکن است داده‌هایی که بر اساس آن تحلیل‌ها انجام شده، کامل نبوده و پژوهشگر از بخشی از تنوعات موجود در شاخه جنوبی زبان کوردی، غافل شده باشد، در نتیجه این کار پژوهشی تلاشی در این راستا است تا از طریق آن برخی از شیوه‌های ممکن در برنامه‌ریزی و معیارسازی زبان معرفی شود و برای برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه، به پژوهشی کامل نیاز است که به نیروی انسانی، منابع مالی، زمان کافی و حمایت موسسات دولتی نیاز دارد. در این پژوهش تعداد اندکی از افعال کوردی جنوبی بررسی شده‌اند و نیاز است که همه افعال به این شیوه و یا شیوه‌های دیگر تحلیل شوند تا به قواعدی معیار در نوشتار صرف فعل در کوردی جنوبی دست یابیم.

در زیر نتیجه نهایی معیارسازی صرف افعال موجود در این پژوهش را مشاهده می‌کنید.

۱-۳- صرف افعال در زمان «گذشته ساده»

در جدول زیر، گونه نوشتاری معیار در صرف افعال مورد پژوهش در زمان گذشته ساده را مشاهده می‌کنید.

جدول ۱-۳: پیشنهادی صرف افعال در زمان «گذشته ساده»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	kerd-əm	kerd-it	kerd-ø	kerd-imən	kerd-in	kerd-ən
دادن	da-m	da-jt	da-ø	da-jmən	da-jn	da-n
دیدن	di-m	di-t	di-ø	di-mən	di-n	di-n
آمدن	hat-əm	hat-it	hat-ø	hat-imən	hat-in	hat-ən
آوردن	hawerd-əm	hawerd-it	hawerd-ø	hawerd-imən	hawerd-in	hawerd-ən
شنیدن	ženæft-əm	ženæft-it	ženæft-ø	ženæft-imən	ženæft-in	ženæft-ən
توانستن	twanest-əm	twanest-it	twanest-ø	twanest-imən	twanest-in	twanest-ən
خواستن	xwast-əm	xwast-it	xwast-ø	Xwast-imən	xwast-in	Xwast-ən
گفتن	wet-əm	wet-it	wet-ø	wet-imən	wet-in	wet-ən

در زمان گذشته ساده، بن‌های فعلی زمان گذشته پیشنهادی در نوشتار معیار را مشاهده می‌کنید که در دیگر زمان‌های گذشته نیز از آن‌ها استفاده می‌شود. شناسه‌های شخص و شمار موجود در جدول بالا نیز از میان تنوعات موجود انتخاب شده‌اند و لازم به توضیح است که این شناسه‌ها با توجه به آخرین واج بن فعلی که به واکه ختم شود و یا همخوان، دستخوش تغییراتی می‌شوند که این تغییرات در نوشتار گونه کوردی جنوبی نمود پیدا نمی‌کنند، زیرا جدول بالا بر اساس قواعد آوانگاری جهانی نگاشته شده است و گونه زبانی کوردی جنوبی از طریق حروف الفبای آرامی به نگارش در می‌آید. در زیر شیوه نوشتار در گونه زبانی کوردی جنوبی را مشاهده می‌کنید:

کردن: کردم، کردیت، کرد، کردیمن، کردین، کردن

داین: دام، دایت، دا، دایمن، داین، دان

دیین: دیم، دیت، دی، دیمن، دین، دین

هاتن: هاتم، هاتیت، هات، هاتیمن، هاتین، هاتن
 هاوردن: هاوردم، هاوردیت، هاورد، هاوردیمن، هاوردین، هاوردن
 ژنهفتن: ژنهفتم، ژنهفتیت، ژنهفت، ژنهفتیمن، ژنهفتین، ژنهفتن
 توانستن: توانستم، توانستیت، توانست، توانستیمن، توانستین، توانستن
 خواستن: خواستم، خواستیت، خواست، خواستیمن، خواستین، خواستن
 وتن: وتم، وتیت، وت، وتیمن، وتین، وتن
 همانطور که مشاهده می‌کنید، زمان گذشته ساده از بن فعلی زمان گذشته به علاوه شناسه‌های م، یت، Ø، یمن، ین و ن تشکیل می‌شود و در مواردی همچون صرف فعل دیدن که بن فعلی به حرف ی ختم می‌شود و شناسه شخص و شمار با حرف ی شروع می‌شود، از دوبار نوشتن حرف ی خودداری می‌شود.

۲-۳- صرف افعال در زمان «حال کامل»

جدول ۲-۳: جدول پیشنهادی صرف افعال در زمان «حال کامل»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	kerd-əm-æ	kerd-it-æ	kerd-ej-æ	kerd-imən-æ	kerd-in-æ	kerd-ən-æ
دادن	da-m-æ	da-jt-æ	da-j-æ	da-jmən-æ	da-jn-æ	da-n-æ
دیدن	dɪ-m-æ	dɪ-t-æ	dɪ-j-æ	dɪ-mən-æ	dɪ-n-æ	dɪ-n-æ
آمدن	hat-əm-æ	hat-it-æ	hat-ej-æ	hat-imən-æ	hat-in-æ	hat-ən-æ
آوردن	hawerd-əm-æ	hawerd-it-æ	hawerd-ej-æ	hawerd-imən-æ	hawerd-in-æ	hawerd-ən-æ
شنیدن	ženæft-əm-æ	ženæft-it-æ	ženæft-ej-æ	ženæft-imən-æ	ženæft-in-æ	ženæft-ən-æ
توانستن	twanest-əm-æ	twanest-it-æ	twanest-ej-æ	twanest-imən-æ	twanest-in-æ	twanest-ən-æ
خواستن	xwast-əm-æ	xwast-it-æ	xwast-ej-æ	Xwast-imən-æ	xwast-in-æ	Xwast-ən-æ
گفتن	wet-əm-æ	wet-it-æ	wet-ej-æ	imən-æ-wet	wet-in-æ	wet-ən-æ

قاعده ساخت زمان حال کامل، از زمان گذشته ساده به علاوه æ ساخته می‌شود و در سوم شخص مفرد نیز از /ɛj/ به عنوان وند میانجی استفاده می‌شود.

صرف افعال در زمان حال کامل با رسم الخط کوردی:

کردن: کردم، کردیته، کردیه، کردیمنه، کردینه، کردنه

داین: دامه، دایته، دایه، دایمنه، داینه، دانه

دیین: دیمه، دیتته، دیه، دیمنه، دینه، دینه

هاتن: هاتمه، هاتیتته، هاتیه، هاتیمنه، هاتینه، هاتنه

هاوردن: هاوردمه، هاوردیتته، هاوردیه، هاوردیمنه، هاوردینه، هاوردنه

ژنه‌فتن: ژنه‌فتمه، ژنه‌فتیتته، ژنه‌فتیه، ژنه‌فتیمنه، ژنه‌فتینه، ژنه‌فتنه

توانستن: توانستم، توانستیتته، توانستیه، توانستیمنه، توانستینه، توانستنه

خواستن: خواستم، خواستیتته، خواستیه، خواستیمنه، خواستینه، خواستنه

وتن: وتمه، وتیتته، وتیه، وتیمنه، وتینه، وتنه

۳-۳- صرف افعال در زمان «گذشته استمراری»

در رابطه با شیوه صرف فعل در زمان گذشته استمراری گفتیم که تنوعات وند استمراری زیاد و هریک به شیوه‌ای است و در نهایت با توجه به اینکه وند استمراری /də/ هم در بخش‌هایی از کوردی جنوبی و هم در شاخه شمالی زبان کوردی، نشانه استمرار است، این پیشوند را به عنوان وند استمراری در نوشتار معیار در نظر گرفتیم.

جدول ۳-۳: جدول پیشنهادی شماره ۱ صرف افعال در زمان «گذشته استمراری»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	də-kərd-əm	də-kərd-it	də-kərd-ø	də-kərd-imən	də-kərd-in	də-kərd-ən
دادن	də-da-m	də-da-jt	də-da-ø	də-da-jmən	də-da-jn	də-da-n
دیدن	də-di-m	də-di-t	də-di-ø	də-di-mən	də-di-n	də-di-n
آمدن	də-hat-əm	də-hat-it	də-hat-ø	də-hat-imən	də-hat-in	də-hat-ən
آوردن	də-hawərd-əm	də-hawərd-it	də-hawərd-ø	də-hawərd-imən	də-hawərd-in	də-hawərd-ən
شنیدن	də-ženæft-əm	də-ženæft-it	də-ženæft-ø	də-ženæft-imən	də-ženæft-in	də-ženæft-ən
توانستن	də-twanəst-əm	də-twanəst-it	də-twanəst-ø	də-twanəst-imən	də-twanəst-in	də-twanəst-ən
خواستن	də-xwast-əm	də-xwast-it	də-xwast-ø	də-Xwast-imən	də-xwast-in	də-Xwast-ən

صرف افعال در زمان گذشته استمراری با رسم الخط کوردی، الگوی پیشنهادی شماره ۱:

کردن: دکردم، دکردیت، دکرد، دکردیم، دکردین، دکردن،

دادن: ددام، ددایت، ددا، ددایم، دداین، ددان

دیدن: دیدیم، دیدیت، دیدی، دیدیم، دیدین، دیدن

آمدن: دهاتم، دهاتیت، دهات، دهاتیم، دهاتین، دهاتن

آوردن: دهاوردم، دهاوردیت، دهاورد، دهاوردیم، دهاوردین، دهاوردن

شنیدن: دژنهفتم، دژنهفتیت، دژنهفت، دژنهفتیم، دژنهفتین، دژنهفتن

توانستن: دتوانستم، دتوانستیت، دتوانست، دتوانستیم، دتوانستین، دتوانستن

خواستن: دخواستم، دخواستیت، دخواست، دخواستیم، دخواستین، دخواستن

همان‌طور که مشخص است، شیوه معیار نوشتاری پیشنهادی در زمان گذشته استمراری از طریق پیشوند استمراری /də/ به علاوه بن فعلی معیار به علاوه شناسه-های شخص و شمار معیار، به دست می‌آید. حال آنکه اگر این شیوه صرف در نوشتار توسط گویشوران کوردی جنوبی پذیرفته نشود، پیشنهاد بعدی نگارنده، استفاده از وند استمراری /ja/ است که توسط برخی از گویشوران منطقه یک به کار می‌رود و

در آثار مکتوب نویسندگانی که خود از این شیوه صرف در گفتار استفاده نمی‌کنند نیز این شیوه صرف فعل دیده می‌شود و این بدان معنی است که برخی از نویسندگان به صورت فردی در این جهت برنامه‌ریزی کرده و هرچند که خود برای زمان گذشته ساده و گذشته استمراری از قاعده ساخت زمان گذشته ساده استفاده می‌کنند، اما برای متمایز کردن این دو زمان و مشخص کردن منظور خود، برای نشان دادن زمان گذشته استمراری از وند استمراری /ja/ استفاده کرده‌اند. بنابراین شیوه صرف دیگر برای نوشتار معیار در زمان گذشته استمراری را در جدول زیر مشاهده می‌کنید.

جدول ۴-۳: جدول پیشنهادی شماره ۲ صرف افعال در زمان «گذشته استمراری»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	kerd-ja-m	kerd-ja-jt	kerd-ja-ø	kerd-ja-jmən	kerd-ja-jn	kerd-ja-n
دادن	dɪ-ja-m	dɪ-ja-jt	dɪ-ja-ø	dɪ-ja-jmən	dɪ-ja-jn	dɪ-ja-n
دیدن	dɪ-ja-m	dɪ-ja-jt	dɪ-ja-ø	dɪ-ja-jmən	dɪ-ja-jn	dɪ-ja-n
آمدن	hat-ja-m	hat-ja-jt	hat-ja-ø	hat-ja-jmən	hat-ja-jn	hat-ja-n
آوردن	hawerd-ja-m	hawerd-ja-jt	hawerd-ja-ø	hawerd-ja-jmən	hawerd-ja-jn	hawerd-ja-n
شنیدن	ženæft-ja-m	ženæft-ja-jt	ženæft-ja-ø	ženæft-ja-jmən	ženæft-ja-jn	ženæft-ja-n
توانستن	twanest-ja-m	twanest-ja-jt	twanest-ja-ø	twanest-ja-jmən	twanest-ja-jn	twanest-ja-n
خواستن	xwast-ja-m	xwast-ja-jt	xwast-ja-ø	Xwast-ja-jmən	xwast-ja-jn	Xwast-ja-n
گفتن	wet-ja-m	wet-ja-jt	wet-ja-ø	wet-ja-jmən	wet-ja-jn	wet-ja-n

صرف افعال در زمان گذشته استمراری با رسم الخط کوردی، الگوی پیشنهادی شماره ۲:

کردن: کردیام، کردیایت، کردیا، کردیایمن، کردیاین، کردیان
دادن: دیام، دیایت، دیا، دیایمن، دیاین، دیان
دیدن: دیام، دیایت، دیا، دیایمن، دیاین، دیان

آمدن: هاتيام، هاتيايت، هاتيا، هاتيامن، هاتيان، هاتيان
 آوردن: هاورديام، هاورديايت، هاورديا، هاوردياين، هاورديان
 شنیدن: ژنهفتيام، ژنهفتيايت، ژنهفتيا، ژنهفتيامن، ژنهفتيان، ژنهفتيان
 توانستن: توانستيام، توانستيايت، توانستيا، توانستيامن، توانستيان، توانستيان
 خواستن: خواستيام، خواستيايت، خواستيا، خواستيامن، خواستيان، خواستيان
 گفتن: وتيام، وتيايت، وتيا، وتيامن، وتيان، وتيان

۳-۴- صرف افعال در زمان «گذشته کامل»

زمان گذشته کامل، از بن‌های فعلی گذشته که به عنوان معیار نوشتاری انتخاب کرده‌ایم به علاوه صورت زیرساختی فعل کمکی بودن و شناسه‌های شخص و شمار انتخاب شده به عنوان معیارهای نوشتاری ساخته می‌شود.

جدول ۵-۳: جدول پیشنهادی صرف افعال در زمان «گذشته کامل»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	kerd-ə-bü-m	kerd-ə-bü-t	kerd-ə-bü-ø	kerd-ə-bü-mən	kerd-ə-bü-n	kerd-ə-bü-n
دادن	da-bü-m	da-bü-t	da-bü-ø	Da-bü-mən	Da-bü-n	da-bü-n
دیدن	dı-bü-m	dı-bü-t	dı-bü-ø	dı-bü-mən	dı-bü-n	dı-bü-n
آمدن	Hat-ə-bü-m	hat-ə-bü-t	Hat-ə-bü-ø	Hat-ə-bü-mən	hat-ə-bü-n	hat-ə-bü-n
آوردن	hawerd-ə-bü-m	hawerd-ə-bü-t	hawerd-ə-bü-ø	hawerd-ə-bü-mən	hawerd-ə-bü-n	hawerd-ə-bü-n
شنیدن	ženæft-ə-bü-m	ženæft-ə-bü-t	ženæft-ə-bü-ø	ženæft-ə-bü-mən	ženæft-ə-bü-n	ženæft-ə-bü-n
توانستن	twanest-ə-bü-m	twanest-ə-bü-t	twanest-ə-bü-ø	twanest-ə-bü-mən	twanest-ə-bü-n	twanest-ə-bü-n
خواستن	Xwast-ə-bü-m	Xwast-ə-bü-t	Xwast-ə-bü-ø	Xwast-ə-bü-mən	xwast-ə-bü-n	Xwast-ə-bü-n
گفتن	wet-ə-bü-m	wet-ə-bü-t	wet-ə-bü-ø	wet-ə-bü-mən	wet-ə-bü-n	wet-ə-bü-n

همانطور که در جدول مشاهده می‌کنید، در برخی از افعال که به همخوان منتهی می‌شوند، یک واکه بین بن فعلی و فعل کمکی قرار می‌گیرد تا خوانا شود.

صرف افعال در زمان گذشته کامل با رسم الخط کوردی:

کردن: کردبۆم، کردبۆت، کردبۆ، کردبۆمن، کردبۆن، کردبۆن

دادن: دابۆم، دابۆت، دابۆ، دابۆمن، دابۆن، دابۆن

دیدن: دیبۆم، دیبۆت، دیبۆ، دیبۆمن، دیبۆن، دیبۆن

آمدن: هاتبۆم، هاتبۆت، هاتبۆ، هاتبۆمن، هاتبۆن، هاتبۆن

آوردن: هاوردبۆم، هاوردبۆت، هاوردبۆ، هاوردبۆمن، هاوردبۆن، هاوردبۆن

شنیدن: ژنه‌فتبۆم، ژنه‌فتبۆت، ژنه‌فتبۆ، ژنه‌فتبۆمن، ژنه‌فتبۆن، ژنه‌فتبۆن

توانستن: توانستبۆم، توانستبۆت، توانستبۆ، توانستبۆمن، توانستبۆن، توانستبۆن

خواستن: خواستبۆم، خواستبۆت، خواستبۆ، خواستبۆمن، خواستبۆن، خواستبۆن

گفتن: وتبۆم، وتبۆت، وتبۆ، وتبۆمن، وتبۆن، وتبۆن

۳-۵- صرف افعال در زمان «گذشته التزامی»

در جدول زیر، قاعده ساخت گذشته التزامی را مشاهده می‌کنید که از وند التزامی /ba/ به علاوه بن فعلی به علاوه /a/ به علاوه شناسه‌های شخص و شمار به دست می‌آید.

جدول ۶-۳: جدول پیشنهادی صرف افعال در زمان «گذشته التزامی»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	bə-kerd-a-m	bə-kerd-a-jt	bə-kerd-a-ø	bə-kerd-a-jmən	bə-kerd-a-jn	bə-kerd-a-n
دادن	bə-da-m	bə-da-jt	bə-da-ø	bə-da-jmən	bə-da-jn	bə-da-n
دیدن	bə-di-j-a-m	bə-di-j-a-jt	bə-di-j-a-ø	bə-di-j-a-jmən	bə-di-j-a-jn	bə-di-j-a-n
آمدن	bə-hat-a-m	bə-hat-a-jt	bə-hat-a-ø	bə-hat-a-jmən	bə-hat-a-jn	bə-hat-a-n
آوردن	bə-hawerd-a-m	bə-hawerd-a-jt	bə-hawerd-a-ø	bə-hawerd-a-jmən	bə-hawerd-a-jn	bə-hawerd-a-n
شنیدن	bə-ženæft-a-m	bə-ženæft-a-jt	bə-ženæft-a-ø	bə-ženæft-a-jmən	bə-ženæft-a-jn	bə-ženæft-a-n
توانستن	bə-twanæst-a-m	bə-twanæst-a-jt	bə-twanæst-a-ø	bə-twanæst-a-jmən	bə-twanæst-a-jn	bə-twanæst-a-n
خواستن	bə-xwast-a-m	bə-xwast-a-jt	bə-xwast-a-ø	bə-Xwast-a-jmən	bə-xwast-a-jn	bə-Xwast-a-n
گفتن	bə-wet-a-m	bə-wet-a-jt	bə-wet-a-ø	bə-wet-a-jmən	bə-wet-a-jn	bə-wet-a-n

صرف افعال در زمان گذشته التزامی با رسم الخط کوردی:

کردن: بکردام، بکردایت، بکردا، بکردایمن، بکرداین، بکردان

دادن: بدام، بدایت، بدا، بدایمن، بداین، بدان

دیدن: بدیام، بدیایت، بدیا، بدیایمن، بدیاین، بدیان

آمدن: بهاتام، بهاتایت، بهاتا، بهاتایمن، بهاتاین، بهاتان

آوردن: بهاوردام، بهاوردایت، بهاوردا، بهاوردایمن، بهاورداین، بهاوردان

شنیدن: بژنهفتم، بژنهفتایت، بژنهفتا، بژنهفتایمن، بژنهفتاین، بژنهفتا

توانستن: بتوانستم، بتوانستایت، بتوانستا، بتوانستایمن، بتوانستاین، بتوانستان

خواستن: بخواستم، بخواستایت، بخواستا، بخواستایمن، بخواستاین، بخواستان

گفتن: بوتام، بوتایت، بوتا، بوتایمن، بوتاین، بوتان

۶-۳- صرف افعال در زمان «حال اخباری»

در زمان حال اخباری همان‌طور که در جدول داده‌ها مشخص است، در برخی مناطق از پیشوند استمراری استفاده نمی‌شود و در مناطق دیگر که از پیشوند استمراری استفاده می‌شود، اینوندها متفاوت هستند. پس از بررسی و تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدیم که در صورت استفاده از پیشوند، استفاده از پیشوند استمراری /də/ بهترین گزینه است. اگر بخواهیم از این پیشوند استمراری و صورت‌های زیرساختی بن فعلی برای ساخت زمان حال اخباری استفاده کنیم، جدول پیشنهادی زیر به دست می‌آید.

جدول ۷-۳: جدول پیشنهادی شماره ۱ صرف افعال در زمان «حال اخباری»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	də-kæ-m	də-kæ-jt	də-kæ-j	də-kæ-jmən	də-kæ-jn	də-kæ-n
دادن	də-dæ-m	də-dæ-jt	də-dæ-j	də-dæ-jmən	də-dæ-jn	də-dæ-n
دیدن	d-ün-əm	d-ün-it	d-ün-e	d-ün- imən	d-ün-in	d-ün-ən
آمدن	də-ja-m	də-ja-jt	də-ja-j	də-ja-jmən	də-ja-jn	də-ja-n
آوردن	də-jar-əm	də-jar-it	də-jar-e	də-jar imən	də-jar- in	də-jar-ən
شنیدن	də-žnæw- əm	də-žnæw-it	də-žnæw- e	də-žnæw- imən	də-žnæw- in	də-žnæw- ən
توانستن	də-twan-əm	it-də-twan	də-twan-e	də-twan-imən	də-twan-in	də-twan-ən
خواستن	də-xwaz-əm	də-xwaz-it	də-xwaz-e	də-xwaz- imən	də-xwaz- in	də-xwaz-ən
گفتن	də-wiš-əm	də-wiš-it	də-wiš-e	də-wiš-imən	də-wiš-in	də-wiš-ən

صرف افعال در زمان حال اخباری، الگوی پیشنهادی شماره ۱:

کردن: دکەم، دکەیت، دکەئ، دکەیمەن، دکەین، دکەن

دادن: ددەم، ددەیت، ددەئ، ددەیمەن، ددەین، ددەن

دیدن: دۆنم، دۆنیت، دۆنئ، دۆنیمەن، دۆنین، دۆنن

آمدن: دیام، دیایت، دیائ، دیایمەن، دیاین، دیان

آوردن: دیّارم، دیّاریت، دیّاری، دیّاریمن، دیّارین، دیّارن
 شنیدن: دژنه‌وم، دژنه‌ویت، دژنه‌وی، دژنه‌ویمن، دژنه‌وین، دژنه‌ون
 توانستن: دتوانم، دتوانیت، دتوانی، دتوانیمن، دتوانین، دتوانن
 خواستن: دخوازم، دخوازیت، دخوازی، دخوازیمن، دخوازین، دخوازن
 گفتن: دویشم، دویشیت، دویشی، دویشیمن، دویشین، دویشن
 در زمان گذشته دیدیم که در برخی مناطق برای زمان گذشته ساده و گذشته
 استمراری از گذشته ساده استفاده می‌شود و گفتیم برای اینکه این دو زمان با هم
 اشتباه گرفته نشوند، در نوشتار معیار زمان گذشته استمراری را با وند استمراری
 مشخص می‌کنیم. در زمان حال اخباری، استفاده و یا عدم استفاده از وند استمراری،
 تفاوتی در فهم زمان فعل ایجاد نمی‌کند و می‌توان در زمان حال اخباری، وند
 استمراری /dæ/ را به کار نبرد. با فرض اینکه استفاده از شیوه صرف افعال در جدول
 پیشنهادی بالا مورد پذیرش گویشوران کوردی جنوبی قرار نگیرد، شیوه دیگری که
 مبنای آن درنظر گرفتن صورت‌های نزدیک به گفتار است و همچنین از پیشوند
 استمراری /dæ/ استفاده نشود، در جدول زیر پیشنهاد می‌شود.

جدول ۳-۸: جدول پیشنهادی شماره ۲ صرف افعال در زمان «حال اخباری»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	kæ-m	kæ-jt	kæ-j	kæ-jmən	kæ-jn	kæ-n
دادن	dæ-m	dæ-jt	dæ-j	dæ-jmən	dæ-jn	dæ-n
دیدن	d-ün-əm	d-ün-it	d-ün-e	d-ün- imən	d-ün-in	d-ün-ən
آمدن	te-m	t-it	t-e	t-imən	t-in	te-n
آوردن	ter-əm	ter-it	ter-e	ter-imən	ter-in	ter-ən
شنیدن	ʒənæw-əm	ʒənæw-it	ʒənæw-e	ʒənæw-imən	ʒənæw-in	ʒənæw-ən
توانستن	twan-əm	twan-it	twan-e	twan-imən	twan-in	twan-ən
خواستن	xwaz-əm	xwaz-it	xwaz-e	xwaz- imən	xwaz- in	xwaz-ən
گفتن	ʔüš-əm	ʔüš-it	ʔüš-e	ʔüš-imən	ʔüš-in	ʔüš-ən

صرف افعال در زمان حال اخباری، الگوی پیشنهادی شماره ۲:

کردن: کهم، کهیت، کهئ، کهیمن، کهین، کهن

دادن: دهم، دهیت، دهئ، دهیمن، دهین، دهن

دیدن: دؤنم، دؤنیت، دؤنئ، دؤنیمن، دؤنین، دؤن

آمدن: تییم، تیت، تیئ، تیمن، تین، تین

آوردن: تییرم، تییریت، تییرئ، تییریمن، تییرین، تییرن

شنیدن: ژنهوم، ژنهویت، ژنهوئ، ژنهویمن، ژنهوین، ژنهون

توانستن: توانم، توانیت، توانئ، توانیمن، توانین، توانن

خواستن: خوازم، خوازیت، خوازئ، خوازیمن، خوازین، خوازن

گفتن: ئوشم، ئوشیت، ئوشئ، ئوشیمن، ئوشین، ئوشن

در جدول بالا، مواردی به عنوان گونه معیار نوشتاری انتخاب شده است که معمولاً در میان داده‌های موجود تنوع بیشتری دارند. با فرض اینکه افعال جدول اول مورد پذیرش قرار نگیرد، داده‌های این جدول پیشنهاد می‌شود.

لازم به ذکر است که در زمان اخباری نیز، با توجه به آخرین واج بن فعلی، شیوه نگارش شناسه‌های شخص و شمار در آوانویسی متفاوت است، حال آنکه در نوشتار کوردی جنوبی این مشکل وجود ندارد. دو نمونه از شیوه صرف زمان حال اخباری با پایانه‌های واکه و همخوان در بن فعلی را در زیر مشاهده می‌کنید.

کردن: کهم، کهیت، کهئ، کهیمن، کهین، کهن

هاتن: تیه‌م، تیه‌یت، تیه‌ئ، تیه‌یمن، تیه‌ین، تیه‌ن

۷-۳- صرف افعال در زمان «حال التزامی»

از بررسی و تحلیل داده‌های موجود، داده‌های جدول زیر به عنوان الگوی معیار در نوشتار صرف فعل در زمان حال التزامی به دست آمده است.

جدول ۹-۳: جدول پیشنهادی شماره ۱ صرف افعال در زمان «حال التزامی»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	bə-kæ-m	bə-kæ-jt	bə-kæ-j	bə-kæ-jmən	bə-kæ-jn	bə-kæ-n
دادن	bə-dæ-m	bə-dæ-jt	bə-dæ-j	bə-dæ-jmən	bə-dæ-jn	bə-dæ-n
دیدن	b-ün-əm	d-ün-it	d-ün-e	d-ün- imən	d-ün-in	d-ün-ən
آمدن	bə-ja-m	bə-ja-jt	bə-ja-j	bə-ja-jmən	bə-ja-jn	bə-ja-n
آوردن	bə-jar-əm	bə-jar-it	bə-jar-e	bə-jar imən	bə-jar- in	bə-jar-ən
شنیدن	bə-žnæw- əm	bə-žnæw-it	bə-žnæw- e	bə-žnæw- imən	bə-žnæw- in	bə-žnæw- ən
توانستن	bə-twan-əm	bə-twan-it	bə-twan-e	bə-twan-imən	bə-twan-in	bə-twan-ən
خواستن	bə-xwaz-əm	bə-xwaz-it	bə-xwaz-e	bə-xwaz- imən	bə-xwaz- in	bə-xwaz-ən
گفتن	bə-wiš-əm	bə-wiš-it	bə-wiš-e	bə-wiš-imən	bə-wiš-in	bə-wiš-ən

صرف افعال در زمان حال التزامی، الگوی پیشنهادی شماره ۱:

کردن: بکه‌م، بکه‌یت، بکه‌ئ، بکه‌یمن، بکه‌ین، بکه‌ن

دادن: بده‌م، بده‌یت، بده‌ئ، بده‌یمن، بده‌ین، بده‌ن

دیدن: بؤنم، بؤنیت، بؤنئ، بؤنیم، بؤنین، بؤن

آمدن: بیام، بیایت، بیائ، بیایمن، بیاین، بیان

آوردن: بیارم، بیاریت، بیارئ، بیاریمن، بیارین، بیارن

شنیدن: بژنه‌وم، بژنه‌ویت، بژنه‌وئ، بژنه‌ویمن، بژنه‌وین، بژنه‌ون

توانستن: بتوانم، بتوانیت، بتوانئ، بتوانیمن، بتوانین، بتوانن

خواستن: بخوازم، بخوازیت، بخوازئ، بخوازیمن، بخوازین، بخوازن

گفتن: بویشم، بویشیت، بویشئ، بویشیمن، بویشین، بویشن

حال آنکه اگر بخواهیم فرض کنیم برخی از این داده‌ها توسط گویشور رد شوند، در موارد ممکن تنوعات دیگری پیشنهاد می‌شود که بر اساس بسامد وقوع بالا انتخاب شده‌اند. تنوعات مذکور را در جدول زیر مشاهده می‌کنید.

جدول ۳-۱۰: جدول پیشنهادی شماره ۲ صرف افعال در زمان «حال التزامی»

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
کردن	bə-kæ-m	bə-kæ-jt	bə-kæ-j	bə-kæ-jmən	bə-kæ-jn	bə-kæ-n
دادن	bə-dæ-m	bə-dæ-jt	bə-dæ-j	bə-dæ-jmən	bə-dæ-jn	bə-dæ-n
دیدن	b-ün-əm	d-ün-it	d-ün-e	d-ün- imən	d-ün-in	d-ün-ən
آمدن	b-a-m	b-a-jt	b-a-j	b-a-jmən	b-a-jn	b-a-n
آوردن	b-ar-əm	b-ar-it	b-ar-e	b-ar imən	b-ar- in	b-ar-ən
شنیدن	bə-žnæw-əm	bə-žnæw-it	bə-žnæw- e	bə-žnæw- imən	bə-žnæw- in	bə-žnæw- ən
توانستن	bə-twan-əm	bə-twan-it	bə-twan-e	bə-twan-imən	bə-twan-in	bə-twan-ən
خواستن	bə-xwaz-əm	bə-xwaz-it	bə-xwaz-e	bə-xwaz- imən	bə-xwaz- in	bə-xwaz-ən
گفتن	b-üş-əm	b-üş-it	b-üş-e	imən-b-üş	b-üş-in	b-üş-ən

صرف افعال در زمان حال التزامی، الگوی پیشنهادی شماره ۲:

کردن: بکه‌م، بکه‌یت، بکه‌ئ، بکه‌یمن، بکه‌ین، بکه‌ن

دادن: بده‌م، بده‌یت، بده‌ئ، بده‌یمن، بده‌ین، بده‌ن

دیدن: بؤن‌م، بؤن‌یت، بؤن‌ئ، بؤن‌یمن، بؤن‌ین، بؤن‌ن

آمدن: بام، بایت، بائ، بایمن، باین، بان

آوردن: بارم، باریت، بارئ، باریمن، بارین، بارن

شنیدن: بژنه‌وم، بژنه‌ویت، بژنه‌وئ، بژنه‌ویمن، بژنه‌وین، بژنه‌ون

توانستن: بتوانم، بتوانیت، بتوانئ، بتوانیمن، بتوانین، بتوانن

خواستن: بخوام، بخوازیت، بخوازئ، بخوازیمن، بخوازین، بخوازن

گفتن: بؤشم، بؤشیت، بؤشئ، بؤشیمن، بؤشین، بؤشن

در جدول بالا گونه‌ای از صرف فعل در زمان حال التزامی را مشاهده می‌کنید که نگارنده تصور می‌کند ممکن است با استقبال و پذیرش بیشتری از طرف گویشور مواجه شود.

با استفاده از تحلیل واجی و بازنمایی‌های آوایی داده‌های موجود، همچنین با در نظر گرفتن بسامد وقوع این تنوعات و به صورت کلی در چارچوب همگرایی بین شاخه‌های شمالی، میانی و جنوبی زبان کوردی، به نتایجی برای شیوه صرف افعال مورد پژوهش رسیدیم تا از طریق آن بتوان به سمت همگرایی در نوشتار صرف فعل در شاخه جنوبی زبان کوردی دست یافت. همانطور که پیشتر گفته شد، برنامه‌ریزی زبان دارای مراحل است که در این پژوهش مراحل گردآوری داده و برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گرفته‌اند و انجام مراحل اجرا و ارزیابی نتایج در قالب این پژوهش امکان‌پذیر نیست. لازم به ذکر است که نتایج نهایی این پژوهش به صورت پیشنهاد ارائه می‌شود و پذیرش و یا عدم پذیرش گویشوران در استفاده از این صورت‌های ارائه شده، نتیجه نهایی برنامه‌ریزی زبان را مشخص می‌کند. در برنامه‌ریزی‌های زبانی، موفقیت و شکست برنامه تدوین شده، پس از ارائه گسترده و بررسی و تحلیل نتایج آن مشخص می‌شود.

منابع

منابع فارسی

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۹۵). *دستور زبان فارسی ۱*. ویرایش چهارم. تهران: انتشارات فاطمی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۴). *مسائل زبان‌شناسی نوین: ده مقاله*، تهران: انتشارات آگاه.
- برزویی، ندا (۱۳۹۱). *بررسی فارسی گفتاری در منابع آموزش زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بهادر، محمدرضا (۱۳۹۰). *نحو کردی قصری بر مبنای دستور زایشی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۹۸). *واج‌شناسی: نظریه بهینگی*. چاپ هفتم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- جعفری، فاطمه (۱۳۹۳). *گفتار و نوشتار در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم*. نخستین همایش آموزش زبان فارسی.
- داوری اردکانی، نگار و آذردخت جلیلیان (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی زبان / برنامه‌ریزی زبان فارسی و نگرش‌های زبانی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- دهقان، مسعود و ابراهیم بدخشان (۱۳۹۸). *تصریف فعل و مقوله‌های آن در کردی کلهری بر اساس صرف زایشی باور*. پژوهشنامه ادبیات کردی. دوره پنجم. شماره ۸. صص ۱۲۴-۱۰۷.
- رضائی، طاهره (۱۳۸۵). *بررسی ساختار حرف اضافه‌ای در زبان فارسی گفتاری معیار در مقایسه با فارسی نوشتاری معیار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

رضایی باغ بیدی، حسن و همکاران (۱۳۹۱). خط و نظام‌های نوشتاری در جهان اسلام، تهران: کتاب مرجع.

رنجبر، وحید (۱۳۸۸). دستور زبان کردی کرمانشاهی. کرمانشاه: طاق‌بستان.

شفیع‌زاده، الهام (۱۳۸۹). بررسی دستگاه صرف گویش فیلی (استان ایلام). پایان-نامه کارشناسی ارشد. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

صفارمقدم، احمد (۱۳۹۲). تفاوت‌های گفتار و نوشتار در آموزش مهارت گفتاری زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲. صص ۱۱۵-۱۴۰

کبودی، فرحناز (۱۳۹۰). بررسی ساختار فعل در گویش کردی کرمانشاهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: دانشگاه رازی.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۹۸). واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد. چاپ هشتم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

کریم‌پور، کریم (۱۳۷۳). دستور زبان کردی کرمانشاهی. ناشر: مؤلف.

کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۸۰). کردی ایلامی: بررسی گویش بدره. تهران: باغ نو.

کلباسی، ایران (۱۳۷۰). فارسی اصفهانی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی).

مدرسی، یحیی (۱۳۹۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. چاپ چهارم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مرادی، محمدرئوف و آکو جلیلیان (۱۳۹۴). گنجینه گویش‌های ایرانی (استان کرمانشاه). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ملکیان، کمال (۱۳۹۲). ساختمان فعل در گویش کردی دینوری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: دانشگاه رازی.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۳). *زبان‌شناسی و زبان فارسی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

منابع کردی

- ئابى، رزا (۱۳۹۳). *شه‌وگار زمسانى*. ئیلام: زاگرو.
- ئارا، روشان (۲۰۱۹). *مانای بازیه‌یل زوانی ویتگنشتاین*. خولاسه‌نؤس و هه‌لگه‌ردانکه‌ر: په‌یمان فه‌لاحی و مراد ده‌بانى (رئوار). وه‌رزنامه‌ی ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی سییم. ئالمان: مونیخ. ۸۷-۸۴
- ئا‌هه‌نگه‌رنژاد، جه‌لیل (۱۳۹۲). *رووژر*. ئیلام: زانا.
- ئدگار، ئرفینگ (۲۰۱۹). *روویکه‌رد ره‌وانکاوی شکسپیر*. هه‌لگه‌ردانکه‌ر: مه‌هناز حه‌یده‌ری. وه‌رزنامه‌ی ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی دوئییم. ئالمان: مونیخ. ۴۸-۴۶
- ئسمیت، ئلیزابت و دبورا ئسپنس (۲۰۱۹). *ئیسفای ئه‌ده‌بیات له‌چوارچوو ه‌رمئوتیک*. هه‌لگه‌ردانکه‌ر: مه‌ریه‌م ئه‌مینى (سؤما). وه‌رزنامه‌ی ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی دوئییم. ئالمان: مونیخ. ۳۲-۲۷
- ئشکرؤفت، بیل و دیگران (۲۰۱۹). *مودرنیسم و پاش ئستعمارگه‌ری*. هه‌لگه‌ردانکه‌ر: نه‌سرین باباخانى. وه‌رزنامه‌ی ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی دوئییم. ئالمان: مونیخ. ۳۶-۳۳
- ئقبالی، چه‌نگیز (ئازاد) (۱۳۹۲). *وړاو‌ه‌یل و ه‌ورفام ئه‌سپ*. ناشر: نؤسه‌ر. ئولفه‌تى، عه‌لى (۱۳۸۸). *گیان*. کرماشان: باخ نه‌ئ.
- _____. (۱۳۹۱). *سزبان وه‌فر*. ناشر: نؤسه‌ر.
- _____. (۱۳۹۴). *گه‌رمئیان*. کرماشان: دیپاچه.
- _____. (۱۳۹۵). *سرو‌ت باشوور*. کرماشان: دیپاچه.
- ئه‌حمه‌دى، گلاوئۆ (۲۰۱۹). *وه‌فر و شه‌و*. وه‌رزنامه‌ی ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی یه‌کم. ئالمان: مونیخ. ۸۶-۸۴

ئەكبەرى، شەھرام (۱۳۹۲). پەلە و پەلان. ندای جامعه. سال دوازدهم. ژماره‌ی ۸. ۲۷۰.

ئەكبەریان، مادی (۲۰۱۹). كه ژال. وەرزنانه‌ی ژ. سال یه‌كم، شماره‌ی دویم. ئالمان: مونیخ. ۱۳۱-۱۳۲

ئەمینى، موحسن (۱۳۸۸). سازانیه بۆچكەله. هه‌لگه‌ردان. سنه‌دژ: دانشگاه كوردستان. —. (۲۰۱۹). وینه‌كیش ژیان نوو. هه‌لگه‌ردان له فه‌رانسه‌ویه‌و. وەرزنانه‌ی ژ. سال یه‌كم، شماره‌ی یه‌كم. ئالمان: مونیخ. ۹-۱۵

— (۲۰۱۹). ئگزیستانسیالیسم ئەده‌بى. وەرزنانه‌ی ژ. سال یه‌كم، شماره‌ی دویم. ئالمان: مونیخ. ۱۷-۲۶

ئەمینى، مەریه‌م (سۆما) (?). شیرینگ كه له خوه‌یا وه‌ركینگه. كرماشان: ماه و آفتاب. ئەوین، هه‌وراز (۲۰۱۰). نموونه‌ی خه‌بات ژن كورد له سه‌ده‌ی گۆزه‌یشت. گۆل سوو. شماره‌ی ۷۲. ۳۱

ئیلپوور، شیردل (۱۳۸۹). له‌ی شیرعه‌ بیزارم ك شه‌مسییه. كرماشان: نۆسه‌ر. —. (۱۳۹۴). له‌ پرد خوه‌ر. كه‌ره‌ج: نۆسه‌ر.

— (۲۰۱۹). ده‌رفه‌ت یا گیچه‌ل مودرنیسم. وەرزنانه‌ی ژ. سال یه‌كم، شماره‌ی یه‌كم. ئالمان: مونیخ. ۱۶-۲۷

— (۲۰۱۹). دیم سه‌رد. وەرزنانه‌ی ژ. سال یه‌كم، شماره‌ی دویم. ئالمان: مونیخ. ۱۰۹-۱۱۰

— (۲۰۱۹). وته‌زایگ له‌ سه‌ر ره‌سمیه‌ت و لاوه‌كى بۆن زوان. وەرزنانه‌ی ژ. سال یه‌كم، شماره‌ی سییم. ئالمان: مونیخ. ۱۸-۲۲

— (۱۳۹۹). وته‌زا(جستار)ى له‌ سه‌ر مروّف‌ناسى له‌ ئەده‌بیات كوردی خوارین. تفكر انتقادی. سال یه‌كم، ژماره‌ی یه‌كم. ۱۵-۱۹

باباخانى، نه‌سرین (۱۳۸۹). مشتى خوه‌شى. ناشر: نۆسه‌ر.

باباخانى، نه‌سرین (۲۰۱۹). ده‌نگ بێ‌گیان. وەرزنانه‌ی ژ. سال یه‌كم، شماره‌ی دویم. ئالمان: مونیخ. ۱۱۱

بارت، رولان (۲۰۱۹). مهرگ نۆسه ر. هه لگه ردانکه ر: عه لی حاته می. وه رزنامه ی ژ. سال یه کم، شماره ی دویم. ئالمان: مونیخ. ۱۶-۱۱
 بورشرت، فورفگانگ (۲۰۱۹). هه ر ئی سی شه مه. هه لگه ردانکه ر: ئیحسان
 حه قیقی نژاد. وه رزنامه ی ژ. سال یه کم، شماره ی یه کم. ئالمان: مونیخ. ۸۳-۸۱
 به راهه نی، ره ز (۲۰۱۹). ئه ونۆسین بۆکه ره ک. هه لگه ردانکه ر: نه سرین
 شه فیعی (هانا). وه رزنامه ی ژ. سال یه کم، شماره ی دویم. ئالمان: مونیخ. ۵۷-

۷۴

به شاره ت، فه وزیه (۱۳۹۷). سه رچووپی ئاگر له رنجه سیه. سه قز: گو تار.
 به شیرنژاد، حه سه ن (۲۰۱۹). مهرگ زوانه یل، مدووه یل و ئاکامه یلی. هه لگه ردانکه ر:
 مراد ده بان (ریوار). وه رزنامه ی ژ. سال یه کم، شماره ی سییم. ئالمان: مونیخ.

۹۶-۹۱

به له ده، که یوومه رس (۱۳۸۷). هساره گه ی خوه م. سنه: گۆران.
 —. (۱۳۹۲). نوورینینگ وه منال و مه/توچگ. ندای جامعه. سال دوانزه هم. ژماره ی

۸. ۲۷۰

— (۱۳۹۵). گورگ وته م. تهران: نه شر داستان.
 — (۱۳۹۶). قلا. ناشر: نۆسه ر.
 — (۱۳۹۷). رووی. چاپ دویم. ناشر: نۆسه ر.
 — (۱۳۹۸). چه مینگ ک وهل خوه یا به یده مان. ئیلام: باشوور.
 — (۱۳۹۹). حسیگ لیخن. مەریوان: زایه له.
 به نی وه یس، موحسن (۲۰۰۹). رنخی برایی. به غذا: نۆسه ر.
 — (۲۰۱۹). ژیان نامه ی نعمه ت عه لی سایه. وه رزنامه ی ژ. سال یه کم، شماره ی

سییم. ئالمان: مونیخ. ۱۶۸

به یگی، مسته فا (رودوس فه یلی) (۱۳۹۹). بایه د په له مار میژو زاره کی (شفاهی)
 خوه مان بیاریمن. تفکر انتقادی. سال یه کم، ژماره ی یه کم. ۵۶-۵۹

___ (١٣٩٩). *وهره زوان نامجی گیر*. تفکر انتقادی. سأل یه کم، ژماره ی دویمه و سییه م. ٢٥-٢٢

پالیزبان، که ره ملا (١٣٩٩). *خه سازناسی کوردی خوارین ده چه مسار زوان ناسی*. تفکر انتقادی. سأل یه کم، ژماره ی دویمه و سییه م. ٧٠-٦٩
پایه نده، حسه ی (٢٠١٩). *میژوو مروت له ناو*. هه لگه ردانکه ر: مراد ده بانی (ریوار).
وه رزنامه ی ژ. سأل یه کم، شماره ی دویم. ئالمان: مونیخ. ٥٦-٤٨
جه لیلیان، ع (ئاکو) (١٣٨٥). *رنگامه*. تهران: شولا.
___ (١٣٨٨). *ئاگر مه لوقچ*. ناشر: نوسه ر.

جه عفهری میهر، ئانیسا (٢٠١٩). *په راوینز په راوینزه گان*. وتووینز وهل بهرووز
چه مهن ئارا. وه رزنامه ی ژ، سأل یه کم، شماره ی سییم. ئالمان: مونیخ. ١٢٤-
١٣٣

___ (٢٠١٩). *ره نگدانه وه ی فره نگ له ناو شیعر ژنه یل کورد که لهویر*. وه رزنامه ی ژ.
سأل یه کم، شماره ی دویم. ئالمان: مونیخ. ١٠٠-٧٥
جه لیلیان، مؤحه مه د جه واد (١٣٩٥). *کورتیه باسیگ له باره ی ئاناتومی مؤدرن*. صدای
آزادی. ژماره ی ٨٠٤٨٦
جه هانفهره، ژیار (٢٠٠٩). *ئه فسانه یل ولات میدیا*. بهرگ یه کم. سلیمانی:
ئستیتیوتی که له پوویری کورد.

___ (٢٠٠٩). *ئه فسانه یل ولات میدیا*. بهرگ دووهم. سلیمانی: ئستیتیوتی
که له پوویری کورد.

___ (٢٠١٤). *ئه فسانه یل ولات میدیا*. بهرگ سییه م. سلیمانی: ئستیتیوتی
که له پوویری کورد.

___ (٢٠١٤). *ئه فسانه یل ولات میدیا*. بهرگ چوارهم. سلیمانی: ئستیتیوتی
که له پوویری کورد.

___ (١٣٩٨). *هه زمانیک له بی دهنگی: لاوه لاوه و شیعر ملالان*. چاپ دویم.
کرماشان: دیباچه.

- ___ (۱۳۹۸). هه‌زمانیگ له بێ‌ده‌نگی: هه‌وره و گۆرانی، بنملی. چاپ دویم. کرمانشان: دیباچه.
- ___ (۱۳۹۸). هه‌زمانیگ له بێ‌ده‌نگی: موور، چه‌مه‌ری و ئاغه‌میره‌و. چاپ دویم. کرمانشان: دیباچه.
- ___ (۲۰۱۹). ده‌نگیگ ئاشنا، رێییگ ناموو. وه‌رزنامه‌ی ژ. سأل یه‌کم، شماره‌ی یه‌کم. ئالمان: مونیخ. ۷-۶
- ___ (۲۰۱۹). نامووتر له‌ ره‌خه‌. وه‌رزنامه‌ی ژ. سأل یه‌کم، شماره‌ی دویم. ئالمان: مونیخ. ۹-۷
- ___ (۱۳۹۹). زوان د‌ل‌گی ده‌رفه‌ت یا هه‌ره‌شه‌؟. تفکر انتقادی. سأل یه‌کم، ژماره‌ی دویم و سێهه‌م. ۱۱-۱۵
- ___ (۲۰۲۱). سه‌ره‌یل سه‌نگه‌لا. سو‌ند: کتاب ئه‌رزان
- حه‌سه‌ن، شیرزاد (۱۳۹۹). سه‌وره‌یل خۆناوی. هه‌لگه‌ردان: ئانیسا جه‌عه‌فری میهر. تفکر انتقادی. سأل یه‌کم، شماره‌ی دویم و سێهه‌م. ۱۲۵-۱۲۹
- حه‌سه‌ن پوو‌ر، ئه‌میر (۲۰۱۹). سیاسه‌ت زوان‌ناسی ناسیاسی: زوان‌ناسی و زوان‌کوشی. هه‌لگه‌ردانکه‌ر: پارسا کرمانجیان. وه‌رزنامه‌ی ژ. سأل یه‌کم، شماره‌ی سێهه‌م. ئالمان: مونیخ. ۵۶-۶۴
- حه‌یده‌ری، نوسره‌تولا (هیوا) (۱۳۸۴). د‌گان چه‌رمی. ته‌هران: پرسمان.
- خو‌رانی، مه‌یسه‌م (۱۳۹۹). نه‌ورووزانه‌. ئیلام: باشوور.
- د‌ال، ئوستین (۲۰۱۹). زوان و ناسنامه‌. هه‌لگه‌ردانکه‌ر: کاوه‌ خوسره‌وی. وه‌رزنامه‌ی ژ. سأل یه‌کم، شماره‌ی سێهه‌م. ئالمان: مونیخ. ۸۸-۹۰
- پوسته‌می، شاریار (۱۳۹۲). گ‌لادیاتور. ندای جامعه‌، سأل دوانزه‌هه‌م. ژماره‌ی ۲۶۶. ۷
- ___ (۱۳۹۲). س‌تون مه‌رگ. ندای جامعه‌.؛ سأل دوانزه‌هه‌م. شماره‌ی ۲۷۰. ۷
- پۆلفوو، خوان و ئه‌ود‌وا (۱۳۹۱). ده‌نگ پاس مر‌داره‌گان نیه‌ژنه‌وی؟. هه‌لگه‌ردانکه‌ر: مه‌ریه‌م ئه‌مین‌ی (سو‌ما). ناشر: نو‌سه‌ر

په‌حیمی‌نژاد، ئەمین (پ‌یوار) (٢٠١٩). له ئی مه‌رگه، ت له گشتی قانت‌ترید. وه‌رزنامه‌ی
ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی سییم. ئالمان: مونیخ. ٣١-٢٣

— (٢٠١٩). باسیگ له سه‌ر زوان. وتووێژ وه‌ل جیمز گره‌یفیز. وه‌رزنامه‌ی ژ، سال
یه‌کم، شماره‌ی سییم. ئالمان: مونیخ. ١٢٣-١١٤

— (١٣٩٩). ته‌رجمه دا‌وانه‌ی ته‌رختی زوان. تفکر انتقادی، سال یه‌کم، ژماره‌ی
دویه‌م و سییه‌م. ٦٨-٦٤

په‌زایی، ئەکبه‌ر (١٣٩٢). خاتوون. کرماشان: زه‌نگنه.
زه‌حمه‌ت‌کش، نعمه‌ت (١٣٩٩). شو‌ناس نه‌ته‌وه‌یی و نیشتمانی له ئەده‌بیات ویه‌رده‌ی
گوران. تفکر انتقادی. سال یه‌کم، ژماره‌ی یه‌کم. ٤٧-٤٢

سارلی، ناسرقولی (٢٠١٩). نه‌بون ئولگوویگ تئوریک ئرای معیارسازی زوان.
هه‌لگه‌ردانکه‌ر: فواد موزه‌فه‌ری. وه‌رزنامه‌ی ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی سییم.
ئالمان: مونیخ. ١٠٠-٩٧

سامه‌په‌یی، سادق (١٣٨٩). ته‌رجمان. ناشر: نو‌سه‌ر.
— (٢٠١٩). سوسه‌ی وا. وه‌رزنامه‌ی ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی یه‌کم. ئالمان: مونیخ.
٨٩-٨٧

ستریندبه‌ری، ئاگوست (٢٠١٩). له‌تیگ کافه‌ز. هه‌لگه‌ردانکه‌ر: سارو‌ خوسره‌وی.
وه‌رزنامه‌ی ژ. سال یه‌کم، شماره‌ی دویم. ئالمان: مونیخ. ١١٩-١١٨
سو‌په‌مه‌یری، ناز (٢٠١٠). خانه‌قی وه‌ ته‌مای سه‌ده‌قه‌ی که‌س نییه‌!. گول سوو.
شماره‌ی ٧٢. ١٧-١٦

سه‌فه‌ری، سومه‌یه (١٣٩٧). تام ته‌م. ته‌ران: سرخابی.
سه‌لیمان‌پوور، مه‌هوه‌ش (سووزان) (١٣٩٥). ه‌ورد که‌م. کرماشان: کرماشان.
شاهوه‌یسی، موعین (١٣٩٥). شینکه‌ر. کرماشان: کرماشان.
شه‌فیعی، ئەسرین (١٣٩٩). فیکاری ریتوس؛ ریتوس کوردی یا ریتوس ئیلی. تفکر
انتقادی. سال یه‌کم، ژماره‌ی دویه‌م و سییه‌م. ٣٤-٣١
شه‌فیعی، ئەسرین (١٣٩٦). من و به‌رتو. کرماشان: دیباچه.

- ___ (۱۳۹۸). دمرقونک. ئیلام: باشوور.
- شەيخولئسلامى، جەغفەر (۲۰۱۹). ناسنامە، زوان، رەسانەى نوو: لە بووت كوردیەو. هەلگەردانكەر: جەمشید وهیسی. وەرژنامەى ژ. سأل یەكم، شمارەى سییم. ئالمان: مونیخ. ۸۳-۶۵
- شیرزادی، ئلهام (۲۰۱۹). وەرژنامە. وەرژنامەى ژ. سأل یەكم، شمارەى یەكم. ئالمان: مونیخ. 9۹
- ___ (۲۰۱۹). دیوار ئاجوورین. وەرژنامەى ژ. سأل یەكم، شمارەى دویم. ئالمان: مونیخ. ۱۳۰
- فەلاحی، مەسعوود (۲۰۱۹). مآله خراوه. وەرژنامەى ژ. سأل یەكم، شمارەى دویم. ئالمان: مونیخ. ۱۲۷
- قەنبەرى، مەسعوود (۱۳۸۸). گورانییەیل وا. ناشر: نۆسەر.
- ___ (۱۳۹۹). د/رهجەنگە. کرماشان: باشوور.
- ___ (۱۳۹۹). رووباری ک خوەمان لە ناوی خنکانیم. کرماشان: باشوور.
- قەیسەربەییگی، علیە (۱۳۹۹). شیوازناسی پەخشان کوردی خوارک. تفکر انتقادی. سأل یەكم، ژمارەى یەكم. ۲۴-۲۰
- کارینتون، لیونورا (۲۰۱۹). دآلار. هەلگەردانكەر: گلاویژ ئەحمەدی. وەرژنامەى ژ. سأل یەكم، شمارەى یەكم. ئالمان: مونیخ. ۹۸-۹۷
- کافکا، فرانتس (۱۳۸۸). شمشیر. هەلگەردانكەر: سادق سامیری. کرماشان: سەعادت.
- کەرەمى، عەتیە و موسلم زارعی (۲۰۱۹). ناسان زانست زوان ناسی و ژیرلقه گانی. وەرژنامەى ژ. سأل یەكم، شمارەى سییم. ئالمان: مونیخ. ۱۷-۱۰
- گاریسما مارکز، گابریل (۲۰۱۹). بان تا له سەر ئەدهبیات قسە بکهیم. هەلگەردانكەر: مەریەم ئەمینى (سۆما). وەرژنامەى ژ. سأل یەكم، شمارەى یەكم. ئالمان: مونیخ. ۶۹-۶۷
- مەلکی، موحسن (۱۳۹۱). چیرۆکەیل ئیواره. کرماشان: باخ نەى.

مه‌نسووری، عه‌تا (۲۰۱۹). کۆل و کۆلۆر پرتووک (زبان ناقل عتا). وهرزنامه‌ی ژ. سأل
یه‌کم، شماره‌ی یه‌کم. ئالمان: مونیخ. ۷۰-۷۶

مه‌نسووری، عه‌تا (۲۰۱۹). لاجه‌میگ وه‌ چیرووک: نه‌بۆنیگ ک هه‌ر جار سارۆ
ده‌یری‌تره‌و که‌ی. وهرزنامه‌ی ژ. سأل یه‌کم، شماره‌ی دویم. ئالمان: مونیخ.
۱۰۱-۱۰۷

مرادی‌نساری، محهمه‌د (۱۳۹۴). خه‌وله‌رزه. ناشر: نۆسه‌ر.
___ (۱۳۹۶). نیمه‌رووان وه‌فر و ورسی. هه‌لگه‌ردان و هه‌لۆزانیگ له‌ شیعر ئمروو
فارسی. ناشر: نۆسه‌ر.

___ (۱۳۹۸). خه‌قۆزان دووزه‌خ و ده‌روه‌ج. ئیلام: باشوور.
___ (۱۳۹۸). د/خه‌یگ له‌ دل، شیعرێگ له‌ گیرفان. ئیلام: باشوور.
___ (۱۳۹۹). ژژوو خان. ئیلام: باشوور.

محهمه‌دزاده، عه‌باس (۱۳۹۹). ده‌ بان بآل سیمرخ. ئیلام: ژ.
موزه‌فهری، فواد (۲۰۱۹). گه‌چه‌ل نوای پای نۆسه‌ره‌یل کرماشان و ئیلام. وهرزنامه‌ی
ژ. سأل یه‌کم، شماره‌ی یه‌کم. ئالمان: مونیخ. ۷۷-۷۹

مه‌وزوونی، رزا (۱۳۸۹). تاتی. کرماشان: باخ نه‌ی.
___ (۱۳۹۵). ختی متی. کرماشان: دیباچه‌.

ناسری، قوباد (۲۰۱۹). دیالکتیک شێردل. وهرزنامه‌ی ژ. سأل یه‌کم، شماره‌ی یه‌کم.
ئالمان: مونیخ. ۶۱-۶۶

___ (۲۰۱۹). زوان جنسیه‌ت له‌ ئه‌ده‌بیات داستانی. وهرزنامه‌ی ژ. سأل یه‌کم،
شماره‌ی سێیم. ئالمان: مونیخ. ۳۲-۳۶

نه‌به‌ز، جه‌مال (۲۰۱۹). زوان کوردی له‌ سونه‌ت ده‌مه‌کی تا نۆسان. هه‌لگه‌ردانکه‌ر:
هه‌نا ئه‌راهیمی و شه‌ه‌دین کازمی. وهرزنامه‌ی ژ. سأل یه‌کم، شماره‌ی سێیم.
ئالمان: مونیخ. ۱۰۱-۱۱۲

نه‌جه‌فی، ئیحسان (۱۳۹۰). سه‌یرانا و په‌ریی په‌ریانی. ناشر: نۆسه‌ر.
___ (۱۳۹۳). هه‌رمای سان له‌ ژێر پای تو گله‌و نه‌بۆ. نه‌شر: نۆسه‌ر

- ___ (۱۳۹۴). ناو ئىيى كتاوه بگورنن. نه شر: نوسهر
- ___ (۱۳۹۵). سوخمه نازجى. ناشر: نوسهر.
- ___ (۱۳۹۶). سايه رپيل كل. تهران: داستان.
- ___ (۱۳۹۷). باده واننگ له بانياران. تهران: پرتوك.
- نه جه فى، سيامه ك (۱۳۹۹). گرامر كوردى باشوورى (كوردى خوارين). تفكر انتقادى. سال يه كم، ژماره ي يه كم. ۱۰۷-۱۰۴
- ___ (۱۳۹۹). زووان دالگى. تفكر انتقادى. سال يه كم، ژماره ي دويم و سييم. ۹۳-۹۱
- هاته مى، ئه لى (۱۳۸۹). ئيواره ئى تاوسان. كرماشان: باخ نه ئى.
- هادى، كفاح (۲۰۱۰). به عدا گه نترين پايته خت جه هانه وه ديد ناوخوه يى و جه هانى. گول سوو. شماره ي ۷۲. ۹-۸
- هاشمى، فهدروس (۲۰۱۹). زوان جنسيه تى و نه قش ژن له ناو مه سلته ييل كوردى. وهرزنامه ئى ژ. سال يه كم، شماره ئى سييم. ئالمان: مونيخ. ۵۴-۴۹
- ___ (۱۳۹۹). شوناس ناديار خلك زاگروس ئاكام زوان جنسيه ت گه رانه ي شاعره ييل ئيلا مى. تفكر انتقادى. سال يه كم، ژماره ي يه كم. ۱۴-۹
- ___ (۱۳۹۹). ناواسى و ناو ئه لوزانن دانىشتنه گان ئه ده بى، چاپه مه نيگان و ژورنال ه گان كرماشان و ئيلا م. تفكر انتقادى، سال يه كم، ژماره ي دويم و سييم. ۹۰-۸۷
- هدا يه ت، سادق (۲۰۱۹). مادلن. هه لگه ردانكه ر: ديمه ن په روين. وهرزنامه ي ژ. سال يه كم، شماره ي دويم. ئالمان: مونيخ. ۱۲۶-۱۲۵
- هنرى، ئو (۲۰۱۹). خلاتانه ي مه گى. هه لگه ردانكه ر: جه مشيد وه يسى. وهرزنامه ي ژ. سال يه كم، شماره ي دويم. ئالمان: مونيخ. ۱۲۴-۱۲۰
- وه يسى، جه مشيد (۱۳۹۳). باخچه ئى منلان. كرماشان: ماه و آفتاب.
- ___ (۱۳۹۸). خه رنكز و موورير. ئيلا م: باشوور.
- عباده تيان، سه عيد (۱۳۹۲). ساله ييل له كييس چى. ناشر: هه مايش دانش.

_____. (۱۳۹۹). *تهوریشم زامه گان*. کرماشان: دیباچه.

عہباسی، ہمایون (۲۰۱۹). *دیالکتیک دیرووک دابران*. وتووژ وهل عہلی حاتہمی.

وہرزنامہی ژ. سال یہ کم، شمارہی یہ کم. ٹالمان: مونیک. ۴۹-۲۸

عہلizardہ، عہلی ٹہ کبہر (۲۰۱۹). *ٹہ لہون ٹہ سر*. وہرزنامہی ژ. سال یہ کم، شمارہی

دوئیم. ٹالمان: مونیک. ۱۲۸-۱۲۹

عہلizardہ، عہلی (۲۰۱۹). *ٹیسفای دیاردہی دوزوانہیی و باوترین نمٹیکہیل فیرکاری*

دوزوانہ. وہرزنامہی ژ. سال یہ کم، شمارہی سییم. ٹالمان: مونیک. ۴۳-۴۸

- Ager, Dennis. (2001). *Motivation in Language Planning and Language Policy*. Clarendon: Multilingual Matters.
- Chambers, J.K. and Peter Trudgill. (1980). *Dialectology*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Christian, Donna. (1989). *Linguistics*. The Cambridge Survey: Cambridge University Press.
- Fishman, J.A. (1974). "Language Planning and Language Planning Research: The State of the Art". In Fishman, J.A. ed. *Advances in Language Planning*. The Hague: Mouton.
- Garvin, P. (1973). "Some Comments on Language Planning". *Language Planning: Current Issues and Research*. Eds. J. Rubin and R. Shuy, 24-33.
- Haugen, E. (1996). "Linguistics and Language Planning". *Sociolinguistics*. Ed. W. Bright, 50-71.
- Jernudd, B. and J. Das Gupta. (1971). "Towards a Theory of Language Planning". *Can Language Be Planned?* Eds. J. Rubin and B. Jernudd, 195-215.
- Karam, F. (1974). "toward a Definition of Language Planning". *Advances in Language Planning*. Ed. J. Fishman, 103-124.
- Oakes, Leigh. (2001). *Language and National Identity: Comparing France and Sweden*. Amsterdam: John Benjamin.
- Rubin, J. (1971). "Evaluation and Language Planning". *Can Language Be Planned?* Ed. J. Rubin and B. Jernudd, 217-252.
- Tauli, V. (1974). "The Theory of Language Planning. *Advances in Language Planning*. ed. J. Fishman, 49-67.
- Thomas, George. (1991). *Linguistics Purism*. New York. Longman.

- Tollefson, J. W. (1991). 'Language Policy, Power, and Inequality'.
In J. W. Tollefson (ed.) *Planning Language, Planning Inequality*.
London: Longman, pp. 1-8
- Trudgill, P. (1974). *Sociolinguistics: An Introduction*. Middlesex:
Penguin.

